

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاخصه های اخلاق فردی و اجتماعی

خانواده ایده آل

مسجدی

تالیف

حجه الاسلام و المسلمین حسین عندلیب
استاد دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)

به کوشش

کانون تخصصی پژوهش حضرت ولی عصر (عج) قم
با حمایت

معاونت فرهنگی ستاد عالی نظارت بر کانون های فرهنگی مساجد کشور

تشکر و سپاس از سروران ارجمند:

جناب حجه الاسلام والمسلمین ارباب سلیمانی، مشاور محترم وزیر و دبیر ستاد عالی نظارت بر کانون های مساجد کشور

جناب آقای طاهریان، معاون محترم فرهنگی ستاد عالی نظارت بر کانون های مساجد کشور

جناب آقای هاشمی، مسئول امور کتابخانه های ستاد عالی نظارت بر کانون های مساجد کشور

جناب حجه الاسلام والمسلمین روحانی، مدیر مسئول دبیرخانه کانون های مساجد استان قم

جناب حجه الاسلام والمسلمین موسوی، معاون فرهنگی دبیرخانه کانون های مساجد استان قم

سرور ارجمند جناب آقای فیض آبادی، مسئول کمیته نشریات ستاد عالی نظارت بر کانون های مساجد کشور

و همه عزیزانی که با حمایت های خود ما را در به ثمر نشستن این اثر یاری کردند.

**طبق قانون حمایت از حقوق مولفین و مصنفین تمامی حقوق
مادی و معنوی این اثر مخصوص کانون تخصصی پژوهش
حضرت ولی عصر(عج) می باشد**

مرکز پخش نسخه چاپی: 09395529583

فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	فصل اول: کلیات و مفهوم شناسی
.....	فصل دوم: جایگاه خانواده و زندگی مشترک در اسلام
.....	فصل سوم: شاخص های اخلاقی زوجین
.....	فصل چهارم: شاخص های رفتاری
.....	فصل پنجم: اخلاق شهروندی خانواده مسجدی
.....	1. تعریف اخلاق شهروندی
.....	2. ضرورت موضوع برای کشور ما
.....	3. چارچوب های جهانی ساخت اخلاق شهروندی
.....	4. رابطه اخلاق شهروندی و حقوق شهروندی
.....	5. منابع مورد استفاده در ارتقای اخلاق شهروندی
.....	6. تقسیم بندی اخلاق شهروندی
.....	1. اخلاق مردم با مردم
.....	2. اخلاق مردم با مسئولین و مسئولین با مردم
.....	3. اخلاق مردم با محیط پیرامونی
.....	7. نقش مدیریت شهری در ایجاد اخلاق شهروندی (با تاکید بر نقش ویژه شهرداری ها).....
.....	8. نکات مهم و کاربردی در اخلاق شهروندی
.....	فصل ششم: وضعیت خانواده در ایران
.....	فصل هفتم: وضعیت خانواده در غرب
.....	فصل هشتم: مساله استراتژیک جمعیت

مقدمه

یکی از ارکان مهم هر جامعه ای، نهاد «خانواده» است. خانواده برای هر جامعه ای حکم مادر را دارد. اگر مادر سالم باشد هم چیز در خانه در جای خود است و امور خوب پیش می رود. اما اگر مادر، مریض شود، اهل خانه نیز با او مریض می شوند و کارها و امور زندگی مختل می شود. بنابراین اگر خانواده ها سالم باشند طبیعتاً جامعه نیز سالم است زیرا جامعه حقیقت جداگانه و مستقلاً ندارد بلکه مجموعه ای از خانواده ها، جامعه را تشکیل می دهند.

پس اگر بخواهیم جامعه ای سالم داشته باشیم ابتدا باید خانواده ای سالم داشته باشیم. حال این سوال پیش می آید که چگونه خانواده های سالمی داشته باشیم؟ مهمترین راه کار برای داشتن خانواده های سالم، شناخت مهارتهای لازم در هر خانواده است. البته منظور از مهارت، مهارت های اخلاقی و رفتاری است.

بنابراین اولین گام برای ساختن خانواده های سالم، شناخت ویژگی ها و صفات اخلاقی و رفتاری است که دین مبین اسلام بر آنها تاکید کرده است.

ویژگی ها یا به تعبیر دیگر شاخصه های اخلاقی - رفتاری خانواده در دو حوزه «فردی» و «اجتماعی = شهروندی»، در آیات و روایات فراوانی بیان شده است. در حوزه اخلاق فردی بعضی از این شاخصه ها تنها برای مردان و برخی از آنها فقط در مورد زنان و برخی به صورت مشترک برای زوجین توصیه شده است. شناخت این ویژگی ها کمک می کند تا هر یک از زوجین شیوه صحیح برخورد با طرف مقابل را بیاموزد و از همین رهگذر سطح رضایت مندی و آرامش و محبت در کانون خانواده ارتقا پیدا کند.

در حوزه «اخلاق شهروندی» بایسته های اخلاقی، نقش حاکمیت در ایجاد اخلاق شهروندی به ویژه نقش مدیریت شهری و شهرداری ها از منظر آیات، روایات و دانشمندان مسلمان تبیین شده است. که این مهم نیز به نوبه خود می تواند بخش دوم از پروژه کلان مدنظر یعنی سیستم اخلاقی خانواده مسجیدی را سامان دهد.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش ترسیم الگوی اخلاقی «خانواده مسجیدی» در دو حوزه اخلاق فردی و شهروندی است.

برای دستیابی به این هدف به بررسی و تحقیق درباره این مساله پرداخته و با خوشه چینی از آیات دُرربار قرآن کریم و کلمات گوهریار اهل بیت(ع) و آثار ارزشمند دانشمندان اسلامی پژوهش خود را در قالب

8 فصل تقدیم می داریم.

فصل اول این نوشتار به بیان مباحث مقدماتی که عبارت است از تبیین مساله، ضرورت و روش تحقیق، بیان سوال اصلی و ... می پردازد و در گفتار دوم از فصل اول در مورد واژگان و مفاهیم کلیدی توضیحاتی ارائه شده است.

در فصل دوم ابتدا به بررسی ماهیت خانواده پرداخته ایم. سپس به اهمیت نهاد خانواده از دیدگاه اسلام پرداخته و بعد از آن معیارهای تشخیص خانواده را از منظر دین بررسی کرده ایم. تبیین جایگاه و نقش محوری زن در خانواده نیز از دیگر مباحث فصل دوم است و آخرین گفتار این فصل را به کارکردهای خانواده که در سه محور خلاصه می شود، اختصاص داده ایم.

فصل سوم این نوشتار به بررسی شاخصه های اخلاقی می پردازد. در گفتار اول از این فصل به وظایف اخلاقی مشترک زن و مرد پرداخته ایم. در گفتار دوم به وظایف اخلاقی ویژه زن و در گفتار سوم به وظایف اخلاقی ویژه مرد پرداخته ایم.

در فصل چهارم به بیان شاخصه های رفتاری زوجین پرداخته ایم. گفتار اول این فصل را به وظایف رفتاری مشترک زوجین اختصاص داده ایم. در گفتار دوم به بررسی وظایف رفتاری زن پرداخته و در گفتار سوم به بیان وظایف رفتاری مرد پرداخته ایم.

فصل پنجم به تبیین شاخص های «اخلاق شهروندی» خانواده مسجدی می پردازد و ضمن تبیین اصول اخلاق شهروندی به نقش حاکمیت و دستگاه های دولتی (به ویژه شهرداری ها) در زمینه سازی و ایجاد اخلاق شهروندی می پردازد.

فصل ششم به بررسی جایگاه نهاد خانواده در غرب می پردازد. در این فصل ابتدا به بررسی ماهیت خانواده در غرب پرداخته ایم. سپس در گفتار دوم به جایگاه زن در خانواده غربی پرداخته و گفتار سوم را به لیبرالیسم جنسی و بحران کودکان غربی اختصاص داده ایم. گفتار چهارم به بررسی پی آمدهای اجتماعی فرهنگی خانواده غربی پرداخته است و آخرین گفتار به بررسی نفوذ و تاثیر اندیشه غربی در کشورهای مسلمان اختصاص دارد.

فصل هفتم به بررسی وضعیت خانواده در ایران و آسیب شناسی آن می پردازد و راهکارهای را برای ارتقای سطح فرهنگ خانواده ایرانی ارائه می نماید.

فصل هشتم به بررسی مساله استراتژیک جمعیت می پردازد. در این فصل ضمن ارائه آمار و گزارشی های نهادهای رسمی بین المللی درباره خطر کاهش جمعیت در ایران، اثرات مخرب ناشی از کمبود جمعیت تبیین و راهکارهای افزایش جمعیت مطرح می گردد.

در پایان بر خود لازم می دانم از همه سروران که در به ثمر نشستن این اثر ما را یاری فرمودند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

امید است که بدین وسیله توانسته باشیم گامی هر چه اندک در مسیر معرفی و تبیین شاخصه های اخلاقی- رفتاری خانواده مسجدی برداشته و از این رهگذر زندگی های پرشور تر و صمیمی تری را رقم زده باشیم. **حسین عدلیب**

زمستان 1394

فصل اول: کلیات و مفهوم شناسی

گفتار اول: مباحث مقدماتی

تعریف مسئله و بیان سؤال اصلی تحقیق: با پیشرفت تکنولوژی و صنعتی شدن جوامع طیف زیادی از خانواده ها در تکاپوی تامین زندگی مجلل و با امکانات بیشتر هستند و رفاه طلبی و تجمل گرایی یکی از آفت های زندگی امروز شده است. در مقابل این پیشرفت های مادی متاسفانه جایگاه اخلاق و ارزش های اخلاقی در خانواده کم رنگ شده و همین مهم سبب پیدایش و بروز اختلافات و مشاجرات بین زوجین و همچنین بین خانواده ها با یکدیگر شده است. در اکثر موارد بد اخلاقی ها و برخوردهای نا صحیح از طرف زوجین به خاطر عدم شناخت کافی نسبت به معیارهای اخلاقی است. از همین روی ضروری است برای احیای جایگاه اخلاق و ارزش های آن شاخصه های اخلاقی - رفتاری زوجین در دو حوزه فردی و شهروندی را از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی تبیین نموده تا از این رهگذر و با به کار بستن این دستورات شاهد رشد اخلاقی زوجین با یکدیگر، با اقوام، بستگان و همسایگان و سایر شهروندان باشیم. بنابر این سوال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه: «**شاخصه های اخلاقی - رفتاری فردی و شهروندی زوجین از دیدگاه قرآن و سنت کدامند؟**»

اهمیت و ضرورت تحقیق: طبق تحقیقات انجام شده و برخی آمارها بخشی از مشاجرات و نزاع های زوجین که حتی در مواردی منجر به طلاق می شود ناشی از بداخلاقی و زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی توسط زوجین است. از آنجایی حفظ و حراست از نهاد مقدس خانواده از وظایف ذاتی هر انسانی است بررسی و ارائه معیارهای اخلاقی از دو منبع ارزشمند قرآن و سنت می تواند گامی مهمی در این راستا باشد.

در حوزه اخلاق شهروندی نیز متاسفانه عدم آشنایی زوجین با اصول اخلاق شهروندی و رعایت حقوق دیگر شهروندان باعث بروز نزاع ها و درگیری ها و بداخلاقی های اجتماعی شده است. از همین روی تبیین اصول اخلاق شهروندی می تواند بخش عظیمی از بداخلاقی های اجتماعی را مرتفع نماید و سنت حسنه اخلاق اسلامی را در جامعه به نمایش بگذارد و الگویی مناسب برای عرضه به دیگر کشورها باشد.

پیشینه تحقیق: با جستجو در منابع مکتوب و دیجیتال شاهد ارائه آثار مختلفی از سوی پژوهشگران در این زمینه هستیم. در این نوشتار با بهره گیری از این منابع و اضافه نمودن شاخص های دیگر که از دید برخی نویسندگان مخفی مانده است و همچنین ارائه دسته بندی جدید، پژوهشی نو را تقدیم نموده ایم.

روش تحقیق: روش ما در این تحقیق عمدتاً به صورت کتابخانه ای است. به این نحو که ابتدا با مطالعه دقیق قرآن کریم، آیات اخلاقی را استخراج نموده و سپس با مراجعه به تفاسیر معتبر، به تبیین و تفسیر آنها می پردازیم. سپس با مراجعه به کتب روایی شاخص های اخلاقی- رفتاری را از دیدگاه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) استخراج نموده و به تحلیل و توضیح پیرامون آنها می پردازیم. در نهایت حاصل این تحقیقات را با نظمی منطقی و در قالب چند فصل ارائه می دهیم.

سوالات تحقیق: سوال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه: «شاخصه های اخلاقی- رفتاری زوجین از دیدگاه قرآن و سنت کدامند؟».

سوالات فرعی این تحقیق نیز عبارتند از:

- 1- ماهیت خانواده چیست و از دیدگاه اسلام چه جایگاهی دارد؟
- 2- معیارهای تشکیل خانواده از نگاه دین چه چیزهایی است؟
- 3- «زن» در نهاد خانواده از چه جایگاهی برخوردار است؟
- 4- خانواده ای خوب چه کارکردهای دارد؟
- 5- شاخص های اخلاق شهروندی زوجین کدامند؟
- 6- نقش و جایگاه دستگاه های دولتی به ویژه شهرداری ها در زمینه سازی و ایجاد اخلاق شهروندی چیست؟
- 7- ماهیت خانواده در غرب چگونه است؟
- 8- جایگاه زن در اندیشه غربی به چه میزانی است؟
- 9- تبعات و پی آمدهای خانواده ی غربی کدامند؟
- 10- وضعیت خانواده در ایران چگونه است؟
- 11- مساله جمعیت و تبعات مثبت و منفی آن در جامعه کنونی ایران در چه سطحی قرار دارد؟

گفتار دوم: مفهوم شناسی

خانواده: لغت شناسان معنای مختلفی برای خانواده بیان کرده اند. در فرهنگ فارسی معین 4 معنا را برای خانواده بیان می کند: «1- اهل خانه ، اهل البیت . 2- مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می کنند. 3- مجموعه خویشاوندان ، خاندان . 4- تیره ، خاندان.»¹ عمید نیز در فرهنگ خود سه معنا را برای خانواده می آورد: «1- کوچکترین واحد اجتماعی که شامل پدر، مادر، و فرزندان آنها است. 2- (زیست‌شناسی) تیره. 3- خاندان؛ دودمان؛ فامیل.»² تعریف اصطلاحی واژه خانواده که بیشتر از سوی جامعه شناسان ارائه شده است نیز با تعریف لغوی آن مرتبط است. جامعه شناسان 5 تعریف را برای خانواده بیان کرده اند که عبارتند از:

- «خانواده، واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می آید.»
- «خانواده از گروهی از اشخاص تشکیل می شود که روابطشان با یکدیگر بر پایه خویشاوندی هم خونی استوار است.»
- «خانواده، گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص که به تولید مثل و پرورش فرزندان منتهی می شود.»
- «خانواده، گروهی اجتماعی است با اقامتگاه مشترک، همکاری اقتصادی و تولید مثل.»
- «خانواده به گروهی از اشخاص گفته می شود که به واسطه روابط زناشویی، خونی یا فرزند خواندگی با یکدیگر اتحاد یافته اند و یک خانوار واحد را به وجود آورده اند؛ در قالب نقش های اجتماعی خاص شوهر و زن، پدر و مادر، برادر و خواهر با یکدیگر کنش و ارتباط متقابل دارند و {خرده} فرهنگ مشترکی را ایجاد می کنند.»³

بر اساس این تعاریف خانواده یک نهاد اجتماعی است که متشکل از حداقل دو نفر یعنی زوجین است. البته در بعضی موارد اعضای خانواده مثل دختر و مادر یا پسر و پدر یا دو برادر یا دو خواهر و ... با هم زندگی می کنند.

¹- معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه خانواده.

²- عمید، فرهنگ فارسی، ذیل واژه خانواده.

³- بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 53-54.

اگرچه بر این خانواده ها نیز اطلاق واژه خانواده می شود. ولی خانواده کامل حداقل دارای پدر و مادر است. در بحث ما هم محور بحث بر خانواده کامل که حداقل متشکل از زوجین است می باشد.

اسلام: این واژه نیز معروف است و نیازی به توضیح ندارد. اسلام دینی است که توسط حضرت محمد بن عبدالله (ع) آورده شد. و آخرین، کاملترین و جامع ترین دین است. منظور ما در این نوشتار از اسلام، آیات قرآن کریم، سخنان پیامبر اکرم (ص) و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است.

غرب: این واژه طبق آنچه دهخدا می گوید «در زمان قدیم به قسمت جنوب غربی اسپانیا و مخصوصاً به پرتقال جنوبی اطلاق می شد و پس از انقراض امویین ملوک الطوائفی شد.»^۴ و بعد ها به «سرزمین های واقع در غرب (اعم از اروپا آمریکا).»^۵ اطلاق شد. در این نوشتار منظور ما از غرب، ممالک و حیثیت جغرافیایی آنها نیست. بلکه منظور فرهنگ و آداب و رسوم است که در بین مردمان آن منطقه رایج است و در زبان ها به «فرهنگ غربی» معروف است.

شاخصه های اخلاقی: این واژه از دو واژه «شاخصه ها» و «اخلاقی» تشکیل شده است. واژه ی شاخصه ها جمع شاخصه است و شاخصه یعنی «علامت، ممیزه، نمودار».^۶ منظور از شاخصه ها یعنی ممیزات و معیارهایی که آن موضوع را از دیگر موضوعات مشابه جدا می کند. منظور از اخلاقی هم مشخص است یعنی آنچه که در حوزه اخلاق مطرح می شود. پس منظور از شاخصه های اخلاقی یعنی ممیزات و معیارهایی که در حوزه اخلاق مطرح می شود.

شاخصه های رفتاری: این واژه نیز از دو واژه ی «شاخصه ها» و «رفتاری» تشکیل شده است. معنی واژه شاخصه ها که مشخص شد که به معنای ممیزات و معیارهاست. اما واژه «رفتار» عبارت است از: «سلوک، اقدام، حرکت، سیره، صفت، عمل، فعل، کردار، کنش»^۷ از دیدگاه روان شناسان نیز به «همه کنش ها و واکنش های یک اندامگان

^۴ - دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه غرب.

^۵ - معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه غرب.

^۶ - فرهنگ واژگان مترداف و متضاد، ذیل واژه شاخصه.

^۷ - همان، ذیل واژه رفتار.

در پاسخ به محرک‌های خارجی و داخلی^۸ رفتار گفته می‌شود. پس در واقع رفتار، مجموعه‌ای از برخوردها، عمل‌ها و عکس‌العمل‌هاست که در شرایط مختلف از انسان سر می‌زند. منظور ما از شاخصه‌های رفتاری نیز همین است. یعنی معیارهایی که شخص باید در مواقع مختلف و از حیث بیرونی آن‌ها را رعایت کند.

اخلاق فردی؛ اخلاق اجتماعی: رابطه انسان برحسب طرف رابطه، به چندگونه شکل می‌گیرد: رابطه با خالق و رابطه با مخلوق. رابطه با مخلوق نیز یا با خود است و یا با دیگری، و آن دیگری نیز یا انسان است و یا موجودی غیر بشری. بر این اساس، علم اخلاق مشتمل بر حوزه‌های مختلفی خواهد بود؛ مانند اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست‌محیطی.

مراد از اخلاق بندگی، هنجارها و ناهنجاری‌ها؛ مانند ایمان، خوف، توکل، کفر، سرکشی و بی‌اعتمادی به خدا است که به رابطه انسان و خدا مربوط می‌شود.

اخلاق فردی نیز ارزش‌های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان‌ها است که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد؛ مانند فضیلت‌های صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت نفس، و رذیلت‌های پُرخوری، شتاب‌زدگی و سبک‌مغزی. مراد از اخلاق اجتماعی؛ ارزش‌ها و ضدارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌ها می‌باشد؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان، حسد و تکبر.

اخلاق زیست‌محیطی نیز احکام ارزشی حاکم بر مناسبات انسان با طبیعت (گیاهان، حیوانات، مراتع، جنگل‌ها و آب‌ها) را بیان می‌کند.^۹

در تفاوت میان اخلاق فردی و اجتماعی باید گفت؛ نمی‌توان انکار کرد که اخلاق فردی نیز تأثیر غیر مستقیم بر مسائل اجتماعی دارد.^{۱۰} ولی در زندگی اجتماعی؛ قوانین، مقررات و آداب خاصی، ضرورت می‌یابد که بسیاری از آنها در زندگی فردی مطرح نمی‌شود؛ لذا اسلام -به عنوان دین خاتم- کامل‌ترین و عالی‌ترین برنامه زندگی را در هر دو بعد فردی و اجتماعی به ارمغان آورده و عمل بدان به طور قطع سعادت فرد و اجتماع را تأمین می‌کند.

^۸- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ذیل واژه رفتار.

^۹- ر.ک: علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، ص 22-23؛ الهامی نیا، علی اصغر، سیره اخلاقی معصومین، بخش اخلاق فردی، ص 15 و بخش اخلاق اجتماعی، ص 115.

^{۱۰}- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج 1، ص 77.

اخلاق شهروندی: اخلاق شهروندی در واقع یکی از زیر مجموعه های «اخلاق اجتماعی» است. اخلاق شهروندی را می توان مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در شهرها به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و به توسعه پایدار کمک کند .

فصل دوم: جایگاه خانواده و زندگی مشترک در اسلام

گفتار اول: ماهیت خانواده و زندگی مشترک

«خانواده»، گروه کوچکی است که حد فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است. صاحب نظران تعریفهای متعددی برای خانواده ارائه کرده اند، ولی هر تعریف به بعدی از خانواده توجه داشته است؛ از این رو شاید مناسب تر باشد که خانواده را با توجه به ویژگی های اساسی آن تعریف کنیم:

الف- از عمومی ترین سازمان های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و دست کم یک زن شکل می گیرد.

ب- در آن، مناسبات خونی یا اسناد یافته (پذیرش فرزند) به چشم می خورد.

ج- معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است.

د- معمولاً کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی، جز اینها را بر عهده دارد.¹¹

خانواده همچون آینه ای عناصر اصلی جامع را در بردارد و انعکاسی از نابسامانی های اجتماعی است. در عین حال، تاثیر پذیری شدیدی از جامعه دارد و می توان گفت: «جامعه سالم فقط در پرتو خانواده سالم ممکن است».¹²

بر اساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه ای است از افراد با رابطه های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدینی- فرزندی و خواهر و برادری). این افراد نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند. بر اساس این تعریف، از نظر تعالیم اسلام خانواده شامل خانواده های هسته

¹¹ - سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ص 12-13.

¹² - همان، به نقل از: ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، ص 136.

ای و گسترده می شود. با وجود این، با توجه به میزان مسئولیت ها و حقوق اقتصادی، اجتماعی و رفتاری اعضای خانواده نسبت به هم، سه مرتبه خانواده در اسلام دیده می شود:

- خانواده در مرتبه اول: زن و شوهر و فرزندان بدون واسطه؛
- خانواده در مرتبه دوم: زن و شوهر، فرزندان، والدین زن یا شوهر (اجداد و فرزندان)؛
- خانواده در مرتبه سوم: زن و شوهر، فرزندان به علاوه والدین زن یا شوهر و دایی، خاله، عمو و عمه فرزندان.

بیشتر آیات قرآن کریم که به روابط اعضای خانواده مربوط می شود، به مسائل خانواده مرتبه اول پرداخته^{۱۳} و آیات کمتری به خانواده مرتبه دوم^{۱۴} و آیات محدودی به مسائل خانواده در مرتبه سوم پرداخته است.^{۱۵}

گفتار دوم: اهمیت خانواده

با نگاهی به آیات و روایات اسلامی، اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده مشخص می شود. در اینجا به ذکر آیات و روایاتی که پیرامون تشکیل خانواده و ازدواج آمده است اشاره می کنیم.

آیات:

1- در رابطه با ازدواج و اینکه نگذارید زنی بی شوهر و مردی بی زن بماند، خداوند چنین می فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^{۱۶} [مردان و زنان] بی همسرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست.»

2- همسر را مایه تسکین و آرامش مرد و زندگی محبت آمیز زن و مرد را «رحمت» معرفی نموده است، چنانکه فرمود: « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ

¹³ - مانند: بقره، 102، 187، 228، 229، 231، 222، 223؛ آل عمران، 14؛ نساء، 3، 34، 35، 128، 129 و 21؛ نور، 32؛ روم، 21؛ مجادله، 1-4؛ تحریم،

1-5؛ تغابن، 14؛ فرقان، 74.

¹⁴ - اسراء، 23 و 24؛ یوسف، 12، 8، 92، 100؛ بقره، 132.

¹⁵ - نساء، 1؛ انفال، 75؛ احزاب، 50؛ نور، 24.

¹⁶ - سوره نور، آیه 32.

لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{۱۷} و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند.»

3- در آیه ای دیگر دستور ازدواج با زنان پاک و نیکو را داده و حتی در صورت عدالت، اجازه ازدواج با چهار زن را داده است: «...فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكََ أَذْنَى أَلَّا تَعُولُوا^{۱۸}... بنابراین از [دیگر] زنانی که شما را خوش آید دو دو و سه سه و چهار به همسری بگیرید. پس اگر می‌ترسید که با آنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن یا به کنیزانی که مالک شده‌اید [اکتفا کنید]؛ این [اکتفای به یک همسر عقدی] به اینکه ستم نورزید و از راه عدالت منحرف نشوید، نزدیک‌تر است.»

4- در آیه ای دیگر، مرد را لباس برای زن و زن را لباس برای مرد معرفی می‌کند. در واقع با این تشبیه به اهمیت ازدواج اشاره شده که با ازدواج عیوب هر یک از زوجین پوشیده می‌شود و خانواده حکم «لباس» را برای انسان دارد که هم ضروری و هم مفید است: «...هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ^{۱۹}؛ آنان برای شما لباس اند و شما برای آنان لباس اید.»

روایات:

در روایات اسلامی، سخنان و کلمات فراوانی در ارزش، اهمیت و جایگاه خانواده مطرح شده است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

1- امام باقر(ع) فرمود: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ^{۲۰}؛ هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج در نزد خدا نیست.»

2- امیرالمومنین علی(ع) فرمود: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ص - فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجِ^{۲۱}؛ ازدواج کنید که ازدواج سنت رسول خدا(ص) است همانا رسول خدا(ص)

¹⁷ - سوره روم، آیه 21.

¹⁸ - سوره نساء، آیه 3.

¹⁹ - سوره بقره، آیه 187.

²⁰ - مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 100، ص 222.

²¹ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج 20، ص 15.

بارها فرمود: هر کس می خواهد از سنت من پیروی کند ازدواج نماید زیرا ازدواج کردن از سنت من است.»

3- امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اسلام(ص) فرمود: « مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ؛^{۲۲} هر کس ازدواج کرد نصف دینش را حفظ نمود.»

4- امام صادق(ع) فرمود: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيَهَا أَعْرَبُ؛^{۲۳} دو رکعت نماز شخص متأهل برتر از هفتاد رکعت نماز عصب است.»

گفتار سوم: معیارهای تشکیل خانواده

اسلام برای انتخاب همسر معیارها و ضوابطی را معین کرده است که زن و مرد در انتخاب همسر و تشکیل خانواده باید آن معیارها را مراعات نمایند. در اینجا به ترتیب اولویت به بعضی از آنها اشاره می کنیم.^{۲۴}

1- ایمان و اعتقاد (کفو بودن)

همسر را باید در چهار چوب عقائد او نسبت به مذهب و دین انتخاب کرد تا سنخیت و تجانس و امکان جذب و جلب وجود داشته باشد، مقصود از کفو بودن زوجین، هم سطح بودن در مسائل اقتصادی نیست بلکه مقصود امور اعتقادی و دینی است و گرنه شخص همین که بتواند مخارج زن و فرزندانش را پردازد و از لحاظ دینی هم عقیده و هم دین باشند، هم کفو محسوب می شوند. امام صادق(ع) در این باره فرمود: «الْكُفُو أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ؛^{۲۵} شرط کفو بودن {همسر} این است که عقیف باشد و بتواند مخارج اهلش را پردازد.»

2- اصالت خانوادگی

مقصود از اصالت خانوادگی، امور معنوی و قداست باطنی است. معیار اصالت خانواده، تقوی و دین و تقدم در اسلام و دوری از پلیدی ها و پستی ها و ذنابل اخلاقی و بد نامی در جامعه است. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُفُوٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَصْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السَّوَةِ؛^{۲۶} ای مردم! از گلهای زیبایی که در مزبله و لجن زارها روئیده است پرهیزید. گفته شد: یا رسول الله مقصود از

²² - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 329.

²³ - همان، ص 328.

²⁴ - برگرفته از: طاهری، حبیب الله، سیری در مسائل خانواده، ص 49-56. (با تلخیص).

²⁵ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 347.

²⁶ - همان، ص 332.

گل‌های مزبله و لجن زار چیست؟ فرمود: زن زیبایی که از خاندان بد و پلید به وجود آمده باشد. (دختران زیبا در خانواده های بی دین.)»

3- حُسن اخلاق

به هنگام ازدواج باید به اخلاق فردی که می خواهید عمری را با او زندگی کنید، توجه نمایید و با کسانی پیمان زناشویی ببندید، که بتوانید با او زندگی کنید. ازدواج با افراد فاسد الاخلاق، معتاد، شراب خوار، بد رفتار، بد دهن و بالاخره سست مذهب، شیرینی زندگی را به تلخی و روز به روز به تاریکی می کشاند. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرَضَّوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَّوْجُوهُ»^{۲۷} وقتی برای ازدواج فرزندانان آمده اند، اگر از خُلق و دین آنان راضی هستید با آنان وصلت نمائید.»

4- سلامت جسم و توافق در سن

عدم سلامت بدن موجب تحریم یا بطلان ازدواج نیست، اما در تداوم زندگی مشترک تاثیر منفی دارد. و همین طور از لحاظ سن، شرط سنی در اسلام مطرح نیست. اما باید سن زوجین تفاوت فاحش نداشته باشد زیرا تجربه نشان داده که بسیاری از درگیری ها و اختلافات از همین امر ناشی می شود.

5- سلامت فکر و روان

سلامت اندیشه موجب سلامت در رفتار و رعایت اعتدال در برخوردها است. زندگی مسالمت آمیز تابع بلوغ عقلی است و نادیده گرفتن آن در حقیقت تن دادن به یک خطر است. زیرا روابط انسانی زوجین، تابع شرائط نفسانی و روانی است، عقده ای ها، بد بین ها، کینه توزها و... نمی توانند بنایی محکم برای خانواده پی ریزی کنند.

6- دیگر معیارها و شرایط

معیارهای دیگری نیز از لابه لای آیات و روایات اسلامی فهمیده می شود که باید علاوه بر معیارهای پیش گفته مراعات گردد و ما فهرست وار به آنها اشاره می کنیم.

²⁷- همان، ص 347.

دوشیزگی همسر، جنبه نسل پروری و زیبایی او، پاکدامنی و عفت، درستکاری، هزینه کردن درست و بجا، نگهبانی از عرض و مال، میل به استقبال از همسر و مشایعت او در آمد و شد، همراهی و کمک به همسر و...^{۲۸}

گفتار چهارم: نقش محوری زن در خانواده

حضور زن در محیط خانواده یک حضور موثر و محوری است. البته این سخن به آن معنا نیست که نقش مرد در خانواده کم رنگ باشد، بلکه از آنجایی معمولاً مادران ساعات بیشتری را در خانه هستند و با فرزندان معاشرت دارند و هم فرزندان با مادران بیشتر درد و دل می کنند و از سوی دیگر مردان با اعتماد به همسران خود خانه و کاشانه را رها کرده و به سراغ تامین معاش می روند و... همگی بر حضور موثر، فعال و اثر گذار زن در کانون خانواده دلالت می کند.

بارها این جمله را از مردها شنیده ایم که اگر یک روز زن در خانه نباشد هم چیز به هم می ریزد و اعصاب اهل خانه آشفته می شود. این بدان جهت نیست که مادران با فداکاری و ایثار به امور خانه رسیدگی می کنند بلکه در حقیقت زن در خانه، نقش یک امید محکم و یک امانت دار امین را دارد که با وجود او امور به خوبی سپری می شود.

مهمترین نقش زنان در خانواده را می توان در سه مهم عنوان خلاصه کرد:^{۲۹}

1- فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی

اگر زن {به خوبی ایفای نقش کند و} در این امر موفق باشد می تواند جامعه انسانی سالم، دارای اعتماد به نفس، امیدوار به آینده و مصمم را بنا نهد. در غیر اینصورت، جامعه به لحاظ عاطفی ناپایدار و به لحاظ معنوی متزلزل خواهد بود و زمینه ی گسترش تبه کاری و رخوت و کاهلی در آن فراهم می شود و به تدریج ویژگی های خلاق خود را از کف می نهد. یک همسر خوب و یک مادر خوب، قوام زندگی خوب را تشکیل می دهد و این به نوبه ی خود قوام و دوام جامعه خوب را (آنچنان که متون اسلامی نیز بر آن تاکید دارند) تضمین می کند.

2- فراهم آوردن فضای مناسب برای تربیت نسل فعال و کار آمد

²⁸ - ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ابواب مقدمات نکاح.

²⁹ - برگرفته از: تسخیری، محمد علی، حقوق و مسئولیت های زن در اسلام، ج 1، صص 44-45.

انسان خوب، محور توسعه است. چنین انسانی نیازمند روند تربیتی- پرورشی مداومی است که نیروهای سازنده او را به منصفی ظهور برساند و توان درونی اش را عیان کند، این مهم نیز خود به خود صورت نمی گیرد بلکه نیازمند روند تربیتی و فضای پرورشی مناسبی است.

تردیدی نیست که زن، مهم ترین تاثیر را در پرورش عناصر انسانی دارد و آن چنان که می گویند در فراسوی هر مرد بزرگی، زن بزرگی قرار دارد و چه بسیارند بزرگ زنانی که در تاریخ پرفراز و نشیب ما حضور داشته اند.

3- فراهم آوردن فضای عاطفی گرم برای گذر از دشواری ها و ایجاد توسعه اجتماعی

فراهم آوردن فضای شور انگیز عاطفی با استفاده از استعداد های طبیعی زن در برآوردن این نیاز ضروری انسان از یک سو و ایجاد حالت های عاطفی مورد نیاز برای گذر از دشواری ها و موانع ایجاد توسعه اجتماعی پایدار از سوی دیگر دلالت بر نقش مهم زن در خانواده دارد.

جامعه ای که فاقد چنین محیط یا فضای عاطفی و گرم باشد، جامعه ای خاموش و محیط مرده ای است که به رغم پیشرفت احتمالی در برخی عرصه های مادی، فاقد جلای انسانی مطلوب و در نتیجه ناتوان از ایجاد توسعه متعادل خواهد بود.

به همین دلیل، آشکار روشن می شود که زن در فراهم آوردن محیط پاک خانوادگی، نقش به سزایی دارد و خانواده و سازمان آن به همان مفهوم سنتی که نزد همه ی جوامع و ادیان، شناخته شده است، سنگ بنای روند توسعه به شمار می رود.

همچنین روشن می گردد که هر ضربه ای به نقش زن در ساختار خانوادگی پیش گفته و هر گونه کم توجهی و کاستن از اهمیت حلقه مقدس خانوادگی یا کوشش در جهت طرح مفاهیم جدید و ادعای مصداق های به اصطلاح امروزی برای آن و تضعیف پیوندهای خانوادگی یا ایجاد جایگزین های ادعایی و... همه و همه این تلاش و کوشش ها پیامدهای منفی فاجعه آمیزی بر آینده تمامی بشریت بر جای می گذارد و پویایی توسعه آمیز و مطلوب را از آن سلب می کند و حتی می توان گفت توطئه ای آشکار علیه تمامی بشریت- هر چند با پوشش خدمت بین المللی به توسعه- به شمار می رود.

گفتار پنجم: کارکردهای خانواده

کارکردهای نهاد مهم خانواده را می توان در سه عنوان کلی خلاصه کرد:

1- کارکردهای زیستی - اجتماعی خانواده

2- کارکردهای حمایتی خانواده

3- کارکردهای تربیتی و کنترلی خانواده.

1- کارکردهای زیستی - اجتماعی خانواده

الف) تنظیم رفتار جنسی

انسان ها مانند دیگر گونه های جانوری، از یک میل جنسی نیرومند برخوردارند که برای ارضای آن به طور طبیعی به سوی جنس مخالف کشیده می شوند؛ اما انسان همواره از راه ازدواج به روابط جنسی خود نظم و قاعده بخشیده است. بر این اساس جامعه شناسان تنظیم رفتار جنسی را یکی از کارکردهای اساسی خانواده قلمداد کرده اند.³⁰

اسلام نیز با نظم بخشی به نهاد خانواده و تدوین مقررات و اصول آن نه تنها رفتار جنسی بشر را تنظیم کرده است بلکه به وضوح از تفاوت های امیال جنسی زن و مرد سخن گفته است تا بدین وسیله و با شناخت این تفاوت ها، رفتار جنسی زوجین نیز تنظیم گردد.

«از روایات اسلامی استفاده می شود که سائق جنسی مرد از حیث کمی، برتر و سائق جنسی زن از حیث کیفی، برتر و قوی تر است. همچنین، بردباری جنسی زن بیش از مرد و سطح تحریک پذیری جنسی زن و مرد نیز متفاوت است.³¹ بر پایه این تفاوت ها، فقه اسلامی در زمینه ارضای نیاز جنسی پاره ای از حقوق و تکالیف متفاوت را برای زن و مرد مقرر کرده است. با این حال اسلام بر تامین نیاز جنسی زن در چارچوب خانواده، به طور خاص تاکید کرده و از طریق مجموعه ای از مقررات حقوقی و دستورهای وجوبی و استحبابی به شوهران،³² زمینه ایفای کارکرد یاد شده را در مورد زنان فراهم ساخته است. همین توجه ویژه اسلام به نیاز جنسی زنان، باعث شده که نوال السعداوی - فمینیست سرشناس غرب - اعتراف کند: «محمد(ص) از جهت درک مسائل جنسی بر بیشتر مردان عصر

³⁰ - بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 101.

³¹ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 40-42، ج 15، ص 452؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 3، ص 62.

³² - ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 82-83 و 100.

جدید برتری دارد و نیز از جهت توانایی و شهامت اعتراف به اموری که بیشتر مردان فرهیخته عرب به آنها اعتراف نکرده یا از اعتراف به آنها احساس مشقت کرده اند، که موضوع مداعبه های جنسی از جمله این امور است.»^{۳۳} «^{۳۴}

ب) تولید مثل

«متون دینی ارزش گذاری کاملاً مثبتی درباره تولید مثل و تکثیر نسل دارند؛ برای نمونه، بر طبق حدیث معروفی که از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده، ایشان تعداد هرچه بیشتر امت مسلمان را مایه افتخار خود به دیگر امت ها در روز رستاخیز معرفی کرده اند.^{۳۵} تولید مثل گذشته از اهمیتی که از نظر بقای نسل انسانی دارد، دارای آثار اجتماعی مهم دیگری از جمله مشروعیت بخشی به فرزندان و تعیین پایگاه اجتماعی آنان نیز هست. مشروعیت بخشی به فرزندان و به تعبیر دیگر، تامین پدر شرعی برای آنان، خود آثار اجتماعی دیگری مانند انتقال منظم ارث و تداوم نظام خویشاوندی در پی دارد.»^{۳۶}

ج) مراقبت از فرزندان و سالمندان

یکی از کارکردهای زیستی - اجتماعی خانواده، مراقبت از فرزندان و سالمندان است. آیات و روایات اسلامی به خوبی گواه بر این مطلب است. مثلاً «اسلام بر وجوب شیر دادن مادر به فرزند شیر خوار در مواردی که زندگی او به شیر مادر بستگی دارد، تاکید کرده است.^{۳۷} از این گذشته، از توصیه های دینی مربوط به شیر دهی استفاده می شود که اسلام برای شیر دهی به نوزادان به وسیله مادران طبیعی و همچنین برای شیر دهی کامل آن میان 21 تا 24 ماه تعیین شده، اولویت قائل است.^{۳۸} در همین راستا شیر مادر برتر از دیگر شیرها تلقی شده است؛ از جمله در روایتی از امام جعفر صادق (ع) می خوانیم: «برای کودک هیچ شیری با برکت تر از شیر مادرش نیست.»^{۳۹}

³³ - بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 103. به نقل از: افرار، «صوره المراه فی الكتابات العربیه المعاصره»، بولتن مرجع: فمینیسم، ص 177.

³⁴ - همان، ص 103.

³⁵ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 3.

³⁶ - برگرفته از: بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 106 و 107 (با تلخیص)

³⁷ - فیض کاشانی، التفسیر الصافی، ج 1، ص 261.

³⁸ - رک: بقره، 233؛ لقمان، 14؛ احقاف، 15.

³⁹ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 175.

در مورد سالمندان نیز اسلام از یک سو، بر لزوم احسان به والدین و خود داری از هر رفتار یا سخنی که باعث رنجش آنان گردد، تاکید کرده است. در حدیثی آمده است: «شخصی به امام صادق (ع) عرضه داشت: پدرم بسیار سالخورده و ناتوان گشته و از این رو در هنگام قضای حاجت، او را بر دوش خود حمل می کنیم. حضرت فرمود: اگر می توانی، این وظیفه را خود به عهده بگیر و با دست خودت در دهانش لقمه بگذار؛ زیرا در روز واپسین سپری برای تو در برابر عذاب الهی خواهد بود.»^{۴۰}،^{۴۱}.

2- کارکردهای حمایتی خانواده

الف) حمایت معنوی

اولیای دین در راستای گسترش فرهنگ دینی در جامعه، عنایت ویژه ای نسبت به این کارکرد داشته اند. در برخی روایات به این نکته اشاره شده که از ویژگی های همسر مناسب آن است که همسرش را در بندگی خدا و اطاعت خداوند و انجام وظایف دینی یاری رساند.^{۴۲} و مشابه همین تعبیر را در جمله امیرمؤمنان علی (ع) مشاهده می کنیم که در ستایش از حضرت زهرا (س) در صبح اولین روز پس از ازدواجشان به پیامبر اکرم (ص) عرضه می دارد: «وی {فاطمه} خوب یاوری بر طاعت خداست.»^{۴۳}

ب) حمایت عاطفی

«در دیدگاه اسلام، آرامش روانی حاصل از ازدواج و مهر و مودت میان زن و شوهر از نشانه های الهی به شمار آمده است^{۴۴} که ممکن است به این حقیقت اشاره داشته باشد که رابطه زناشویی بر خلاف دیگر روابط اجتماعی (شغلی، تجاری، آموزشی و...) در بردارنده عاملی وحدت بخش و انسجام دهنده است که تداوم رابطه را به رغم تضادها و اختلاف منافع و علقه های زن و شوهر، تضمین می کند.»^{۴۵}

ج) حمایت معیشتی

⁴⁰ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 220 و 221.

⁴¹ - بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 112-113.

⁴² - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 14 و 24.

⁴³ - مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 117.

⁴⁴ - سوره روم، آیه 21.

⁴⁵ - بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 118.

«در اسلام، حمایت متقابل زن و شوهر از حیث معیشتی، به عنوان یکی از کارکردهای خانواده، مفروض گرفته شده است. اسلام زن شایسته را زنی می داند که در رفع نیازهای معیشتی خانواده، به شوهر خود، به ویژه با انجام دادن کارهای خانگی، یاری برساند^{۴۶} و با پاداش های معنوی که برای این امر مقرر کرده، از جمله با معادل دانستن اجرت خدمات خانگی با اجر جهاد در راه خدا،^{۴۷} زنان را در این جهت تشویق نموده است. با این حال از حیث حقوقی زن را از انجام دادن کار خانگی معاف دانسته^{۴۸} و شوهر را حتی در شرایط بی نیازی مالی زن، به پرداخت نفقه او ملزم کرده^{۴۹} و بدین ترتیب، رابطه حمایت معیشتی میان زن و شوهر را دو سویه ترسیم کرده است.»^{۵۰}

3- کارکردهای تربیتی و کنترلی خانواده

الف) جامعه پذیری

در خصوص کارکرد «جامعه پذیری» سه نکته حائز اهمیت است. نکته اول درباره «بهترین شکل جامعه پذیری کودکان» است. «برای تعیین بهترین شیوه جامعه پذیری کودکان در اسلام، باید نظام ارزشی اسلام به طور عام، و اهدافی که اسلام از ازدواج و تشکیل خانواده دنبال می کند، به طور خاص، مورد توجه قرار گیرند. از آیات و روایات اسلامی می توان به این برداشت کلی رسید که با توجه به استعدادهای طبیعی و روانی والدین و احساس تعهد آنان در قبال فرزندان و نیز به لحاظ دیگر کارکردهای مثبت فردی و اجتماعی خانواده که اسلام به آنها عنایت دارد، تربیت در محیط خانواده بر شیوه های دیگر جامعه پذیری کودکان، اولویت اکید دارد.»^{۵۱}

نکته دوم درباره جامعه پذیری «نقش های جنسیتی» است. «اسلام ضمن آنکه جنسیت را در همه فعالیت های خانوادگی و اجتماعی دخالت نداده و قلمروهای فعالیت مشترک نیز برای زن و مرد ترسیم نموده، در نظام اجتماعی مطلوب خود پاره ای تمایزها را در نقش های زن و مرد، اغلب به عنوان اولویت و گاه به عنوان الزام، مقرر کرده است. برابری جنسی در اسلام، از یک سو مبتنی بر مبادی وجود شناختی (به طور خاص، تفاوت های جنسی طبیعی)

⁴⁶ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 14 و 24.

⁴⁷ - سیوطی، الدر المنثور، ج 2، ص 153.

⁴⁸ - بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، ص 407.

⁴⁹ - امام خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، ص 319.

⁵⁰ - بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 126.

⁵¹ - همان، ص 134.

و از سوی دیگر در راستای تحقق اهداف غایی (به ویژه آرامش درونی همسران، تربیت فرزندان سالم، رشد معنوی اعضای خانواده و سلامت اخلاقی جامعه و در نهایت، سعادت اخروی انسان ها) است.^{۵۲}

نکته سوم درباره جامعه پذیری، اهمیت بسیاری است که منابع دینی بر تعلیم و تربیت اسلامی قائل شده اند. «تاکیدی که در روایات اسلامی بر آموزش قرآن کریم، اعتقادات دینی و احکام شرعی، به ویژه نماز، به کودکان و نوجوانان دیده می شود،^{۵۳} گوشه ای از اهتمام اسلام به این موضوع سرنوشت ساز را نشان می دهد.»^{۵۴}

ب) کنترل اجتماعی

نکات قابل توجهی پیرامون کارکرد کنترلی خانواده در زمینه انحرافات جنسی و غیر جنسی همسران و فرزندان

در منابع اسلامی آمده است. این موارد عبارتند از:

- نقش ارضای نیازهای جنسی و عاطفی در خانواده: در شماری از آیات و روایات از ازدواج با کلمه «احصان» تعبیر شده که از ریشه لغوی «حِصْن» به معنای دژ و قلعه، مشتق گردیده و اشاره ای تلویحی به این مطلب است که هریک از دو همسر برای دیگر به منزله دژ و قلعه ای است که او را از خطر وقوع در انحرافات جنسی نگاه می دارد.^{۵۵}
- تقویت روحیه غیرت و ورزی جنسی: غیرت و ورزی جنسی از اخلاق جنسی است که بروز و رشد آن بیش از هر جای دیگری در محیط خانواده به چشم می خورد. روایات اسلامی ارزش گذاری مثبتی در مورد حالت متعادل این صفت، به عنوان امری موثر در کاهش کجروی های جنسی، ابراز نموده و غیرت و حسد را در دو حوزه متباین ایمان و کفر طبقه بندی کرده اند.^{۵۶}
- تربیت دینی و اخلاقی فرزندان: تربیت دینی و اخلاقی فرزندان به معنای آشنا ساختن آنان با معارف و احکام دینی، از وظایفی است که بیش از همه بر عهده والدین نهاده شده است.^{۵۷}

52- همان.

53- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 182، 194 و 196.

54- بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص 136.

55- نساء، 24 و 25؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 21 و 333.

56- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 107-111.

57- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 193-195.

- نظارت والدین بر رفتار فرزندان: کنترل صحیح رفتار فرزندان از سوی والدین، افزون بر جنبه عام آن،^{۵۸} از جنبه خاص، یعنی کنترل امور جنسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس روایات، والدین باید کودکان خود را از مشاهده صحنه ارتباط جنسی مطلقاً بازدارند،^{۵۹} آداب ورود به اتاق خواب بزرگسالان را به آنها یاد دهند،^{۶۰} سفارش اکید در خصوص آسان نمودن ازدواج،^{۶۱} و... از توصیه های دینی دیگری هستند که پیروی از آنها می تواند کاهش میزان کجروی فرزندان را در پی داشته باشد.^{۶۲}

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این فصل گذشت، مشخص شد از منظر دین خانواده یک نهاد مقدس و دارای اهمیت فراوان است تا آنجا که هیچ بنایی مقدس تر از آن در اسلام بنا نهاده نشده است.

همچنین مشخص شد که معیارهای تشکیل خانواده از منظر دین عبارتند از: ایمان و اعتقاد، اصالت خانوادگی، حسن اخلاق، سلامت جسم و روان و...

جایگاه زن در خانواده نیز یک جایگاه محوری است. نقش زنان در نهاد خانواده را می توان در سه محور اصلی خلاصه کرد: 1- فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی. 2- فراهم آوردن فضای مناسب برای تربیت نسل فعال و کار آمد. 3- فراهم آوردن فضای عاطفی گرم برای گذر از دشواری ها و ایجاد توسعه اجتماعی.

کارکردهای مهمی نیز برای خانواده بیان شد که عبارتند از: **کارکردهای زیستی - اجتماعی، کارکردهای حمایتی و کارکردهای تربیتی - کنترلی.**

⁵⁸ - تحریم، 6.

⁵⁹ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 94-95.

⁶⁰ - همان، ص 158-160؛ سوره نور، آیه 58 و 59.

⁶¹ - همان، ص 200.

⁶² - برگرفته از: بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، صص 136-141 (باتلخیص و تغییر در برخی عبارات).

فصل سوم: شاخص های اخلاقی زوجین

گفتار اول: وظایف مشترک زن و مرد

1- اصل محبت و راه های ابراز آن

آشکار ساختن دوستی و محبت نقش فوق العاده ای در تحکیم روابط خانوادگی دارد. برخی برانند که آنچه مهم است صرف علاقه قلبی است در حالیکه ابراز علاقه است که اهمیت ویژه دارد. شاید عده ای با گذشت سالها از اول زندگی احساس نیاز به ابراز آن نکنند به خصوص آقایان و در مقابل عده ای از خانمها با خود بگویند مردان نیازی به ابراز محبت ندارند و فقط این نیاز مختص خانمهاست در حالیکه همه موجودات و گیاهان به این اصل نیازمندند حتی اگر طرف مقابل بداند نیز احتیاج به ابراز و تاکید هست. در روایتی امام صادق اظهار عشق را برای رفع ابهامات احتمالی لازم میدانند. امام صادق می فرماید: «إِذَا أَحْبَبْتَ أَحَدًا مِنْ إِخْوَانِكَ فَأَعْلِمُهُ ذَلِكَ»^{۶۳} هنگامی که شخصی را دوست دارید او را از محبت خود مطلع کنید.»

ابراز محبت مرد به زن موجب تسخیر شدن و امیدوار شدن زن به زندگی می شود. او را در مواجهه با مشکلات قوی ساخته و موجب احساس خوشبختی و کاهش توقعاتش می شود.^{۶۴}

و «چیزی که بیشتر از همه مایه بدبختی و سیه روزی است و هر روز آسمان حیات ما را تیره و تار می کند حوادث و پیش آمدهای کوچک روزگار است که ما آن را اهمیت داده و در مهد خیال می پرورانیم و بدتر آنکه هنوز حادثه واقع نشده با پرورش خیال آسایش را بر خود سلب می کنیم. رمز خوشبختی آنست که به همه چیز لبخند زده و سخت نگیریم»^{۶۵} در حالیکه ما با کوچکترین مشکل، سخت گیری کرده و بلافاصله دیگران را از محبتمان محروم می کنیم. ابراز محبت راههای زیادی دارد و بهتر است برای تاثیر گذاری بیشتر هربار از راهی بدیع و تازه محبت خود را به همسرمان ابراز کنیم. اولین و بهترین شیوه، اظهار علاقه صریح است. جملاتی چون «دوستت دارم»، «همسر عزیزم، تو همسر ایده آلمی» و... بنابراین محبت به همسریکی از پایه های اصلی استحکام زندگی است و در آن تردیدی نیست. اهمیت این امر آن قدر است که آیات قرآن به صراحت هدف از ازدواج را ایجاد مودت و رحمت می داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

⁶³ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص: 644.

⁶⁴ - برگرفته از: حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 189-190.

⁶⁵ - طباطبائی، محمد حسین و دیگران، کارنامه خوشبختی، ص 10.

يَتَفَكَّرُونَ^{۶۶}؛ و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

کلمه "مودت" تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تاثیر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید.

"و" رحمت"، به معنای نوعی تاثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد، و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید، و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند.

یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند، و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچکتر را رحم می‌کنند، چون در آنها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند، و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوائج ضروری زندگی خود را تامین کند، لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست، و تغذیه، لباس، منزل، و تربیت او بکوشند، و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد، و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت.^{۶۷}

راه‌های که برای ابراز محبت می‌توان پیشنهاد کرد از این قرارند:

۱- هدیه: هدیه علاوه بر ابراز محبت، راهی برای قدردانی است مخصوصاً در مناسبت‌هایی چون سالروز تولد یا ازدواج. بهتر است هدیه چیزی باشد که دلخواه همسر است و میتواند چیزی چون یک شاخه گل تمام ناراحتی‌ها را از یادبرد و یا هر چیز کوچک دیگر. امام صادق (ع) به اصحابش می‌فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ

^{۶۶} - سوره روم، آیه ۲۱.

^{۶۷} - طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۲۵۰.

مُتْرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَدَاكَّرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيَاؤُهُ؛⁶⁸ از خدا بترسید و با هم برادران خوبی باشید. به هم محبت کنید در راه خدا و صلّه رحم کنید و به یک دیگر رحم و مهربانی کنید. به دیدار و ملاقات هم بروید و امر ما (معارف) را به یکدیگر یاد آوری کنید و آنها را زنده نگه دارید.»

از ترتّب متواصلین و متراحمین و... برمتحابین میتوان به ارزش والای محبت پی برد. به قول شاعر چون که صد آید نود هم پیش ماست. وقتی محبت آمد هر نیک دیگری تضمین می شود.

ب- دعا: دعا به همسر و خانواده سبب جلب محبت الهی، افزایش محبت همسران نسبت به یکدیگر و آسان شدن مشکلات می شود. در تاریخ زندگی معصومین آن رابه وضوح می بینیم چه در زمان حضرت نوح (ع) و چه زمان حضرت ابراهیم و بعد از آن حضرت خاتم. حضرت ابراهیم (ع) آنگاه که همسر و فرزند خویش را در بیابان بی آب و علف قرار داد، این گونه دعا کرد: « رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛⁶⁹ پروردگارا! من برخی از فرزندانم را در درّه‌ای بی کشت و زرع نزد خانه حرمت یافته‌ات سکونت دادم؛ پروردگارا! برای اینکه نماز را بر پا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان علاقمند و متمایل کن، و آنان را از انواع محصولات و میوه‌ها روزی بخش، باشد که سپاس‌گزاری کنند.»

یا پیامبر اکرم (ص) اهل بیت (ع) خود را زیر عبای خود گرد می آورد و برای آنها دعا می کرد.⁷⁰

ج- انجام دادن برخی امور شخصی: گاهی اثر این راه حتی از محبت زبانی هم بیشتر است. زیرا همسرا حساس می کند عملاً نیز قدمی برداشته ایم و نیازهای او را چون نیازهای خود انگاشته ایم. در این باره حضرت رسول (ص) روایات دوسویه دارند که هم در مورد زن و هم در مورد شوهر است: «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارُهَا وَ قِيَامٍ لَيْلِهَا وَ بَنَى اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ عُفِّرَتْ لَهَا سِتِينَ [سِتُونَ] خَطِيئَةً؛⁷¹ هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به همسرش بدهد مگر اینکه این عملش از یک سال روزه داری و شب زنده داری برای او بهتر است و خداوند برای هر جرعه آب برای او شهری در بهشت بنا می کند و شصت گناه او را می بخشد.»

⁶⁸ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 175.

⁶⁹ - سوره ابراهیم، آیه 37.

⁷⁰ - حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 2، ص 84.

⁷¹ - دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، ص 175.

و نیز می فرماید: «ان الرجل لیوجر فی رفع اللقمه الی فی امراته»^{۷۲} به درستی که مرد پاداش می گیرد از این که لقمه ای را به دهان همسرش بگذارد.»

د- نگاه، لمس و گوش دادن: وقتی همسر حس می کند شریک زندگی اش با توجه به اونگاه می کند، احساس تازه ای به او دست می دهد و متوجه محبت همسر می شود، گرچه ممکن است از رفتار او خرسند نباشد. لمس و دست کشیدن نیز راهی مناسب برای ایجاد ارتباط، دلگرمی و رفع عصبانیت است. گوش دادن نیز مهارتی دیگر در ایجاد ارتباط و صمیمیت است. وقتی ما به سخنانش گوش می دهیم او به اطمینان می رسد که ما او را پذیرفته ایم، جایگاهش را حفظ کردیم و به او اولویت داده ایم. در این شرایط فرد آرامش بیشتری دارد و احساس حمایت را کسب می کند.^{۷۳}

2- اصل تغافل

تغافل مهارتی است که زمینه خوش خلقی در میان همسران را ایجاد می کند. تغافل آن است که آدمی چیزی را بداند؛ ولی با اراده و عمد خود را غافل نشان دهد. با این مهارت رفتارهای نامطلوب همسر را نادیده گرفته ایم و با چهره ای عبوس باعث افزایش کج رفتاریها و لجبازیهایش نمی شویم. امیرالمومنین (ع) تغافل نداشتن را علتی برای تلخ شدن زندگی می دانند و می فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَ لَا يَغُضَّ [لَا يَتَقَاض] عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ»^{۷۴} هر کس تغافل نکند و بر بسیاری از امور چشم نبندد زندگی او تلخ می شود.»

3- احترام

حرمت نهادن به افراد و برخورد احترام آمیز و حفظ شخصیت انسان ها نشانه رشد عقلی و ایمانی است. رسول خدا (ص) در این باره فرمودند: «لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ»^{۷۵} هیچ یک از مسلمانان را تحقیر مکن! چرا که کوچک آنان نزد خداوند بزرگ است.»

⁷² - فیض کاشانی، ملامحسن، محججه البیضاء، ج 3، ص 70

⁷³ - برگرفته از: حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 200.

⁷⁴ - تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 451، ح 10375.

⁷⁵ - ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج 1، ص 31.

گاهی کسی که دارای مراتبی از علم یا ثروت است نسبت به دیگری که از این مراتب محروم است، احساس تفاخر می کند و به دیده حقارت به او می نگرد و او را رنجیده خاطر می کند. و زشت تر اینکه چنین تفاخری بین زوجین اتفاق افتد و یکی از آنها به خاطر علم یا ثروتش بر دیگری تفاخر کند. این شخص که در نهایت غرور است در زمره ی «دشمنان» خداوند قرار می گیرد. رسول خدا(ص) در این باره فرمودند: «مَنْ اسْتَدَلَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً - أَوْ حَفَرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قَلَّ ذَاتِ يَدِهِ - شَهَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ»^{۷۶} هر کس زن یا مرد مومنی را خوار سازد یا به خاطر فقر و تنگدستی او را تحقیر کند، خدای متعال روز قیامت او را انگشت نما و رسوا می سازد.»

احترام به مومن به طور عام زمینه ای مناسب برای سازگاری در زندگی اجتماعی است. امام رضا(ع) می فرماید: «قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ إِنَّ حُرْمَةَ بَدَنِ الْمُؤْمِنِ مِثْلُ كَحُرْمَتِهِ حَيًّا»^{۷۷} پدرم می فرمود: بدن انسان مرده همانند بدن انسان زنده احترام دارد.» بنابراین مومن خواه زنده و خواه مرده اش نزد خداوند احترام دارد. اما در زمینه زوجین که جایگاه ممتاز و ویژه تری پیدامی کند و مرد و زن نمی شناسد. برای آنکه به همسر خود احترام بگذاریم، نخست باید روحیات و خواسته های او را در نظر بگیریم، دنیای او را درک کنیم و بفهمیم کدام رفتار ما را نماد احترام می شمرد. در این زمینه حالت هایی که هر کدام از زن و شوهر دارند، نوع رفتار مورد انتظار و نشانگر احترام را تعیین می کند. «نمونه هایی از احترام به یکدیگر را میتوان این چنین نام برد: تقسیم کار، برآوردن خواسته های یکدیگر، شناخت و درک متقابل با توجه به ساختارهای جنسی زوجین، دوری از خشونت، نادیده گرفتن خطاهای یکدیگر و استقبال و همراهی است.»^{۷۸}

4- صداقت

«یکی از اصلی ترین پایه های زندگی مشترک اعتماد متقابل است. اعتماد متقابل یعنی این که زن و شوهر در رفتار و گفتار به یکدیگر اطمینان داشته و نسبت به هم شک و تردید نداشته باشند. اگر اعتماد میان زن و شوهر از بین برود، تمام رفتارها و گفتارهای آن دو برای هم معنا دار می شود. در این صورت دیگر آرامش از این زندگی رخت بر خواهد بست.»^{۷۹}

⁷⁶ - امام رضا(ع)، صحیفه الإمام الرضا (علیه السلام)، ص 63.

⁷⁷ - طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، تحقیق خراسان، ج 1، ص 445.

⁷⁸ - ر.ک: حسین زاده، علی، همسران سازگار، صص 219-228.

⁷⁹ - عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، ج 2، ص 53.

اما در مقابل صداقت، یعنی دروغ گویی آثار و نتایج بدی را در پی دارد. که با شناخت نتایج عدم صداقت، فواید گوهر صداقت، بهتر نمایان می شود. چهار ثمره شوم در انتظار دروغگویی و عدم صداقت است:

1- از بین رفتن شخصیت و احترام: همان طور که صداقت موجب عزت انسان می شود،^{۸۰} خدشه دار شدن آن نیز ابهت و اقتدار او را لگد مال نموده و زمینه خواری انسان را فراهم می کند.

2- از بین رفتن طعم ایمان: امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «بنده طعم ایمان را نخواهد چشید؛ مگر آن که دروغ جدی و شوخی را ترک کند».^{۸۱}

3- انصراف از مسیر حق: امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «از دروغ پرهیزید که دروغ انسان را به انحراف از حق و انحراف از حق نیز به سوی آتش می کشاند».^{۸۲}

4- فقر: امیر مومنان علی(ع) فرمود: «عادت به دروغ موجب فقر می شود».^{۸۳}

تذکر این نکته ضروری است که، «راست گویی» به معنای بیان همه حقایق نیست. بلکه اگر حرف راستی منجر به اختلاف یا کشمکش و مشاجره بین زوجین می شود باید از آن پرهیز کرد. مثلاً یکی از اقوام درباره همسر شخصی سخن بدی گفته است حال اگر همسر این سخن را برای زوج یا زوجه خود بیان کند هم همسر خود را ناراحت کرده است و هم رابطه او را با آن شخص، تیره و تار می کند.

5- اعتدال:

یکی دیگر از اصولی که باید همیشه مد نظر زوجین باشد، اصل «اعتدال» است. اعتدال، یعنی میانه روی و دوری از هر گونه افراط و تفریط. از منظر دین این اصل بسیار مهم است به طوری که حتی خود دین، به دین اعتدال و میانه رو

80- امام صادق(ع) فرمود: «وَالصُّدُقُ عِزٌّ؛ صداقت {مایه} عزت است». کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 1، ص 26.

81- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 340.

82- شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص 148.

83- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج 2، ص 504.

توصیف شده است: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^{۸۴} و همان گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتی میانه [و معتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم.»

اعتدال، مصادیق مختلف و فراوانی دارد که برخی از آنها عبارتند از: اعتدال در کسب روزی و جمع آوری مال،^{۸۵} اعتدال در ستایش و نکوهش،^{۸۶} در محبت کردن به همسر و فرزند،^{۸۷} در برگزاری میهمانی و پذیرایی از دیگران.^{۸۸}

6- پرهیز از سرزنش و عیب جویی

بعضی ها مثل زنبور عسل اند، که تنها روی گل های خوشبو می نشینند و شهد می مکند و عسل تولید می کنند. بعضی هم مثل مگس و حشراتند که فقط روی زخم و چرک و آلودگی می نشینند. تا می توان مثل زنبور عسل، شهد تولید کرد، چرا باید چون مگس بود؟

در روایات فراوانی توصیه شده که انسان باید پیش از آنکه به عیوب دیگران بپردازد، به عیوب خود بپردازد. امیر مومنان علی(ع) در این باره فرمودند: «افضل الناس من شغله معایبه عن عیوب الناس»^{۸۹} برترین مردم کسی است که عیب های خودش او را را عیوب مردم باز دارد.»

در زندگی مشترک، این اصل بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. باید همت زوجین بر این باشد که نقاط ضعف طرف مقابل را به رُخ او نکشند و بیش از آنکه ضعف های او را ببینند، قوت های او را یاد آوری کنند. پیش از آنکه به عیب جویی از همسر خود بپردازیم باید به فکر بر طرف کردن عیوب خود باشیم. صائب در این باره زیبا سروده است:

⁸⁴ - سوره بقره، آیه 143.

⁸⁵ - امام صادق(ع) فرمود: «هر کس در معیتش میانه روی داشته باشد، خداوند روزی اش را می دهد و آنکه زیاده روی و تذبذب کند خداوند او را محروم می کند.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 63، ص 325).

⁸⁶ - امام علی(ع) فرمود: «حمد و ثنا گویی بیش از استحقاق شخص، تملق است و کمتر از استحقاق آن، حسادت است.» (همان، ج 73، 295).

⁸⁷ - امیر مومنان علی(ع) فرمود: «تا اندازه ای به محبوب خود محبت کن که اظهار محبت باعث جلوگیری از تذکر در اشتباهش نشود.» (نهج الفصاحه، ج 2، ص 546). امام صادق(ع) نیز فرمود: «بین فرزندان با تعادل محبت کنید همانطور که دوست دارید با شما برخورد شود.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 104، ص 92).

⁸⁸ - قرآن کریم در مورد بدل و بخشش و انفاق به دیگران به پیامبر(ص) دستور می دهد: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْشُورًا.» (سوره اسراء، آیه 29) و دست را [چون بخیلان به نشانه اینکه قدرت انفاق چیزی را به تهیدستان نداری] برگردنت بسته مدار و [آن چنان هم در انفاق] دست و دل باز باش [که چیزی برای معاش خودت باقی نماند] که در نتیجه [نزد شایستگان] نکوهیده [و در زندگی خویش] درمانده گردی.»

⁸⁹ - تیمی آمدی، غرر الحکم، حدیث 3090.

دیدن پا بهتر است از بال و پر، طاووس را عیب خود را در نظر بیش از هنر داریم ما

با وجود صد هنر بر عیب خود دارم نظر بال طاووسی نمی گرداند از پا، فارغم^{۹۰}

«منت گذاشتن» خود نوعی سرزنش است. منت، سر کوفت زدن به جهت لطفی است که ما در حق همسر خود انجام داده ایم. این کار باعث می شود هم کار ما بی اثر و فاسد شود^{۹۱} و هم طرف مقابل از کار خیر ما نیز لذت نبرد.^{۹۲}

7- انصاف و عدالت

انصاف، یعنی گرفتن جانب حق و پذیرفتن منطبق حق و دادن حق به صاحب اصلی آن. کینه ها و دشمنی ها با انصاف از میان می رود و به هم دلی و رفاقت تبدیل می شود. زوجین نیز باید در زندگی مشترک، درباره افعال و گفتار یکدیگر به عدالت و انصاف، قضاوت کنند. نباید پیش زمینه های فکری باعث شود سخن یا عمل طرف مقابل را به گونه ای «منفی» تفسیر کنیم. امیر مومنان علی (ع) ثمره، انصاف و عدالت را برقراری محبت و صلح و صفا و بر طرف شدن اختلافات می داند: «الْإِنصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَيُوجِبُ الْإِتِّبَافَ»^{۹۳} در پرتو انصاف اختلاف ها رخت بر می بندد و اُلفت و وحدت پدیدار می شود.»

یکی از مصادیق مهم انصاف و عدالت در زندگی مشترک این است که اگر زوجین مرتکب خطای شدند و سپس به خطای خود پی بردند، به آن اعتراف کند و جرات عذر خواهی از طرف مقابل را داشته باشند. اگر در مشاجره ای به ظاهر جانب حق، با یکی از طرفین بود و سپس مشخص شد حق با دیگری است باید با کمال شهامت به اشتباه خود اعتراف کند و پافشاری و لجاجت بیهوده از خود نشان ندهد.

8- عذر خواه و عذر پذیر بودن

^{۹۰} - تبریزی، صائب، کلیات صائب تبریزی، ص 857.

^{۹۱} - امیر مومنان علی (ع) فرمود: «کسی که به جهت کار نیکش منت می گذارد، مانند آن است که نیکی نکرده است.» (غرر الحکم، ص 390، ح 8938). همچنین فرمود: «کسی که به جهت کار خویش منت می گذارد، آن کار را فاسد کرده است.» (همان، ح 8939).

^{۹۲} - امیر مومنان (ع) فرمود: «الذتی در کارهای منت گذارنده نیست.» (اللیثی الواسطی، کافی الدین، عیون الحکم و المواعظ، ص 538).

^{۹۳} - تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 394، حدیث 9116.

عذر پذیری و بخشش نسبت به عملکرد طرف مقابل یکی دیگر از اصول مهم در زندگی مشترک است. «فرآیند بخشش شامل سه مرحله است: الف. فراموش کردن آنچه که قبلاً روی داده است؛ ب. تشخیص آنچه فعلاً در حال روی دادن است؛ ج. آینده نگری.»^{۹۴}

امام کاظم (ع) سخن زیبایی در این باره دارند: «... وَ إِن شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَيَّ يَسَارِكُ فَأَعْتَدَرُ إِلَيْكَ فَأَقْبَلُ عُذْرَهُ»^{۹۵} اگر شخصی در حالی که در سمت راست تو بود به تو اهانتی کرد، سپس به سمت چپ تو آمد و عذر خواهی کرد، عذر او را بپذیر. امام (ع) در این حدیث به نکته ای مهم اشاره فرمودند و آن اینکه اگر شخصی به ما توهین کرد نباید سریع او را مواخذه کنیم و یا مقابله به مثل کنیم. بلکه اگر بلافاصله عذر خواهی کرد بر ماست که عذر او را بپذیریم. البته باید توجه داشت که این مساله در جایی که طرف مقابل به یک کار اشتباه عادت کرده و مدام انجام می دهد و سپس به دروغ، عذر خواهی می کند، صادق نیست. در آنجا از راه های دیگری که در روایات و اخلاق اسلامی مطرح شده باید استفاده کرد.

9- استقامت و صبر و بردباری

استقامت و پایداری در طول جریان زندگی یکی از مهمترین راه کارهای است که می توان در حفظ کانون خانواده کمک قابل توجهی نماید. امیرمؤمنان علی (ع) درباره اهمیت «صبر و بردباری» می فرمایند: «وَ عَلَيكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَّا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا [خَيْرَ] فِي إِيْمَانٍ لَّا صَبْرَ مَعَهُ»^{۹۶} بر شما باد به صبر و بردباری، همانا صبر نسبت به ایمان مانند سر است به بدن آدمی. بدنی که سر ندارد فایده ای در آن نیست و ایمانی که همراه صبر نیست، خیری در او نیست.»

بی گمان هر کسی در زندگی خود به مشکلات و سختی های گرفتار می شود. اگر انسان در این هنگامه بی تابی کند توان فکر و عمل خود را از دست می دهد. حضرت علی (ع) در این باره می فرمایند: «مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِكِبَارِهَا»^{۹۷} کسی که مصیبت ها و مشکلات کوچک را بزرگ بشمارد، خداوند او را به مصیبت های بزرگ گرفتار می کند.»

^{۹۴} - حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 119. به نقل از: دیویس کنث، خانواده، راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یآوری، ترجمه فرشاد بهاری ص 75.

^{۹۵} - عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، صص 342-343.

^{۹۶} - صبحی صالح، نهج البلاغه، ص 482.

^{۹۷} - همان، ص 555.

گفتار دوم: وظایف زن

1- عفت و حیا

«عفت» در لغت، به معنای حفظ نفس از تمایلات و شهوت نفسانی آمده است.⁹⁸ «حیا» نیز به حفظ نفس از ضعف و نقص و دوری از عیب و امور پست معنا شده است.⁹⁹

در روایات نیز علاوه بر اهمیت «عفت» به طور عام که شامل اقسامی مختلفی است؛ بر خصوص خود داری از شهوت شکم و غریزه جنسی، تاکید ویژه ای شده است. به عنوان نمونه رسول گرامی اسلام (ص) در این باره فرمود: «أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوَفَانَ الْبُطْنُ وَالْفَرْجُ»¹⁰⁰ بیشترین لغزش به سوی آتش از طریق دو میان تهی است: یکی شکم و دیگری دامن.

از مهم ترین خواسته های نفس، خواسته جنسی است. به همین دلیل عفت و حیا در سازگاری همسران موثر است، به طوری که رسول خدا (ص) یکی از ویژگی های بهترین زنان را عفت آنان بر شمرده و فرموده اند: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... الْعَفِيفَةُ»¹⁰¹ برترین زنان شما، عفیفه ها هستند.

استاد شهید مطهری در بیان ریشه فطری حیا و عفت در بانوان می نویسد:

حیا، عفاف، ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. اگر زن مقام و موقعیت خود را در برابر مرد بیابد و نیاز او را در برابر خود بداند، به دورنگه داشتن خود از دسترس مرد متوسل می شود.¹⁰²

همچنین ایشان حایل میان زن و مرد را قدرتی برای افزایش محبوبیت و معشوقیت زن می دانند. به طوری که تاثیر حرارت با وجود حایل و دیگ است و با برداشتن آن دیگر آب آتش را خاموش می کند:

آب غالب شد بر آتش از لهیب ز آتش او جوشد چو باشد در "حجیب"

⁹⁸ - مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 8، ص 180.

⁹⁹ - همان، ج 2، ص 338.

¹⁰⁰ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 79.

¹⁰¹ - همان، ج 5، ص 324.

¹⁰² - مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص 70.

چون که دیگی حایل آمد آن دو را

نیست کرد آن آب را کردش هوا^{۱۰۳}

البته باید دانست که حیای زن در برابر مرد بیگانه ارزشمند است ولی وجود حیای احمقانه میان زن و شوهر موجب ناسازگاری می شود.^{۱۰۴}

عفت نه تنها در پوشش خود را نشان می دهد بلکه مظاهر دیگری نیز دارد چون:
در پوشش^{۱۰۵}، در روابط جنسی^{۱۰۶}، در خودنمایی^{۱۰۷}، در نگاه^{۱۰۸}، در راه رفتن^{۱۰۹} و در اختلاط با نامحرم^{۱۱۰}.

2- پرهیز از تجسس

103- همان.

94- امام صادق (ع) فرمود: «این خیر نسانکم التي إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء، وإذا خلت مع غيره لبست معه درع الحياء»؛ (کلینی، الکافی ج 5، ص 324) بهترین زنان شما کسی است که چون با همسرش خلوت کند، جامه حیا از تن به در کند و چون بپوشد و همراه او شود، زره حیا را بر تن کند.

95- «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً»؛ (احزاب: 59) ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.»

106- «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ* (مومنون: 5-6) و آنان که نگه دارنده دامنشان [از شهوت های حرام] اند،* مگر در [کام جویی از] همسران یا کنیزانشان، که آنان [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند.»

107- «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ؛ (احزاب: 33) و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشوید.»

108- حضرت سجاد (ع) در یکی از دعاها خود فرمودند: «وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... وَأَعْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَقْفَةً؛ (الصحيفة السجادية، ص 124، دعای 26). خدایا، مرا آن گونه قرار بده که چشم خود را از روی عفت ببندم.»

109- قرآن کریم با ستایش از طرز راه رفتن دختر حضرت شعیب (ع) در معابر عمومی و در برابر نامحرم می فرماید: «... فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُما تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ...»؛ (قصص: 25) پس یکی از آن دو [زن] در حالی که با حالت شرم و حیا گام برمی داشت، نزد او آمد.»

110- قرآن از زبان دختران شعیب (ع) که نزدیک چشمه نمی رفتند تا مردان از آنجا بروند می فرماید: «... قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرَّعَاءُ...»؛ (قصص: 23) گفتند: ما [این دام هایمان را] آب نمی دهیم تا [این] شبانان [دام هایشان را] برگردانند.»

یکی از آثار سوء ظن، «تجسس» است. وقتی انسان به طرف مقابل و همسر خویش، سوء ظن داشته باشد در پی آن است که همه حرکات او را زیر نظر بگیرد تا بلکه بتواند در لحظه حساس «مُجّ گیری» کند. «بدگمانی مقدمه ای است که بد گمان را نا خود آگاه به ارتکاب دیگر امور ناپسند از جمله تجسس و غیبت می کشاند.»¹¹¹ از همین روی قرآن کریم، پرهیز از بدگمانی را مقدم بر پرهیز از تجسس و غیبت ذکر می کند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»¹¹² ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان ها [در حق مردم] پرهیزید؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است.».

بنابراین حسن ظن، در میان زوجین کمک می کند تا زندگی آرام، بدون دغدغه و استرس رقم بخورد. اگر زوجین به هم حسن ظن داشته باشند هرگز به تجسس در وسایل شخصی یکدیگر مثل تلفن همراه و رایانه نمی پردازند و بدین وسیله مقدمات مشاجره و نزاع را فراهم نمی کنند. مولا علی(ع) در این باره می فرماید: «سوء ظن، امور را فاسد می کند و عامل برپایی شرّ {و نزاع} است.»¹¹³

3- قناعت

یکی دیگر از وظایف ویژه بانوان در کانون گرم خانواده، رعایت «قناعت» است. هر چند این اصل، اختصاصی به بانوان ندارد و شامل مردان نیز می شود ولی نقش قناعت زن در جریان زندگی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

برخی به اشتباه تا اسم قناعت می آید آن را به خساست و تنگ نظری تفسیر می کنند در حالی که در ادبیات دینی قناعت به معنای «اسراف نکردن» و «میانه روی در مصرف» است. قرآن کریم معنای قناعت را به زیبایی بیان کرده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»¹¹⁴ و آنان که وقتی انفاق می کنند، نه از حد معمول [و متعارف] می گذرند و نه تنگ می گیرند، و [انفاقشان] همواره میان این دو در حد اعتدال است.» امام

¹¹¹ - حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 77.

¹¹² - سوره حجرات، آیه 12.

¹¹³ - «سوء الظنّ یفسدُ الأُمورَ وَ یبعثُ علی الشُّرورِ». تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 263، حدیث 5671.

¹¹⁴ - سوره فرقان، آیه 67.

صادق(ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «میانه روی امری است که خداوند آن را دوست دارد و اسراف را دشمن می دارد... حتی دور ریختن {اضافه} آب نوشیدنی اسراف است.»^{۱۱۵} حضرت در سخنی دیگر قناعت را به راضی بودن به آنچه خدا روزی انسان می کند تفسیر کرده و شخص قانع را «بی نیاز ترین مردم» معرفی می کند: «هر کس به آنچه خداوند به او روزی داده قانع باشد، او از بی نیاز ترین مردم است.»^{۱۱۶}

«در روایات یکی از ارزش های الهی و انسانی که در پرتوی حکومت فاضله مهدوی تحقق پیدا می کند روحیه «قناعت گری» و «ایثار» معرفی شده است.^{۱۱۷} که این خبر از اهمیت پرورش روحیه قناعت گری در وجود انسان منتظری که می خواهد آن روزگار زیبا را درک کند می دهد.»^{۱۱۸}

یکی از راه های تقویت روحیه قناعت گری تقویت احساس «بی نیازی» است که تقویت این روحیه نیز یکی از دو رکن اساسی و شاخص مهم آرمان شهر مهدوی است.^{۱۱۹} رهبر فرزانه انقلاب نیز یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی را رعایت قناعت و دوری از اسراف دانسته و آن را «جهاد فی سبیل الله» نام گذاری کردند: «مسئله ی مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه های دولتی، هم آحاد مردم و خانواده ها باید به این مسئله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه ی تعادل در مصرف بلا شک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.»(1391/5/3).

4- پرهیز از حسادت و چشم و هم چشمی

¹¹⁵ - «إِنَّ الْفَصْدَ أَمْرٌ يُجِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْعِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ.» کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 4، ص 52.

¹¹⁶ - همان، ص 79.

¹¹⁷ - مجلسی، بحارالانوار، ج 52، ص 29.

¹¹⁸ - عندلیب، حسین، نقش منتظران در اقتصاد مقاومتی، امان، 1393، 48، ص 38.

¹¹⁹ - ر.ک: امام مهدی موجود موعود، جوادی آملی، ص 258.

«حسادت نوعی بیماری روانی^{۱۲۰} است که به مشکلات زیادی در بُعد فردی و خانوادگی دامن می زند. در زندگی خانوادگی، معمولاً حسد به این صورت است که یکی از همسران یا هر دو زندگی بستگان و آشنایان را مورد توجه قرار می دهند و آن گاه که نعمتی را در آن خانواده مشاهده کنند، با تنگ نظری آرزوی آن نعمت را در سر می پروراند یا حتی برای دستیابی به هدف خود به اعمال ناشایست نیز دست می زند. در موارد نادری ممکن است یکی از زن و شوهر نسبت به کمالات همسر خود حسادت ورزند و چون خود از جهاتی توان نیل به آن کمالات را ندارند، سر ناسازگاری گذارند و یا موانعی برای رشد و ترقی همسر خویش ایجاد کنند.»^{۱۲۱}

در آیات و روایات اسلامی راه کارهای برای درمان حسادت و چشم و هم چشمی آمده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

1- پرهیز از رابطه با دنیا طلبان: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»^{۱۲۲} دیدگان را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت] دنیا است تا آنان را در آن بیازماییم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.»

2- توجه به کسانی که از امکانات کمتری برخوردارند: امام علی (ع) فرمود: «وَأَكْثَرُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَىٰ مَنْ فَضَّلْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ»^{۱۲۳} به کسانی که بر آنان برتری داری، بسیار نظر کن که این از اسباب شکر گزاری است.»

3- توجه به حکمت نعمت های الهی: قرآن کریم از زبان کسانی که روزی، حسرت دارای قارون را می خوردند و فردا وقتی دیدند قارون و تمام دارایی اش در زمین فرو رفت؛ می فرماید: «وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَانَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ»^{۱۲۴} و بامدادان، آنانکه دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که] می گفتند: وه! گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد، اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین فرو برده بود، وه، گویی کافران رستگار نمی شوند.»

120- «عن علی (ع): الحسود ابدا علیل؛ حسود بیمار است.» نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 21.

121- حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 144.

122- سوره طه، آیه 131.

123- صبحی صالح، نهج البلاغه، ص 460، نامه 69.

124- سوره قصص، آیه 82.

«یکی از فنون موثری که می تواند به رضایت از زندگی بینجامد، آن است که هر روز کلمات نیروبخش بر زبان جاری سازد و آن را به خود تلقین کند. شاید این کار بچه گانه به نظر برسد؛ ولی مهم این است که شما به نتیجه مطلوب برسید و این اطمینان را نیز داشته باشید که عده ی زیادی از مردم موفق، از این راه شور و شوق در خود ایجاد کرده اند و حرارت لازم را برای یک زندگی موفقیت آمیز با استفاده از روش به ظاهر بچه گانه به دست آورده اند.^{۱۲۵} به زبان آوردن جملات زیر و مانند آن عامل موثری در کاهش حسادت خواهد بود:

- من از زندگی خود راضی هستم؛
- از این که همسرم در مسیر بالندگی است، خوشحالم؛
- من هم با تلاش می توانم به موقعیتی برسم که دوستم رسیده؛
- به لطف خداوند می توانم از قافله عقب نمانم و...»^{۱۲۶}

5-راز داری

در ادبیات دینی یکی از صفات مومن، راز داری اوست. در حقیقت راز داری نوعی امانت داری است. امیر مومنان علی(ع) یکی از صفات متقین را حفاظت از آنچه نزد آنها به امانت گذاشته می شود، معرفی می کند و می فرماید: «...لَا يُضَيِّعُ مَا اسْتَحْفِظُ»^{۱۲۷} آنچه را به او سپرده اند ضایع نمی کند.» زیرا اتفاقات، سخنان و چیزهایی که در خانواده مهم است همچون امانتی است که نزد هر یک از زوجین به خصوص زنان است. در کلامی دیگر حضرت امیر(ع) می فرماید: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ»^{۱۲۸} سینه انسان عاقل و خردمند، صندوق راز اوست.» یعنی انسان خردمند هیچ گاه اسرار زندگی خود را بر زبان جاری نمی کند و آنها را در جای خود یعنی قلب نگه می دارد. راز داری باعث مدیریت در مناسبات و روابط اجتماعی می شود زیرا تا زمانی که راز بر ملا نشده می توان شرایط پیرامونی را مدیریت کرد ولی اگر فاش شود کنترل عواقب و پیامدهای آن از دست انسان خارج است. امیرمومنان علی(ع) می فرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ [فِي يَدِهِ] يَدِيهِ»^{۱۲۹} آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.» حضرت در سخنی دیگر می فرماید: «الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ فَأَخْزَنُ لِسَانِكَ كَمَا تَخْزَنُ ذَهَبَكَ وَوَرَقَكَ قُرْبَ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَجَلَبَتْ نِقْمَةً»^{۱۳۰} سخن در بند توست، تا آن را

125 - حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 153. به نقل از: دورتی کارنگی، آئین همسرداری، ترجمه مهستی شهبلائی، ص 34.

126 - همان.

127 - صبحی صالح، نهج البلاغه، ص 306. خطبه 193.

128 - همان، ص 469، حکمت 6.

129 - همان، ص 500، حکمت 162.

130 - همان، ص 543، حکمت 381.

نگفته باشی، و چون گفتمی، تو در بند آنی، پس زبانت را نگه دار چنانکه طلا و نقره خود را نگه می داری، زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کرد.» حضرت در سخنی دیگر، نتیجه راز داری را کسب پیروزی و موفقیت می داند: «الظَّفَرُ الْحَزْمُ وَالْحَزْمُ يَجَالَهُ الرَّأْيُ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ»^{۱۳۱} پیروزی در دور اندیشی، و دور اندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه، و اندیشه صحیح به راز داری است.».

گفتار سوم: وظایف مرد

در زندگی مشترک، همان طوری که یک سری از وظایف بر دوش زن است، یک سری از وظایف اخلاقی نیز بر عهده مرد است. مهمترین آنها عبارتند از چهار چیز: غیرت، حسن ظن، پرهیز از لجاجت و کنترل غضب. در ادامه به بررسی این چهار مورد و بیان آیات و روایات پیرامون آنها می پردازیم.

1- غیرت

اولین وظیفه بر هر مرد متعهدی این است که با «غیرت» باشد. غیرت در اندیشه اسلامی از چنان جایگاه بالایی برخوردار است که یکی از صفات الهی «غیور» معرفی شده است: «امام صادق(ع) فرمود: ...إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ»^{۱۳۲} خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد.».

در سیره پیامبران و بزرگان دینی نیز همواره «غیرتمندی» یکی از صفات برجسته محسوب می شده است. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرمودند: «كَانَ إِبْرَاهِيمُ (ع) غَيُورًا وَ أَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَ جَدَّعَ اللَّهُ أَنفَ مَنْ لَّا يَعَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ»^{۱۳۳} حضرت ابراهیم(ع) مردی غیرتمند بود و من از او غیرتمند ترم. خداوند بینی مسلمانان و مومنانی که غیرت ندارند، قطع کند.»، فراز دوم فرمایش پیامبر(ص) در حقیقت نفرینی است بر کسانی که «غیرتمندی» را فراموش کرده و نسبت به ناموس خود احساس تکلیف نمی کنند. البته باید توجه داشت که «غیرتمندی» با سخت گیری بی جا متفاوت است. سخت گیری ها بی جا در مورد ارتباط زن با محارم خود را نباید «غیرتمندی» نام گذاشت بلکه این ها ایجاد محدودیت است. و معمولاً منجر به فساد میشود: امام علی در نامه خود به فرزندش، امام حسن مجتبی میفرماید: از غیرت در غیر جایگاهش بر حذر باشید. زیرا زن سالم رابه بیماری وزن پاک رابه گمانهای بدفرامی

¹³¹ - همان، ص 477، حکمت 48.

¹³² - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 536.

¹³³ - همان.

خواند.^{۱۳۴} البته تذکر این نکته نیز ضروری است که بانوان حق ندارند در مقابل محارم خود با لباس های نامناسب و تحریک کننده حاضر شوند.

2- حسن ظن

«حسن ظن» یکی دیگر از وظایف در زندگی مشترک است. هر چند این مساله اختصاصی به مردها ندارد و باید بانوان نیز همواره به شوهران خود، حسن ظن داشته باشند لکن رعایت حسن ظن از سوی مرد به خاطر غیرتمندی و حالت مردانگی که در او هست بیشتر نمایان می شود.

چند عامل مهم در ایجاد خوش گمانی و حسن ظن موثر است که عبارتند از:

1- شناخت دوست و دشمن: گمان بد در زندگی مشترک؛ ندای شیطان است که بزرگ ترین دشمن روابط دوستانه میان زوجین است. ملا احمد نراقی در این باره می فرماید: «گمان بد، چیزی است که شیطان القا می کند و به دل انسان می اندازد. آنچه را که آدمی گمان کرده است، همان است که شیطان خبر داده، و گرنه انسان نه آن را دیده و نه شنیده است. خداوند می فرماید: اگر فاسقی برای تو خبر آورد، به گفته او تکیه نکن،^{۱۳۵} و شیطان از هر فاسقی فاسق تر است.»^{۱۳۶}

2- هم نشینی با خوبان: حضرت علی(ع) در این باره می فرماید: «مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ؛^{۱۳۷} هم نشینی با بدگان باعث بدگمانی به خوبان می شود و هم نشینی با خوبان، بدان را خوب می گرداند.»

3- ثبات شخصیت: انسان باید از چنان ثباتی در شخصیت برخوردار باشد که به محض شنیدن خبری منفی درباره همسرش، واکنش نادرست انجام ندهد. قرآن کریم در مورد کسانی که در مورد تهمت بی عفتی در مورد زنان، سکوت کرده و به آنها سوء ظن پیدا می کنند می فرماید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ

¹³⁴ - صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه 31.

¹³⁵ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ (حجرات:6) ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید.»

¹³⁶ - نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص 163.

¹³⁷ - مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 71، ص 197.

الْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِنَّ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛^{۱۳۸} چرا هنگامی که آن [تهمت بزرگ] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خودشان گمان نیک نبردند، و نگفتند: این تهمتی آشکار [از سوی منافقان] است؟!».

4- انتظارات بجا: اگر شخص بتواند انتظارات و خواسته های خود را حدّ منطقی و بجا نگه دارد، هرگز به طرف مقابلش بدبین نمی شود.

3- پرهیز از لجاجت

«منظور از لجاجت آن است که فرد پس از آشکار شدن حق، باز هم بر سخن باطل یا عمل نادرست خود پای فشارد و با تمسک به بهانه ها و عذرهای واهی و سخنان دور از منطق، از پذیرش حق سر باز زند»^{۱۳۹} و با تفاخر در برابر طرف مقابل ایستادگی کند.

در منابع اسلامی راه های خوبی برای درمان این بیماری بیان شده است که عبارتند از:

- 1- تحمیل به نفس: «یکی از از راهکارهای پیشگیری از لجاجت، تحمیل به نفس یا مقابله عملی با مقتضای لجاجت است. در چنین شرایطی فرد به سختی می تواند لجاجت خود را بروز ندهد؛ اما باید بداند که حتی اگر به ظاهر قیافه لجوج را به خود نگیرد، می تواند در مهار این صفت ناپسند موفق شود.»^{۱۴۰} امیرمومنان علی(ع) در این باره می فرمایند: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛^{۱۴۱} اگر بردبار نیستی، خود را بردبار بنمایان؛ زیرا اندک است کسی که خود را همانند گروهی از مردم کند و از جمله آنان به شمار نیاید.»
- 2- مشورت خانوادگی: «یک دندگی در موارد بسیاری از آنجا سرچشمه می گیرد که همسر احساس می کند در فرآیند تصمیم گیری جایی ندارد و همسرش خود سرانه تصمیم هایی درباره زندگی مشترک می گیرد. در این شرایط، او نیز خود را بر حق می داند، و بر موضع خود پافشاری می کند.»^{۱۴۲} پس در واقع اینجا وظیفه طرف مقابل است که با مشورت با همسر خود او را وادار به لجاجت نکند.

138- سوره نور، آیه 12.

139- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج 2، ص 35.

140- حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 135.

141- نهج البلاغه، ص 506، حکمت 207.

142- حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 135.

3- وصال بعد از فراغ: یکی از راهکارهایی که روانشناسان برای قدر دانستن همسر توصیه می کنند جدایی برای مدت کوتاه است. زیرا گاهی روابط زیاد منجر به تنش می شود و زوجین با جدایی موقتی فرصتی را برای احساس به یکدیگر تقویت می کنند.^{۱۴۳}

4- تبیین ادله: گاهی علت تعارض آن است که همسر ادله خود را بیان نکرده در چنین شرایطی فرد با دلایلی که در ذهن دترد کار خود را مستدل ارزیابی کرده و طرف مقابل را متهم به بی منطقی میکند. بنابراین صحبت به موقع می تواند کار ساز باشد. البته راهکارهای دیگری نیز وجود دارد نظیر: اعتنا نکردن به خواسته های فرد لجوج، رفع تعارض و صحبت نکردن در مورد گذشته و آینده و یا استفاده از شوخی که نیاز به توضیح ندارد.^{۱۴۴}

4- کنترل غضب:

یکی از مهمترین دستاوردهای اسلام به خصوص برای عصر جاهلیت رفق و مدارا با زنان است. برخورد کریمانه و پر عطف امری ضروری است که در طول تاریخ و برخورد پیامبر (ص) با زنان شاهد آن هستیم.

در این که غضب از رذایل اخلاقی است شکی نیست ولی در ارتباط با درمان آن باید گفت: اولاً: چنین فردی به مغضوبیت سزاوارتر است. او دیگران را دارای نقص می شمارد و به همین دلیل سرزنش و مشاجره می کند در حالی که خودش این برخورد را از دیگران نمی پسندد. چنان که پیغمبر (ص) می فرماید: «إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَىٰ مِنْهَا لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ بِالْخَشَبِ فَإِنَّ فِيهِ الْقِصَاصَ»^{۱۴۵} همانا خیلی تعجب می کنم از کسی که زنش را می زند در حالی که خودش مستحق کتک خوردن است. زنان را با چوب نزنید که در این کار قصاص است. «ثانیا: به عواقب کارمان بیندیشیم. اگر هدف ما انس با او و تشکیل یک زندگی حقیقی است و نه صرف یک روابط جنسی باید بدانیم برخورد خشونت آمیز مانع جذب مهر و محبت می شود. در این راستا نیز پیامبر مهربانی ها (ص) می فرماید: «ايضرب احدكم المراه ثم يضل معانقها»^{۱۴۶} آیا کسی از شما همسر خود را می زند و سپس با او همبستر می شود؟ (و شرم نمیکند.)»

¹⁴³ - ر.ک: همان، ص 136.

¹⁴⁴ - ر.ک: همان، ص 136-140.

¹⁴⁵ - شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص 158.

¹⁴⁶ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 509.

به هر حال باید با زنان مدارا کرد و آیاتی چون 34 نساء را همراه با روایات تفسیر کرد.^{۱۴۷}

البته در ارتباط با برخورد همسر نیز باید نکاتی در نظر گرفته شود. مثلاً به هیچ عنوان تذکر به فرد عصبانی در لحظه عصبانیت درست نیست و به نوعی سرزنش و عیب جویی تبدیل می شود. زیرا در زمان عصبانیت فرد به دنبال توجیه برمی آید و نمی تواند منطقی فکر کند^{۱۴۸} و یا به هیچ عنوان جنگ مقابله راه نیندازید که این راه فقط شعله آتش را فروزانتر می کند بلکه باید به جای آن محبت را بیشتر کرد و نهایتاً از این طریق او را مجبور به پذیرش اشتباهش کرد.^{۱۴۹}

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این فصل گفته شد. می توان گفت زن و مرد با شناخت این ویژگی ها و به کارگیری آنها می توانند احساس رضایت مندی را بالا برده و زندگی شیرینی تری را برای خود رقم بزنند. البته شماری از این خصوصیات در افراد به صورت نهان و مخفی وجود دارد ولی افراد از به کارگیری آن بی بهره اند. با تلاش و اهمیت و مرور بر این شاخصه ها می توان این صفات خوب را به منصفه ظهور رسانید. لازم است که زوجین حتماً مقداری از وقت خود را برای مطالعه و به کار بستن این شاخصه های مهم بگذارند تا شاهد موفقیت چشم گیر حاصل از آن باشند.

¹⁴⁷ - برگرفته از: حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 222-224.

¹⁴⁸ - امیرالمومنین علی(ع): «شدت خشم، نحوه سخن گفتن را تغییر داده، ریشه برهان و دلیل را قطع نموده و فهم را از هم می گسلد.» بحار الانوار، ج 68 ص 428.

¹⁴⁹ - رک: عباسی ولدی، محسن، تاساحل آرامش، ج 4، ص 107-110.

فصل چهارم: شاخص های رفتاری

گفتار اول: وظایف مشترک زن و مرد

1- خوشرویی

از مهمترین و برترین فضیلت ها "حسن خلق" و اخلاق نیک است. خداوند پیامبرش را در قرآن با "خلق عظیم" ستوده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^{۱۵۰} و یقیناً تو بر ملکات و سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری». این مهم درمباحث خانواده ارزش خود را بیشتر نشان می دهد به طوری که از حقوق همسر شمرده شده است. رسول خدا(ص) می فرماید: «حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَىٰ زَوْجِهَا أَنْ يَسُدَّ جَوْعَتَهَا وَ أَنْ يَسْتُرَ عَوْرَتَهَا وَ لَا يُفَبِّحَ لَهَا وَجْهَهَا»^{۱۵۱} حق زن بر شوهرش این است که او را گرسنه نگذارد، بدنش را بپوشاند و با او ترش رویی نکند.»

با شناخت آثاری که در روایات برای خوشرویی ذکر می شود، تلاش ما نیز دو چندان می شود. آثاری چون:

الف) کینه زدایی: «گاهی برطرف ساختن کینه هایی که در فرد رسوخ کرده، کاری بسیار سخت و گاهی هم غیرممکن است. اما مواجه شدن با رویی گشاده به مثابه دارویی است کارآمد که کینه ها را از بین می برد.»^{۱۵۲} امام کاظم (ع) در روایتی از رسول خدا(ص) می فرماید: «حُسْنُ الْبَشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ»^{۱۵۳} خوش رویی کینه را می زداید.»

ب) ایجاد اُلفت و مهربانی: امام علی(ع) در این باره فرمود: «طَلَّاقَةُ الْوَجْهِ بِالْبَشْرِ ... ذَاعَ إِلَىٰ مَحَبَّةِ الْبَرِيَّةِ»^{۱۵۴} گشاده رویی باعث دوستی خلق است.»

ج) قرب به خداوند: امام باقر(ع) در این باره فرمود: «الْبَشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَّاقَةُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبَشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَ بَعْدٌ مِنَ اللَّهِ»^{۱۵۵} خوش رویی و گشاده رویی آوردگاه محبت و نزدیکی به خدای عزوجل است و ترش رویی آوردگاه بغض و کینه و دوری از خداوند است.»

150 - سوره قلم، آیه 4.

151 - مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 100، ص 254.

152 - حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 165.

153 - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 104.

154 - تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 434، ح 9938.

155 - ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص 296.

2- ابراز تشکر و قدردانی

«در برابر احسان همسر، واکنش های مختلفی را می توان نشان داد که یکی از آنها «مقابله برابر» است؛ یعنی خوبی همسر را با همانند آن خوبی، پاسخ دادن. این همان چیزی است که قرآن کریم از آن با تعبیر « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟^{۱۵۶} آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟» یاد می کند. هر چند این کار، در جای خود مطلوب و ارزشمند است، با این حال، آن چیزی نیست که تاکید نهایی دین بر آن باشد. تاکید دین بر «مقابله برتر» است؛ یعنی خوبی همسر را با خوبی بهتر از آن پاسخ دادن. این همان چیزی است که در ادبیات دین، از آن به عنوان «تشکر» یاد می شود. تشکر کردن، با رفتار همانند انجام نمی شود. امام صادق (ع) نقل می کند که امام علی (ع) هماره این جمله را می فرمود: «مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَاِنَّمَا كَافَاةٌ وَ مَنْ أَصْعَفَهُ كَانَ شَكُورًا؛^{۱۵۷} هر که در برابر خوبی ای که به او شده، همانند آن، خوبی کند، آن خوبی را پاداش داده است و هر کس بیشتر از آن، خوبی کند، سپاس گزاری کرده است.» بنابراین، آنچه اسلام بر آن تاکید دارد، سپاس گزاری از نوع مقابله بهتر است که یکی از ویژگی های مهم در روابط همسران است.»^{۱۵۸}

3- برنامه ریزی، پرهیز از روزمرگی و مدیریت زمان

همان طور که می دانیم، زمان زود گذر و عمر همانند برق می گذرد. برای بهره برداری بهتر از فرصت ها و ساعات عمر باید به یک «برنامه ریزی» منسجم دست زد تا در دامن «روزمرگی» نیفتیم. برنامه ریزی به ما کمک می کند هم بهترین استفاده را از اوقات ببریم و هم کارها به طور صحیح و با کیفیت انجام شود. برای برنامه ریزی خوب و مدیریت زمان نکات زیر دارای اهمیت است:

- فعالیت های روز بعد را، از شب قبل برنامه ریزی و یادداشت کنیم؛
- کارها را اولویت بندی کرده و برای هر کدام ضرب الاجل قرار دهیم؛
- کارهای سخت را زودتر و در بهترین شرایط جسمی و روحی انجام دهیم؛
- کارهای با اهمیت اما ناخوشایند را به تعویق نیندازیم، چون خوشایندتر نمی گردند؛
- میان فعالیت ها برای خود وقت استراحت نیز در نظر بگیریم؛

¹⁵⁶ - سوره الرحمن، آیه 60.

¹⁵⁷ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 4، ص 28.

¹⁵⁸ - پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، ص 140.

- همواره خودانگیخته و با پشتکار باشیم و مقهور موانع نگردیم؛
- به محض دریافت بی فایده بودن کار جاری، از آن دست بکشیم؛
- به اولویت بندی خود اعتماد داشته و به آن پایبند باشیم؛
- نظارت کنیم که وقت خود را صرف چه اموری می کنیم؛
- منظم باشیم تا وقت خود را صرف یافتن گم گشته ها نکنیم؛
- بدانیم که افسوس خوردن کارهای انجام نشده نیز استرس و خستگی زیادی دارند؛
- اجازه ندهیم کسی وقتمان را برای خود بگیرد، «نه گفتن» را بیاموزیم؛
- خوش بین و همواره در انتظار رویدادهای خوشایند باشیم؛
- اهداف خود را مشخص کرده و برای دستیابی به آنها تلاش کنیم؛
- هنگام نیاز، از افراد آگاه راهنمایی بخواهیم؛
- هدر دهنده های وقت را به کمترین حد برسانیم (مثل تلفن ها و بازدیدهای غیر ضروری، گفتگوهای بی ثمر و نا مشخص، بی نظمی، تماشای تلویزیون به صورت انفعالی و...) ^{۱۵۹}.

4-تفریح و شادی

تفریح و شادی؛ یکی از راه های تقویت و انسجام بخشی به زندگی مشترک است. بر خلاف آنچه که برخی می پندارند، دین هرگز با شادی مخالف نیست. در روایات اسلامی تاکید فراوانی بر شاد زیستی و شاد کردن دیگران آمده است. به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِذْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۶۰} همانا محبوب ترین اعمال نزد خداوند متعال، شاد کردن مومنان است. امام باقر (ع) نیز در این باره می فرماید: «لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ فَقَطْ بَلْ وَاللَّهِ عَلَيْنَا بَلْ وَاللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص)»^{۱۶۱} وقتی یکی از شما مومنی را شاد می کند، گمان نکند که تنها او را شاد کرده؛ بلکه به خدا قسم ما را هم شاد کرده است، به خدا قسم رسول خدا (ص) را هم شاد نموده است.».

¹⁵⁹ - کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص 236.

¹⁶⁰ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 189.

¹⁶¹ - همان.

شادی و تفریح از نگاه اسلام، یکی از صفات مومنین محسوب می شود: «امام علی (ع) فرمود: لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُرْمُ [فِيهَا مَعَايِشُهُ] مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي [فِيهَا] بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدُنْهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ؛^{۱۶۲} برای انسان مومن سه ساعت است (زندگی مومن سه قسمت است). ساعتی با خدایش در نیایش است، ساعتی معاش خود را تنظیم می کند و ساعتی را ما بین خود و لذایذ حلال و خوشایند می گذرانند. و برای انسان خردمند شایسته نیست به دنبال چیزی باشد مگر سه چیز: تنظیم معاش، گام برداشتن در راه آخرت و لذتی که حرام نباشد.»

تفریحات سالم از منظر دین نه تنها ممنوع نیست بلکه به آنها نیز تشویق شده است. امام صادق (ع) می فرماید: «سرور و شادی در چند چیز است: قدم زدن، به فضای سبز و درختان نگریستن، سوار کاری، شنا کردن و...»^{۱۶۳}

5- گفتگوی سالم

یکی از مشکلات امروز خانواده ها، کم رنگ شدن فرهنگ گفتگو بین زوجین است. طبق آمار رسمی بیشترین میزان گفتگو میان زن و شوهر های ایرانی در شبانه روز، نیم ساعت است.^{۱۶۴} این میزان از گفتگو در سطح بسیار پائینی قرار دارد که برای ارتقای محبت و کم شدن اختلافات در خانواده، باید این میزان را افزایش داد. در واقع با گفتگو، طرف مقابل خواسته های همسر خود را می فهمد و سعی می کند برنامه های خود را طبق آن تنظیم کند. اگر یکی از طرفین دیدگاه اشتباهی داشته باشد، گفتگو این امکان را می دهد تا طرف مقابل درصدد اصلاح آن برآید.

البته بعضی از زوجین بر اهمیت گفتگو اذعان دارند ولی نمی دانند درباره چه چیزهایی باید گفتگو کنند. در این باره می توان چند موضوع را پیشنهاد کرد که البته موضوعات گفتگو تنها در این موارد خلاصه نمی شود. موضوعات پیشنهادی عبارتند از: «1- درباره اختلافات، برای رفع آن. 2- درباره اشتراکات، برای تقویت آن. 3- درباره امور روزمره زندگی، برای باز کردن سفره دل و اطلاع از اوضاع یکدیگر. 4- درباره مسائل دینی، برای معرفت اندوزی

¹⁶² - صبحی صالح، نهج البلاغه، ص 545، کلمات قصار شماره 390.

¹⁶³ - «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ نُشْرَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَالِارْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالنَّظَرَ إِلَى الْخَضْرَاءِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالنَّظَرَ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْجَمَاعِ وَالسُّوَاكِ وَغَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخِطْمِ فِي الْحَمَامِ وَغَيْرِهِ وَ مُحَادَثَةَ الرَّجَالِ.» برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج 1، ص 15.

¹⁶⁴ - خبرگزاری فارس. 1384/3/1.

و رسیدن به نوع نگاه مشترک. 5- درباره تربیت فرزند، برای رسیدن به وحدت رویه. 6- درباره مسائل علمی، برای بالا بردن اطلاعات.^{۱۶۵}

6- مشاوره درست و به جا

مشورت؛ یکی از اصول مهم در زندگی انسان است. قرآن کریم و روایات اسلامی همواره لزوم مشورت با دیگران را مورد تاکید قرار داده اند. مشورت؛ تا بدان جا اهمیت دارد که خدای متعال یکی از سوره های قرآن را به نام «شوری» نام نهاده است. در فرازی از سوره ی شوری، یکی از صفات مومنین را مشورت با دیگران معرفی می کند: «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»^{۱۶۶} و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است. در آیه ای دیگر نیز بر لزوم مشورت در امور تاکید می کند و به پیامبر(ص) می فرماید: «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^{۱۶۷} و در کارها با آنان مشورت کن.»

در سیره پیامبر اکرم(ص) نیز همواره دو امر مورد تاکید و اصرار ایشان بوده است: «1- در تصمیم گیری ها از نظر دیگران آگاه می شد و با آنان مشورت می کرد. 2- در تحقق کارها و تصمیم های گرفته شده با یاران مشارکت می کرد.»^{۱۶۸}

مشورت در زندگی مشترک و امور خانوادگی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. «متاسفانه برخی درباره مشاوره دیدگاه بدی دارند. احساس می کنند مشاوره، یعنی دخالت شخص سوم در زندگی؛ در حالی که مشاوره، دخالت در زندگی نیست، کمک کردن به زندگی است. مشاوره، مشارکت یک یا چند عقل برای یافتن راه صحیح است.»^{۱۶۹}

البته باید توجه داشت، هر کسی صلاحیت مشاوره ندارد. مخصوصا در مسائل خانوادگی، مشاور باید دارای ویژگی های باشد که عبارتند از: «1- عاقل، مدبر و دور اندیش. 2- خدا ترس 3- صاحب نظر. 4- خیر خواه و دل سوز. 5- مقید به دین. 6- رازدار. 7- حلیم. 8- با تجربه. 9- شجاع. 10- دور از بخل و حرص.»^{۱۷۰}

7- استقلال فکری از پدر و مادر با حفظ احترام

165- عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، ج 3، ص 22-25.

166- سوره شوری، آیه 38.

167- سوره آل عمران، آیه 159.

168- قاسمی، حسین، پیامبر مهربانی، ص 51.

169- عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، ج 3، ص 127.

170- ر.ک: همان، ص 129-135.

یکی از چیزهایی که به محبت ضربه می زند و گاهی علت برای طلاق می شود دخالت‌های دیگران به خصوص پدر و مادرهاست. «ما باید از حیوانها یاد بگیریم که بچه هایشان را تا زمان احتیاج سرپرستی می کنند اما وقتی احتیاج به مادرنداشتند و توانستند مستقل زندگی کنند مادر آنها را رها کند دیگر دلسوزی های بی جا نکند. چون اسم این کار جنایت و خیانت است. ما باید در این شرایط حمایت خود را جهت دهی کنیم و به عکس طرفدار عروس و داماد باشیم و لولاینکه مقصر هم باشند. این دخالتها معمولاً منجر به نمایی و سخن چینی می شود. قرآن می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنْ كُنَّ تُبُوًّا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلْحَرِيقُ»^{۱۷۱} کسانی که مردان و زنان مؤمن را مورد شکنجه و آزار قرار دادند، سپس توبه نکردند، پس عذاب دوزخ و عذاب سوزان برای آنان است.» از وظائف بزرگان و از وظائف زن و شوهر در چنین شرایطی آن است که با وجود احترام ها نگذارند دیگران برای آنها تصمیم بگیرند. اگر زن و مرد به یکدیگر با وفا باشند نمی گذارند چنین اتفاقی بیفتد به خصوص خانمها.^{۱۷۲} مردان باید احترام همسر و مادر را نگه دارند و خدشه ای به شخصیت آنها وارد نکنند. «آنچه در قبال پدر و مادر واجب است ادای حقوق آنهاست. کسب رضایت پدر و مادر به هر قیمتی واجب نیست. ممکن است آنها کاری را از ما درخواست کنند که از نگاه شرعی حرام است. بنابراین اطاعت از پدر و مادر در هر امری لازم نیست^{۱۷۳} و نفرینی که از آن می ترسیم در این زمان و به دلیل گوش ندادن به هر آنچه آنها می گویند، گمراه نیست. چون عاق شدن به معنای مورد نفرین قرار گرفتن نیست بلکه به معنای ترک احسان است و کسی که حقوق آنها را ادا می کند، مطمئن باشد که عاق نمی شود.»^{۱۷۴}

8- دعا و توسل

طبق آیات و روایات دنیا محل آسایش نیست بلکه مکانی است برای ابتلا و امتحان ولی ما از دنیای خود بهشتی ساخته ایم که باید تمام خواسته هایمان در آن بر آورده شود و مهمترین رکنی که خواستار آنیم احساس شادی و خوشبختی است. ولی واقعیت این است که شادکامی و احساس خرسندی از زندگی مشروط به وجود داشتن سختی و مشکلات یاد داشتن مادیات نیست بلکه احساس ناشادکامی معلول برخوردار نبودن مهارتهای لازم برای این دوران است. «علاوه بر آنچه قبلاً ذکر شد از مهارت ها و چگونگی واکنشها، «دعا» به عنوان عامل و مهارتی مهم در کلام معصومین جای

¹⁷¹ - سوره بروج، آیه 10.

¹⁷² 1- برگرفته از: مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، ص 305-308. (با تلخیص).

¹⁷³ - سوره لقمان، آیه 14.

¹⁷⁴ - ر.ک: عباسی ولدی، محسن، تاساحل آرامش، ج 4، ص 45 و 46.

دارد که موجب تقویت توان روحی انسان می شود.^{۱۷۵} امام صادق(ع) درباره سیره پدرشان در زمان گرفتاری ها و مشکلات می فرماید: «کان ابی اذا احزنه امر جمع النساء والصبيان ثم دعا و امنوا؛^{۱۷۶} پدرم هنگامی که برای امری محزون می شد، زنان و فرزندان را جمع می کرد، سپس دعا می نمود و آنها آمین می گفتند.» بنابر این دعا سلاح مومن و انبیاء و اولیاء است.^{۱۷۷}

البته نقش دعا علاوه بر نیرو و تسکین دهنده ای قوی در مقابله با مشکلات، در بسیاری موارد در کنار تلاش همسر، شرطی است برای موفقیت در زندگی. به عبارت دیگر ناموفقیتی ما گاهی معلول به بی اهمیتی ما نسبت به نماز و عبادات است.^{۱۷۸} و گاهی بهانه ای است برای نیایش نزدیک شدن به خدا.^{۱۷۹} همان که می گویند گرفتاری ها گاهی بلای عقوبت کیفر است و گاهی ابتلای مومن.

9- نگاه درست به زندگی

برای آنکه در هنگامه هجوم مشکلات و سختی ها توان صبر خود را بالا ببریم، لازم است طرز نگرش خود را اصلاح کنیم. لازمه نگاه درست به زندگی این است که نگاه های غلط را از خود دور کنیم. یکی از نگاه های غلط به زندگی این است که برخی «پول زیاد» را عامل خوشبختی و زندگی ایده آل می دانند. اما قرآن کریم این نگاه را رد می کند و سعادت اخروی را بر پول داری در دنیا ترجیح می دهد.^{۱۸۰} یکی دیگر از نگاه های اشتباه این است که شخص فکر می کند همین که همسر خوبی دارد کفایت می کند و خودش نباید به تقوا و پرهیزکاری روی آورد. قرآن در این باره دیدگاه غلط همسر نوح(ع) و همسر لوط(ع) را نقل می کند که آنها فکر می کردند همین که همسر پیامبر الهی هستند آنها را کفایت می کند، در حالی که خداوند آنها را وارد آتش می کند.^{۱۸۱}

10- واکنش مناسب به بد اخلاقی طرف مقابل

¹⁷⁵ - پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، ص 343.

¹⁷⁶ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 68، ص 143.

¹⁷⁷ - رسول خدا(ص): «الدعا سلاح المومن». کلینی، الکافی، ج 2، ص 467.

¹⁷⁸ - ر.ک: مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، ص 296.

¹⁷⁹ - امام باقر(ع) می فرمایند: «هرگاه خدای تبارک و تعالی بنده ای را دوست بدارد، او را در بلا غوطه ور می کند و باران بلا را بر سر او می ریزد.» کلینی، الکافی، ج 3، ص 352.

¹⁸⁰ - ر.ک: سوره قصص، آیه 76-82.

¹⁸¹ - ر.ک: سوره تحریم، آیه 10.

با وجود توصیه هایی که در باب خوش اخلاقی و خوشرویی شد ممکن است این شرط از طرف همسرمان تامین نشود. در چنین وضعی باید چه عکس العملی داشته باشیم؟ سه واکنش در این مرحله ارزیابی می شود:

الف) واکنش برابر: براساس آن فرد می تواند حق خود را بستاند و خواستار جبران شود. این برخورد اگرچه شرعا و عقلا درست ارزیابی می شود و خداوند گاهی اجازه «مقابله به مثل» را داده است.^{۱۸۲} ولی آسیب خود را اول در مرتبه پایین تر بر خانواده وارد می کند. و زندگی را از حالت شیرین صفا و صمیمیت به فضای خشک و بی روح تبدیل می کند.

ب) الگوی دیگر «واکنش بدتر» است. که براساس آن فرد در برابر ضربه طرف مقابل شدیدتر و بدتر پاسخ می دهد. این واکنش ظالمانه است و وضع را بحرانی تر می کند و امکان آشتی و بازگشت به آرامش را به شدت کاهش می دهد.

ج) مقابله سوم که «واکنش برتر» نام دارد، در ادبیات دین به عنوان عفو و گذشت از آن یاد می شود. فردی که از اشتباه طرف مقابل نمی گذرد، در واقع بر آن تمرکز می کند و در همان موقعیت تلخ می ایستد. این کار مانند ایستادن در کنار زباله و فاصله نگرفتن از آن است که هم بوی نامطبوع دارد و منظری زشت و هم وی را از مناظر زیبای دیگر محروم می کند. خداوند در سوره فصلت آیه 34 می فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است.»

بنابراین اشتباه از پدیده های غیرقابل انکار و اجتناب ناپذیر زندگی است و در مقابل بهترین راه عفو و گذشت است^{۱۸۳} و از چنین معنای مکمل بودن زن و مرد احساس می شود چرا که در سایه زندگی مشترک مفاهیم و مهارتهای زیادی را کسب می کنند.

گفتار دوم: وظایف زن

1- خوش زبانی

¹⁸² -سوره بقره آیه 194

¹⁸³ -ر.ک: پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، ص 156-161.

«یکی از ویژگی های انسان که او را از دیگر موجودات متمایز کرده و بر آنها برتری داده، توانایی سخن گفتن است تا از آن برای بیان مقاصد و رفع نیازهای خود یاری بگیرد. این توانایی نیز مانند دیگر توانایی های بشری، هم می تواند در مسیر صحیح به کار گرفته شود و هم در مسیر باطل. در قرآن کریم بر استفاده صحیح از زبان و سخنان نیکو گفتن بسیار تاکید شده است.»^{۱۸۴}

در زندگی مشترک نیز خوش زبانی و سخن نیکو گفتن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در مقابل بد زبانی و سخنان ناشایست باعث دشمنی و ایجاد نزاع و درگیری می شود. خداوند متعال با تاکید بر خوش زبانی از سوی بندگان، شیطان را عامل بدزبانی و نتیجه بد زبانی را دشمنی معرفی می کند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»^{۱۸۵} و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان [به سبب سخنان زشت و بی منطق] دشمنی و نزاع می افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.»

از نگاه قرآن، معیار سخن نیکو، «قول سدید» است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^{۱۸۶} ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گویند. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه و توضیح «قول سدید» می نویسد: «کلمه "سدید" از ماده "سداد" است، که به معنای اصابت رأی، و داشتن رشاد است، و بنا بر این، قول سدید، عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد، و هم لغو نباشد، و یا اگر فایده دارد، فایده اش چون سخن چینی و امثال آن، غیر مشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می گوید مطمئن باشد، و نیز گفتار خود را بیازماید، که لغو و یا مایه افساد نباشد.»^{۱۸۷}

بنابر روایت اسلامی، خوش زبانی در زندگی مشترک، عامل افزایش روزی، تاخیر اجل، ورود به بهشت و محبوبیت نزد خانواده و خویشاوندان می باشد. امام باقر(ع) در این باره فرمود: «سخن نیکو، مال را افزون می کند؛ روزی را رشد می دهد؛ اجل را به تاخیر می اندازد؛ شخص را محبوب خانواده و خویشان می سازد و او را وارد بهشت می کند.»^{۱۸۸}

184 - داودی، محمد، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، ص 130.

185 - سوره اسراء، آیه 53.

186 - سوره احزاب، آیه 70.

187 - طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه آیت الله موسوی همدانی، ج 16، ص 523.

188 - محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ص 2743.

رفق و مدارا یکی از اصول دیگری است که باید همواره در زندگی مشترک مورد توجه باشد. در روایات اسلامی بر لزوم مدارا با دیگران تاکید شده است. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «...وَاعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ؛¹⁸⁹ عاقل ترین مردم کسی است که بیش از دیگران با مردم مدارا کند». در سخنی دیگر در خصوص مدارا در زندگی مشترک و پاداش آن فرمود: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سَوْءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَ عَلَى بَلَائِهِ وَ مَنْ صَبَرَتْ عَلَى سَوْءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ؛¹⁹⁰ هر مردی که در برابر بد اخلاقی زن خویش صبر کند، خداوند همانند پاداشی که بر بلایای ایوب به او داد، به این مرد می دهد. و هر زنی که در برابر بد اخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند پاداشی مانند پاداش آسیه دختر مزاحم {همسر فرعون} به او می دهد.»

«ناگفته پیداست که لازمه مدارا، برخورد نرم خویانه و سازگارانه است که به آن رفق گفته می شود. کسی که بنای مدارا با همسر دارد، باید رفق و سازگاری را سر لوحه خود قرار دهد؛ چرا که بدون رفق، مدارا معنا نمی یابد. زیبایی زندگی به همین رفاقت است و واقعا بدون آن، زندگی تابلوی بسیار زشتی می شود.»¹⁹¹

از نگاه دین، سازگاری دوشاخه دارد اولاً: نباید موجب تضییع حق دیگری و به گناه افتادن شود و بهانه ای برای ورود درهرکاری نیست. بنابراین یکی از مرزهای سازگاری حق مداری است. ثانیاً: سازگاری و مدارا نباید از روی ضعف و زبونی فرد در برابر همسر باشد. همسر سازگار با وجود اقتدار سازش می کند. در مدارای ناشی از اقتدار فرد با اینکه از طرف مقابل ترسی در خود راه نمی دهد به دلیل بزرگواری و کرامت نفس خطای فرد را نمی بیند و از آن می گذرد. از این رو می توان گفت مدارا و سازگاری باید «حق مدارانه» و «مقتدرانه» باشد.¹⁹²

3-دادن استقلال و آزادی نسبی به مرد

«مردان به دنبال آزادی و استقلال هستند. همسران آنان نباید با حربه هایی که در زندگی زناشویی در اختیار دارند، مردان را زیر سلطه خود در آورند، حس استقلال و آزادی آنها را از بین ببرند و آنان را به مهره ای بی خاصیت در

¹⁸⁹ - ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 395.

¹⁹⁰ - طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ص 213.

¹⁹¹ - عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، ج 3، ص 106.

¹⁹² - پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، ص 215.

مدیریت و تدبیر منزل تبدیل کنند؛ بنابر این احترام به آن ها در دادن حق تصمیم گیری و نظارت به آنان تحقق پیدا می کند.»^{۱۹۳}

گفتار سوم: وظایف مرد

1- کار و تلاش و کسب روزی حلال

خدای متعال قوام بشریت و انسان را در گروهی کار و تلاش و مجاهدت او می داند: « وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛^{۱۹۴} و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست.». در آیه ای دیگر نیز با تاکید بر پی جویی رزق و روزی، انسان ها را به سفرهای تجاری تشویق می کند و می فرماید: « هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ؛^{۱۹۵} اوست که زمین را برای شما رام قرار داد، بنابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید و از روزی خدا بخورید، و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست.». در آیه ای دیگر بر کسب روزی حلال و طیب تاکید کرده و می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛^{۱۹۶} ای مردم! از آنچه [از انواع میوه‌ها و خوردنی‌ها] در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است.». پیامبر اکرم (ص) نیز طلب روزی حلال را یکی از وظایف هر مسلمانی می داند: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛^{۱۹۷} طلب روزی حلال، وظیفه‌ی هر مرد و زن مسلمان است.». در سخنی دیگر پیامبر اکرم (ص) عبادت را به هفتاد جزء تشبیه کرده که فضیلت ترین آن، طلب روزی حلال است: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ؛^{۱۹۸} عبادت هفتاد جزء دارد که با فضیلت ترین آن طلب روزی حلال است.». امام صادق (ع) نیز مردی را که در راه تامین معاش خانواده تلاش می کند، به عنوان مجاهد فی سبیل الله معرفی می کند: «الكَادُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^{۱۹۹} تلاش کننده برای

193- حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 230-231.

194- سوره نجم، آیه 39.

195- سوره ملک، آیه 15.

196- سوره بقره، آیه 168.

197- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 100، ص 9.

198- همان.

199- همان، ج 97، ص 7.

خانواده مانند مجاهد در راه خدا است.» آثار و برکات فراوانی هم بر روزی حلال و لقمه حلال ذکر شده است^{۲۰۰} که این مجال فرصت ذکر آن را ندارد.

2- تدبیر و مدیریت

«یکی از عوامل سازگاری، تدبیر مرد برای ایجاد زمینه های مناسب سازگاری و از بین بردن زمینه های نامناسب آن است. معروف است که پیشگیری، همواره بر درمان مقدم است. به همین دلیل در آیین اسلام بدین امر توجه خاصی شده و مرد وظیفه دارد با مدیریت درست زمینه حرکت خانواده به سوی آرامش و سازگاری هر چه بیشتر را فراهم سازد.»^{۲۰۱}

مدیریت و تدبیر مرد در شئون مختلفی جاری است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) ایجاد حریم: یکی از چیزهایی که آرامش خانواده را بر هم می زند، نگاه های منفی است که منجر به مشکوک شدن طرفین به یک دیگر می شود. راه کار اساسی در مبارزه با بروز شک، ایجاد حریم بین محرم و نامحرم است. امام علی (ع) در نامه خود به فرزند گرامی اش، امام مجتبی (ع) می فرماید: «وَ اكْفُفْ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ يَا هُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْنَهُنَّ وَ كَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدِّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْنَهُنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ»^{۲۰۲} با حجاب، مشاهده زنان را ببوشان! زیرا پوشش، آن را سالم تر و پاک تر نگاه خواهد داشت؛ خارج شدن و بیرون رفتن آن بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را در میان آن ها راه دهی. اگر بتوانی کاری کنی که آن ها غیر از تو دیگری را نشناسند، این کار را بکن.»

ب) مهار هیجان: یکی دیگر از شئون مدیریت مرد این است که مراقب باشد هیجانات زن در فضای غیر از خانه بروز نکند. از نگاه دین هیجانات زن مخصوص فضای خانه است و نباید بیرون از آن بروز پیدا کند لذا امیرمومنان علی (ع) خطاب به مردان می فرماید: «لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوجَ عَلَى السَّرُوجِ فَتَهَيَّجُوهُنَّ لِلْفُجُورِ»^{۲۰۳} زنان را بر زین سوار نکنید؛ چرا که آنان را برای کارهای زشت تهییج می کنید.»

۲۰۰- ر.ک: همان، ج 100، ص 9-16.

۲۰۱- حسین زاده، علی، همسران سازگار، ص 257.

۲۰۲- صبحی صالح، نهج البلاغه، ص 405، نامه 31.

۲۰۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 516.

ج) موعظه و نصیحت: اگر خدای ناکرده، زن به علت دوستان و همسایگان نامناسب به اخلاق بد خو گرفت و یا مرتکب کار حرامی شد. حتما مرد باید او را موعظه کند. البته از نگاه دین، حتی قبل از اینکه خدای ناکرده بانوان به سمت منکر بروند آنها را به معروف سوق داد. امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می کند: «ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صِ النَّسَاءَ فَقَالَ عِظُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ قَبْلَ أَنْ يَأْمُرَنَّكُمُ بِالْمُنْكَرِ؛²⁰⁴ پیامبر اکرم (ص) از زنان یاد کردند و فرمودند: آنها را به معروف موعظه کنید پیش از آنکه شما را به منکر فرمان دهند.»

د) کم کردن انتظارات: یکی از راهکارهای سازگاری، سوق دادن زنان به سمت قناعت و پایان آوردن سطح توقعات است. امیر مومنان علی (ع) فرمود: «أَنْفَعُ الدَّوَاءِ تَرْكُ الْمُتَنِيِّ؛²⁰⁵ سودمندترین دوا، ترک آرزوهاست.» و در سخنی دیگر فرمود: «أَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمُتَنِيِّ؛²⁰⁶ بالاترین ثروتمندی، ترک آرزوهاست.»

ه) سکوت: یکی از بهترین تدبیرهای مرد در زمان بحران و تنش در زندگی، سکوت است. امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّمَا النَّسَاءُ عَيْ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا الْعَوْرَةَ بِالْبَيُوتِ وَ اسْتُرُوا الْعِيَّ بِالسُّكُوتِ؛²⁰⁷ همانا زنان کم توانند و از حل بعضی مسائل در می مانند. وجود فیزیکی آنان به گونه ای است از تظاهر بدان حیا می کنند. پس وجودشان را با حضور در خانه بپوشانید و درماندگی آنان را با سکوت مداوا کنید.»

و) حسّ عزتمندی مرد در ذهن زن: مرد باید در ذهن زن عزیز باشد، نه ذلیل. البته منظور از عزّت، ترسیدن زن از مرد و یا مرد سالاری نیست. بلکه منظور حفظ جایگاه و احترام اوست. امیر مومنان علی (ع) یکی از راه های عزتمندی در ذهن زن را اینگونه بیان می دارد: «...وَ اسْتَبِقِ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً فَإِنَّ إِمْسَاكَكَ عَنْهُنَّ وَ هُنَّ يَرَيْنَ أَنَّكَ ذُو اقْتِدَارٍ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَرَيْنَ حَالَكَ عَلَى انْكِسَارٍ؛²⁰⁸ نزد خود چیزهایی را نگه دار و به روی او نیاور. به درستی که پنهان کردن و حفظ کردن بعضی از امور از زن ها در حالی که تو را صاحب اقتدار ببینند، بهتر است از این که آن را بر ملا کنی و آنان تو را با حالی شکست خورده ببینند.»

²⁰⁴ - مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج 100، ص 227.

²⁰⁵ - تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 312، ح 7213.

²⁰⁶ - همان، ح 7212.

²⁰⁷ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج 20، ص 66.

²⁰⁸ - همان، ص 168.

3- وقار و متانت

پدر در خانواده باید همانند مادر برای سایرین دارای احترام و منزلت باشد. راه کار اساسی برای حفظ منزلت مرد در خانه به دست خود مرد است. او باید با حفظ وقار و متانت جایگاه خود در خانواده را نمایان کند. امیرمومنان علی (ع) می فرماید: «إِنْ تَوَقَّرْتَ أُكْرِمْتَ؛²⁰⁹ اگر وقار داشته باشی، گرامی می شوی.».

اثرگذاری پدر در خانواده نیز به حفظ وقار و متانت او بستگی دارد. اگر پدر می خواهد فرزندانش از او حرف شنوی داشته باشند و در مقابل او نایستند باید خود وقار و متانتش را حفظ کند. امیرمومنان علی (ع) فرمود: «بِالْوَقَارِ تَكْثُرُ الْهَيْبَةُ؛²¹⁰ با وقار شکوه و هیبت انسان بیشتر می شود.» البته این بدان معنا نیست که پدر و مرد خانواده وقار را تبدیل به تکبر و خدای ناکرده دیکتاتوری کند. زیرا مسلم است که زورگویی و اخلاق دیکتاتور مابانه از نگاه دین منفی و مردود است.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این فصل آمد، می توان به این نتیجه رسید که رفتار و اصلاح آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خوشرویی، ابراز تشکر و قدردانی، برنامه ریزی و پرهیز از روزمرگی، تفریح و شادی، گفتگوی سالم، مشاوره درست و به جا، استقلال فکری از پدر و مادر با حفظ احترام، دعا و توسل، نگاه درست به زندگی، واکنش مناسب به بد اخلاقی طرف مقابل؛ شاخصه های رفتاری مشترکی هستند که هر یک از زوجین با بکارگیری آن می توانند زندگی خوب و صمیمی تری را برای خود رقم زنند.

بانوی خانه نیز با خوش زبانی، رفق و مدارا و دادن استقلال و آزادی نسبی به مرد؛ می تواند رفتاری شایسته از خود نشان داده و رضایت شوهر خود را بیش از پیش جلب نماید.

مرد خانه نیز با هدیه دادن، کار و تلاش و کسب روزی حلال، تدبیر و مدیریت و رعایت وقار و متانت؛ فضای صمیمی و پر از عشق و محبت و شادی را برای خود، همسر و دیگر اعضای خانواده تامین کند.

²⁰⁹ - تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 250، ح 5196.

²¹⁰ - همان، حدیث 5197.

فصل پنجم: اخلاق شهروندی خانواده مسجدی

ترافیک ناشی از رانندگی نادرست و خودخواهانه، عبور عابر پیاده از میانه خیابان و زمانی که چراغ برای وی قرمز است، پارک-های دوپل و بوق زدن‌های ممتد رانندگان به معنای توهین و اعتراض به یکدیگر، هجوم مسافران برای ورود به قطار شهری قبل از این که مسافران از داخل واگن پیاده شوند، رها کردن زباله در اتاق شوتینگ یک مجتمع آپارتمانی، همه و همه تصاویر و برداشت ما از نبود اخلاق شهروندی در شهری است که در آن زندگی می‌کنیم. مهم نیست که این شهر در کجای ایران واقع شده است، اما واقعیت این است که در این کلان شهرها به واسطه تعدد اقوام و فرهنگ‌ها، نظارت کمتری بر روابط و رفتار اجتماعی ما وجود دارد. از سوی دیگر **اخلاق شهروندی به معنای اخلاقی زیستن و اجتماعی عمل کردن است**. این اخلاقی زیستن یکی از اصلی ترین مولفه‌های زندگی مدرن را تشکیل می‌دهد. اما چه اتفاقی می‌افتد که ما با دانستن همه قوانین و قواعد این اخلاقی زیستن و نیاز داشتن به آن برای زیستن بهتر را پشت پا گذاشته و منافع فردی را بر اجتماعی عمل کردن ترجیح می‌دهیم. اینجا است که تبیین شاخصه های اخلاق شهروندی و نقش خانواده در احیای و نقش حاکمیت در ارتقای آن ضروری می‌نماید.

تعریف اخلاق شهروندی چیست؟

اخلاق شهروندی را می‌توان مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در شهرها به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و به توسعه پایدار کمک کند .

● تعاریف و طرح مساله

در سنت اسلامی، پس از پیشینه صدر اسلام و تجربه دینی - اخلاقی آن، فیلسوفانی چون فارابی و ابن سینا مفهوم مدینه فاضله را در سنت نوافلاطونی به کار بردند و اخلاقی را در باره ضرورت ها، حقوق و وظایف شهروندان چنین شهری مطرح کردند.

در اروپا واژه شهروندی از (citoyen) فرانسوی و ریشه لاتین (Civis) می‌آید که فوستل دو کولانژ در تاریخ شهر باستان آن را در نزد یونانیان در اتحادی قراردادی میان رئوسای گروه های قبیله ای برای استقرار در یک نقطه مشخص (شهر) و تبعیت از خدایان و قوانین واحد و همچنین شرکت در مناسک مشترک است.

در دوران متاخر منتسکیو در روح القوانین شهروندی (citoyenete) را مجموعه ای از سازوکارهای اخلاقی - مدنی می‌داند که باید بر روابط میان شهروندان حاکم باشد.

انقلاب های جدید مفهوم شهروندی را به مثابه پایه ای برای دولت های ملی جدید قرار دادند: ملت مجموعه های منسجم از شهروندانی که به یک قدرت سیاسی مشروعیتی از پایین (برخلاف مشروعیت های از بالا در نظام های گذشته) می دهند.

در قرن بیستم دولت های رفاه و گسترش شهرنشینی به حکومت های محلی بزرگ یعنی کلان شهرهایی امکان پیدا شدن داد که هر یک دارای انباشت ثروت، جمعیت و قدرت دولت هایی کوچک و حتی متوسط را داشتند. این کلان شهرها امتیازات زیادی برای ساکنان خود فراهم می کنند اما در عین حال مشکل ساز نیز هستند (آلودگی های زیست محیطی، تنش ها و مزاحمت های همسایگی، شورش های شهری، اوباشیگری، انحرافات اجتماعی). ...

با توجه به این پیشینه تاریخی - نظری اخلاق شهروندی را می توان مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در این زمینه به ویژه در شهرهای بزرگ و متوسط اما همچنین در شهرهای کوچک به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و به توسعه پایدار یعنی امکان گذار آرام موقعیت های مناسب کنونی و از میان برداشتن موقعیت های نامناسب کنونی، برای نسل های آینده امکان دهد.

● ضرورت موضوع برای کشور ما

- مناطق غیر شهری این کشور (روستاها و عشایر) نیز به شدت به دلیل همجواری های فیزیکی با شهرها و به دلیل انقلاب اطلاعاتی و گسترش رسانه ها شهری شده اند.

- سرعت شهری شدن بسیار بالا بوده است بنابراین نتوانسته است ذهنیت های مناسب یعنی «شهروندی» را در شهرها به وجود بیاورد. در نتیجه ما بیشتر با روستاهایی شهر زده و با شهرهایی روستا زده روبرو هستیم تا با شهرهایی موقعیت های مناسب شهروندانه.

- وجود برخی از آسیبها و مشکلات اجتماعی - فرهنگی در شهرهای ما در حدی بالاتر از استانداردهای جهانی (مشکلات ترافیکی، برخی از انحرافات اجتماعی) ...

● چارچوب های جهانی ساخت اخلاق شهروندی

- فرایند جهانی شدن با محوریت اقتصاد نولیبرال و یک جانبه گرایی آمریکایی در آن و مقاومت های گوناگون در برابر این فرایند که جهان را در موقعیت تنش آمیز و خطرناک قرار داده است.

- بحران مردم سالاری های مبتنی بر تفویض و نمایندگی (احزاب، پارلمان، سندیکاها، حرفه ای ...) به دلایل زیر:

■ بی اعتمادی هر چه بیشتر مردم در سطوح عام به قشر سیاسی حرفه ای (از جمله به دلیل فساد اقتصادی) که آنها را بیشتر در دغدغه تجدید قدرت خود می بینند تا دلسوزی برای شهروندان

▪ پایان یافتن و یا کم اثر شدن عمومی سازوکارهای دولت رفاه که به پدید آمدن قشر بزرگی از محرومان در کشورهای ثروتمند شده است که اصطلاحاً به آنها «جهان چهارم» می گویند (جهان سومی درون جهان اول)

▪ غیر قابل کنترل شدن میراث استعماری: مهاجرت گسترده مردمان مستعمرات پیشین به کشورهای استعماری سابق و به وجود آمدن موقعیت های چند فرهنگی و تکثر و تعدد اقوام و زبان ها و ادیان کاملاً متعارض در پهنه های کوچک سرزمینی، نژاد پرستی ها و تبعیض ها و پی آمدهای آنها که گاه به گاه به صورت شورش های شهری با خسارات جانی و مالی بسیار ظاهر می شوند.

▪ شکل گرفتن و قدرت یافتن ابتکارهای محلی - منطقه ای، مقاومت های فرهنگی - انسانی در برابر جهانی شدن در روند کنونی آن، قدرت یافتن سازمان های غیر دولتی در سطوح منطقه ای و بین المللی

▪ اهمیت یافتن حکومت های محلی: شهرداری ها

● چارچوب انسان شناسی بحث

فرایند جهانی شدن بیشترین ضربه را به فرهنگ های غیر مرکزی زده است زیرا تلاش می کند آنها را یکسان و یک شکل کرده و برای تولید انبوه کالاهای خود بدل به مصرف کنندگان ساده نماید.

فرایند جهانی شدن در پی کالایی شدن همه چیز است که این امر به اخلاق، ارزش های انسانی، آداب و رسوم و سنت ها ضربه می زند و حفظ این میراث انسانی - فرهنگی امروز در دستور کار انسان شناسان قرار دارد.

مبارزه با فرایند جهانی شدن در روند کنونی آن امروز تقریباً صرفاً با ابزارهای فرهنگی یا سیاسی - فرهنگی امکان پذیر است، برعکس منطق و زبان زور دقیقاً همان جایی است که این روند تمایل دارد کشورهای جهان سوم را بدان هدایت کند زیرا در آن نقطه می تواند با غلبه زور خود مقاومت را ولو به صورت موقتی از میان بردارد.

آینده انسانیت بهر رو آینده ای چند فرهنگی و آمیزش میان فرهنگ ها و مردمان خواهد بود: مهاجرت ها، جا به جایی های فیزیکی انسان ها و کالاها و دانش ها و مهارت ها و اشیاء خود به خود نوعی آمیختگی به وجود می آورد که باید بتوان آن را پیش بینی کرد و از آن به صورت مثبت و در جهت منافع ملی و سود عوام شهروندان بهره گرفت.

رابطه اخلاق شهروندی و حقوق شهروندی

موضوع اخلاق شهروندی و رعایت آن تا حدود زیادی بستگی به رعایت حقوق شهروندان از سوی دولت دارد. یعنی رعایت حقوق شهروندان از سوی دولت، نقش بسزایی در رعایت اخلاق شهروندی از سوی شهروندان دارد. یکی از پژوهشگران بر اساس پژوهش میدانی ای که به روش تهیه پرسش نامه و جمع آوری دیدگاه های مردم، انجام داده است به این نتیجه رسیده است که «بین شاخص حقوق شهروندان با تعهدات شهروندان در قبال دولت در

سطح اطمینان 95 درصد رابط مثبت و مستقیمی وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان حقوق شهروندان افزایش یابد، تعهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت بیشتر نمایان میشود و تأثیر افزایشی و مثبتی خواهد گذاشت. همچنین میان دو متغیر انتظار شهروندان از دولت و میزان رعایت حقوق شهروندان رابط معنیدار و مستقیمی وجود دارد. به طوری که هر چقدر انتظار پاسخگویان از دولت افزایش یابد به همان میزان رعایت حقوق شهروندی در جامعه بیشتر میشود. تحلیل آماری گویای آن است که بین دو متغیر وظایف شهروندان در قبال دولت با میزان رعایت تعهدات و اخلاق شهروندی رابط معنی دار وجود ندارد.²¹¹

لذا اخلاق و تعهد شهروندی فرآیندی است که باید آن را همچون هدفی اساسی در نظر گرفت و به صورتی تدریجی ایجاد کرد. این انتظار که اخلاق و فرهنگ مربوط به آن به صورت خودکار و با تغییرات اساسی به وجود بیاید انتظاری کاملاً بیهوده است که نتیجه منفی آن انفعال و کنار گذاشتن اندیشه و ابتکار برای ایجاد و ساختن فرهنگ مزبور است.

ما در کشوری زندگی میکنیم که فرهنگ و پیشینه تمدنی چند هزار ساله دارد و منابع برای کار در این حوزه بسیار زیاد است. اما باید اذعان کرد که کمتر به این منابع توجه شده و اگر هم مورد توجه قرار گرفته اند کمتر برای استخراج موارد کاربردی و تبدیل کردن آنها به راهکارهای قابل قبول استفاده تلاش شده است.

مهمترین منابع قابل استفاده برای ایجاد اخلاق شهروندی در کشور را میتوان در موارد زیر یافت:

1. دین: انسجام دینی در کشور ما امتیاز مثبتی به حساب می آید. در عین حال اقلیتهای دینی ایران، ادیان ابراهیمی هستند که وجوه مشترکی با دین اکثریت دارند. هر چند در سالهای اخیر از این منابع استفاده شده است، اما هنوز با وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم. واقعیت آن است که باید بتوان از تمام ادیان و مذاهب موجود در کشور و از تمام توان قابل دسترس آنها در ایجاد اخلاق شهروندی بهره گرفت. در این زمینه طبعاً دین اسلام، دین رسمی است و اکثریت مطلق مردم این کشور دارای اولویت مطلق نیز هستند.

2. سنت: ما گنجینههای بزرگ از رفتارها، باورها، عرفها و آداب و رسوم داریم که هنوز بخش بزرگی از آن مورد استفاده قرار نگرفتهاند. مطالعه پیشینه چند هزار ساله شهرنشینی در ایران و اخلاق انسانی در این کشور میتواند کمکی اساسی برای بازآفرینی مدرنیته تلقی شود. مدرنیته در تناقض با سنت نیست، بلکه باید از دل آن بیرون بیاید. دلیل آنکه ما مدرنیته را بیشتر در تضاد و تنش با سنت میبینیم، برونزا بودن مدرنیته در تعریف کنونی آن و نبود همخوانی و همسازی آن با فرهنگ بومی است. هر فرهنگ و هر کشوری نیاز دارد و باید مدرنیته خود را براساس سنتهای خود بسازد.

²¹¹ - باقری، لایلا (1393)، بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت، فصلنامه اخلاق زیستی، سال چهارم، شماره یازدهم، بهار 1393،

3. تنوع محلی، قومی و زبانی: وجود سنتها و آداب و رسوم و زبان های محلی و قومی برای کشور ما ی نعمت بزرگ است که باید آن را قدر بدانیم و بتوانیم برای ساختن جامعه جدید خود از آن استفاده کنیم. این کار دو دلیل اصلی دارد: نخست آنکه استفاده و مدیریت صحیح، منبعی اضافه برای ساختن شهروندی برای ما به حساب میآید و دوم آن که مدیریت نامناسب و مبتنی بر پیشداوریهای نادرست سبب ایجاد تنش و افزایش خطر تفرقه هایی میشود که ما همواره توانسته ایم که در طول تاریخ خود از آنها پرهیز کنیم.

4. اخلاق مدنی: تقویت مفاهیم و باورهای اخلاقی باید در روند اجتماعی شدن به طور عقلانی انجام بگیرد و برای این کار باید فرآیندهای موازی اجتماعی شدن (خانواده، سیستم رسمی آموزش، حوزه عمومی زندگی شهروندان) با یکدیگر هماهنگی داشته و ناقض یکدیگر نباشند. در غیر اینصورت هیچی نمی تواند تأثیر چندانی داشته باشند و در نتیجه شهروندی شکل نمی گیرد. چرخه های نامناسب که آسیزا هستند باید به چرخه های مثبت و سالمساز بدل شوند.

5. اخلاق سیاسی: نقطه ضعف بزرگ جامعه ما شکل نگرفتن و درونی نشدن مفهوم «دولت» در ذهن مردم به معنای اصیل آن است. دولت به عنوان عنصری بیرونی و به مثابه نوعی حاکمیت جدا از کالبد عمومی درک میشود، در حالیکه باید آن را انعکاسی از روابط و اراده عمومی به شمار آورد. تقویت مشارکت سیاسی و فراهم آوردن زمینه های مناسب این مشارکت وظیفهای اصلی است؛ زیرا در چشم اندازی کوتاه و میان مدت ما هنوز باید در راه تقویت مردم سالاری پیش برویم. در همین حال باید فرآیندهای موازی را برای گذارغایی به مردم سالاری مشارکتی نیز فراهم کرد؛ یعنی تقویت حکومتهای محلی، تمرکززدایی، تقویت سازمانهای غیردولتی، بال بردن ظرفیتهای تقد و نقدپذیری در جامعه و کاهش تنشها و روابط مبتنی بر زور برای حفظ امنیت و صلح اجتماعی به مثابه مهمترین محور زندگی اجتماعی انسانها.²¹²

مسئولیت تک تک شهروندان مسلمان نسبت به مصالح عموم و فردفرد همشهریان خود، کانونی ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد و اسلام این معنا را با تأکید بر مفهوم «ولایت متقابل شهروندان بر یکدیگر» مورد تنفیذ قرار داده، به گونه ای که پایبندی به این تکلیف اساساً شرط ایمان است. آنچه موجب حفظ و امنیت جامعه و پا داشتن حرمت ها میشود، عقل، اخلاق، دیانت و حکومت است که در این میان حکومت اساسی ترین نقش را دارد. زیرا در صورت انحراف در عوامل دیگر آنها نقش خود را از دست میدهند، اما نظم آفرینی و پاسداری از حرمت و حقوق مردم و ایجاد امنیت و اجرای قانون ملازم هر حکومتی است. بنابراین دولت و مردم

²¹² - فکوهی، ناصر (1388)، «تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم سالاری مشارکتی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران. سال سوم. شماره 9، ص

نسبت به یکدیگر حقوقی دارند که با رعایت و اجرای آنها جامعه راه به سوی تکامل و توسعه میپیماید و اخلاق شهروندی بین مردمان نهادینه و امری مقبول و مرسوم می گردد.

تقسیم بندی اخلاق شهروندی

اخلاق شهروندی را می توان به سه زیر مجموعه تقسیم کرد:

1. اخلاق مردم با مردم
2. اخلاق مردم با مسئولین و مسئولین با مردم
3. اخلاق مردم با محیط پیرامونی.

1.1 اخلاق مردم با مردم

برای تبیین محورهای اخلاق مردم با مردم باید ویژگی های اخلاقی یک شهروند مسلمان در قبال دیگران را شناخت. از رهگذر شناخت این ویژگی ها هر شهروند مسلمان می تواند اخلاق خود با دیگران را سامان دهد.

مهم ترین ویژگی های شهروند مسلمان

آنچه در ذیل می آید برخی از مهم ترین ویژگی های یک شهروند مسلمان است.

1. پایمال نکردن حقوق مردم (حق الناس) و احترام به حقوق آنان

از منظر دین اسلام، اساس و بنیان زندگی اجتماعی، در احترام و گردن نهادن انسانها به حقوق اجتماعی دیگران است که در زیر از باب نمونه به مصادیقی از آن اشاره می شود.

پیامبر اسلام (ص) درباره رعایت حال همسایگان فرمود: «هر کس همسایه اش را اذیت کند، خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می کند».²¹³ و «هر کس حق همسایه اش را ضایع کند، از ما نیست».²¹⁴

سد و اشغال معابر عمومی شهرها که امروزه یکی از معضلات شهری است، از جمله مسائلی است که دین اسلام در 1400 سال قبل به آن توجه داشته و آن را کاری ناپسند شمرده و پیروان خویش را از این کار نهی کرده است.

²¹³ - «مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ» (من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 13)

²¹⁴ - «مَنْ ضَيَعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا» (همان).

پیامبر اکرم(ص) در این باره می‌فرماید: «از نشستن در راه‌ها پرهیزید»،²¹⁵ و «اسباب آزار و اذیت را از راه مسلمانان دور سازید».²¹⁶

امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر چیزی که در راه مسلمانان قرار گیرد و به آنان ضرر برساند، صاحب آن چیز ضامن است».²¹⁷

لذا امام خمینی(ره) با بهره‌گیری از این قبیل روایات در کتاب تحریر الوسیله می‌نویسد: «اگر شخصی در کوچه یا خیابان تنگی ایستاده باشد و راهی برای عبور نباشد و شخص دیگری بدون قصد به او برخورد کند و بمیرد، همچنین اگر در چنین راهی نشسته باشد و شخص بدین سبب بلغزد و بمیرد، شخصی که در راه توقّف کرده، ضامن خون بهای اوست».²¹⁸

بنابراین، شهروند مسلمان بر طبق آموزه‌های دینی، خود باعث ایجاد و بروز مشکلات و تضییع حقوق دیگران نمی‌شود، و به حقوق شهروندی پایبند است.

2. احساس مسئولیت و تعهد

اصلی‌ترین شاخصه‌ی جامعه‌ی اسلامی در مسئولیت مشترک اجتماعی نمودار می‌شود. این مسئولیت مشترک از چارچوب خانواده شروع می‌شود تا به همسایه، شهر و ... می‌رسد. طبق آموزه‌های اسلامی یک شهروند در جامعه‌ی اسلامی باید نسبت به آنچه در جامعه رخ می‌دهد، اعم از مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی بلایای طبیعی همچون حوادث غیر مترقبه احساس تکلیف کند و در حدّ توان و امکانات خویش در رفع این گونه مشکلات و کاستی‌ها کوشا باشد.

در زیر به اختصار به برخی از جلوه‌های این احساس مسئولیت اشاره می‌شود:

الف. یاری رساندن و کمک به دیگران

قرآن کریم یاری رساندن و کمک به دیگران را از وظایف هر مسلمان دانسته و می‌فرماید: «اگر در دین خود از شما یاری طلبند، بر شما است که آنها را یاری کنید».(انفال:72) و «مؤمنان برادران یکدیگرند».(حجرات:10) مسلمانان در جامعه‌ی اسلامی نسبت به سرنوشت، آینده و مشکلات یکدیگر مسئول‌اند و اگر کسی از زیر بار این

²¹⁵ - «إياكم و الجُلُوسَ على الطُّرُقَاتِ» (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج 5، ص 41) البته این سخن از امام علی(ع) نیز نقل شده است. (ر.ک: شیخ مفید، الأمالی، ص 222).

²¹⁶ - «اعزل الاذی عن طریق المسلمین» (المتقی الهندی، کنز العمال، ج 15، ص 768، ح 43012)

²¹⁷ - وسائل الشیعه، ج 29، ص 243.

²¹⁸ - امام خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، ص 562 و 563، م 14.

مسئولیت شانه خالی کند، طبق آنچه از روایات به ما رسیده از زمره‌ی مسلمانان خارج است: «کسی که صبح کند و اهتمام به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست».^{۲۱۹}

امیرمؤمنان علی(ع)، هر شهروند جامعه اسلامی، اعم از عالمان، ثروت‌مندان و ... را در قبال مردم آن جامعه مسئول می‌داند و می‌فرماید: «خداوند پیش از آنکه بی‌سوادان را به آموختن تکلیف کند، دانایان را به آموزش متعهد ساخت».^{۲۲۰} همچنین فرمود: «خداوند سبحان روزی تویی دستان را در خواسته توانگران رقم زده است... و خدای متعال بازخواستشان خواهد کرد».^{۲۲۱}

در این بین، کمک‌رسانی به همسایگان از اهمیت بالایی برخوردار است، همان‌طور که امام علی(ع) فرمود: «پیامبر(ص) آن قدر نسبت به همسایه سفارش فرمود که ما گمان کردیم همسایه از همسایه ارث می‌برد».^{۲۲۲} همچنین در رساله‌ی حقوق امام سجاد(ع) در این باره آمده است: «همسایه هنگامی که مورد ظلم واقع شد، باید او را یاری کرد و کریمانه با او معاشرت نمود».^{۲۲۳}

ب. امر به معروف و نهی از منکر^{۲۲۴}

شهروند مسلمان چون جامعه‌ی اسلامی را به مثابه‌ی کشتی در حال حرکت به جلو می‌داند. طبیعی است که به هنجارها اهتمام دارد و در مقابل ناهنجاری‌های اجتماعی حساس است و از کنار آن به سادگی و بی‌تفاوت گذر نمی‌کند و معتقد است که ضرر سوراخ کردن گوشه‌ای از آن، تنها بر سوراخ‌کننده وارد نمی‌آید و گریبان همه را خواهد گرفت و در نهایت غرق شدن کشتی را به دنبال خواهد داشت. مقوله‌ی امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به همین ویژگی اشاره دارد.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام در کنار واجبات دیگر؛ مانند نماز و زکات قرار گرفته است و نوعی جهاد به حساب می‌آید و از عوامل مهم رسیدن به کمال، احیای ارزش‌ها و مایه‌ی پیرایش جامعه از ناهنجاری‌ها و زشتی تلقی شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرگردند، امر به معروف و نهی از منکر

²¹⁹ - «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، الکافی، ج 2، ص 163).

²²⁰ - «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يَعْلَمُوا» (نهج البلاغه، ص 559)

²²¹ - «إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ» (همان، ص 533).

²²² - الکافی، ج 7، ص 51.

²²³ - وَ نُصِرْتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا... وَ تَعَاشِرُهُ مَعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ» (وسائل الشیعه، ج 15، ص 177)

²²⁴ - وادار کردن مردم به انجام کارهای خوب (امر به معروف) و بازداشتن آنان از کارهای زشت و ناپسند (نهی از منکر) است.

می‌کنند».^{۲۲۵} و «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند، (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید».^{۲۲۶}

امام علی(ع) الگوی تمام عیار یک مسلمان، در این زمینه می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو خوی (صفت، خصلت) الاهی‌اند».^{۲۲۷} آن حضرت در جایی دیگر امر به معروف و نهی از منکر را از تمامی عبادات، حتی جهاد در راه خدا بالاتر و برتر می‌داند: «... در این میان گروهی دیگرند که با دست و زبان و قلب نهی از منکر را وانهاده‌اند. اینان مردگانی متحرک‌اند که زندگیشان را هیچ بهره‌ای نیست؛ چرا که تمامی اعمال ارزشمند - حتی جهاد در راه خدا - در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست...».^{۲۲۸}

3. رعایت اخلاق اسلامی در تعاملات اجتماعی

اخلاق نیکو و رفتار پسندیده با مردم از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیشرفت انسان در اجتماع است و حتی رواج آن در میان اقشار مختلف، در بسط و گسترش عدالت در جامعه مؤثر خواهد بود. در ادامه به پاره‌ای از مصادیق اخلاق اجتماعی اسلام، اشاره می‌شود.

الف. حسن خلق، خوش رفتاری و داشتن روی گشاده

قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری».^{۲۲۹} «و به برکت رحمت الاهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند...».^{۲۳۰} پس قرآن، اخلاق نیکو (حسن خلق) را عامل موفقیت پیامبر اسلام(ص) در جذب مردم می‌داند. روایات زیادی از پیشوایان دین در این موضوع به ما رسیده که به چند نمونه بسنده می‌شود.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «اخلاق خوب و پسندیده نصف دین است».^{۲۳۱} و «کامل‌ترین مردم در ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنها است».^{۲۳۲}

امام صادق(ع) فرمود: «ایمان همان اخلاق نیکو است...».^{۲۳۳} و «خوبی در حق مردم و حُسن خلق، موجب آبادی سرزمین (و جامعه) می‌شود».^{۲۳۴}

225 - «و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه، 71)

226 - «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، 110).

227 - «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (نهج البلاغه، ص 219).

228 - نهج البلاغه، ص 542.

229 - «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، 4)

230 - «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران، 159)

231 - «الْخُلُقُ الْحَسَنُ نِصْفُ الدِّينِ» (بحار الانوار، ج 68، ص 385)

232 - «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (وسائل الشيعه، ج 12، ص 156).

233 - «مِنْ الْإِيمَانِ حُسْنُ الْخُلُقِ...» (همان، ج 16، ص 330).

234 - «الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَغْمُرَانِ الدِّيَارَ» (همان، ج 12، ص 149).

شاید بتوان گفت؛ رفتار شایسته و برخورد صحیح با شهروندان و هم‌نوعان در تمام رده‌ها و سطوح اجتماعی، به ویژه با ارباب رجوع و پذیرش آنان با روی گشاده، چه بسا باعث تقویت روابط و مناسبات اجتماعی شده و زمینه‌های حل بسیاری از مشکلات اجتماعی و رفتاری‌های مردم را فراهم و از بسیاری از عواقب و عوارض زندگی ماشینی امروز؛ مانند مشکلات عصبی و روانی جلوگیری می‌کند. این است سِرّ این که، در دین اسلام این همه به حُسن خلق سفارش شده است.

ب. تواضع و فروتنی

تواضع؛ یعنی در برابر مردم ادب، فروتنی و افتادگی را رعایت کردن و از خودبینی و خودپسندی دوری نمودن. تواضع یکی از صفات و حالات درونی انسان است که در اعمال و افعال او نمود پیدا می‌کند. بدون تردید فروتنی و افتادگی در برابر مردم و شهروندان، در دنیا محبوبیت اجتماعی را به دنبال دارد و در آخرت موجب رضایت الاهی است. و یکی از مسائل مهمی است که اولیای خدا همواره مردم را به آن سفارش نموده‌اند. در قرآن کریم تواضع و فروتنی از نشانه‌های بندگان صالح خدا دانسته شده است: «و بندگان (خداوند) رحمان آنانند که در روی زمین فروتنانه راه می‌روند...»^{۲۳۵}.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «همانا تواضع جز رفعت و بلندی مقام، چیز دیگری برای انسان نمی‌آورد. پس تواضع کنید رحمت خدا بر شما باد.»^{۲۳۶} امام علی (ع) می‌فرماید: «تواضع و فروتنی به هنگام رفعت همانند عفو و گذشت هنگام قدرت است.»^{۲۳۷} و «افتادگی نعمت را کمال می‌بخشد.»^{۲۳۸}.

ج. رفق و مدارا

رفق و مدارا؛ یعنی با ملایمت و نرمی با مردم برخورد کردن. بشر از آن جهت که زندگی اجتماعی دارد، پیوسته با انسان‌های دیگر در ارتباط است و حقوق وی با حقوق دیگران به صورت‌های مختلف گره خورده است، لذا مدارا کردن با مردم از جمله مسائلی است که مکتب اسلام به آن توجه کرده است.

امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) می‌فرماید: «همان‌طور که خداوند مرا به ادای واجبات امر کرده، به مدارا کردن با مردم نیز امر کرده است.»^{۲۳۹} همچنین فرمود: «مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و رفق به آنها نصف زندگی و حیات است.»^{۲۴۰}.

²³⁵ - «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان، 63).

²³⁶ - ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج 1، ص 201.

²³⁷ - «التَّوَّاضِعُ مَعَ الرَّفِيعَةِ كَالْعَفْوِ مَعَ الْقُدْرَةِ» (تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص 248، ح 5136).

²³⁸ - «و بالتَّوَّاضِعِ تَيْمُّ النَّعْمَةِ» (نهج البلاغه، ص 508).

²³⁹ - «أَمْرُنِي رَبِّي بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرُنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ» (الكافي، ج 2، ص 117).

دین اسلام در سفارش به مدارا و برخورد نرم و ملایم با مردم، حتی دشمنان را نیز مورد نظر داشته است. در این باره در قرآن کریم، خداوند به حضرت موسی و هارون سفارش می‌کند: «وقتی به سراغ فرعون می‌روید با او به نرمی و ملایمت سخن بگویید، شاید فرعون بترسد و یا هدایت شود».^{۲۴۱}

پیامبر اکرم (ص) در اوصاف و ویژگی انسان‌های مؤمن می‌فرماید: «مؤمن، نرم خو و انعطاف‌پذیر است، با آنکه جانی پر صلابت‌تر از سنگ دارد، از برده خاکسارتر است».^{۲۴۲}

د. حلم و بردباری

حلم عبارت است از: استحکام و استواری در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی. زندگی اجتماعی، زندگی با افراد مختلف است. برخورد با روحيات گوناگون، با سلیقه‌های متفاوت با بینش‌ها و تفکرات متفاوت و با خلق و خوهای مختلف. بنابراین، اولین شرط زندگی اجتماعی حلیم بودن و بردباری است. این یکی از صفات و ویژگی‌های تمام پیامبران الهی در برابر آزار و اذیت مخالفان و مشرکان بوده است. امام علی (ع) حلم و بردباری را از اوصاف خداوند بیان می‌کند و می‌فرماید: «سپاس خدایی را که... حلمش چنان عظیم است که از خطاها در می‌گذرد».^{۲۴۳} همچنین می‌فرماید: «نخستین پاداشی که شخص بردبار از حلم و بردباری خویش به دست می‌آورد، حمایت مردم از او در برابر نادان است».^{۲۴۴}

موارد ذکر شده نمونه‌هایی از صفات و ویژگی‌های شهروند جامعه اسلامی است که به اختصار بیان شد. نکته پایانی این است که؛ هدف از تشریح قوانین اجتماعی استحکام زندگی اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی و جلوگیری از نابودی و سقوط جامعه است. برای نهادینه کردن نظام اخلاقی در یک جامعه، ضروری است به موضوعات اخلاقی که برای حفظ و عزت و سربلندی انسان و جوامع انسانی است، توجه ویژه شود. فرد فرد شهروندان با آموزش‌های مستمر، راهکارهای تحقق فضایل اخلاقی را به شکل یک فرهنگ درآوردند. با تمرین و عادت نمودن این ویژگی‌ها و خصایص اخلاقی در محیط زندگی و اجتماع، در نهادینه کردن آن و ایجاد فضای سالم جامعه مشارکت نمایند. مشارکت عمومی مردم و فرهنگ سازی در موضوعات اخلاق اجتماعی اسلام، یک جامعه سالم انسانی اسلامی را در پی خواهد داشت.

²⁴⁰ - «مَدَارَاةُ النَّاسِ يَصْنَفُ الْإِيمَانَ وَالرَّفْقُ بِهِمْ يَصْنَفُ الْعَيْشَ» (وسائل الشیعة، ج 12، ص 201).

²⁴¹ - «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَ لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى» (طه، 44). نکته‌ی مهم در این آیه که می‌توان از آنها درس آموخت، این است که، چه بسا در صورت مدارا و

ملایمت حتی مخالفان نیز از این اخلاق اسلامی درس گرفته و هدایت شوند.

²⁴² - شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 6، ص 339.

²⁴³ - نهج البلاغه، ص 283.

²⁴⁴ - همان، ص 505.

آسیب شناسی اخلاق شهروندی

در کنار بایسته های اخلاق شهروندی، همواره نبایدهای نیز مطرح است. یک شهروند مسلمان علاوه بر رعایت بایدهای اخلاق شهروندی از یک سری امور پرهیز نماید. در ادامه به بیان مهمترین این امور می پردازیم.

1. دخالت در امور خصوصی

امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف شهروندی و اجتماعی مسلمانان است. به تعبیر دیگر، این فریضه مربوط به حیات اجتماعی است و نه زندگی خصوصی و فردی؛ بنابراین باید از کشاندن آن به حریم خصوصی افراد به شدت پرهیز کرد. نهایت جهل است که برای امر به معروف و نهی از منکر، خود مرتکب منکر شده و معروف را رها نماییم. کسانی که به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده و نهانخانه ذهن و زندگی آنان را افشا می کنند، باید بدانند که خود مرتکب منکری بزرگ شده اند. اسلام، نه تنها به ما اجازه این کار را نداده، بلکه توصیه های فراوانی به پرده پوشی کرده است. امیرمومنان علی(ع) چه زیبا این حقیقت را بیان کرده است:

«بر کسانی که گناه ندارند، و از سلامت دین برخوردارند، سزا است که بر گناهکاران و نافرمانان رحمت آرند و شکر این نعمت بگذارند، چندان که این شکرگزاری آنان را مشغول دارد، و به گفتن عیب مردمان وانگذارد. تا چه رسد به عیبجویی که برادر را نکوهش کند، و به آنچه بدان گرفتار است سرزنش کند. آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه بر او بخشید، و گناهان او را پوشید بزرگتر از گناهی که او را بدان مذمت کند- و چگونه او را مذمت کند که خود چنان گناهی کرده است- لیکن پوشیده و در پرده است-. و اگر چنان گناهی نداشته گناهان دیگری داشته که از آن گناه بزرگتر است، و به خدا سوگند، اگر گناهی که کرده بزرگ نیست و گناهی است خرد، جرأت او را بر زشتی مردمان گفتن، گناهی بزرگتر باید شمرد. ای بنده خدا در گفتن عیب کسی که گناهی کرده است، شتاب مکن! چه، امید می رود که آن گناه را بر او ببخشند، و بر گناه خرد خویش ایمن مباش! چه، بود که تو را بر آن عذاب کنند. پس اگر از شما کسی عیب دیگری را دانست، بر زبان نراند به خاطر عیبی که در خود می داند. و شکر بر کنار ماندن از گناه او را بازدارد، از آنکه دیگری را که به گناه گرفتار است بیازارد.»^{۲۴۵}

تنها استثناء در این مورد، بازرسی از سازمان ها و نظارت بر ارگان های دولتی است. علی(ع) در توصیه خود به مالک اشتر، درباره کارکنان و مدیران می گوید:

245- نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه 140، ص: 137

«بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و وفایه بر ایشان بگمار که مراقبت نهائی تو در کارهایشان، وادار کننده آنهاست به رعایت امانت، و مهربانی است بر رعیت.»^{۲۴۶}

از منظر حقوقی نیز تجاوز به حریم خصوصی افراد «جرم» محسوب می شود. حقوقدانان معمولاً 4 مصداق برای تجاوز به حریم خصوصی افراد بیان کرده اند:

- 1- ورود بدون اجازه و غیرقانونی به خلوت و حریم خصوصی دیگری مانند بازرسی و تفتیش جیب و کیف افراد
 - 2- تصاحب و استفاده از اسم، القاب و عناوین و اعتبار دیگری
 - 3- انتشار اسرار و وقایع خصوصی افراد مانند روابط زناشویی، امور پزشکی، نامه‌های شخصی، خصوصیت و ویژگی‌ها و عادات شخصی
 - 4- انتشار و افشای اطلاعات نادرست و انتساب آنها به یک شخص مانند نشر اکاذیب و افتراء»
- اصول متعددی از قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره به رعایت حریم خصوصی دارد و تجاوز به آن را جرم انگاری کرده است.»

اصل 22 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: " حیثیت ، جان ، مال ، حقوق ، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند . " اصل 25 قانون اساسی مقرر می دارد: « بازرسی و نرساندن نامه ها ، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ، افشای مخبرات تلگرافی و تلکس و سانسور ، عدم مخابره و نرساندن آنها ، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون .» و در جای دیگر موارد استثناء را با رعایت شرایط خاص جایز می شمارد.^{۲۴۷}

مواد 580 و 582 قانون مجازات اسلامی می گوید: «هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی و بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یکسال محکوم خواهد شد مگر ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر بوده اقدام کرده است که در اینصورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن رانیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.» ماده 691 قانون مجازات

²⁴⁶ - همان، نامه 53، ص 333.

²⁴⁷ - ماده 96 قانون آیین دادرسی کیفری می گوید: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیا در مواردی به عمل می آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد.» و ماده 100 قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می کند: «تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضرورت اقتضا کند. مورد ضرورت را قاضی باید در صورت مجلس قید کند.»

اسلامی نیز می گوید: «هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.» ماده 694 این قانون نیز می گوید: «هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می شوند.» قانون گذار جمهوری اسلامی به جهت حفظ حرمت اشخاص و عدم تعرض به آبرو و حیث آنان فصل بیست و هفتم از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی را به این مهم اختصاص داده است. در ماده 697 این قانون آمده است: «هرکس به وسیلهی اوراق چاپی یا خطی یا به وسیلهی درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.» ماده ۶۹۸ نیز می گوید: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیلهی نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحا ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.» ماده ۶۹۹ نیز می گوید: «هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.» ماده ۷۰۰ نیز می گوید: «هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود.» همچنین قانون گذار تجاوز به حریم خصوصی افراد از طریق ابزارهای ارتباطی و دیجیتالی را ممنوع کرده است و فصل پنجم از جرائم رایانه ای را به این مهم اختصاص داده است. در ماده ۷۴۴ قانون مجازات می گوید: «هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر

یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.» در ماده ۷۴۵ نیز می گوید: «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» در ماده ۷۴۶ نیز می گوید: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یادشده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» همچنین در ماده ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند، می گوید: «مرتکبان جرائم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شوند:

الف- وسیله تهدید قرارداد آثار مستهجن به منظور سوءاستفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری

از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر.

ب- تهیه فیلم یا عکس از محل‌هایی که اختصاصی بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب

می‌باشند مانند حمامها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن.

ج- تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و

توزیع آن.»

بنابراین اصول مختلف و متعدد قانونی همگان اعم از شهروندان و نهادهای دولتی را از تعرض به حریم خصوصی افراد منع می کند و تخلف از آن را جرم می داند.

2. شایعه پراکنی

پیامبر اکرم(ص) در توصیه خود به ابوذر غفاری می فرماید: «ای ابوذر! برای دروغگو بودن فرد همین بس که هر چه را می شنود بازگو نماید.»^{۲۴۸} یعنی حتی در جایی که شنیده های او عین واقع باشد، اما او بدون تحقیق و بررسی به آنها بپردازد، دروغگو به حساب می آید. چه رسد به اینکه از آنچه شنیده است بکاهد، یا بر آن بیفزاید. با توجه به این سخن پیامبر، می توان شایعه پراکنی را از مصادیق دروغ دانست. حتی اگر انسان انگیزه ناپسندی از نقل شایعه نداشته باشد، باید نگاه کند که آیا نقل آن، فایده ای هم دارد یا نه. افزون بر این، باید بیندیشد که آن شایعه، اساسی دارد یا نه. پس باید پیش از نقل هر خبری در درستی آن تحقیق کنیم و پس از اطمینان به درستی آن را نقل کنیم.^{۲۴۹}

3. سوء استفاده از دیگران

هرگز نباید معاشرت با دیگران را به عنوان پلی برای رسیدن به مطامع و خواسته های شخصی خود قرار دهیم. امیرمومنان(ع)، در سفارش خود به امام حسن(ع)، به این نکته مهم اشاره می کند که هرگز نباید به اعتماد دوستی با کسی، حق او را ضایع کرد: «و حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان، زیرا کسی که حق او را ضایع کنی دیگر برادر تو نخواهد بود.»^{۲۵۰}

یکی از مهم ترین شرایط پایداری دوستی و معاشرت با دیگران، رعایت انصاف در حق آنان است. در این زمینه، روایات فراوانی در کتاب های روایی و اخلاقی ما وجود دارد.^{۲۵۱} امام علی(ع) می فرماید: «انصاف موجب پیوند دل ها به یکدیگر می شود.»^{۲۵۲} با رعایت انصاف است که دوستی میان دو نفر تداوم می یابد.^{۲۵۳} و بر پایه انصاف است که دوستی و مودت میان دو نفر استوار می شود.^{۲۵۴} امام جواد(ع)، یکی از عوامل دوست یابی را انصاف در معاشرت معرفی می کند؛^{۲۵۵} و امام علی(ع) انصاف را یکی از راه های بهره مندی از دوست های فراوان می داند.^{۲۵۶} از این احادیث دانسته می شود که اگر کسی می خواهد حق معاشرت با دیگران را رعایت کند و از معاشرتی پایدار با

²⁴⁸ - بحارالانوار، ج 74، ص 85.

²⁴⁹ - مصباح یزدی، ره توشه، ج 2، ص 252.

²⁵⁰ - نهج البلاغه، نامه 31.

²⁵¹ - ر.ک: محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ص 84-85.

²⁵² - همان، ص 84.

²⁵³ - مستدرک الوسائل، ج 2، ص 308.

²⁵⁴ - همان، ص 84.

²⁵⁵ - همان، ص 85.

²⁵⁶ - همان.

دیگران برخوردار باشد، هرگز نباید از معاشرت و دوستی با آنان سوء استفاده کرده و برای خود حقوق ویژه ای قائل باشد.^{۲۵۷}

2. اخلاق مردم با مسئولین و مسئولین با مردم

مردم در قبال حاکمان و مسئولین جامعه وظایف اخلاقی و سیاسی خاصی را برعهده دارند که باید به آنها عمل کنند که برخی از این وظایف مربوط به انتخاب مسئولین و حاکمان است و اینکه چه ملاک هایی را باید برای انتخاب افراد در نظر گرفت؟ و وظایف دیگر مربوط بعد از انتخاب مسئولین و حاکمان می باشد؛ یعنی مردم باید بعد از انتخاب درست کارگزاران باید چه وظایفی را در قبال آنها انجام دهند. لذا در ادامه سعی داریم به این دو مقوله پردازیم:

● ملاک های انتخاب

1. توجه به سوابق کاری (تجربه)

در منشور سیاسی علی (ع) باید مردم در انتخاب حاکمان، به سوابق کاری (تجربه) او توجه داشته باشند .
امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می کند که اهل تجربه را به کار گیرد و از تجارب آنان به خوبی استفاده کند؛ « و توخ منهم اهل التجربة و الحیاء ؛ کارگزاران خود را از اهل تجربه و حیا برگزین ».
حضرت در کنار «تجربه» مسئله «حیا» را نیز متذکر می شوند؛ زیرا روشن است که افراد باتجربه اگر ناپاک باشند به مراتب، خطرناک تر و مخرب تر از دیگران خواهند بود .

امیرالمومنین علی (ع) در این خصوص به مالک اشتر هشدار داده می فرماید: « بدان که بدترین وزیران مباشر تو آنهایی هستند که در گذشته وزرای اشرار و بدکاران و در گناهان آنان شریک بودند و به طور قطع ایشان حامیان گنهکاران و برادران اهل ظلم بوده اند و تو به جای آنها باید جستجو کنی در بین اهل ایمان افرادی را انتخاب کنی که در رای و اندیشه و نفوذ همانند آنها باشند و گناهان آنها را هم مرتکب نشده باشند و ستمگر را بر ستمش و

²⁵⁷ - شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، ص 139-142.

گناهکار را بر گناهش یاری نکرده اند. چنین افرادی هزینه کمتری برای تو دارند و یاریشان بهتر و مهربانی اشان بیشتر و دوستی اشان با غیر تو کمتر باشد».

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می فرماید: «تو آنان (کارگزاران) را به سابقه ای که با مردم نیک داشته اند آزمایش کن و بر آن کس اعتماد کن که میان همه مردی اثری نیکو به جای گذاشته و به امانت داری از همه معروفتر است که این نوع انتخاب علامت خیر خواهی تو برای دین خداست و برای کسی است که کار را به دست تو سپرده است».

۲. توجه به اصالت خانوادگی

دومین ملاکی که در منشور سیاسی حضرت علی (ع) برای انتخاب حاکمان و کارگزاران توصیه می شود، توجه به اصالت خانوادگی آنهاست؛ امیرالمومنین در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «با کسانی مانوس شو که از خانواده های شریف و خوشنام و دارای سابقه درخشان باشند. همانها که از رزمندگان و شجاعان و اهل جود و کرمند».

حضرت همچنین در عهدنامه خود به مالک اشتر توصیه کند که «کارگزاران خود را از خانواده های پاکدامن و از کسانی که سبقت در اسلام دارند برگزین که از نظر اخلاق بزرگواریترین و از نظر آبرو محفوظ تر و طمع شان کمتر و عاقبت نگری شان فزونتر است».

۳. رعایت تناسب میان فرد و مسئولیت مورد نظر

یکی از ملاک های دیگر که در منشور سیاسی حضرت علی (ع) در انتخاب حاکمان و کارگزاران به آن اشاره شده است، رعایت تناسب میان فرد و مسئولیت مورد نظر است؛ حضرت در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین توصیه می کند؛ «بر سر هر یک از کارهای رئیس و کاردانی را بگذار که بزرگی کار او را خسته نکند و زیادی کار او را پریشان نسازد».

باید توجه داشت که عدم رعایت این ملاک، موجب هدر رفتن نیروها و ضایع شدن امکانات و یاس و ناامیدی متخصصان و دهها آفت و آسیب اجتماعی و روحی دیگر می شود بنابراین باید در انتخاب افراد برای پستهای مختلف مسئله تناسب و ویژگیها و تخصص های آنان را با پست و مسئولیت مورد نظر، در نظر بگیریم.

۴. توجه به سوابق دینی و اخلاقی

در منشور سیاسی حضرت علی (ع)، سوابق دینی و اخلاقی کارگزاران و حاکمان یکی از مهمترین ملاک ها در انتخاب آنهاست و حضرت در نامه خود به مالک اشتر او را از به کارگیری افراد سست ایمان و دارای سوء سابقه برحذر داشته و می فرماید: «به تحقیق آنهایی که حامی دین و موجب کثرت مسلمین و آماده پیکار با دشمنانند توده مردمند پس تو باید با این گروه همراه باشی و به سوی ایشان میل و رغبت نشان دهی».

باید به این نکته توجه داشت که حضور افراد سست و ایمان و غیرمعتقد به موازین اسلام در مسئولیت های جامعه اسلامی، زمینه را برای فتنه انگیزی دشمنان دین فراهم می کند، بنابراین باید در انتخاب خود دقت کنیم تا از حضور این افراد در جمع مسئولان کشور اسلامی جلوگیری کنیم.

دلیل رعایت این ملاک در انتخاب افراد به این خاطر است که کسی که به دین و موازین دینی و ضوابط اخلاقی پایبند نباشد، نه می تواند به درستی، به مردم خدمت کند و نه می تواند احکام دینی را در جامعه پیاده کند و نه می تواند گامی در جهت توسعه اخلاقی جامعه بردارد؛ کسی که در برابر خداوند خود را مسئول نداند، یقیناً، هرگز خود را در برابر مردم مسئول نخواهد دانست؛ هر چند ممکن است برای ظاهرسازی و مردم فریبی چنین وانمود کند که مدافع حقوق مردم و جامعه است؛ اما، بدون تردید، اگر کوچک ترین فرصتی به دست آورد، از هیچ خانتی به مردم و جامعه فروگذار نخواهد کرد.

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می فرماید: «فردی را انتخاب کن که به نظرت از دیگران خیرخواه تر و در برابر فرمان پروردگار و رسول خدا و امامت مطیع تر باشد. از میان اشخاص پاکترین و بردبارترین را برگزین. کسی که هنگام خشم صبوری کند و از پذیرفتن عذر خطارکار آرامش یابد. با ضعیفان مهربان و با زورگویان تند و خشن باشد و کسی که درستی دیگران او را جا نکند و نرمی و ملامت او را نگیرد».

چنان که از توصیه حضرت بر می آید، باید در انتخاب افراد، به سوابق ایمانی و اخلاقی آنها دقت کنیم چرا که کسی که همواره خداوند را حاضر و ناظر همه اعمالش می بیند، هرگز به خود اجازه ظلم و خیانت را نخواهد داد و در برابر همه حرکات و سکناتش پاسخ گو خواهد بود و هرگز خیال سوء استفاده از مقام و مسئولیت را به خود راه

نخواهد داد. این شخص نه تنها با گفتار خود بلکه با رفتار خود، زمینه توسعه اخلاق و معنویت را در جامعه فراهم خواهد کرد .

۵. مشورت با صاحب نظران و آگاهان

باید توجه داشت که انتخاب یک امر مهم در زندگی فرد و آینده جامعه ای است که در آن زندگی می کند با یک انتخاب درست، اولاً امانت الهی به دست کسی که شایسته امانتداری آن است، سپرده می شود و ثانیاً فرد می تواند پاسخگوی رای خود در روز قیامت در پیشگاه خداوند بزرگ باشد. بنابراین اگر می خواهیم فردی را برای احراز پستی انتخاب کنیم و از توانمندیها و قابلیت های آن آگاهی کافی ندارند، عاقلانه ترین راه این است که با صاحب نظران و آگاهان و دلسوزان امر مشورت کنیم تا در انتخاب خود درست عمل کنیم با این کار اولاً ضریب خطا را در انتخاب خود به شدت کاهش می دهیم. ثانیاً: در صورت مشورت با نیک خواهان و افراد با صلاحیت، در پیشگاه خداوند معذرو خواهیم بود.

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر در این خصوص توصیه می کند؛ « به رفتار کارگزارانت بیندیش و پس از آزمایش آنها را به کارهایی، منصوب کن و به میل خود و بدون مشورت با دیگران آنها را به کار مگمار. زیر دنبال هوای نفس رفتن و به رای دیگران توجه نکردن از موارد ظلم و خیانت محسوب می شود».

حضرت علی (ع) به مالک اشتر توصیه می کند که در انتخاب کارگزاران با دیگران مشورت کند، اما به چه کسانی؟ امیرالمومنین علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، او را از مشورت با برخی از افراد برحذر می دارد؛ « در مشورت کردن اشخاص بخیل را دخالت مده که ترا از نیکی و کار خیر باز داشته و ترا از فقر می ترساند و نیز با آدم ترسو مشورت مکن که ترا در انجام کارها سست می کند و همچنین شخص حریص را مورد شور قرار مده که حرص ستم نمودن را در نظرت آرایش می دهد. به تحقیق که بخل و ترس و حرص، غرایزی هستند که از سوء ظن به پروردگار سرچشمه می گیرند ».

● وظایف اخلاقی مردم بعد از انتخاب در قبال حاکمان

بعد از آنکه مردم حاکم و کارگزاران و نمایندگان عادل و شایسته را انتخاب کردند باید در قبال او وظایفی را انجام دهند که مهمترین آنها همراهی و امر به معروف و نهی از منکر است؛

۱. همراهی

حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه می فرماید: «حقی که من بر شما دارم این است که در بیعت خود وفادار باشید و در بود و نبود من خیرخواه باشید و هنگامی که شما را می طلبم و به دعوت من پاسخ گوید و موقعی که فرمان می دهم اطاعت کنید.»

یکی از مهمترین وظایف اخلاقی مردم در قبال حاکمان، همراهی اوست. حاکمان و مسئولان جامعه زمانی می توانند به اهداف خود دست یابند که احکام و دستورات آنها و قوانین مورد تاییدشان از سوی مردم پیروی و همراهی شود.

حضرت علی می فرماید: «کسی از او اطاعت و پیروی نکنند گویا اصلاً اندیشه و طرح و برنامه ای ندارد.»

چنان که از کلام مولا بر می آید، این مردم هستند که به برنامه ها و اندیشه های حاکم و یک مسئول جامعه اسلامی امکان اجرا می دهند و با همراهی او، جامعه اسلامی را در مسیر اندیشه های اسلامی حاکم پیش می برند.

نکته مهمی که ذکر آن ضروری است، این است که هر چند مردم باید حاکم را همراهی کنند اما این همراهی و پیروی از حاکم تا آنجا الزامی است که فرمانها و برنامه های او در چارچوب شریعت باشد و با اسلام و احکام الهی مخالف نباشد. حکمت آموزنده امیرالمومنین علی (ع) در نهج البلاغه به این نکته مهم اشاره دارد؛ «آفریده را فرمان بردن نشاید آنجا که نافرمانی آفریننده لازم آید.»

۲. امر به معروف و نهی از منکر

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر این گونه توصیه می کند؛ «کسی را در بین آنها انتخاب کن که سخن حق را هر چند تلخ باشد، بگوید و در هر آنچه انجام می دهی یا می گویی و خدا آن را از دوستانش نمی پسندد کمتر یاری ات کند و کمتر ترا بستاید در حالی که چنین کاری در اثر هوای نفس تو واقع می شود در هر جا که باشد.»

چنان که از کلام حضرت علی (ع) بر می آید، یکی دیگر از وظایف مردم در قبال حاکمان اسلامی، امر و ارشاد آنان به خوبی ها و نهی آنان از ارتکاب بدیها است که باید با رعایت ضوابط، این وظیفه دینی و اخلاقی انجام شود .

۳. پرهیز از چاپلوسی

امیرالمومنین علی (ع) به مالک اشتر می فرماید: « به اهل ورع و صداقت نزدیک شو و به آنها بیاموز و عادتشان ده که برای تو چاپلوسی نکنند و تو را برای و کارهایی که نکرده اند خوشحال نسازند چرا که چاپلوسی زیاد باعث طغیان و نخوت انسان می گردد و وی را وادار به سرکشی می کند.»

از کلام حضرت علی (ع) چنین بر می آید که مردم باید از چاپلوسی و تملق گویی حاکمان به دور باشند که این کار امور و مسایل و مشکلاتی که در جامعه اسلامی وجود دارد، در نگاه حاکم عادی و بی اشکال جلوه داده و جامعه را به ورطه نابودی خواهد کشاند. حضرت هم چنین به حاکمان و مدیران اسلامی توصیه می کند که افراد چاپلوس ثناگو را از خود دور کنند و منتقدان و امران به معروف و ناهیان از منکر را عزیز بدانند .

● وظایف اخلاقی و سیاسی حاکمان در قبال مردم

در منشور اخلاقی و سیاسی حضرت علی (ع) همچنان که مردم در قبال حاکمان وظایفی بر عهده دارند، حاکمان نیز باید برخی از وظایف اخلاقی و سیاسی را در قبال مردمی که آنها را انتخاب کرده اند، انجام دهند؛ حضرت در خطبه ۳۴ نهج البلاغه هنگامی که مردم را به جنگ با شامیان ترغیب می نمود، می فرماید: « ای مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی می باشد، اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت کنم و حقوقتان را از بیت المال بپردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید.»

۱. مهربانی و مدارا با مردم

در منشور اخلاقی و سیاسی حضرت علی (ع) مهربانی و مدارا با مردم در راس توصیه های آن حضرت به حاکمان قرار گرفته است و این حکمت آموزنده حضرت این مهم را گوشزد می نماید؛ « راس السیاسه استعمال الرفق؛ راس سیاست، به کارگیری مدارا است.»

امیرالمومنین علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین توصیه می کند: «بدان که هیچ چیز گمان مردم را نسبت به والی خوب نمی کند بهتر از نیکی و لطفی که والی به مردم می نماید و هزینه های آنها را سبک می کند و بر چیزی که بر آنها حقی ندارد ناراحت نمی شود. بنابراین باید کاری کنی که خوش بینی مردم را به خود جلب نمایی، زیرا که حسن ظن مردم نسبت به تو رنج و سختی فراوان را از تو دور می سازد.»

حضرت علی (ع) همچنین به مالک اشتر چنین دستور می دهد: «مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی وزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان. و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری! چه رعیت دو دسته اند؛ دسته ای برادر دینی تواند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند. گناهی از ایشان سر می زند، یا علتی بر آنان عارض می شود، یا خواسته یا ناخواسته خطایی بر دست شان می رود، به خطاشان منگر و از گناهشان در گذر...»

آن حضرت در نامه خود به محمد بی ابی بکر، والی مصر، او را به مهربانی و مدارا با مردم، توصیه ای می کند:

« برابر رعیت فروتن باش و آنان را با گشاده رویی و نرمخویی بپذیر و با همگان یکسان رفتار کن، گاهی که گوشه چشمی به آنان افکنی یا خیره شان نگاه کنی، یا یکی را به اشارت خوانی، یا به یکی تحیتی رسانی، تا بزرگان در تو طمع ستم - بر ناتوان - نبندند و ناتوانان از عدالتت مایوس نگردند.»

چنان که از توصیه های مولیمان علی (ع) بر می آید باید حاکمان، مسئولین و مدیران جامعه اسلامی مهربانی و مدارا با مردم را در سرلوحه کارهای خود قرار دهند و تمرین بردباری کنند تا بتوانند به وظایف خود به نحو احسن عمل کنند.

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر در انتخاب قاضی چنین توصیه می کند؛

« برای قضاوت بین مردم از میان افراد جامعه کسی را انتخاب کن که در نظر تو فاضلترین و بهترین باشد، آنکه کارها او را در تنگنا قرار ندهد و ارباب رجوع سبب تندخویی او نگردد... از رفت و آمد ارباب رجوع کمتر خسته شود و برای آشکار شدن کارها شکیبایی کرده و وقتی حکم روشن شد در قضاوت قاطع تر عمل کند.»

۲. برخورد صادقانه با مردم

در منشور اخلاقی و سیاسی حضرت علی (ع)، حاکمان به برخورد صادقانه با مردم توصیه می شوند: «ای مالک ... اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار از بدگمانی شان در آر. که بدین رفتار نفس خود را به فرمان آورده باشی و با رعیت مدارا کرده و حاجت خویش را برآورده و رعیت را به راه راست واداشته ای.»

برخورد صادقانه حاکم با مردم به این معنی است که حاکم اسلامی مردم خود را محرم اسرار خود بداند و برخی از مسایل حکومتی را که باید مردم از آن آگاه باشند، با آنان در میان بگذارد و از آنان مشورت بخواهد؛ برخورد صادقانه حاکم با مردم خود به این معنی است که اگر حاکم خود را در اجرای مسئولیتش ناتوان می بیند و یا نمی تواند خودش را از چنگال اطرافیان خائن و نادان نجات دهد، بی درنگ استعفا دهد و از اعتماد مردم سوء استفاده ننماید و وقتی می بیند که نمی تواند امانت داری کند، صادقانه و دلاورانه امانت را بازپس دهد.

۳. فاصله نگرفتن از مردم

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می فرماید: «مبادا به طور طولانی خود را از دید مردم پنهان کنی که رو نشان ندادن زمامداران حکایت از نامهربانی و تنگ نظری و ناآگاهی در کارها می کند و این رو نشان ندادن زمامداران باعث می شود که ایشان از آنچه بر مردم می گذرد بی اطلاع بمانند. در نتیجه کار بزرگ نزدشان کم اهمیت و کوچک و کار کوچک برایشان بزرگ جلوه کند و همچنین خوبی به شکل بدی و بدی به صورت خوبی درآید و حق به باطل و غلط آمیخته گردد.»

چنان که از کلام مولیمان علی (ع) بر می آید، حاکم با فاصله گرفتن از مردم خود، درد واقعی و مشکل حقیقی آنان را تشخیص نمی دهد و حاکم از وضعیت واقعی جامعه و مردم ناآگاه می شود و نمی تواند تصمیم درست را اتخاذ نماید و مردم جامعه خود را با مشکلات زیادی روبه رو می کند .

حضرت علی (ع) در نامه ای به قثم بن عباس، والی مکه، در این خصوص، چنین توصیه می کند؛ «بامداد و شامگاه برای آنان مجلس ساز، آن را که فتوا خواهد ده و نادان را بیاموز و با دانا به گفتگو پرداز و جز زبانت پیام رسان مردمان نباشد و جز رویت دربان. و هیچ حاجتمند را از دیدار خود محروم مگردان، چه اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود و در پایان حاجت او برآورده، تو را نستانند.»

۴. رعایت عدالت و دوستی مردم

در منشور اخلاقی و سیاسی حضرت علی (ع) رعایت عدالت از جانب حاکمان در همه شؤون حکومتی نه تنها از وظایف اخلاقی حاکمان است؛ بلکه یکی از راههای نفوذ در دل و جان مردم به شمار می رود؛

حکمت های مولی علی (ع) در این خصوص شنیدنی است؛

«کسی که عدالت بورزد، حکمش نافذ می شود.»

«عدالت بورز تا قدرت و حکومتت تداوم یابد.»

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر در این خصوص، چنین توصیه می کند؛ «بهترین چیزی که زمامداران را شادمان می سازد اجرای عدالت و برپایی آن در شهرها و آشکار ساختن دوستی مردم است و دوستی مردم آشکار نمی شود مگر موقعی که دلپایشان از کینه و خشم خالی شود و دلسوز نمی مانند مگر وقتی که زمامداران خویش را برای کارهای خود نگاه دارند و ادامه حکومت آنان را سنگین شمارند و نخواهند که هر چه زودتر این حکومت تمام شود. بنابراین آرزوهای مردم را برآورده کن و آنها را به خوبی یاد کن و تلاش و همت اشخاصی که مورد امتحان قرار گرفته اند و سختی هایی را متحمل شده اند، یادآوری نما، زیرا که یادآوری کارهای نیک نیکوکاران، انسان دلیر را تهییج می کند و به تلاش وادار می نماید.»

۵. آموزش های دینی

حضرت علی (ع) یکی از حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی را حق تعلیم و تربیت دینی آنان دانسته می فرماید: «ای مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی می باشد، اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت کنم و حقوقتان را از بیت المال پردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید.» و در جایی دیگر می فرماید: «امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.»

۶. ساده زیستی و توجه خاص به طبقه محروم جامعه

یکی دیگر از وظایف حاکمان در قبال مردم، ساده زیستی و توجه خاص به طبقه محروم جامعه است؛ حضرت علی (ع) در نامه ای به والی بصره که در مهمانی شرکت کرده بود که نیازمندان در آن مهمانی جایی نداشتند، او را از این

کار برحذر داشته و به ساده زیستی دعوت می کند. آن حضرت همچنین در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین توصیه می کند؛

« به کارهای افرادی از طبقه محروم که به تو دسترسی ندارند رسیدگی کن، همانها که دیده ها آنان را کوچک می شمارد و مردان و اطرافیانت آنها را حقیر و کوچک به حساب می آورند. بنابراین برای بررسی اوضاع و احوال این قشر از جامعه کسی را انتخاب کن که متواضع و خداترس باشد تا چنین شخصی کارها و احتیاجات ایشان را به تو گزارش کند ... همچنین به حال یتیمان و سالخوردهگان توجه کن؛ همانهایی که راه چاره ای در زندگی ندارند و اهل سؤال و تکدی نمی باشند ... مقداری از وقت خود را به کسانی که نیازمندند و تظلمی دارند اختصاص بده که خود را برای کار آنان فارغ ساخته باشی و در مجلسی عمومی بنشین و برای رضای پروردگار تواضع را انتخاب کن و به سپاهیان و دربانان و نگهبانان خود سفارش کن که مانع ورود آنها نشوند تا سخنگوی ایشان بدون لکنت زبان و ترس حرفش را بزند که من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می فرمود: « مردمی که ضعیفشان نتواند بدون ترس و لکنت زبان حقش را از قوی بگیرد روی سعادت و پاکیزگی را به خود نخواهد دید.»

3. اخلاق مردم با محیط زیست

محیط زیست عبارت است از «همه ی چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آنها تأثیر میگذاریم و آن ها نیز ما را متأثر می سازند»^{۲۵۸} محیط زیست انواعی دارد که عبارتند از:

1- محیط طبیعی: همه ی عوامل طبیعی که در اطراف ما وجود دارند، به وسیله انسان ایجاد نشده، اما مورد استفاده‌اش قرار می‌گیرد، محیط زیست طبیعی شامل موارد زیر است آب، هوا، خاک، گیاهان، جانوران و خلاصه تمامی سطح زمین و جو اطراف آن.

2- محیط مصنوعی: همه ی چیزهایی که به وسیله ی انسان به وجود آمده است مانند: مناطق مسکونی، صنعتی، راهها و غیره.

3- محیط اجتماعی انسانی: محیطی که یک قوم یا ملت، با فرهنگ خاص خود در کنار هم زندگی کرده و با تاثیرات متقابل بر روی یکدیگر، محیط اجتماعی را به وجود می‌آورند.

به نظر می‌رسد انسان معاصر نیازمند بازنگری در شیوه برخورد خویش با محیط‌زیست است و می‌توان این نگرش اصیل را از آموزه‌های وحیانی طلب کرد. بهبود محیط‌زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق محیط‌زیستی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور می‌باشد. در این اخلاق برای حل مسایل ناشی از بحران محیط‌زیستی که می‌توان گفت خطرناک‌ترین بحران جهان کنونی است. چاره‌جویی می‌شود. اخلاق محیط‌زیستی «رفتار ایده آل بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است».²⁵⁹ حفظ محیط زیست و بهره برداری بهینه از آن می‌باید در راستای خداشناسی و رفتار احترام آمیز با کلیه مخلوقات خداوند از جمله طبیعت باشد و انسان به عنوان جانشین خداوند بر زمین نیز، می‌باید خود را به صفات الهی متصف نماید. از این رو، انسان‌هایی که به حفظ و صیانت از نفس واقعی می‌پردازند، با محیط زیست چنان رفتاری خواهند داشت که دست‌آوردهای آن را می‌توان به صورت زیر ارایه کرد:

1) رد سلطه بدون مسئولیت انسان بر طبیعت، زیرا انسان خلیفه خداوند بر زمین است و امانت دار خداوند محسوب می‌شود.

2) همزیستی با محیط زیست، زیرا انسان خود را همانند دیگر مخلوقات خداوند بر زمین می‌داند که همه آن‌ها یک منشاء دارند. به این ترتیب، انسان نه تنها از طبیعت جدا نیست، بلکه در شبکه ای متشکل از موجودات زنده و غیر زنده قرار دارد.

259- سروستانی، احمد، شاه ولی، منصور، محقق داماد، مصطفی، (1386)، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، فصلنامه

اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های 1 و 2، 68-61.

3) جلوگیری از استثمار طبیعت و اتلاف منابع، زیرا از انسان خواسته شده است تا به فساد در زمین که از مصادیق آن، تخریب محیط زیست و نابودی زیست بوم است، نپردازد.

4) مسئولیت او پذیری نسبت به رفتار با طبیعت، زیرا همان طور که انسان برترین مخلوق است، امانت دار خداوند بر زمین، یعنی اختیار آزادی، نیز می باشد. اگر تمام هستی مسخر انسان است، همین واقعیت تایید کننده مسئولیتی است که در برابر رفتارهای خویش با محیط زیست دارا است.

5) حفاظت و بهبود محیط زیست، زیرا انسان نه تنها موظف به حفاظت از مخلوقات خداوند است، بلکه می باید آن را بهبود بخشد. از این رو، خود بوم شناسی بر بهبود وضعیت محیط زیست به نحوی که تکامل آن تضمین گردد، استوار است.

6) تقدس محیط زیست به دلیل ارتباط آن با خداوند، زیرا با تکامل نفس و درک یگانگی تمامی مخلوقات، محیط زیست نیز که مخلوق خداوند است مورد احترام و تقدس قرار می گیرد. این مفهوم، خود می تواند یک بازدارنده درونی مهم برای جلوگیری از صدمه رساندن به محیط زیست باشد.

7) فراموش کردن خویش باعث بحران‌های محیط زیستی است، زیرا این بحران‌ها به این دلیل به وجود می آیند که انسان با کنار نهادن یاد خداوند، نفس واقعی خود را فراموش می کند و اسیر امیال و خواست‌های حیوانی خویش می شود.

بنابراین، تخریب محیط زیست انعکاسی از فراموش کردن خداوند و به تبع آن، فراموش کردن نفس خویش است که موجب می شود تا انسان با پیروی از خصلت‌های حیوانی خویش و بدون در نظر گرفتن جایگاه خود در هستی، یعنی ناتوانی در تشخیص ارتباط منسجم اجزاء هستی با یکدیگر و احاطه خداوند بر تمام هستی، به سمتی سوق پیدا کند که با خود محوری، به دنبال ارضای خواسته‌های خویش حتی به بهای تخریب محیط زیست، برآید. رهیافت خود بوم شناسی از نظر درستی یا نادرستی رفتار، در ابتدا به یک نظریه وظیفه گرا شبیه است که در آن، انسان با یاد خداوند، ضمن پرورش نفس واقعی، دستورات و الزاماتی را رعایت می نماید که برای تعامل با محیط زیست طبیعی از طرف خداوند تعیین شده است. به این ترتیب، اصول و الزامات اولیه رفتار با طبیعت که از صیانت از نفس واقعی و خداشناسی، ناشی شده باشند، با استمرار یاد خداوند، فضایی را در انسان پرورش می دهند که معیار ارزیابی رفتار با طبیعت می شوند.²⁶⁰

اصول اخلاق محیط زیست

1- اصل عدالت در محیط زیست

²⁶⁰ - سید عبدالحسین نبوی؛ مرضیه شهریار، «دین، اخلاق و محیط زیست»، مجله انسان و محیط زیست، دوره 12، شماره 2 (29-پیاپی 40)، تابستان 1393،

عدالت قانون عام است که تمامی نظام آفرینش را شامل میشود و مفهوم عدالت این است، که حق هر موجودی، چنان که شایسته ی اوست ادا شود این تعریف از عدالت یک تعریف جامع است که شامل انسانها، حیوانات، گیاهان و حتی اشیای به ظاهر بیجان، مانند آب، سنگ و خاک نیز میشود.

عمده ترین مصداقهای زیست محیطی که به عدالت ارتباط دارد، را میتوان در محدوده های زیر فهرست نمود:

1-1. برهم خوردن نظام اکوسیستم طبیعت توسط انسان که به معنای برهم خوردن حقوق عناصر زیست محیطی و در واقع تهی شدن منابع طبیعی توسط انسان از انرژی، ذخایر زیرزمینی و مواد غذایی و بطور کلی منابع تجدید ناپذیر است.^{۲۶۱}

1-2. آلودگی عناصر اصلی تغذیه انسان یعنی آب و خاک، هوا و تجمع مواد زاید و آلودهکنندهها که حق حیات موجودات زنده از جمله انسان را از آنان سلب می کند.

1-3. استفاده از مواد اولیه و ذخایر کوهزیمین به منظور ساخت سلاحهای مرگبار و یا دیگر کالاهای غیر مفید و زیانبار برای بشر که در حقیقت استفاده ی نابخردانه از مواد فوق زمینه بحران محیط زیست را بوجود آورده است.

2- اصل امنیت در محیط زیست

امنیت نقش بسیار مهمی در محیط طبیعی، محیط مصنوعی و محیط اجتماعی دارد. اگر چه تا انسان آن را از دست ندهد قدرش را نمیداند. پیامبر اسلام(ص): «امنیت و سلامتی دو نعمتی است که برای همه ناشناخته است و تا زمانی که از دست نداده اند پی به اهمیت وجودی آنها نمی برند.»^{۲۶۲}

امام علی(ع) رفاه و آسایش و پیشرفت مادی و معنوی زندگی را در سایه ی وجود امنیت میداند: «رفاهیه العیش فی الامن»^{۲۶۳} و در کلام دیگری از آن امام آمده است که بالاتر از امنیت نعمتی نیست: «هیچ نعمتی آرامش بخشتر از امنیت نیست.»^{۲۶۴}

3- اصل لاضرر در محیط زیست

قاعده ی فقهی «لا ضرر» پشتوانه ای در حفاظت از محیط زیست است. اصل «لا ضرر» یکی از اصول مسلم فقهی است که میتوان با استناد به آن بسیاری از مشکلات زیست محیطی را حل کرد. این اصل در حقیقت روح حاکم بر همه

²⁶¹ - حلم سرشت و دل پیشه، 1382، ص 11.

²⁶² - فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة)، ج 2، ص: 472

²⁶³ - آمدی، تصنیف غرر الحکم، ص 447

²⁶⁴ - همان.

قوانین اسلامی است. به موجب این اصل، در اسلام زیان رساندن به دیگران، به هیچ وجه مشروعیت ندارد؛ چه در مرحله ی وضع قانون و چه در مرحله ی اجرای آن.

بنابراین اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود زیان به فرد یا جامعه شود و یا در مرحله ی اجرا موجب زیان گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد.²⁶⁵ طبق قاعده ی لا ضرر هر گونه تصرف، تغییر و بهره برداری از جامعه ی انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و

مردود است. بسیاری از مسایل زیست محیطی را می توان در قالب قاعده ی لا ضرر مورد بحث قرار داد مانند:
3-1. ریختن زباله در مکانهایی که برای انسان و محیط زیست زیان آور باشد. مانند نفوذ پساب های نفتی به سفره های آب زیرزمینی.

3-2. بهره برداری غیر مجاز از ذخایر طبیعی مانند چاههای نفت و گاز که منجر به ضرر به نسلهای آینده میشود.

3-3. استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه های غیر استاندارد به خصوص در نزدیکی شهرها.

3-4. ایجاد آلودگی صوتی به گونه ای که مزاحم شهروندان باشد، مانند صدای کارخانه های نزدیک شهر، صدای ناهنجار برخی وسایل نقلیه و...

4- اصل آبادی و ایجاد محیط زیست مصنوعی

انسان موجودی است که خداوند متعال به او مسئولیت آبادگری زمین را داد: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا... (هود: 61) و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید.» در آیه ای دیگر خداوند انسان را از تخریب و برهم زدن نظام انسجام یافته ی طبیعت و ویرانی آن بر حذر می دارد: «و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها(اعراف: 56) و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.» آیات فوق به دو جنبه ی مثبت و منفی فعالیت انسان در زمین اشاره دارد. از آنجایی که آبادگری و پرهیز از هر نوع ویرانگری به منظور تأمین نیازها و خواسته های انسان است، پس در حقیقت این همان طرح توسعه ی پایداری است که امروزه مورد توجه اندیشمندان زیست محیطی قرار گرفته است. یعنی تلاش در جهت برآوردن نیازمندیهای نسل حاضر، بدون آن که به امکانات و توانمندی های نسلهای آینده آسیب رساند به عبارت دیگر، آبادانی (مثبت) بدون تخریب (منفی)، تا تکامل انسان میسر گردد.

5- اصل دعوت به حفاظت از محیط زیست

²⁶⁵ - البته باید توجه داشت برخی مواقع مصلحت های اجتماعی اقتضا می کند فرد یا افرادی ضرر کنند تا بقیه مسلمین به سختی و حرج نیفتند. در این موارد چون ضرر اجتماعی مطرح است، ضرر فردی یا افرادی رنگ می بازد. از همین روی اگرچه در ظاهر و احیاناً کسانی که منازلشان در طرح های عمرانی قرار می گیرد، دچار سختی و ضرر می شوند لکن اگر این طرح ها اجرا نشود به صدها انسان دیگر آسیب می رسد و ترافیک، آلودگی هوا و... ده ها آسیب دیگری در پی دارد.

در نظام تربیتی اسلام از دیده بانی و مراقبت از یکدیگر در جامعه و حفاظت و مراقبت از محیط زیست بشر تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» یاد شده است: «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون (آل عمران: 104) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.»

وقتی که محیط زیست در اثر عملکردهای عده ای دچار انواع آلودگی ها می-شود و یا وقتی که کره ی زمین دچار بحرانهای زیست محیطی مختلف می گردد، این مسایل تنها دامن انسانهای بدکار و متخلف را نمی گیرد بلکه همه ی انسانها باید بهای آن را پردازند.

بنابراین هیچکس نمیتواند بگوید که چون وظیفه ی خود را انجام داده، از آثار ناگوار وظیفه ناشناسیهای دیگران برکنار خواهد ماند، چرا که آثار اینگونه مسایل اجتماعی، فراگیر است. این درست مانند آن است که در حدیث پیامب (ص) آمده است، عده ای از مسافران یک کشتی، اقدام به انجام اعمالی نمایند که سوراخ شدن قسمتی از بدنه کشتی را در پی داشته باشد. بدون تردید، عواقب ناگوار اینگونه عملکردها، تنها دامن عاملین چنین عملی را نخواهد گرفت بلکه همه ی مسافران کشتی بایستی بهای آن را پردازند. به دلیل ضرورت، حساسیت و اهمیت حفاظت از محیط زیست در سطح جهانی در سال 1992 میلادی، کنفرانس بین المللی «توسعه و محیط زیست» معروف به اجلاس «سران زمین» تشکیل شد و نتایج حاصل از این کنفرانس به تصویب شرکت کنندگان در اجلاس، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران رسید.

6- بررسی اثرات زیست محیطی طرحهای توسعه

صدمات اقتصادی - اجتماعی و اکولوژیکی ناشی از طرح های توسعه ی بی رویه یا یک بعدی، گاهی غیر قابل جبران است و جبران آن ها فقط با صرف زمانی طولانی و هزینه های بسیار زیاد امکان پذیر خواهد بود. دیری است که جوامع پیشرفته با تجربه و به بهای گزاف به این باور رسیده اند که چنانچه اساسی ترین پروژه های توسعه در هر زمینه از نظر «پیامدهای زیست محیطی» مورد بررسی قرار نگیرد، موفقیت آنها نه تنها تضمین شده نیست بلکه ممکن است شکستهایی را با خود به همراه آورد. هرگونه توسعه ای بدون برخورداری از طرح ارزیابی، بی آنکه نیت خیرخواهانه دست اندرکاران امور توسعه زیر سؤال رود، بنا به ماهیت خود، می تواند فعالیتی باشد که نه تنها سازگاری با شرایط زیست محیطی ندارد بلکه در جهت تخریب آن باشد و در نهایت آن را به نابودی کشاند که توجه به گستره ی تخریب محیط زیست در اثر روند توسعه ی بی رویه، تحت لوای عمران، در اغلب کشورهای جهان، شاهدی است بر این ادعا می باشد.

از این رو، پروژه های مهم در زمینه های کشاورزی، صنعت، خانه سازی، دفع مواد زاید سمی و خطرناک و مواد زاید جامد شهری و فاضلاب شهری، شیلات، جنگلداری و استخراج معادن، توسعه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، تولید و انتقال نیرو، به ویژه نیروگاه اتمی پروژه های زیر بنایی، فرودگاه، بنادر دریایی، تأمین آب و احیای زمین و غیره نیازمند بررسی زیست محیطی توسعه می باشند.

7- اصل جلوگیری از تخریب محیط زیست

تخریب در محیط زیست نمونه آشکار فساد است زیرا نقطه مقابل اصلاح و صلح، یعنی سازگاری در نظام طبیعت است. از دیدگاه اسلام فساد عام است و مقابله در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت و نظام طبیعت تلقی شده است. قرآن تباهی امت های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی میدانند: «وَ إِذَا تَوَكَّلَىٰ فِي الْأَرْضِ يُفْسِدْ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْخَرْتُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: 205) و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد»

نکات زیر از دقت در آیه فهمیده می شود:

7-1. به گفته مفسران مقصود از «حرث» در آیه گیاه به معنای عام است که شامل مزرعه ها، درختان، گیاهان و چراگاه ها میشود.

7-2. واژه «نسل» در این آیه عام است و شامل نسل آدمیان حیوانات و پرندگان می شود و نابودی گیاهان، زمینه از میان رفتن نسل حیوانات، پرندگان و آدمیان می باشد.

7-3. نابودی گیاهان و نسل حیوانات و پرندگان و انسانها فساد در زمین است. که مفسران بدان تصریح کرده اند.²⁶⁶

فساد نیز دارای مفهومی بس گسترده است که هر گونه نابسامانی و ویرانگری و انحراف و ظلم را در بر میگیرد. به عبارت دیگر، فساد به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می شود که نظام آراسته و صالح جاری را برهم زند و نقطه مقابل آن اصلاح است که تمام برنامه های سازنده در مفهوم آن جمع می باشند.

²⁶⁶ - طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 96.

بدون تردید، آنچه که در اینجا از ابعاد مختلف فساد در نظر ما است، مواردی می باشد که نظام آراسته و صالح جاری در عرصه محیط زیست را که جزیی از نظام خلقت میباشد، با نابسامانی، انحراف و دگرگونی مواجه سازد.

ابعاد مختلف بحران زیست محیطی که امروزه به حق، افکار جهانی را تحت تأثیر قرار داده، حاصل عصیانگری بشر در برابر نظام آراسته و صالح جاری در عرصه محیط زیست میباشد. اینگونه اقدامات فساد انگیز چه از ناحیه فرد باشد و یا از حکومت، در تضاد با خواست خداوند است، چرا که خداوند ابداً فساد را دوست ندارد و هرگز در مشیت ازلی نخواست است که فساد کنند.

نکته قابل توجهی که در این مبحث بایستی ذکر شود، رفتارهایی است که منجر به بروز فساد در عرصه محیط زیست می گردند. اینگونه رفتارها نیز با توجه به ماهیت فسادانگیزشان در تضاد با اصول ارزشی اسلام است و بدون شک، نهی خداوند شامل آنها نیز می شود. چرا که فساد، فساد است اگر چه در قالب یکی از رفتارهای انسانی بروز نماید از طرف دیگر نباید از نظر دور داشت که همین فسادهای موضعی و فردی میتواند باعث گسترش دامنه ی فساد شده و نظام آراسته و صالح جاری در عرصه محیط زیست را در ابعاد وسیع و گستردهای بر هم زند.

آلوده کردن آب، خاک و هوا نیز در صورتی که عرصه ی حیات زیست مندان مختلف زمینی را دچار اختلال نماید و نظام آراسته و صالح جاری در عرصه ی محیط زیست را دچار اختلال نماید از مصادیق بارز فساد و رفتارهای ناهنجار زیست محیطی تلقی می گردد.

8- اصل مصرف بهینه و میانه روی در مصرف

عطایای الهی و ثروت های خداداد به صورت منابع طبیعی در عرصه ی محیط زیست وجود دارد که انسان در ایجاد آنها دخالتی نداشته است. استفاده ی بی رویه از منابع نفتی علاوه بر آنکه به حقوق نسلهای آینده ارتباط دارد آیندگان را با تنگناها مواجه می گرداند، در صورتی که منابع طبیعی تجدید شونده، اساس زیست و مایه حیات به حساب می آید. منابع طبیعی قابل تجدید از نظر تئوری، همیشگی و

پایدارند. آنها یا مشتق از منابع فناپذیر (مثل انرژی خورشیدی) هستند و یا می توانند با اعمال طبیعی و یا مصنوعی بازسازی شوند. به طور مثال محصولات نباتی و حیوانی، جنگلها و برخی مراتع، منابع آب و هوا و خاک، منابع صید و شکار قابل تجدیدند، اما شرط لازم برای تجدیدپذیری استفاده عاقلانه از آنها است اشکال اصلی در این است که ما ممکن است از منابع قابل تجدید، سریعتر از زمان لازم برای بازسازی آنها بهره برداری کنیم و یا در نتیجه بهره برداری، اثرات جنبی استفاده، باعث به خطر انداختن محیط زیست و زندگی گردند.

بنابراین برخورداری انسان از یک چنین امکاناتی سبب طرح مسؤولیت وی در برابر طبیعت و جهان آفرینش است. تصمیمات غلط و اقدامات بیرویه ی بشر می تواند اختلالات و لطمات کم و بیش بزرگی بر تعادل و سلامت محیط زیست وارد آورد.

امروزه الگوی جهانی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در جهت تلفیق اصول حفاظت زیست محیطی در برنامه ی توسعه ی اقتصادی و رسیدن به توسعه ی پایدار ارائه شده، که توجه به آن در برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای اسلامی ضرورت تام دارد. (شاحیدر، 1373). توسعه ی زیست محیطی یا توسعه ی پایدار در عبارتی کوتاه به معنی بهره برداری از محیط زیست با تضمین بقا می باشد.

نعمتهای الهی اعم از خوردنی ها و آشامیدنی ها و یا انرژی هایی مانند نفت و گاز ، همگی مواهبی هستند که خداوند مَنَّان جهت استفاده بشر آفریده است. قرآن به این نکته اشاره کرده است و میفرماید: «قد جعل الله لكل شیء قدراً» (طلاق:3) به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است.

امروزه بر همگان ثابت شده است که منابع زیست محیطی و مواهب الهی موجود در زمین محدود است که استفاده ی بیش از حد برخی از انسانها، موجب محرومیت دیگران می شود. نکته ی دیگر این که انسان در خصوص چگونگی بهره مندی از نعمت ها مسؤول است: «ثم لتستلن یومئذ عن النعیم» (التکواثر: 8) سپس در چنین روزی درباره ی نعمتهای پروردگار از شما پرسش خواهد شد. قرآن کریم چه تعبیر زیبا و دقیقی درباره ی امت اسلامی به کار برده است: «وکذلك جعلناکم اممً وسطاً» (بقره:143) شما را امتی میانه قرار دادیم. واژه ی «وسط» در لغت هم به معنی حد متوسط در میان دو چیز آمده یعنی

دوری از افراط و تفریط و الگو بودن نیز می باشد، و هم به معنی جالب ، زیبا، عالی و شریف. به نظر می رسد این دو معنا به یک حقیقت باز می گردد زیرا شرافت و زیبایی هر چیزی به اعتدال و دوری از افراط و تفریط است.

حفاظت از محیط زیست به معنای عدم بهره برداری یا حتی کمتر استفاده کردن از امکانات طبیعت نیست بلکه مراد از آن استفاده ی بهینه و عاقلانه از طبیعت است. زیرا گاهی خودداری از بهره برداری از امکانات محیط زیست موجب تخریب آن خواهد شد. صید بی رویه و بدون برنامه ریزی نیز سبب بر هم خوردن تعادل اکوسیستمهای آبی

و از بین رفتن تدریجی منبع غذایی دریایی به عنوان یکی از مهمترین منابع تامین غذای جمعیت در حال افزایش انسان است.^{۲۶۷}

۹- اصل بهداشت و پاکیزگی محیط

بهداشت یکی از مباحث مهمی است که اسلام توجه جدی به آن نموده است. اسلام به منظور حفاظت از محیط دستورات و برنامه های فراوانی در تمامی عرصه های حیات بشری، اعم از معنوی، مادی، فردی و اجتماعی عرضه کرده است. پس با توجه به تأثیرگذاری این عرصه ها بر یکدیگر نباید آنها را به صورت جداگانه مورد بحث قرار داد. محیط اجتماعی زندگی انسان آثار اجتناب ناپذیری بر روان و رفتار او دارد. انسان بسیاری از صفات خود را از محیط کسب می کند. محیط های پاک غالباً افراد پاک پرورش می دهند و محیط های آلوده غالباً افراد آلوده. «والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه و الذی خبث لا یخرج الا نکدا کذلک نصراف الایات لقوم یشکرون (اعراف: 58) سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار میروید اما سرزمینهای بد طینت (و شوره زار) جز گیاه ناچیز و بیارزش از آن نمی روید این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند بیان می کنیم.» در این آیه تأثیر محیط بر روان و رفتار انسان به صورت لطیفی بیان شده است. در این مثال انسانها به گیاهان تشبیه شده اند و محیط زندگی آنها به زمینهای شور و شیرین. در یک محیط آلوده هر چند که آموزش کارآمد باشد پرورش انسانهای پاک دشوار است همانگونه که باران در زمین شورهزار گل نمی رویاند. به همین دلیل برای تهذیب نفوس و تقویت اخلاق صالح باید به اصلاح محیط همت گماشت. در سالهای اخیر سازمان بهداشت جهانی، موضوع بهداشت محیط را باز تعریف نموده و آورده است «بهداشت محیط زیست عبارتست از کنترل عواملی از محیط زندگی که به نحوی در رفاه و سلامت بدنی، روانی و اجتماعی انسان تأثیر دارند و یا خواهند داشت.»^{۲۶۸} در همهی ادیان آسمانی، پاکیزگی و عدم آلودگی از وظایف دینی بر شمرده شده است در اسلام بر پایه ی حدیث «النظافه من الایمان» حفظ پاکی در همه ی زمینه ها اعم از انسان، زمین، آب، هوا و غیره مطرح می گردد. بنابراین جلوگیری از آلودگی محیط زیست، مسأله امروزی نبوده بلکه در طول تاریخ اسلام اهمیت داشته است. پیامبر(ص) در حدیثی می فرماید: «زمین را مسح کنید زیرا او نسبت به شما نیکی و لطف و محبت دارد». منظور از آلودگی، وارد ساختن مستقیم یا غیر مستقیم هرگونه ضایعات زیان بخش توسط انسان به محیط زیست است که در نتیجه ی چنین عملی، خطراتی متوجه سلامت انسان و حیات جانوری یا گیاهی شده، به امکانات زیستی صدماتی وارد می آید و یا سایر کاربردهای مشروع محیط زیست مختل می گردند. از آنجا که هدف از آفرینش همه ی مخلوقات از جمله آب، خاک، هوا، گیاه و حیوان تنعم و

²⁶⁷ - روشنی، 1381، ص 9.

²⁶⁸ - حلم سرشت و دل پیشه، 1382، ص 3.

بهره وری انسان است، هیچ کس این حق را ندارد که عناصر حیاتی زندگی آدمی را که توسط خالقش به ودیعه به او سپرده شده آلوده یا تباه سازد. از طرف دیگر، به موجب تعدادی از آیات و روایات، بسیاری از مخلوقات دیگر هم از جمله آب و حیوانات همانند انسان، خود واجد ملاک تقدس اند، و یا به عبارتی به علت شدت آمیختگی آنها با انسان و سایر جنبندگان نباید آنها را آلوده ساخت، به حریم پاک آنها تجاوز ناپاکانه کرد و ستم و آزار در حق آنها روا داشت.^{۲۶۹}

امروزه آلودگی محیط زیست مصداق بارز ضرر وارد نمودن به سلامت افراد جامعه به حساب می‌آید و بدون تردید شامل نهی شدید پیامبر اسلام (ص) در حدیث معروف لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام که قبلاً به آن اشاره شد می‌شود. اسلام به سالم سازی، زینت بخشی و بهره مندی از اشیای پاکیزه در محیط زندگی و حتی در عبادت اهمیت بسیار داده است. به طوری که خداوند متعال کره ی زمین را با زینت ستارگان آراسته است: «انا زینا السماء الدنيا بزینة الكواكب» (صافات: 6) ما آسمان این دنیا را به زیور ستارگان آراستیم.»

و در آیاتی دیگر بهره مندی از زینت ها و پاکیزگی را از فرامین الهی شمرده است: «یابنی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا واشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المسرفین قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطیبات من الرزق قل هی للذین ءامنوا فی الحیوة الدنیا خالصة یوم القیمة کذلک نفصل الایات لقوم یعلمون» (اعراف: 31-32) ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و (از نعمت های الهی) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد بگو: «چه

کسی زینت های الهی را که بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند (اگر چه دیگران نیز با آن ها مشارکت دارند ولی) در قیامت خالص (برای مؤمنان) خواهد بود. این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند شرح می دهیم.»

پاکیزگی محیط اطراف ما به خصوص خانه و کاشانه و محل کار و زندگی از جمله مسایل مهم در بهداشت محیط می باشد که اسلام اهمیت ویژه ای به آن داده است و در بسیاری از روایات سبب جلب روزی الهی تلقی شده است. امام صادق (ع) فرمود: «ولا تتوا التراب خلف الباب فانه ماوای الشیطان»^{۲۷۰} خاکروبه را پشت در خانه نریزید که ماوای شیطان است». لازم به یادآوری است که شیطان یکی هم به معنای موجود زیانبخش و مودی است. احتمال دارد در این گونه روایات مراد میکروب ها و ویروس ها باشد که در محیطهای آلوده به سرعت تکثیر شده و منتشر می شود.

²⁶⁹ - گرجی، 1362.

²⁷⁰ - بحارالانوار، ج 60، ص 200.

امام علی (ع) فرمود: «نظفوا بیوتکم من حوک العنکبوت فان ترکہ فی البیت یورث الفقر»²⁷¹ تار عنکبوت را از خانه هایتان پاک کنید که ترک این کار فقر به دنبال خواهد داشت. آلوده کردن محیط زیست و منابع خدادادی می تواند این نعمتهای خداداد را از دایره بهره وری و ارزشمندی خارج سازد. از این رو در اسلام فرامین زیادی بر عدم آلودگی محیط وارد شده است. یکی از عوامل آلوده کننده نجاست ها هستند که مؤمنان باید از آن پرهیزند. در روایات آمده است که از نجس کردن محیط زندگی پرهیز کنید مکانهایی چون اطراف مساجد، کنار رودخانه ها، باغهای میوه و زیردرختان میوه، جلو و اطراف خانه های مردم و گذرگاهها از جمله آنها می باشد. امام علی (ع) یکی از آثار پاکیزگی را از بین رفتن غم و غصه دانسته و می فرماید: «النظیف من الثیاب یدهب الهم و الحزن و هو طهور للصلاة»²⁷² پاکیزه بودن لباس غم و غصه را از بین می برد و شرط درستی نماز است.

یکی از دلایل افسردگی ها و مشکلات عصبی جوامع را می توان چنین آلودگی دانست. امام صادق (ع) زندگی را با عناصر آلوده حیات ناگوار می داند و می فرماید: «لا تطیب السکنی الا بثلاث الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الارض الخواره»²⁷³ زندگی بدون احراز سه عامل (زیست محیطی و) حیاتی گوارا نیست؛ هوای پاک و تمیز آب فراوان و گوارا و زمین حاصل خیز و قابل کشت و زرع.

10- بهداشت محیط مسجد

یکی از مکانهای عمومی که بهداشت آن مورد توجه اسلام است مسجد می باشد. مسجد جایی است که ظاهر و باطن فرد و هم اجتماع را آراسته و بدون آلودگی می خواهد.²⁷⁴

ظاهر بدن: گاه بلافاصله پس از در ورودی برخی مساجد آئینه ای که در خور شأن خانه خدا - مساجد - است و بر ستونی نصب شده (در مشاهد متبرکه و مزار صلحا نیز هست) تا مسلمانی که وارد می شود بدین طریق بتواند اگر موهایش ژولیده است شانه بزند و یا اگر مشکلی در ظاهرش وجود داشت برطرف سازد و خلاصه با سر و وضعی آراسته وارد گردد به علاوه اینکه هنگام ورود برای جلوگیری از ایجاد تعفن که امکان وجودش در ازدحام و جاهای گرم بیشتر است عطر و گلاب می پاشند. (بعضی این مستحب را که معطر بودن و پاکیزه داشتن سر و وضع است خود رعایت می کنند)

²⁷¹ - المحاسن برقی، ص 624.

²⁷² - الکافی، ج 6، ص 444.

²⁷³ - تحف العقول، ص 320.

²⁷⁴ - پاک نژاد، 1361، ص 90.

اینکه پروردگار فرمود: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینتکمُ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ؛ (اعراف: 31) ای فرزندان آدم! هنگام هر نماز و [در هر مسجدی، آرایش و زینت [مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان] همراه خود بگیرید.» لذا مسلمان مترصد است همیشه لباس خوب و پاکیزه ای داشته به شکل و وضع خود بی اعتنا نباشد از حضرت امام حسن مجتبی (ع) که بهترین جامه ی خود را موقع نماز می پوشید سبب این کار را پرسیدند، ایشان فرمود: «خداوند جمیل است و جمال وزیبابی را دوست دارد. به این جهت خود را برای رفتن به پیشگاه الهی زینت می کنم خداوند امر فرموده که با زینتهای خود در مساجد حاضر شوید.»

11- اصل توجه به بهداشت آب

آب یکی از نعمتهای بزرگ پروردگار است که مایه ی حیات تمام موجودات می باشد. قرآن فرموده است: «و جعلنا من الماء کل شیء حی؛ (انبیاء: 30) و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم.» آب نزدیک به 72 درصد سطح کره زمین را پوشانده است. 2/97 درصد حجم آب کره زمین در اقیانوسها و دریاهاست. حدود 23/1 درصد آبهای زمین شیرین است، که حدود یک سوم این مقدار قابل مصرف است. مابقی آب شیرین به صورت برف و یخ در نواحی قطبی و یخچال های طبیعی وجود داشته و غیر قابل استفاده است.²⁷⁵ با توجه به اهمیت آب و محدود بودن آن روشن است که علاوه بر ضرورت استفاده بهینه از آب و اجتناب از اسراف در مصرف آن بایسته است که از آلودن کردن آبها جلوگیری کرده و این عنصر حیاتی را از آلاینده ها رها نماییم. از حسنین (ع) نقل شده است که فرمودند: «ان للماء اهلا و سگاناً کسگان الأرض؛²⁷⁶ آب هم زیستگاه موجوداتی است هم چون زمین که زیستگاه موجودات است.» آلوده شدن آبهای سطحی و زیرزمینی توسط نشت نفت و سایر مواد، ضرورت تصفیه آبهای داخل پالایشگاه و تصفیه پساب ها همگی نکاتی مهم هستند.

اسلام هیچ عذری را برای آلوده کردن آب نمی پذیرد حتی اگر در جهت مقابله با دشمن باشد. امام صادق (ع) خطاب به یکی از یارانش فرمود: «ولا تفسد علی القوم ماءهم؛ آب مردم را آلوده نکن.» آلودگی آب ها منشأ بسیاری از بیماری هاست، به طوری که گاه گفته می شود که 80٪ مشکلات بهداشتی و درمانی مردم ناشی از مصرف آب آشامیدنی آلوده است.²⁷⁷

12- اصل توجه به بهداشت هوا

²⁷⁵ - حلم سرشت و دل پیشه، 1382، ص 45.

²⁷⁶ - المحاسن برقی، ج 2، ص: 579.

²⁷⁷ - دیری، 1382، ص 11.

یکی از عناصر ارزشمند و حیاتی هواست. چیزی که با استنشاق آن زندگی خود را تداوم می‌بخشیم. همانطور که قبلاً اشاره شد در سخنی از امام صادق(ع) آمده است: «خوشی زندگی با حضور سه چیز میسر است که هوای پاک یکی از این سه به شمار می‌رود». هوا، اقیانوسی است که در آن تنفس می‌کنیم. 99/9 درصد هوا از نیتروژن، اکسیژن، بخار آب و گازهای بی‌اثر تشکیل شده است. هوا؛ انسان، گیاه و حیوان را در برابر خطرات زیانبار تابش اشعه‌های خورشید حفظ می‌کند. فعالیتهای²⁷⁸ انسانی می‌تواند موادی را وارد هوا کند که بعضی از آنها مشکلاتی را برای انسان‌ها، گیاهان و حیوانات به وجود آورد.²⁷⁹ از جمله مونواکسید کربن که منبع اصلی تولید آن وسایط نقلیه موتوری است. مصرف بیش از حد سوختهای فسیلی (مانند نفت، گاز و زغال سنگ) باعث آلودگی هوا شده که این خود بزرگترین خطر برای سلامتی انسان است. بر اساس برآورد سازمان جهانی بهداشت (WHO) آلودگی هوا در هر سال موجب مرگ سه میلیون نفر می‌شود. تأثیر آلودگی هوا بر افراد مختلف متفاوت است. آسیب پذیری برخی افراد در برابر آلودگی هوا بسیار بیشتر از سایرین است. کودکان کم سن و سال و سالمندان بیشتر از دیگران از آلودگی هوا آسیب می‌بینند. برخی بیماری‌ها مانند آسم، بیماری قلبی و ریوی در مواقع آلودگی هوا تشدید می‌شوند. آثار کوتاه مدت آلودگی هوا عبارتند از: حساسیت چشم‌ها، بینی، حلق، بیماریهای دستگاه تنفسی، سردرد و تهوع. آلودگی هوا برای مدت کوتاه می‌تواند بیماری مبتلایان به آسم و آمفیزم را تشدید کند. آثار دراز مدت آلودگی هوا می‌تواند بیماری مزمن تنفسی، سرطان ریه، بیماری قلبی و حتی آسیب به مغز، اعصاب، کبد و کلیه‌ها را شامل شود. عقیمی ناشی از کاهش شمار اسپرم در مردان از عوارض آلودگی هوا شناخته شده است. آلودگی هوا نه تنها در تشدید آسم نقش دارد بلکه بزرگترین عامل خطر در ایجاد این بیماری محسوب می‌شود. پزشکان از جمله عوامل مؤثر در بروز جوش صورت را آلودگی هوا معرفی می‌کنند. در تحقیقات انجام شده مشخص شده است آلودگی هوا در بروز چاقی نقش دارد و تأثیر آن بر مرگ زودرس در نواحی آلوده‌ی شهرها به اثبات رسیده است. آلاینده‌ها توان گیاهان را برای مقابله با بیماری‌ها و حشرات کاهش می‌دهند و در رشد آنها تأثیر منفی می‌گذارند.

آلوده ساختن محیط زیست و هوا چنان از منظر اسلام مردود است که حتی از آلوده کردن سرزمین مشرکین نیز نهی شده‌ایم. امام علی(ع) فرمودند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛²⁸⁰ رسول خدا (ص) از ریختن سم در سرزمین مشرکین نهی کردند.»

²⁷⁸ - World Health Organization (WHO)

²⁷⁹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، 1384

²⁸⁰ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج 5، ص: 28

کارشناسان معتقدند که آلودگی هوا سه پیامد اصلی شامل «باران اسیدی، تخریب لایه ی اُزن و گرم شدن کره ی زمین» را در مقیاس بین المللی به دنبال داشته است.^{۲۸۱}

13- اصل رعایت بهداشت صوتی

یکی از مشکلات زندگی شهری که متأسفانه زندگی پر از آرامش و به دور از سرو صدای برخی از روستاها را نیز اخیراً به تدریج تحت تأثیر قراردادده است، موضوع آلودگی های صوتی است. سر و صدای محیط اطراف در دراز مدت منجر به ایجاد ضایعاتی در انسان می شود که در برخی موارد آثار آنها به صورت خستگی، خواب آلودگی و حملات عصبی بروز می نماید.^{۲۸۲} برخی از آثار آلودگی صوتی در انسان عبارتند از: دست رفتن قدرت شنوایی و یا کم شدن آن، حساسیت عصبی، گرفتگی عضلانی، شوک عصبی، تحریک پذیری شدید، خستگی روحی و جسمی، مایخولیا، سرگیجه، ترس و اضطراب، آلرژی، از دست دادن تعادل بدن، ضعف قوه ی بینایی، ضعف نیروی جسمی، امراض قلبی، یبوست، سوء هاضمه، ورم معده و تمایل به خودکشی و قتل.^{۲۸۳}

14- اصل رعایت بهداشت زمین

اندکی بیش از یک چهارم کره زمین را خشکی تشکیل می دهد و کمتر از یک سوم خشکی های روی زمین برای دام ها، محصولات کشاورزی و زندگی انسان مفید می باشد. بقیه ی سطح خشکی ها را نواحی سرد قطبی، کویرهای خشک و سوزان و کوهستانهای سنگی تشکیل می دهند.^{۲۸۴} خاک لایه بسیار نازکی از کره ی زمین را تشکیل می دهد. وجود و تغذیه موجودات زنده به آن وابسته است. غیر از قطبین که در زیر یخ ها مدفون هستند یک و نیم میلیارد هکتار زمین موجود است، که یازده درصد آن در دست کشاورزی است و مابقی آن غیر قابل کشت می باشد. در روایات انسانها در برابر سرزمین هایی که در آن زندگی می کنند نیز مسؤول شناخته شده اند: «فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و...»^{۲۸۵} شما در مورد زمینها و ... نیز مسؤول هستید.» اما امروزه شاهد آن هستیم که چگونه خاک های مرغوب تبدیل به ساختمان ها و مراکز صنعتی و یا آلوده به انواع مواد شیمیایی و سمی می شوند و عرصه ی حیات را برای انسانها، و موجودات دیگر تنگ می کنند. امروزه شاید به دلیل حمل و نقل زیاد نفت و مشتقات آن امکان آلودگی آب و خاک زیاد است. این آلودگی ممکن است تصادفی بوده و یا عملاً آلاینده هایی مانند

²⁸¹ - پورخجاز، 1381.

²⁸² - ماهنامه دانستنی های هوای پاک، شماره 153، ص 432.

²⁸³ - همان.

²⁸⁴ - روشنی، 1381، ص 59.

²⁸⁵ - نهج البلاغه: خطبه 167.

فاضلاب پالایشگاه های نفت به خاک افزوده شده و یا بر روی آن تخلیه شود. آلودگی خاک با مواد نفتی اهمیت به سزایی داشته و مقدار کم آن می تواند طعم و بوی آب مشروب را نامناسب سازد. اگر در نقطه ای مقداری مواد نفتی بر روی خاک ریزش کرده باشد لازم است از پخش و گسترش آن جلوگیری نموده و اجازه ندهیم سطح بیشتری را آلوده کند زیرا در صورت نفوذ در خاک و آلوده ساختن اعماق آن، امکان بهسازی و رفع آلودگی از خاک دشوارتر گشته و از سوی دیگر کمبود اکسیژن در اعماق خاک فعالیت میکروارگانیسمها و موجودات زنده ی ضروری را محدود سازد.^{۲۸۶}

15- بهداشت زباله و مواد زاید

موضوع دفع فضولات هنگامی مورد توجه واقع می شود که انسان به صورت اجتماعات به هم پیوسته و در یک مکان زندگی مشترک خویش را آغاز نمود این امر به ویژه بعد از چادر نشینی و ایجاد شهرها ضروری شد. تاریخ اسلام گواه آن است که در دوره پیامبر (ص) و امام علی (ع) گروهی مسؤول جمع آوری زباله ها و خروج آن از شهرها بوده اند.^{۲۸۷} اسلام دستوراتی در مورد توجه به نظافت خانه ها و جمع آوری خاکروبه ها داده است. بر طبق آیات قرآن هر یک از نعمتهای خداداد دارای مقدار معین است و در استفاده از آنها حدی وجود دارد که نیابستی از آن حد فراتر رفت. دنیای امروز که پی به این حقیقت برده سخت به این موضوع توجه کرده و در این زمینه با فنون خاصی از زباله ها بهترین کودها را می سازند و یا از مواد موجود در آن (مثل کاغذ، فلزات و شیشه) ماده خام اولیه برای تهیه کاغذ، شیشه و فلزات مختلف به دست می آورد و یا حتی از فاضلاب ها پس از تصفیه کردن، آب قابل استفاده برای مصارف کشاورزی و غیره تهیه می کند. بازیافت به معنی قابل مصرف کردن مجدد مواد و یا استخراج یک یا چند ماده قابل مصرف از زباله به وسیله فرآیندهای ساده یا پیچیده است. انسان با عمل به بازیافت سعی بر آن دارد تا مواد زاید یک چرخه را قابل مصرف مجدد ساخته و با این عمل علاوه بر صرفه جویی اقتصادی، به امر پاکسازی و حفاظت از منابع و محیط زیست کمک نماید. اهمیت دفع بهداشتی زباله ها هنگامی بر همگان روشن خواهد شد که خطرات ناشی از زباله ها به خوبی شناخته شود. زباله ها نه تنها موجب شیوع بیماریها و زشتی طبیعت می شوند، بلکه می توانند با آلوده کردن آب و خاک و هوا خسارتهای زیست محیطی فراوانی را به بار آورند. به همان اندازه که زباله ها متنوع اند خطرهای ناشی از مواد تشکیل دهنده آنها نیز می تواند متفاوت باشد. عدم بازیافت مواد مفید موجود در زباله ها با توجه به حجم بسیار زیاد زباله، نوعی کفران نعمت و اسراف می باشد به ویژه بر مبنای تکالیف و وظایف الهی متناسب با توانایی انسانها می باشد بر این اساس و با توجه به اینکه در سایه پیشرفت

286- حلم سرشت و دل پیشه، 1382، ص 47.

287- ر.ک: تاریخ یعقوبی، فصل مربوط به زندگی پیامبر(ص) و حضرت علی(ع).

علم و تکنولوژی، امکان بهره برداری از مواد موجود در زباله ها امکان پذیر گردیده، و با توجه به حجم بسیار زیاد زباله ها و جنبه اسلامی جلوگیری از اسراف و کفران نعمت ضرورت ایجاد سیستمهای بازیافت بیش از پیش روشن می گردد .

در مراکز صنعتی به ویژه پالایشگاه ها ضروری است تا واحدی جهت تصفیه و باز یافت آب های آلوده به منظور استفاده ی مجدد آن در برج های خنک کننده که مستقیماً سبب کاهش میزان آب مصرفی خواهد شد احداث شود تا موارد زیر را بازیافت نماید :

- آبهای آلوده به مواد نفتی عملیات پالایش
- آب بارندگی -
- فاضلاب های بهداشتی

پس از عملیات تصفیه پساب مواد زیر جدا سازی میشود :

آب، روغن یا مواد نفتی هیدروکربنی، لجن شامل مواد زاید و جامد و... تا از موارد تصفیه شده استفاده بهینه شود.

16- اصل توسعه ی فضای سبز

درخت و درختکاری، سبزه و سر سبزی واژه هایی هستند که همواره از ابتدای آفرینش انسان در مفاهیم دینی مطرح بوده اند. و باغهای بهشت به عنوان پاداش و زیستگاه آغازین و واپسین او در تکوین الهی رقم خورده است. از این رو بشر انس خاصی با طبیعت دارد، دنیا نیز که زیستگاه موقت انسان است، باز از درخت و سبزه دور نبوده و کشاورزی اولین صنعتی است که خداوند پس از هیوط انسان به زمین به وی یاد داده است تا به آبادانی زمین پردازد. و در حقیقت نماد آبادانی زمین، مراتع، جنگلها، باغها و مزارعی است که به وجود آمده است. خداوند متعال به انسان ماموریت داده است که به آبادانی زمین پردازد.^{۲۸۸}

17- اجرای پیمانهای زیست محیطی ملی و جهانی

تخریب محیط زیست که در اثر دخالت بشر در طبیعت ایجاد شده مصیبتی جهانی شده است که هیچ یک از کشورهای جهان از عواقب شوم آن بر حذر نخواهند ماند و هیچ کشوری هم به تنهایی قادر به مهار آن نخواهد بود.

متوقف کردن این روند فاجعه آمیز تنها زمانی میسر است که همه ی کشورها دست به دست هم داده و با همکاری و همیاری بین المللی، آتشی را که افروخته شده خاموش کنند. تخریب محیط زیست مرز نمی شناسد. آلودگی هوا و مواد سمی از طریق جریان هوا و رودخانه ها و دریاها و غیره از شهری به شهر دیگر و از کشوری به دیگر کشورها منتقل می شود.

بر این اساس کسی که خواهان حمایت و حفاظت از محیط زیست است، بایستی به هم پیوستگی و ارتباط ساختاری محیط زیست و توسعه را هیچ وقت از نظر دور ندارد. از این رو سیاست حفاظت محیط زیست چیزی گسترده تر و فراتر از مرزهای مصنوعی و سیاسی و جغرافیایی و طبیعی کشورها است و اعمال آن نیز بایستی به گونه ای باشد که مسؤولیت پذیری کل جهان را در برگیرد و همه کشورها و آحاد مردم در قبال آن احساس تکلیف و وظیفه نمایند. در یک کلام باید نظام حاکم بر جهان هم در سطح ملی متحول شود و شرایط نوینی ایجاد شود که زندگی سالمتر و سعادت مندتری را برای بشر به ارمغان آورد و در ایجاد این تحول، نه تنها سیاستمداران آینده نگر و خوش فکر بلکه مردم عادی به خصوص «خانواده مسجدی» نیز نقشی عظیم دارند. این تک تک افراد بشر هستند که از تخریب محیط زیست صدمه می بینند و همان ها هم باید برای معکوس کردن این روند به حرکت در آیند. «حکومت ها تنها هنگامی به اقدامات جدی در جهت حفظ محیط زیست خواهند زد که مردم خواستار آن شده باشند»²⁸⁹

خداوند نیز در قران بر اجرای پیمانها تأکید فراوان نموده است. در نخستین آیه سوره مائده می خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمانها و قراردادهایی که منعقد می کنید وفا نمایید.» در سوره نحل نیز آمده است: «هنگامی که پیمان بستید به عهد خدا وفا کنید و هرگز پیمانهای خود را پس از آنکه محکم بستید نقض ننمایید.» نکته های مهم این آیه این است که قران در آیه فوق از قراردادها به عنوان پیمان خدا یاد نموده و متعاهدین را یاد آور می شود که با عقد پیمان، گویی با خدا قرارداد نموده اند و پیمان خدا نیز مورد بازخواست خواهد بود.

بنابراین و با توجه به اصول 17 گانه پیش گفته، آموزه های اسلامی برای اخلاق زیست محیطی چند راهکار اساسی را مطرح کرده است:

1- تعدیل غرایز و خواسته های انسان در عرصه ی محیط زیست :

وجود انسان، در بردارنده ی مجموعه ای از سلسله غرایز و تمایلات درونی است که زندگی انسان بر آنها استوار است. اگر روزی این تمایلات از انسان گرفته شود، انگیزه ی حیات از او سلب می گردد و سرانجام نسل وی به

²⁸⁹ - براون و همکاران، 1990م، وضعیت جهان، (ترجمه حمید طراوتی).

نابودی می‌گراید. ولی این غرایز در صورتی وسیله سعادت و موجب خوشبختی جامعه انسانی است که در به کاربردن آنها، از هر نوع افراط و تفریط خودداری شود و به اصطلاح خواسته‌های درونی او تعدیل گردد و به طرز صحیحی رهبری شوند.

2- آموزش و پرورش اخلاق زیست محیطی :

«رفتار» همان نتیجه و کارکرد «اخلاق» است که پس از آموزش و آگاهی صورت می‌پذیرد و به عبارت دقیقتر، کارهای انسان یک ریشه‌ی اخلاقی دارد و به همین جهت ما، شناخت و آگاهی و روحیات و صفات افراد را در طرز رفتار آنها جستجو می‌کنیم. اخلاق زیست محیطی با پشتوانه دینی در عین حال که به ارتباطات انسان با طبیعت معنی می‌بخشد، این ارتباطات را آرمان ساز، شورانگیز و تعهد آور می‌نماید. چنین اخلاقی پایه و اساسی برای تعهد و التزام و مسؤولیت است.

3- ضمانت اجرای قوانین زیست محیطی :

در زندگی روزانه بسیاری عوامل و حوادث موجب ایجاد نوعی عکس‌العمل در ما می‌شود که حاصل آنها کوششی فعالانه، ذهنی یا عملی، از جانب ما است. مانند عوامل و حوادثی که سلامت و تعادل جسمانی ما را به خطر می‌اندازند؛ ما در حالت طبیعی و سلامت فکری نسبت به حفظ سلامت جسمانی خود علاقمند بوده و از هر عاملی که حیات ما را به مخاطره افکند پرهیز می‌کنیم. حوادث و پدیده‌هایی که در تضاد با نظام ارزشها و عقاید ما هستند منبعی دیگر در برانگیختن حس مسؤولیت ما به شمار می‌روند. قوانین بشری هر قدر هم خوب و صحیح وضع شده باشند از نظر ضمانت اجرا، ما را در بن بست قرار می‌دهند، تنها قدرت ایمان که شالوده‌ی آن توجه به خدا و مقررات مذهبی است، بهترین بازرس و ناظری است که می‌تواند ضمانت اجرای قوانین را به عهده بگیرد. آن اندازه تأثیری که از ایمان به خدا در ریشه‌کن ساختن عوامل مخرب زیست محیطی و هدایت افراد به راه صلاح و نیکی می‌توان انتظار داشت از هیچ نوع سازمان و قدرت مادی ساخته نیست.

دعوت مردم به حفظ محیط زیست بدون استمداد از یک ریشه‌ی مذهبی بی‌اثر و یا کم‌اثر خواهد بود. به همین دلیل باید کوشش نمود تا عوامل مخرب زیست محیطی در پرتو ایمان و تقوی تضعیف گردیده و از بین برود.²⁹⁰

290 - حمید فغفور مغربی، «اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره هشتم، تابستان 1388، ص 11-43.

نقش مدیریت شهری در ایجاد اخلاق شهروندی (با تاکید بر نقش ویژه شهرداری ها)

همانطور که قبلا در همین نوشتار بیان شد رابطه ای مستقیم بین حقوق شهروندی و اخلاق شهروندی است.

رعایت حقوق شهروندی (از سوی دولت) ← رعایت اخلاق شهروندی (از سوی مردم)

طبیعتا یکی از نهادهایی که می تواند در ایجاد اخلاق شهروندی ایفای نقش نماید، «مدیریت شهری» به خصوص «شهرداری ها» هستند. امروزه در سطح جهانی؛ بحث ((مدیریت شهری و حقوق شهروندی)) و رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری بسیار مهم است و چنانچه ((نظام مدیریت شهری)) را شامل فرایندهای سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی، سازماندهی و نظارت بر اداره ی امور شهر و شهرداری بدانیم و ((نظام حقوق شهری)) را به مثابه روند قانونمند کردن فرآیندهای چندگانه نظام مدیریت شهری و نیز قانونمدار نمودن وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه ی شهرداری به شهروند محسوب کنیم که هدف آن به سامان کردن زندگی شهری و فعالیت های شهرداری و شهروندان است، به خوبی اهمیت نقش و جایگاه نظام حقوق شهری در مدیریت شهری و نیز رابطه و نسبت مدیریت شهری و حقوق شهروندی و در نتیجه ایجاد «اخلاق شهروندی» مشخص می شود. در این میان سهم و نقش شهرداری که حلقه پیوند و اتصال نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری است، اهمیت خاصی دارد .

با تمام تفاسیر، هرچند هدف کلان از حقوق شهروندی ، تأمین سعادت شهروندان و مدیران شهری از طریق ایجاد محیط شهری مناسب، برخوردار، هدفمند و یکپارچه ی برپاشده بر اساس قوانین الهی و بشری می باشد؛ اما حقوق شهروندی نیل به اهدافی به شرح ذیل را نیز تعقیب می نماید :

بسط و گسترش توانائی های شهروندان

تقویت حس تعلق اجتماعی

تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری

ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت ها و امکانات

ساماندهی و یکپارچه سازی امور شهروندان

بهبود و ارتقای شاخص های مثبت شهروندی

توسعه و تعمیم دانش ها، نگرش ها و مهارت های مثبت و سازنده ی شهروندان

تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق ، تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری

مشارکت جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهری
تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی
بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت
و از همه مهمتر: ایجاد اخلاق شهروندی

نتیجه رعایت حقوق شهروندی، تحقق آرامش و آسایش حال و آینده‌ی جامعه است. ویژگی مهم حقوق شهروندی این است که شهروندان به شکل عادلانه و برابر حقوق، خود را عضو جامعه بدانند و در رخ دادن هراتفاقی واکنش نشان دهند. آنها با دانستن حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی شان به رخدادهای پیرامون بی تفاوت نخواهند بود و در تعامل متقابل حقوق شهروندی و وظایف شهروندی، جامعه در نهایت به سمت همگرایی و همبستگی اجتماعی هدایت می‌گردد.

باعنایت به موارد فوق و نیز با لحاظ شناخت اکثر قریب به اتفاق شهروندان از وظایف و اختیارات مدیریت شهری، بدیهی است آنچه که به عنوان ماده ی 55 قانون شهرداری ها و ماده ی 71 قانون شوراهای اسلامی کشور، وظیفه شهرداری و شورای اسلامی شهر شمرده می‌شود در حقیقت به نوعی ناظر بروظایف و تعهدات مدیریت شهری در تحقق حقوق شهروندی می‌باشد. شهروندان بطور پیوسته عملکرد شهرداری ها را ارزیابی می‌نمایند. در صورتی که شهرداریها کلیه حقوق شهروندی را رعایت نمایند و ارزیابی شهروندان مثبت باشد، اعتبار مدیریت شهری افزایش می‌یابد و در صورت عدم رعایت حقوق و وظایف شهروندی و عدم توجه به مفهوم شهروندی، شهروندان انتظاراتی خارج از حیطه ی وظایف شهرداری ها خواهند داشت و یا اینکه شاهد از میان رفتن حقوق مسلم شهروندان و یا بروز نارضایتی های اجتماعی به انحاء مختلف خواهیم بود .

به عنوان نمونه به شرح ذیل موارد کاری پیشنهادی که می‌تواند در اغلب جوامع انسانی مورد توجه و اجراء مدیریت شهری در زمینه تبیین، ارتقاء و نهادینه سازی ((فرهنگ و حقوق شهروندی)) شود ارایه می‌گردد:

1. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ترویج مفاهیم و پیام های فرهنگ و حقوق شهروندی

برگرفته از کلام الله مجید و سیره ی ائمه معصومین علیه السلام .

2. تلاش جدی مدیریت شهری برای شناسایی نیازها، مشکلات و مسایل شهروندان و مبتنی برآن، تهیه،

تدوین و تصویب چشم انداز و برنامه کاری و اولویت بندی اجرای برنامه های کاری کوتاه مدت، میان

مدت و بلند مدت مدون و مصوب جهت فعالیت هدفمند و منتج به نتایج ملموس و محسوس برای حل مشکلات و ارایه خدمات مطلوب و بموقع به شهروندان .

3. فراهم نمودن زمینه های مشارکت شهروندان در اداره ی امور محلی از طریق احیای محلات و محله محوری و اهتمام در ایجاد حس تعلق خاطر و احساس شهروندی بین تمامی شهروندان با لحاظ تنوع فرهنگ ها و قومیت ها با رویکرد افزایش انسجام، کنترل ، مسئولیت پذیری ، همدلی و همیاری اجتماعی شهروندان .

4. با یادآوری این فرمایش مقام معظم رهبری که «فرهنگ یک امر اهم و اقتصاد یک امر مهم است» و نظر براینکه اکنون مهمترین مسایل شهری ما مسایل فرهنگی و اجتماعی اند، الزام است که مدیریت محلی استان ها با عزم جدی و مدیریت جهادی نسبت به ارتقای کمی و کیفی عملکرد برنامه های فرهنگی و اجتماعی خود اهتمام نموده و با تقویت کارکرد اجتماعی و فرهنگی مدیریت شهری از طریق اقدام ساختاری و اصلاح ساختار تشکیلاتی شهرداری ها و تقویت بخش اجتماعی و فرهنگی شهرداری ها و با توجه به نیازهای متنوع و جدید جوامع شهری و جهت ارتقای کیفیت زندگی و مشارکت مردم در توسعه شهری ، شهرداری ها دیگر نه تنها به عنوان یک نهاد خدماتی بلکه در رویکردی فراتر به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی به مسایل شهرها توجه نمایند . لذا لازم است شهرداری ها از رویکرد کالبدی و سخت افزاری به رویکرد فرهنگی و اجتماعی تغییر رویه داده و به همین منظور، شوراها ی اسلامی شهر همانگونه که سند چشم انداز و برنامه عمرانی 5 ساله برای شهرداری ها تنظیم و تصویب می کنند، درخصوص مسایل فرهنگی و اجتماعی نیز بایستی سند چشم انداز و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تعریف و تکلیف بنمایند.

5. برای رسیدن به توسعه ی پایدار؛ شوراها ی اسلامی می بایستی ساعی، متعهد و مقید براین باشند که در مرحله تصویب ، نظارت و اجرای بودجه ی مدیریت محلی ، مدیران محلی را ملزم به تهیه و تدوین پیوست های اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، انتظامی، قضایی، زیست محیطی، میراث فرهنگی، بهداشتی و ... در انجام پروژه های عمرانی بنمایند (مقام معظم رهبری تأکید ویژه ای به مسئولان شهری در لحاظ پیوست فرهنگی و هنری در پروژه های تعریف شده فرموده اند) و بپذیریم انجام پروژه های عمرانی بدون پیوست های مذکور ، اقدامی عبث و حتی برخلاف منافع و مصالح عمومی و ملی تلقی می گردد .

6. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ارائه آموزش های زیربنایی شهروندی در حوزه ی جمع آوری و تفکیک زباله از مبدا ، مدیریت پسماند و تولیدثروت از این طلای کثیف .
7. تلاش و جدیت مدیریت شهری جهت ارائه آموزش های زیربنایی شهروندی در حوزه ترویج و نهادینه نمودن فرهنگ احترام به محیط زیست ، کاهش آلودگی های زیست محیطی و ارتقای سواد زیست محیطی شهروندان با هدف ارتقای بهداشت و سلامت اجتماعی شهروندان و حفظ و پاسداشت محیط زیست .
8. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ترویج فرهنگ آپارتمان نشینی با رویکرد ارتقای انسجام، کنترل ، آموزش، مسئولیت پذیری ، همدلی و همیاری اجتماعی شهروندان.
9. مدیریت شهری جهت ارائه آموزش های زیربنایی شهروندی در حوزه ی ترویج فرهنگ سالم سازی تردد خودروها و عابرین پیاده در سطح معابر و خیابانها و فرهنگسازی رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی (مدیریت ترافیک و فرهنگ شهروندی درحوزه ترافیک) اهتمام و جدیت بیشتری داشته باشد.
10. بستر سازی مناسب و ترویج فرهنگ زندگی پیاده و بدون استفاده از اتومبیل شخصی ، جایگزینی دوچرخه سواری و پیاده روی به جای استفاده از خودروهای شخصی در تردهای شهری با رویکرد ساماندهی ترافیک، حفظ محیط زیست ، شادابی و سلامت شهروندان
11. بستر سازی مناسب، اصلاح و تقویت ساختار حمل و نقل عمومی درون شهری به منظور فراهم کردن امکان استفاده سهل و ارزان عموم شهروندان از وسایل حمل و نقل عمومی و ترویج فرهنگ استفاده ی شهروندان از ناوگان حمل و نقل عمومی به جای استفاده از خودروهای شخصی در تردهای شهری با رویکرد ساماندهی ترافیک، حفظ محیط زیست ، شادابی و سلامت شهروندان
12. برگزاری کارگاه های آموزشی و نشست های علمی در سطح محلات و مجتمع های ساختمانی با حضور شهروندان و صاحب نظران حوزه ی اجتماعی و فرهنگی با رویکرد آموزش چهره به چهره مفاهیم فرهنگ و حقوق شهروندی
13. تلاش در جهت ساخت پیاده روهای استاندارد برای تردد امن و اختصاصی شهروندان بدون مداخله ی مخاطره آمیز خودرو، دوچرخه و موتورسواران . توجه به عنصر انسان در برنامه ریزی شهری پیش نیاز تمام رویکردهای مدیریتی است .

14. اهتمام علمی و عملی جدی فرهنگی - اجتماعی مدیریت شهری جهت کاهش زمینه های گرایش به سوء مصرف انواع مواد مخدر با رویکرد ارتقای امنیت و سلامت اجتماعی .
15. مناسب سازی ساختمان ها ، پروژه ها، محیط و فضاهای شهری برای بهره مندی و تردد ایمن، مناسب و آسان سالمندان ، جامعه معلولین، جانبازان ، روشندان با هدف ارتقای کرامت انسانی .
16. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت فرهنگسازی اصلاح الگوی مصرف و مدیریت مصرف انرژی : برق، گاز، بویژه آب توسط شهروندان و شهرداری ها .
17. گام برداشتن در جهت افزایش سرانه ی فضاهای مذهبی با نگاه عدالت گستر به تمامی محلات و با رویکرد ارتقای هویت مذهبی و اجتماعی و به عنوان یکی از مولفه های اساسی پیشگیری و کنترل آسیبهای اجتماعی .
18. گام برداشتن در جهت افزایش سرانه ی پارکها، فضاهای سبز و ورزشی ، بازیگاه های کودک با نگاه عدالت گستر به تمامی محلات و با رویکرد ارتقای سلامت و نشاط اجتماعی و به عنوان یکی از مولفه های اساسی پیشگیری و کنترل آسیب های اجتماعی .
19. ساماندهی حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی با رویکرد پیشگیری از آسیب های اجتماعی و فرهنگی و حفظ هویت اصول فنی، بهداشتی و شهرسازی شهرها.
20. ساماندهی و رفع سدّ معبرها ، مزاحمت ها ، نازیبا نمودن سیما و منظر عمومی ناشی از فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، ساخت و ساز و ... در سطح شهرها .
21. ساماندهی سیما و منظر شهری با تأکید بر رعایت و اجرای معماری اصیل اسلامی-ایرانی .
22. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ریشه یابی ، مبارزه و برطرف نمودن عوامل ایجابی موثر در بروز تکدی گری و دستفروشی با رویکرد جلوگیری از ایجاد مشاغل کاذب ، سوء استفاده از اعتقادات عمومی و جلوگیری از آسیب های اجتماعی مترتب بر موضوع .
23. برقراری تعامل با دستگاه های اجرایی و نهادهای موثر تخصصی در تولید و ترویج فرهنگ عمومی از جمله آموزش و پرورش ، صدا و سیما ، اصحاب رسانه ، کانون و کلا و ... جهت ارایه ی آموزش های عمومی مرتبط با فرهنگ و حقوق شهروندی با رویکرد پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی و افزایش روحیه ی تعهد و مسوولیت پذیری شهروندان

24. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری در برقراری تعامل با دستگاه های اجرایی و مراکز دانشگاهی متولی و مروج مباحث فرهنگی، فرهنگ سلامت (تحرك، تغذیه و ...) و امنیت جهت ارایه ی آموزش های عمومی مرتبط با فرهنگ و حقوق شهروندی با رویکرد پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی، بهداشتی و افزایش روحیه ی تعهد و مسوولیت پذیری شهروندان

25. گسترش و ایجاد مولفه های اجتماعی سلامت (پارک ها، پیاده روی، فضای مناسب شهری) با هدف کاهش و پیشگیری بیماریهایی از قبیل چاقی، دیابت، سرطان، افسردگی و ... و مناسب و ایمن سازی فضاهای عمومی و پارک ها برای امکانپذیر شدن بهره برداری بانوان و کودکان و ... در حوزه سلامت و ورزش جهت کاهش بیماری های افسردگی، چاقی و ...

26. اعتقاد و اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت تقویت عنصر کنترل اجتماعی برای اجتماعی شدن فرایند کنترل و مبارزه با آسیب اجتماعی از طریق تعامل با گروههای مرجع، نهادهای مذهبی و سازمانهای مردم نهاد تأثیرگذار جهت بهره گیری از ظرفیت ها و ارتباطات سمن ها برای ارایه ی آموزش های عمومی مرتبط با محیط زیست، فرهنگ و حقوق شهروندی با رویکرد پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی (سرق، اعتیاد، خشونت، طلاق و ...) و افزایش روحیه ی تعهد و مسوولیت پذیری شهروندان .

27. ساماندهی، هدایت و مدیریت هزینه های مراسم مذهبی، ختم اموات، ولیمه و هزینه های سفرهای زیارتی و ... به سمت انجام امورخیریه و عام المنفعه (ساخت مدرسه، درمانگاه، تهیه جهیزیه، تامین هزینه های درمانی بیماران خاص و صعب العلاج، زنان بی سرپرست و نان آور و سرپرست خانوار، کرامت سالمندان، معلولین، کمک به بی بضاعتان، کارآفرینی، تولید و اشتغال و ...) با همکاری سازمانهای مردم نهاد و از طریق تشکیل نهادهای خیریه، اجتماعی و فرهنگی مربوطه .

28. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت تقویت و بهبود اجتماع محلی از طریق شهروندسازی و فراهم سازی زمینه های لازم برای برخوردار شدن شهروندان از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی شهروندی

29. تلاش در جهت نهادینه شدن حقوق شهروندی در امرساخت و ساز با رعایت قاعده تسلط و لاضرر از طریق نظارت دقیق بر ساخت و سازهای ساختمانی

30. اعتقاد و اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت نظارت بر صیانت از کاربری های عمومی و خدماتی شهر ، پرهیز از تغییر کاربری اراضی و فروش بی رویه و ضابطه تراکم ، عدم تغییر کاربری و فروش پارکینگ ، نظارت بر اجراء و صیانت از طرح های جامع و تفصیلی و مصوبات کمیسیون ماده 5 در مبحث شهرسازی ، نظارت بر ساخت و سازهای مجاز و باکیفیت مبتنی بر رعایت اصول سه گانه ی شهرسازی، فنی و بهداشتی و جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز و بدون رعایت ضوابط سه گانه ی مذکور؛ که همگی این موارد به عنوان یکی از مهمترین مصادیق و مطالبات حقوق شهروندان می بایستی مورد توجه قرار گیرد .

31. ایجاد شهر سالم و خلق « شهروندان فعال و آگاه ». « شهر سالم » شهری است که در آن پیوسته شرایط اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی رو به توسعه و بهبود بوده و با استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، محیطی را فراهم می آورد که بر اثر آن مردم ضمن حمایت از یکدیگر و مشارکت گروهی در انجام تمام امور، تلاش می کنند که زندگی خود را به سطح مطلوبی برسانند .

32. تشویق شهروندان به مشارکت در تأمین امنیت و نظارت اجتماعی با هدف کاهش و جلوگیری از آسیب های اجتماعی .

33. توسعه کمی و کیفی احداث سرویس های بهداشتی عمومی به عنوان نیاز ضروری شهروندان با هدف ارتقای سطح بهداشت روانی و عمومی جامعه .

34. معرفی و ترویج الگوسازی رفتار شهروندی با انتخاب شهروند نمونه ی فرهنگی، عمرانی، بهداشتی و ...

35. تشکیل و فعالیت برنامه محور کمیته فرهنگ و حقوق شهروندی در شهرداریها .

36. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری در راستای تحقق سیاست های کلی اصل اقتصاد مقاومتی و پرهیز از هزینه های غیرضرور جاری و مدیریت منابع مالی محدود .

37. گفتمان سازی ، احیاء ، آموزش و ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی مصرف صحیح فردی، اجتماعی و سازمانی و مبارزه با ترویج فرهنگ مصرف گرایی .

38. تأکید بر اثربخشی ، کارآیی و بهره وری پروژه های عمرانی و عدم تحمیل هزینه های اضافی مادی و معنوی بر شهروندان در اجرای پروژه های عمرانی و هزینه های جاری مدیریت محلی .

39. اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت حفظ هویت و بافت تاریخی شهرها و فراهم نمودن زمینه های لازم توسعه گردشگری تاریخی به عنوان موتور مولد تولید ثروت و ارزش افزوده ی جوامع محلی و صیانت از نقش انسان ها در پیکره ی شهری و رعایت حرمت عنصر فرهنگی خاطره درزندگی شهری به عنوان یکی از مولفه های پیوند اجتماعی .

40. استفاده بهینه شهرداری ها از ظرفیت های موجود در کانون های فرهنگی هنری مساجد و پایگاه های بسیج.

به امید روزی که تلاش های امروزه مدیران و مسئولین شهری ، یادگار و میراثی ماندگار و جاودان برای نسل های بعدی این سرزمین همیشه سرفراز گردد و نام امروزیان در فرادهای دور به نیکی برده شود .

شهروندان بطور پیوسته عملکرد شهرداری ها را ارزیابی می نمایند. در صورتی که شهرداریها کلیه حقوق شهروندی را رعایت نمایند و ارزیابی شهروندان مثبت باشد، اعتبار مدیریت شهری افزایش می یابد

شوراهای اسلامی شهر همانگونه که سند چشم انداز و برنامه عمرانی 5 ساله برای شهرداری ها تنظیم و تصویب می کنند، درخصوص مسایل فرهنگی و اجتماعی نیز بایستی سند چشم انداز و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تعریف و تکلیف بنمایند

نکات مهم و کاربردی در اخلاق شهروندی

در پایان این فصل مناسب است یک سری نکات مهم و کاربردی در اخلاق شهروندی بدون توضیحات اضافی بیان گردد تا همچون موادی قانونی و اصولی در ذهن ما جای گیرد.

آداب دست دادن

- زودتر از فرد بزرگ تر یا مقام بالاتر ، دست خود را پیش نبرید (دست دادن از بزرگ تر یا مقام بالاتر است).
- وقتی وارد جمعی می شوید ، لازم نیست به همه دست بدهید. بهتر است با آرامش بایستید و احوال پرسى کنید (به خصوص وقتی دیگران نشسته باشند یا مشغول کاری باشند).
- با افرادی که صمیمی نیستید ، دست دادن نباید خیلی سرد و نه خیلی محکم باشد.
- بهتر است هنگام دست دادن دست کش خویش را از دست خارج کنید.

- وقتی کسی دست خویش را جهت احوال‌پرسی پیش می‌آورد، وی را معطل نگذارید.
- بانوک انگشتان دست ندهید.
- هنگام دست دادن، بهتر است ارتباط چشمی نیز برقرار کنید.
- به منظور احترام بیش‌تر، بهتر است از ماشین پیاده شوید، سپس دست دهید و احوال‌پرسی کنید.
- وقتی دست شما خیس است، برای دست دادن پیشقدم نشوید.
- برای دست دادن، دست خود را از فاصله دور دراز نکنید.
- بادست آلوده به دیگران دست ندهید.

آداب سلام و احوال‌پرسی

- در سلام کردن پیش قدم باشید.
- شایسته است وقتی بر جمعی وارد می‌شوید برای سلام کردن پیش قدم شوید.
- وقتی در کنار جمع ایستاده‌اید، با صدای بلند با کسی که دور از شما قرار دارد، احوال‌پرسی نکنید. می‌توانید با حرکاتی همچون دست بالا بردن و سر تکان دادن احوال‌پرسی کنید.
- در مکان‌های عمومی وقتی دوست شما از روبه‌رو می‌آید، لازم نیست احوال‌پرسی خود را از فاصله دور شروع کنید.
- کلمات احوال‌پرسی باید محترمانه و با فعل جمع به کار روند.
- بهتر است هنگام احوال‌پرسی لبخند بر لب داشته باشید.
- با آرامش و کلمات شورده، احوال‌پرسی کنید.
- مؤدبانه‌تر آن است که احوال‌پرسی شما، باعث حواس‌پرتی یا ایجاد زحمت برای دیگران نشود.
- اگر دیگران در جمع به احترام در مقابل شخصی برخاستند، شما نیز برخیزید هر چند که وی را نشناسید.
- اگر به احترام در مقابل کسی برخاستید (هنگام ورود یا خروج)، صبر کنید تا آن فرد بنشیند یا خارج شود. سپس بنشینید.
- اگر کسی به احترام در مقابل شما برخاست، حتماً وی را به نشستن و راحت بودن دعوت کنید.

آداب روبوسی

- با صورت خیس یا عرق کرده، برای روبوسی با دیگران پیش قدم نشوید.

- در حضور دیگران (در مکان های رسمی و عمومی) روبروسی به تعداد کم تر شایسته تر است.
- از روبروسی خیلی تند و سریع خودداری کنید.
- برای روبروسی بهتر است فرد کوچک تر صبر کند تا بزرگ تر پیش قدم شود.
- روبروسی با صدای بلند شایسته نیست.
- بچه های خردسال دیگران را نبوسید ممکن است والدینشان ناراحت شوند.
- در مراسم عزا یا تشیع جنازه یا مواقعی که دیگران ناراحت هستند، روبروسی همراه با خوش حالی نباشد.

آداب ملاقات و معرفی

- قبل از حضور در مکان های رسمی یا ملاقات مهم با دیگران، از این موارد استفاده نکنید:
سیگار، پیاز، ادکلن های تند و....
- در هنگام معرفی، شایسته است افراد پایین تر را (از لحاظ سنی یا شغلی) به افراد بالاتر معرفی کنید.
- در ملاقات رسمی با دوستان، در صورت لزوم همراهان خود را معرفی کنید.
- هنگام معرفی افراد اسامی را واضح و شمرده بیان کنید.
- هنگام معرفی فرد به دیگران، بیش از حد از وی تعریف و تمجید نکنید.
- بهتر است در جمع ابتدا با فرد بزرگ تر احوال پرسی کنید. با روی گشاده در مکان ملاقات حاضر شوید.
- هنگامی که شمارا معرفی می کنند و نشسته اید، بهتر است بلند شوید و یا نیم خیز شوید و به جلو خم شوید.

آداب ملاقات با پزشک

- وقتی قصد مراجعه به مطب پزشک داری، شایسته است لباس تمیز بپوشید و تعداد لباس های شما کم تر باشد تا معاینه راحت تر صورت گیرد.
- قبل از مراجعه ی حضوری به مطب دکتر، از طریق تماس تلفنی، از حضور دکتر مطمئن شوید. سپس مراجعه کنید.
- به عنوان همراه بیمار، بهتر است اجازه دهید تا وی به تنهایی و خصوصی با پزشک مشورت نماید.
- به عنوان بیمار، کودکان خردسال را به همراه نبرید.
- اگر از آشنایان دکتر هستید، شایسته است همچون دیگران نوبت بگیری و حق ویزیت را پرداخت کنید.
تا نفر قبل بیرون نیامده است، داخل نشوید.

- در سالن های انتظار یا مکان های دیگر به بیماران خیره نشوید.

آداب سخن گفتن

- از جویدن آدامس یا خوردن چیزی، در هنگام صحبت کردن با دیگران خودداری کنید.
- هنگامی که بی صبرانه منتظرید تا گوینده صحبتش تمام شود و شما اظهار نظر کنید، یک لحظه از خود پرسید "آیا گفتن این نظر ارزشی دارد یا نه" در صورتی که گفتن آن را تشخیص دادید، اظهار نظر کنید.
- صحبت خود را با روی گشاده آغاز کنید.
- با استفاده از کلمات مؤدبانه، احترام خود را نسبت به افراد مسن نشان دهید.
- هنگام صحبت کردن با مقام بالاتر، رعایت موقعیت اجتماعی وی را بنمایید و از کلمات محترمانه استفاده کنید.
- شمرده و قابل فهم صحبت کنید.
- با مخاطب خود به طریقی صحبت نکنید که خود را خیلی دانا و وی را خیلی ضعیف نشان دهید.
- در حد فهم مخاطب خود صحبت کنید.
- در حضور افراد غریبه، بهتر است با نزدیکان و دوستان خود نیز رسمی و محترمانه برخورد کنید.
- در گفت و گو باید وقت طرف مقابل را در نظر بگیرید. شایسته نیست در مکالمات تکیه کلام داشته باشید.
- در گفت و گوهای رسمی، از کلمات محلی و عامیانه استفاده نکنید. نیت خیر یا منظور مثبت خود را با مثبت ترین کلمات بیان کنید تا سوء برداشتی به وجود نیاید.
- عفت کلام داشته باشید.
- وقتی درباره ی یک انسان یا گروهی از انسان ها نظرمی دهید یا قضاوت می کنید، از کلی گویی پرهیزید.
- شایسته نیست هر آنچه را که فکر می کنید واقعیت است به طرف مقابل بگویید. مکان، زمان و شرایط جسمی، روحی و شخصیتی فرد را در نظر بگیرید.

آداب شنودگی

- هنگامی که کسی در حال صحبت کردن است، و در این هنگام موضوعی به ذهن شما می رسد، شایسته نیست در همان لحظه صحبت وی را قطع کنید و صحبت خود را خیلی مهم تر بدانید، کمی صبور باشید.

- وقتی کسی در حال نقل قول است، شایسته نیست صحبت وی را کم ارزش جلوه دهید. (نگوید از قبل می دانستیم)
- وقتی کسی موضوعی جدی را با شما در میان می گذارد یا با شما درددل می کند، واقعاً شنونده باشید. (صبور باشید، سکوت کنید، ارتباط چشمی برقرار کنید، سرتکان دهید و).....
- وقتی کسی با شما سخن می گوید، حتی الامکان با بغل دستی خود صحبت نکنید.
- وقتی کسی عصبانی است، بهتر است وی را نصیحت یا سرزنش نکنید.
- فقط با منطقی به موضوع نگاه نکنید (به احساسات طرف مقابل نیز فکر کنید)
- همیشه ظرفیت گوش کردن نظرات مخالف را نیز داشته باشید.

رفتارهای پسندیده ی دیگر

- هنگام استفاده از خودپرداز بانک، اگر عده زیادی در صف ایستاده اند، شایسته است به مبلغ کم تر اکتفا کنید تا دیگران نیز بتوانند استفاده نمایند.
- بعد از استفاده از خودپرداز، رسید خود را دریافت کنید. (آن را بر روی زمین رها نکنید.)
- انتظار نداشته باشید دیگران، دفترچه ی بیمه شان را به منظور استفاده در اختیار شما قرار دهند.
- مطالعه ی دفترچه ی بیمه ی دیگران به منظور کشف سابقه ی بیماری کار شایسته ای نیست.
- وقتی کسی جلوی شما دارویی می خورد، درباره ی بیماری وی کنجکاوی نکنید.
- از رها کردن آب در خیابان یا جاده، به خصوص در فصل تابستان که باعث لغزندگی می شود. خودداری کنید.
- از ریختن مصالح ساختمانی به مدت طولانی، در مسیر عبور مردم خودداری کنید.
- باید به طریقی، افراد را قبل از رسیدن به مصالح ساختمانی که در مسیر ریخته اید، آگاه سازید.
- هنگامی که کسی در حال عکس گرفتن است، از جلوی دوربین رد نشوید یا صبر کنید بعد از گرفتن عکس، رد شوید.
- هنگام گفت و گو و برخورد با کسی که لکنت زبان دارد، شایسته است صبور باشید و با بزرگواری گوش کنید.
- به اعتقادات مذهبی دیگران احترام گذارید.

- پرسش نامه های علمی و تحقیقاتی را بی ارزش تلقی نکنید و به آن ها باحوصله و صادقانه جواب دهید.
- اگر با کسی قرار می گذارید، شایسته است سر وقت حاضر شوید.
- در جلسات رسمی صدای زنگ گوشی خود را در حالت سکوت قرار دهید.
- آهنگ زنگ گوشی خود را ملایم انتخاب کنید.
- اگر از پیام کوتاهی که دریافت می کنید خیلی خوششان آمد، لازم نیست سریعاً آن را برای جمع بخوانید.

رفتارهای پسندیده در کلاس درس

- یک دانش آموز مؤدب و محترم:
- قبل از ورود معلم به کلاس، در جای خود قرار گرفته است.
- هنگام ورود معلم به احترام برمی خیزد. تا معلم اجازه نداده نمی نشیند.
- از عطسه یا سرفه با صدای بلند خودداری می کند. (یا هنگام سرفه ی شدید کلاس را ترک می کند).
- بدون صدا خمیازه می کشد.
- مکرر در کلاس سؤال نمی پرسد یا اظهار نظر نمی کند.
- آراسته و مرتب سر کلاس حاضر می شود.
- از نوشتن یا نقاشی بر روی در و دیوار یا صندلی های کلاس خودداری می کند.
- نسبت به بهداشت کلاس احساس مسئولیت می کند.
- صندلی را بر روی زمین نمی کشد.
- بدون اجازه صحبت معلم را قطع نمی کند.
- از خوردن تنقلات در کلاس خودداری می کند.
- به هم کلاسی های خود بی احترامی نمی کند.
- بدون اجازه ی معلم از سر جای خویش بلند نمی شود.
- در هنگامی که یکی از همکلاسی هایش اظهار نظر می کند سکوت را رعایت می کند و اجازه می دهد تا صحبتش تمام شود.^{۲۹۱}

²⁹¹ - بر گرفته از کتاب هزار نکته ساده و مهم آداب معاشرت و اصول شهروندی تألیف خلیل هبیتی.

فصل ششم: وضعیت خانواده در ایران

یافته های اسنادی و تجربی نشانگر آن است که بستر خانواده ایرانی، در جریان نوسازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور به دلیل تجددگرایی تغییرات اساسی یافته است. این تغییرات به حدی بوده که بسیاری از کارشناسان زوال و فروپاشی خانواده ایرانی را اعلام کرده اند. در مقابل عده ای نیز بر این باورند که خانواده ایرانی در معرض تغییرات فرهنگی و به عبارتی گذار از دوران سنتی به دوران مدرن است و نه فروپاشی. نهاد خانواده همچون دیگر نهادهای جامعه کارکردهایی برای جامعه و اعضای آن دارد؛ که با تغییرات در این نهاد، دگرگونی همه جانبه ای نیز در کارکردهای آن نیز به وجود آمده است. بر همین اساس در چند دهه ی اخیر اشکال متنوعی از خانواده در جامعه ایرانی (به خصوص در کلان شهرها) رشد یافته اند. بدین منظور در این فصل بر آنیم تا از طریق تحلیل ثانویه داده های موجود بینیم تحولات در حال وقوع یا رخ دادهای تثبیت شده در زمینه خانواده چیست؟ چه ابعاد و ویژگی هایی دارند؟ به طور کلی تحولات معاصر خانواده های ایرانی را می توان به طور خلاصه اینگونه بیان کرد: «تنوع ساختاری، کاهش نقش حمایت گری شبکه خویشاوندی، فردگرایانه شدن ازدواج، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و گسترش قدرت زنان در مناسبات خانوادگی، کاهش گفتمان خانواده گرایی، کاهش اهمیت فرزند آوری، گسیختگی پیوندهای خانوادگی و به دنبال آن افزایش میزان طلاق، کاهش گرایش به تشکیل خانواده و در مقابل افزایش گرایش به زندگی مجردی».²⁹²

به منظور درک تحولات خانواده در دوران معاصر، لازم است ابتدا وضعیت خانواده، ویژگی و کارکردهای آن در جامعه سنتی به اختصار بررسی شود تا از طریق قیاس بتوان این دگرگونی ها را بهتر مشاهده کرد.

ویژگی های خانواده سنتی ایرانی

ویژگی اصلی خانواده های سنتی ایرانی، گستردگی آن است. منظور از خانواده گسترده این است که در بیش از دو نسل از خویشاوندان نزدیک در کنار یکدیگر و در یک خانوار زندگی می کنند؛ بدین ترتیب، یک خانواده گسترده می تواند شامل فرزندان مجرد یا متأهل، پدر و مادرها و پدربزرگ و مادر بزرگ آنان باشد. جدای از اینکه فرزندان مجرد در خانه پدری زندگی می کردند، فرزندان متأهل (قاعدتاً پسر) نیز در خانه پدر سکونت داشتند و

²⁹² - علی احمدی، امید، 1389، تحولات معاصر خانواده در شهر تهران.

بدین لحاظ می توان گفت که خانواده از نظر سکونت گاه زندگی ، اکثراً از نوع « پدر مکان » بودند؛ یعنی خانواده با خانواده پدر یا در نزدیکی آنها زندگی می کردند.

در خانواده های گسترده و سنتی مردان نقش « نان آوری » داشتند و زنان مسئول رسیدگی به امور منزل (خانه داری و تربیت فرزندان) بودند . فرزندان نیز در امور مربوط به خانواده همکاری داشتند : پسران در کارهای بیرون از منزل و در کنار پدران ، دختران در خانه و هم پای مادران . نگاه به خانواده ها از منظر ساختار قدرت ، خانواده های سنتی اکثراً « پدر سالار » بوده و این مرد بود که قدرت بیشتری را در خانواده داشت . بنابراین در هرم قدرت ، مردان در رأس قرار داشتند و در مراتب بعدی زن (مادر) و در نهایت فرزندان قرار داشتند . در واقع از مهمترین ویژگی های خانواده های قدیم ، این است که زنان علی رغم انجام فعالیت های اقتصادی پا به پای شوهرانشان در تصمیم گیری های مهم خانواده دخالت نمی کردند . تمامی تصمیمات توسط مرد در خانواده گرفته می شد . به لحاظ کارکردی نیز ، گرچه خانواده ها در طول زمان کارکردهای مشابهی دارند اما تحت تأثیر شرایط اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جامعه در هر برحه ای از زمان ، بعضی از کارکردهای خانواده پررنگ تر و بعضی دیگر کم رنگ تر می نمایاند . بر همین اساس در قدیم کارکردهایی همچون تنظیم رفتار جنسی و تولید مثل ، تولید اقتصادی ، محافظت و نگهداری از فرزندان ، حمایت های عاطفی پر رنگ تر بود . در واقع کاهش میزان باروری ، توجه به بعد خانوارهای امروزی و توجه به آمارهای میزان مهد کودک ها و مراکز تربیتی در جامعه معاصر در قیاس با جامعه سنتی ، می تواند دلیلی بر این ادعا باشد . به طور کلی ساختار خانواده گسترده ، بر پدر تباری ، پدر مکانی و پدر سالاری و اولویت جنسی مذکر استوار بوده است . تحولات و دگرگونی های شکل گرفته در نتیجه گذار از سنت به مدرنیته ، تمامی ابعاد و زوایای ساختی - کارکردی خانواده ها را تحت تأثیر قرار داده است ؛ به گونه ای که امروزه با محو خانواده های گسسته قدیم و رشد خانواده های هسته ای رو به رو هستیم .

البته گذشته از مزایا و نکات مثبت خانواده سنتی ایرانی؛ عدم مشارکت زنان در تصمیم گیری ها، ممنوعیت تحصیل برای زنان، رفتار خشونت آمیز برخی مردان با همسر و فرزندان، محروم ساختن زن از برخی حقوق مشروع خود و...از جمله نکات منفی و آسیب هایی است که گاه و بیگاه به صورت گلایه های دردناک از سوی زنان نسل گذشته مطرح می شود.

عمده ترین تغییر و تحولات خانواده

1. تغییر ساختار اقتدار

ساختار خانواده به لحاظ قدرت در خانواده های سنتی به صورت عمودی و سلسله مراتبی بود، پدر در رأس و مادر و فرزندان به ترتیب در مراتب بعدی قرار می گرفتند. اما در دنیای کنونی و مدرن ساختار طولی قدیم به سمت ساختار اقتدار عرضی تغییر جهت داده است به گونه ای که در خانواده های امروزی پدر، مادر و فرزندان در یک سطح از تصمیم گیری قرار می گیرند و هیچ کس مجاز به دخالت در امور دیگری یا اعمال نظر خاصی نیست. در حالی که ساختار خانواده دینی منطبق با ساختار خانواده های سنتی است؛ یعنی به صورت طولی و با زعامت و نظارت مرد که حیطه گسترده مسئولیت های او به همراه توصیه های اخلاقی تعریف شده است. بنابراین ساختار خانواده های امروزی انحراف از ساختارهای خانواده متعادل اسلامی است که بر اساس تفاوت های طبیعی زنان و مردان و به منظور استحکام و کارآیی خانواده طراحی شده است. این انحراف می تواند نتیجه تغییر نگرش هایی باشد که در زنان و مردان جامعه رخ داده است. نگرش هایی همچون تفکرات فمینیستی که خواهان برابری حقوق زن و مرد در خانواده و در جامعه می باشد. می توان گفت که این تغییر در ساختار قدرت زمینه های ظهور خانواده های مادرسالار و فرزندسالار، زمینه بروز و تشدید اختلافات و نهایتاً شکل گیری خانواده های تک والد در نتیجه طلاق را فراهم می کند.

2. کاهش نرخ باروری

یکی از تأثیرات مدرن شدن در ایران، رشد تدریجی شهرنشینی بود. با ورود مردم به شهرها، تمایل به باروری نیز در آنها کاهش یافت. کاهش نرخ باروری نتیجه غالب شدن گفتمان "فرزند کمتر، زندگی بهتر" بین خانواده ها می باشد. این شعار جانشین تمام ارزش هایی شده است که داشتن چند فرزند برای دستگیری از پدر و مادر در روزگار پیری را توجیه می کرد. با «مقایسه ای ساده میان نسل های گذشته و نسل امروز می توان دید که هر چه به امروز نزدیکتر می شویم از میزان اهمیت فرزند در خانواده کاسته می شود. طبق پژوهشی صورت گرفته، میانگین تعداد فرزندان در خانواده هایی که والدین 55 ساله و بالاتر دارند، 31/4 نفر است در حالیکه این رقم در میان والدین متعلق به گروه های سنی 44-45 و 35-44 به ترتیب 6/3 و 12/3 نفر می باشد و والدین متعلق به گروه سنی 34-25 به شعار تنها 2 فرزند کافی است پای بند بوده و آن را عملیاتی کرده اند. علاوه بر این در پیمایشی که در سال 88 انجام گرفته از شهروندان تهرانی خواسته شده تا تعداد فرزندان ایده ال خود را اعلام کنند. در میان

پاسخ‌ها بیشترین فراوانی متعلق به تعداد دو فرزند بوده که 60 درصد از جمعیت پرسش‌شونده را به خود اختصاص داده است و در مرحله بعد و با اختلاف زیاد 3 فرزند با 15 درصد در الویت می‌باشند. نکته قابل توجه اینجاست که 3 درصد از کل جمعیت نیز عدم داشتن فرزند را شرایط ایده آل خود اعلام کرده‌اند که گرچه درصد بالایی نیست اما نشان‌دهنده تحول ارزشی در زمینه فرزندآوری و باروری زنان می‌باشد.²⁹³

کاهش نرخ باروری در ایران طی 30 سال گذشته حیرت‌انگیز و معادل 70 درصد بوده و شهرهای تهران و اصفهان در صدر قرار دارند به گونه‌ای که نرخ باروری این شهرها نسبت به تمامی ایالات آمریکا پایین‌تر است. این مساله به خاطر اهمیت و دامنه دار بودن مباحث آن نیازمند طرح در فصلی جداگانه است که فصل هفتم این نوشتار را به بحث و بررسی پیرامون آن اختصاص داده ایم.

3. بالا رفتن سن ازدواج

در جامعه امروزی دیگر دختران و پسران در سنین پایین به خانه بخت نمی‌روند و «تأخیر در سن ازدواج» امری عمومی شده است. جوانان به زندگی مجردی روی آورده‌اند که نشان‌دهنده تغییر الگوهای سنتی ازدواج است. بر اساس نتایج سرشماری 1390 میانگین سنی زنان و مردان در اولین ازدواج طی سالهای 1355 تا 1390 رشد چشمگیری داشته است که در جدول زیر می‌توان به این قیاس پرداخت:

میانگین سن در اولین ازدواج به تفکیک جنس

جنس	1355	1365	1375	1385	1390
مرد	24/1	23/8	25/6	26/2	26/7
زن	19/7	19/9	22/4	23/3	23/4

منبع: نتایج سرشماری 1390، مرکز آمار ایران

²⁹³ - آزاد ارمکی، تقی و دیگران (1391)، هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول.

چنانکه داده های جدول بالا نشان می دهد سن ازدواج دختران و پسران در چند سال اخیر روندی صعودی را طی کرده است. بالا رفتن سن ازدواج، هشدار برای جامعه می باشد، زیرا اگر چه نیاز جسمی و روحی برای ازدواج وجود دارد، اما به هر دلیل ازدواج صورت نمی گیرد که آسیب های آن نه تنها به صلاح نیست بلکه برای جوانان و خانواده ها و در نهایت برای جامعه نیز خطرناک می باشد. در واقع رواج مجرد طولانی مدت، زمینه ساز آسیب های فردی و اجتماعی می باشد. می توان گفت اولین و بنیادی ترین کارکرد ازدواج، ارضای نیاز جنسی می باشد که از طریق ازدواج، پیامدهای مثبتی برای فرد و جامعه دارد در غیر این صورت مهار نشدنی است و به افزایش بی بندوباری و بزهکاری در جامعه می انجامد. آسیب هایی همچون روابط نامشروع، همجنس گرایی، تنوع طلبی جنسی، عدم ارضای روحی و... از جمله این موارد می باشند. بر همین اساس می توان گفت این عامل در شکل گیری گونه های جدید خانواده در دنیای مدرن (هم جنس خواه، هم بالین) مؤثر است. همچنین تأخیر در گرایش به ازدواج در بین جوانان، منجر به ظهور گونه ی جدیدی از خانواده با کمترین بعد خانوار، یعنی یک نفر می شود. منظور خانواده های تک نفره ای است که اتفاقاً تعداد آنها نیز رو به افزایش است. خانواده تک نفری تشکیل شده از دختران و پسرانی که علی رغم سن مناسب ازدواج، تن به این امر نمی دهند و به خاطر اختلاف سلیقه و عقیده ای که با خانواده خود دارند و برای رهایی از کنترل شدید توسط والدین، ترجیح می دهند جدای از آنها به صورت مجردی و تنها زندگی کنند.

در کنار عوامل فرهنگی و اجتماعی از قبیل افزایش سطح توقعات مادی و غیرمادی فرد و خانواده و گرایش آنها به تجمل گرایی و... افزایش بیکاری، توسعه اقتصادی، گرایش به تحصیلات بالا، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته ای، محدودیت کارکردهای خانواده، گرایش به سبک موقعیت های اجتماعی _ اقتصادی زیاد قبل از ازدواج، از جمله دلایل بالا رفتن سن ازدواج هستند البته لازم به ذکر است که علاوه بر افراد مجرد به سبب عدم ازدواج، خانواده تک نفره شامل افراد مطلقه که تنها زندگی می کنند نیز می باشد.

4. تفاوت سن زوجین

سابقاً در ازدواجهای ایرانی تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین سن زوجین (معمولاً به نفع مرد) دیده میشد. در سال 1976 میانگین اختلاف سن ازدواج مردان و زنان مساوی 4/4 سال بوده است. در حال حاضر با افزایش سن ازدواج زنان تفاوت سن زوجین رو به کاهش است. به طوری که در آمارگیری سال 2002 متوسط این رقم به 8/2 سال رسیده است. اختلاف سن زوجین با افزایش سن زن در ازدواج کاهش مییابد به طوری که اختلاف سن زنانی که در سن 14

سالگی ازدواج نموده اند با همسرشان معادل 9 سال بود. در صورتی که به تدریج با افزایش سن ازدواج زنان این رقم کاهش 13 یافته و برای زنانی که در سن 25 سالگی ازدواج نموده اند این رقم به 3/2 سال میرسد. شاید بتوان نبود یا حداقل اختلاف سن زوجین را دلیلی بر افزایش آمار طلاق دانست. از این رو که پسران و دختران دارای روحيات و شخصیت های متفاوتی می باشند. پسران در مقایسه با دختران دیرتر به سن بلوغ و رشد فکری می رسند و همین امر وجود لاقط چند سال اختلاف سنی بین زوجین را می طلبد؛ تا در این صورت زن و شوهر از یک درک متقابل و هم سطح برخوردار باشند. عده ای نیز بر این عقیده اند که بزرگتر بودن سن پسر نسبت به دختر برای استحکام بنیان خانواده لازم است.

5. فردیت گرایی در خانواده

منظور از فردگرایی این است که افراد به جای اولویت دادن به خواست ها و علایق جمعی، سستی و خانوادگی به ارزش ها و خواست های فردی خود اولویت می دهند. در جامعه امروزی ایران به خصوص کلان شهرها، انواع جدیدی از خانواده ها را می بینیم که مبتنی بر فرد گرایی می باشند. مصادیق گسترش فردگرایی، پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی است؛ چرا که سرمایه اجتماعی از دریچه اعتماد به دیگران، مشارکت در فعالیت های گروهی و جمعی و قبول تعهدات در قبال سایرین سنجیده می شود. بنابر نتایج تحقیقات، نسل جوان خصوصاً گروهی که دارای تحصیلات دانشگاهی کم بازده می باشند بیشتر دارای خصوصیات فرد گرایانه می باشند؛ زیرا اولویت این گروه خودشان هستند، احساس می کنند توسط نسل والدینشان فریب خورده اند، مادی گرا هستند و به دشواری خود را متعهد می کنند، در قبول مراجع قدرت و نفوذ مرد می باشند و برای سلسله مراتب وزنی قایل نیستند. این ویژگی ها می تواند برای خانواده و تحولات آتی آن به لحاظ تشکیل خانواده، دوام خانواده و بچه آوری تأثیر گذار باشد. به گونه ای که از مهم ترین مصادیق فردگرایی، تمایل به داشتن فرزند کمتر، اهمیت یافتن زندگی مجردی و تأخیر در امر ازدواج، رشد نرخ طلاق و ... می باشد. امکان انتخاب و زندگی خصوصی در نتیجه استقلال فردی از دیگر تحولات خانواده های امروزی است. به گونه ای که زوج جوان پس از ازدواج، وارد هیچ یک از خانواده های جهت یاب (خانه والدین) نمی شوند بلکه واحدی مستقل برای خود تشکیل و نو مکان می شوند. همچنین آزادی عمل و استقلال جوانان در انتخاب همسر، از دیگر مصادیق فردیت گرایی در جامعه می باشد.

امروزه جوانان شخصاً اقدام به انتخاب همسر کرده و بعضاً والدین نیز این نوع انتخاب را قبول کرده و از آن استقبال می کنند. در حالیکه در دوران قبل همسرگزینی به شدت تحت فشار اجتماعی بود. انتخاب همسر نه براساس میل

و علاقه دو طرف به ازدواج، بلکه به دلیل جبر اجتماعی صورت می‌گرفت. در جامعه ای که فردیت مطرح نبود علائق فرد نیز ارزشی نداشتند و ازدواج از حالت وصلت دو شخص خارج و به وصلت و اتحاد بین دو گروه خویشاوندی تبدیل گشته بود. البته این سخن بدان معنا نیست که نحوه انتخاب همسر به شیوه سنتی آن صد درصد صحیح باشد - زیرا در برخی موارد ازدواج تحمیلی و بدون علاقه رقم می خورد - لکن شیوه امروزی انتخاب همسر یعنی بدون مشورت والدین نیز صحیح نیست.

همچنین در گذشته به دلیل نقش و اهمیت تشکیل خانواده در فعالیت اقتصادی یا جابجایی و انتقال ثروت، زوجین از آزادی کمتری در انتخاب همسر خویش برخوردار بودند. به مرور زمان با افزایش آزادیهای فردی، حق تصمیم گیری و اظهار نظر در آنچه که بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشت زنان تلقی میشود، به خود آنها واگذار گردید که البته این آزادی در بین افراد تحصیل کرده بیشتر بوده است.

6. ازدواج های خویشاوندی یا غیر خویشاوندی

با توجه به ویژگی های خانواده در زمان قدیم ، می توان استنباط کرد که اکثر زوجین با یکدیگر نسبت فامیلی داشته اند ، یعنی ازدواج های خویشاوندی از نظر فراوانی ، بیشتر صورت می گرفته است؛ و این چیزی است که هم راستا با تغییر و تحولات خانواده دچار تغییر شده است . به گونه ای که کارشناسان ادعا می کنند امروزه « ازدواج فامیلی که از ویژگیهای خاصی ازدواج ایرانی تلقی می شود به تدریج جای خود را به ازدواجهای غیر فامیلی داده است . در آمارگیری سال 2002 ، بیش از یک پنجم زوجین با یکدیگر خویشاوند نزدیک و معادل این رقم نیز با یکدیگر خویشاوند دور بودند یعنی معادل 40 درصد از زنان و مردان همسر دار اظهار نمودند که با همسر خود رابطه خویشاوندی داشته اند. این میزان با سن ازدواج زنان رابطه معکوس دارد به طوریکه هرچه سن ازدواج زنان پایین تر است درصد زوجین خویشاوند بیشتر می باشد. بنابراین می توان گفت که افزایش سواد و تحصیلات و اشتغال به کار زنان دایره ی همسر گزینی را برای آن وسیع تر می نماید. همچنین فراوانی طلاق در ازدواج های خویشاوندی به دلیل حضور در دایره حمایتی خانوادگی، بسیار اندک است . در مقابل ازدواج های غیر خویشاوند ، به دلیل اینکه از حمایت های خانوادگی کمتری برخوردارند ، بیشتر در معرض گسست و فروپاشی در نتیجه طلاق می باشند.

7. از هم گسیختگی و تزلزل پیوندهای زناشویی

عقیده غالب در دنیای سنتی بین خانواده ها این بود که دختر با لباس سفید به خانه بخت می رود و با لباس سفید نیز آن را ترک خواهد کرد . در واقع این سخن به مثابه یک ارزش و هنجار اجتماعی جای خود را بین خانواده محکم

کرده بود. با نگاهی به آمار طلاق در جامعه سنتی و قدیم به صحت و درستی این سخن پی خواهیم برد. اما امروزه همزمان با تغییر و تحولات جامعه، ارزش های خانواده و عقاید آنها نیز تغییر یافته است. امروزه دیگر نگرش های منفی نسبت به طلاق کاهش یافته و در مقابل پذیرش اجتماعی آن در جامعه و بین خانواده ها رو به افزایش است؛ به گونه ای که امروزه متأسفانه با افزایش آمار طلاق در جامعه رو به رو هستیم تا جایی که بنا بر گزارشات «سیر صعودی طلاق در کشور در حال جابجا کردن رکورد های جهانی است و طبق برآوردهای غیر رسمی به رتبه چهارم جهان صعود کرده است.»

همان گونه که آمارها نشان می دهد، شاهد کاهش نسبت ازدواج به طلاق در طی این سالها می باشیم به گونه ای که این نسبت در سال 1391 به 5/5 رسیده است به این معنا که به ازای هر 5/5 ازدواج در این سال، یک طلاق به ثبت رسیده است. این در حالیست که این نسبت در سال 90، 1/6 می باشد یعنی در ازای هر 1/6 ازدواج، یکی به طلاق می انجامید. با مقایسه این روند می توان استنباط کرد که میزان طلاق در جامعه روند رو به رشدی را طی می کند و در مقابل از میزان تمایل به ازدواج کاسته شده است. به گونه ای که «بنا بر گزارش تویسرکانی (رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) تعداد طلاق در 6 ماهه اول سال 92 نسبت به مدت مشابه در سال گذشته 7 درصد افزایش داشته است.

دلایل متعددی برای افزایش میزان طلاق ذکر شده است که می توان آنها را به سه دسته مشکلات اقتصادی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی و مسائل اعتقادی در سطح کلان تقسیم بندی کرد. بنابر گفته رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، در سطوح خرد، دخالت خانواده ها بیشترین تأثیر را در گرایش زوجین به طلاق دارد. طبق گزارشی علل اعلام شده طلاق در 6 ماهه ابتدای سال 92 همراه به میزان تأثیرگذاری آنها به شرح زیر اعلام شده است:

علت	درصد اعلام شده
دخالت خانواده ها	4/15 درصد
عدم تحقق شرط ضمن عقد	8/14 درصد
ترک زندگی توسط یکی از زوجین	7/7 درصد

اعتیاد	5/6 درصد
استنکاف شوهر از دادن نفقه	1/4 درصد
فقر مالی به صورت مشخص	4 درصد
ضرب و شتم و سوء رفتار	2/3 درصد
اختلالات روانی	3/1 درصد
محکومیت یکی از زوجین به حبس بیش از 5 سال	1 درصد

منبع: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، خبر آنلاین

افزایش میزان طلاق خاموش

جامعه‌شناسان و کارشناسان بر این باورند که آمار اعلام شده در زمینه طلاق نمی‌تواند بیانگر وضعیت از هم گسیختگی پیوندهای زناشویی باشد، چرا که این آمار، طلاق‌های عاطفی را در بر نمی‌گیرد. «طلاق عاطفی، نوعی از طلاق است که در آن هرچند زن و مرد همچنان به زندگی در زیر یک سقف ادامه می‌دهند، اما از نظر عاطفی نسبت به یکدیگر سرد شده و اعتماد به هم و جذابیت برای یکدیگر را از دست می‌دهند.» هر چند آمار رسمی از میزان طلاق عاطفی در ایران وجود ندارد، اما کارشناسان تخمین می‌زنند که میزان طلاق عاطفی بنا بر دلایل عرفی و فرهنگی جامعه همیشه بیشتر و دو برابر طلاق رسمی در جامعه است. دکتر حسین باهر، جامعه‌شناس و بنیان‌گذار مکتب رفتارشناسی در ایران در ارتباط با تعداد طلاق‌های عاطفی ای که به نسبت هر ازدواج صورت می‌گیرد می‌افزاید: «تقریباً 25 درصد ازدواج‌ها به طلاق رسمی می‌انجامد، 25 درصد در مسیر صحیح ادامه می‌یابد و مابقی زوجها از درجاتی از طلاق عاطفی رنج می‌برند. طلاق‌های عاطفی نه تنها برای خود افراد نتایج سوئی را به دنبال دارد بلکه برای جامعه هم مشکل‌ساز می‌شود زیرا تأثیر خاموشی روابط زن و مرد در فعالیتهای خارج از خانه هم دیده می‌شود و زن و شوهری که مدتی است دچار اختلاف شده‌اند از لحاظ روانی نیز آمادگی لازم را برای فعالیتهای خارج از خانه ندارند.»

8. تغییر جایگاه زنان

آگاهی زنان از حق و حقوق خود و تلاش به منظور کسب این حقوق، معلول جریان‌ات مدرنیته، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و عصر ارتباطات است. اغلب زنان در گذشته خانه‌دار بوده و نقش نان‌آوری و کسب درآمد بیرون از منزل بر عهده مردان بود. اما در طول سال‌های اخیر میزان ورود زنان به بازار کار از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده است. اشتغال زنان متأهل اگرچه از نظر فرهنگی و اجتماعی در خور اهمیت است و موجب استقلال و به دست آوردن درآمد و رفاه نسبی خانواده می‌گردد، اما مسئله این است که اشتغال زنان بر مسائلی همچون تربیت فرزندان، تقسیم کار در خانواده و دوام زندگی زناشویی و... تأثیرگذار است. بسیاری از محققان و جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که بحران خانواده از زمانی شروع شد که زنان نقش سنتی خود را در خانواده رها کرده و وارد بازار کار شده‌اند. همزمان با افزایش مشارکت زنان به عنوان نیروی کار، نرخ ازدواج با کاهش جدی روبه‌رو شده و در مقابل با افزایش نرخ طلاق افزایش داشته است. از طرفی دیگر اشتغال زنان روی بعد خانوار اثر می‌گذارد. در واقع زنان به دلیل کمبود وقت به واسطه کار بیرون از منزل ترجیح می‌دهند که فرزند کمتری داشته باشند و یا دیرتر بچه‌دار شوند. زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار با مسئله دیگری رو به رو هستند که همان تعدد نقش‌هاست. چرا که همزمان باید چندین نقش را به خوبی ایفا کنند: کارمند بودن، مادر بودن و همسر بودن. در واقع تنوع نقش‌ها می‌تواند در برگیرنده تعارض و تضاد باشد، این امر به نوبه خود موجب فشار مضاعف بر زنان نیز خواهد بود زیرا اگرچه کار بیرون از منزل استقلال عمل برای زنان به همراه دارد اما بار خانگی از دوش آنان برداشته نشده است. همچنین اشتغال زنان و استقلال مالی آن‌ها در برخی موارد باعث شده میل به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک از آنها گرفته شود و در برخی موارد نیز به راحتی و با تکیه بر قدرت مالی، میل به جدای از همسر خود پیدا کنند. از دیگر تأثیراتی که اشتغال زنان باعث آن شده است می‌توان به تقویت سازمان‌هایی اجتماعی همچون مهد کودک‌ها اشاره کرد. زنان شاغل مجبورند که فرزندان و کودکان خود را تا قبل از رسیدن به سنی که بتوانند از خود مراقبت کنند به مهد کودک‌ها بسپارند که البته این امر تبعاتی به همراه دارد. که از این جمله می‌توان به تضعیف حقوق کودکان اشاره کرد. از جمله حقوقی که کودکان دارند، حق برخورداری از تربیت ولی است؛ که امروزه شاهد کم‌رنگ‌تر شدن این حق می‌باشیم. در صورتی که اصطلاح "کودکان مهد کودکی" را بپذیریم، نسلی در حال شکل‌گیری است که کمتر از هر زمان دیگر از تربیت ولی برخوردار بوده است. زندگی با مریانی که تلاش

می کنند نگاهی مادر مآبانه به آنها داشته باشند ، نمی تواند خسران ناشی از فقدان بزرگ شدن در کنار اولیا را برای کودکان پر کند . آنچه بیشتر مورد تأکید است ، نقش های ولی گری است که هم پدر و هم مادر را در بر می گیرد . به دنبال این تغییر و تحولات ، شاهد شکل گیری انواع متفاوتی از خانواده در جامعه ایرانی می باشیم که در ادامه به آن پرداخته می شود .

گونه های جدید خانواده در ایران

1- خانواده های تک والدی

خانواده های تک والدی ، آن نوع خانواده هایی هستند که فرزندان تنها با یکی از والدین خود و در اکثر موارد با مادر زندگی می کنند . الوین تافلر در کتاب موج سوم خود ، این الگوی جدید از خانواده که مبتنی بر مادرمداری است را نماد جوامع صنعتی جدید معرفی می کند . شاید بتوان علت اصلی ظهور و گسترش خانواده های تک والدی را فوت یکی از والدین ، کاهش ازدواج رسمی ، زندگی مشترک بدون ازدواج ، فرد گرایی مفرط ، گرایش به طلاق و ساده سازی تشریفات طلاق دانست . متأسفانه در ایران نیز تعداد خانواده های تک والدی روز به روز در حال افزایش است و عمدتاً زن سرپرست خانواده می باشد . به طوری که در پیمایشی که در سال 1390 برگزار گردیده است ، 22 درصد از شهروندان تهرانی اظهار داشته اند که در بین بستگان درجه اول آنها افرادی که متارکه کرده باشند وجود دارند . پژوهشگران معتقدند که زیان فقدان پدر در خانواده های تک والدی که زن سرپرست آن است ، تنها از دست دادن درآمد مرد نیست . پدرانی که همسرشان را طلاق داده اند ، از تأمین معاش فرزندان خود دست می کشند و مادران را و او می دارند تا تمام بار مالی خانواده ، اعم از خود و فرزندان را بر عهده بگیرند ، در نتیجه فشار اقتصادی باعث می شود که این مادران فرصت کمتری برای مراقبت از فرزندان خود داشته باشند . جامعه شناسان افزایش خانواده های تک والدی را یکی از معضلات جامعه عنوان می کنند و معتقدند که فرزندان فاقد پدر یا مادر با چالش های فکری ، عاطفی ، هویتی و اجتماعی روبه رو هستند که مانع جذب مناسب آنها در جامعه می شود . همچنین از منظر اقتصادی این کودکان بیش از سایر هم نوعان خود درگیر فقر و محرومیت اقتصادی هستند .

آسیب شناسی خانواده های تک والد

خانواده محل اولیه تکوین شخصیت کودک و زمینه ساز تحول و تکامل بعدی او می باشد ، از این حیث حضور مستمر هر دو والد در خانواده و مشارکت فعالانه آنها در قبول مسئولیت های معین و فراهم نمودن شرایط جهت رشد و پرورش کودک بسیار حایز اهمیت است . اگر حضور یکی از والدین در اثر طلاق ، مرگ و... در خانواده قطع

شود، آثار بسیار زیان بار و عمیقی بر ذهن و روان کودکان باقی می‌گذارد. اغلب کودکانی که در خانواده‌های مادر سرپرست زندگی می‌کنند، ناگزیرند که به لحاظ عدم حضور پدر، با چالش‌های مالی و درگیری‌های آن مواجه شوند. این گونه کودکان (به ویژه کودکان طلاق)، غالباً اُفت از زندگی نرمال و استاندارد یا درگیری با فقر شدید را تجربه می‌کنند. مشکلات رفتاری در بین کودکانی که والدینشان طلاق گرفته یا جدا شده‌اند، نسبت به کودکانی که والد آنها فوت شده است، به میزان بیشتری مشاهده می‌شود. چنین شرایطی کودک را گرفتار زندگی ناخواسته‌ای می‌کند که خیلی زود یأس و استرس و بسیاری دیگر از آسیب‌های اجتماعی را تجربه خواهد کرد، این امر بر جنبه‌های مختلف زندگی آنها (تربیت، رفتار، بهداشت و ...) اثرات منفی پایدار و دامنه‌داری خواهد گذاشت. اکثر والدین تنها، به عنوان سرپرست خانواده، کمتر می‌توانند از تجربیات و آموزش‌های تربیتی بهره‌گیرند، زیرا به میزان طولانی کار می‌کنند چرا که اغلب در مشاغلی با درآمد کم مشغول به کارند که مستلزم صرف وقت به مدت طولانی و یاصرف ساعات غیر معمول برای کار هستند. مادرانی که به تازگی بیوه شده‌اند، ضمن این که برای فقدان شریک و یار زندگی خود بسیار غمگین هستند، مجبورند وظایف و مسئولیت‌های خانه‌داری را نیز انجام دهند. این تعدیل و تنظیم وظایف ممکن است ماه‌ها و یا سال‌ها طول بکشد تا این که آنان بتوانند از عهده مشکلات اقتصادی خویش برآیند و همچنین همزمان نقش دلداری و تسلی بخشیدن به فرزندان را ایفا کنند. مادران مجرد نیز، بدون حمایت بستگان مخصوصاً والدین خود، مسئولیت بیشتری در تهیه مهد کودک مناسب برای کودکان خود دارند. آنها همچنین مشکلاتی را در تحمل فشارهای احساساتی از قبیل شرمندگی و تنهایی دارند. بعضی از آنان حضور فرزند را مانع یافتن همسر مناسب می‌دانند. تحقیقات بسیار زیاد سال‌های اخیر در مورد خانواده‌های تک‌والدی (به ویژه مادران مجرد و خانواده‌های طلاق) نشان می‌دهد که بچه‌هایی که تنها با یک والد زندگی می‌کنند، نسبت به بچه‌هایی که با دو والد زندگی می‌کنند:

- دو برابر بیشتر مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی هستند.

- دو برابر بیشتر در معرض احتمال خودکشی و بیماری‌های مربوط به مشروبات الکلی هستند.

- خطر ابتلا به استفاده از مواد مخدر در بین دختران خانواده‌های تک‌والد، سه برابر پسران در این خانواده‌ها است.

- دختران در خانواده‌های بدون پدر زودتر به سن بلوغ می‌رسند.

محققان دریافته‌اند که کیفیت برخورد و رفتار پدران با دختران، مهم‌ترین نشانه زمان بندی بلوغ دختران است. پدر دخترانی که دیرتر به بلوغ می‌رسند؛ معمولاً در رشد و تربیت دختران، همکاری و مشارکت بسیار دارند و پشتیبان و حامی همسر خود (مادر دختر) بوده‌اند، اما در سنین رشد دختران، ارتباط پدر با دختر بیش از ارتباط دختر با مادر می‌تواند مؤثر باشد.

کودکان در خانواده‌هایی که پدر در آن حضور ندارد:

- از هوش (IQ) پایین‌تری برخوردارند
- بیان و گفتار آنها در سطح پایینی می‌باشد. (روان‌شناسان معتقدند، عدم حضور پدر بر تکلم و نوع بیان دختران نسبت به پسران بیشتر است)
- هنگامی که پدر خانواده حضور ندارد، پسران تمایل بیشتری دارند که قواعد و قالب‌های اجتماعی را نقض کنند.
- پسران در خانواده‌های بدون پدر، با تأخیر در رشد هویت مردانگی و شجاعت اجتماعی رو به رویند.
- محققان دریافته‌اند پسرانی که در خانواده‌های بدون حضور پدر زندگی می‌کنند، کمتر حالت مردانه دارند و بیشتر حالت زنانه به خود می‌گیرند.
- پرخاشگری پسران در خانواده‌های بدون پدر نیز بیشتر است و علت آن ناتوانی مادر به عنوان سرپرست خانواده در پرورش حالات مردانه در پسران است و امر کردن بیش از حد به پسران موجب ایجاد حالت پرخاشگری در آنها می‌شود.

2- خانواده‌های هم‌بالین

امروزه در سراسر دنیا شاهد شکل‌گیری خانواده‌هایی هستیم که به صورت غیر رسمی، غیر مجاز و فردگرایانه ایجاد شده است و سالها به زندگی مشترک می‌انجامد. به عبارت دیگر، از دیگر مصادیق مهم فردگرایی به مثابه امری پسامدرن که خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شکل‌گیری گونه‌ی جدیدی از زندگی مشترک است که "هم‌بالینی" نام دارد و به گواه بسیاری از محققان (علی احمدی، 1389؛ آزاد ارمکی، 1391) زندگی مشترک بدون ازدواج در ایران و به خصوص در تهران روندی رو به رشد دارد. امروزه فاصله بین «بلوغ جنسی» و «بلوغ اقتصادی» در ایران به بیش از 10 سال رسیده است؛ این در حالیست که ازدواج تنها راه مشروع رابطه جنسی در ایران است و اکنون این راه (ازدواج) موانع بسیاری در پیش دارد: بیکاری، عدم کفایت درآمد، عدم تأمین مسکن

و ... از جمله این موانع می باشند . دلیل این ادعا تعداد جوانان رسیده به سن ازدواج است که هنوز ازدواج نکرده اند . بنا بر گزارش مرکز آمار ایران تعداد این جوانان به 12 میلیون نفر می رسد.

طبق پژوهشی صورت گرفته (آزادارمکی ، 1391) ، تغییرات برون ساختاری (تغییرات اقتصادی ، فرهنگی و نوسازی) و تغییرات درون ساختاری (تغییرات خانواده) در گرایش جوانان به سمت تشکیل الگوهای هم باشی ، مؤثر می باشند که به طور کلی و به اختصار شرح داده خواهند شد:

تغییرات اقتصادی (ورود سرمایه داری و پیدایش ناامنی شغلی)

افزایش خصوصی سازی ناشی از گسترش سرمایه داری و لیبرالیسم اقتصادی در ایران ، از عوامل عمده بستر ساز در بروز الگوهای رفتاری جدید در جامعه بوده است. بر ایند اجرای غلط و ناقص خصوصی سازی در کشور ، نه تنها « بیکاری » ، که مسئله « ناامنی شغلی » را هم در سال های اخیر افزایش داده است. ناامنی شغلی چیزی فراتر از مسئله بیکاری است و به شاغلانی نظر دارد که آینده شغلی خود را ناپایدار احساس می کنند . لازمه ازدواج ، داشتن استقلال اقتصادی و ثبات شغلی است ؛ امری که امروزه هیچ اطمینانی به آن نیست و همین امر ، زمینه ی شکل گیری رفتارهای جنسی نامتعارف را فراهم کرده است.

تغییرات فرهنگی (لیبرالیسم اخلاقی و بازاندیشی سنت)

پیدایش « لیبرالیسم اخلاقی » در گروه های مختلف جامعه از جمله نتایج ورود تفکر لیبرال سرمایه داری در ایران است . مشخصه اصلی لیبرالیسم اخلاقی نسبت گرایی شدید آن است . یکی از نتایج این نسبت گرایی ، پیدایش الگوهای متعدد روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران بوده است؛ چرا که بر اراده آزاد سوژه در انتخاب ارزش های رفتاری اش تأکید می کند؛ به این علت که بر اساس لیبرالیسم اخلاقی ، هیچ قانون کلی اخلاقی وجود ندارد . بنابراین معیار تشخیص دهنده خوب و بد خود سوژه است .

از دیگر شاخصه های تغییرات فرهنگی ، فرایند « بازاندیشی سنت » است . بازاندیشی به این واقعیت اشاره دارد که ما مجبوریم پیوسته و بی وقفه درباره اوضاع زندگی مان تدبر و تأمل کنیم . در دوران ما قبل مدرن ، فرایند بازاندیشی محدود به توضیح سنت پیشین بود اما ویژگی دوره جدید ، بازاندیشی درباره همه چیز است به گونه ای که سنت و ارزش های پیشین نیز مورد بازاندیشی قرار گرفته است . تا جایی که فرایند بازاندیشی به عرصه ازدواج هم رسیده است . عرصه ای که زمانی بی چون و چرا پذیرفته می شد امروزه ماهیت و عملکردش دچار تحول شده است و الگوهای جدیدی به جای آن پذیرفته شده است ؛ رفتارهایی که هم خانگی را موازی با ازدواج می پندارد .

ورود عناصر نوسازی

عناصر نوسازی، عناصر واسطه ای برای ایجاد تغییرات ارزشی و رفتاری در جامعه است که انواع گوناگونی از مفاهیم را در بر می گیرد: رسانه های جهانی (ماهواره و اینترنت)، افزایش امکانات ارتباطی (تلفن همراه ، چت ، ...)، افزایش دانشگاه ها و گسترش آموزش های مدرن ، شهرنشینی و نقش رسانه های جمعی در بروز تغییرات بیش از همه بوده است . رسانه های ارتباطی با سست کردن ارزش های سنتی و درونی کردن ارزش های همان ۲۵ نوین در سوژه (فاعل) او را آماده انجام رفتارهای جدید می کنند ، که از جمله این رفتارها می توان به تشکیل الگوهای جدید زندگی به شکل هم خانگی اشاره کرد .

تغییرات خانواده

بخش بزرگی از تغییرات خانواده ، معلول « تغییرات فرهنگی » و « تغییرات اقتصادی » در سال های اخیر بوده است . از جمله این تغییرات همین مواردی است که در این مطالعه بدان پرداخته شده است ؛ افزایش تحصیلات دختران و ورود به عرصه های اجتماعی ، بالا رفتن سن ازدواج ، افزایش طلاق ، شکاف نسلی میان فرزندان و والدین و بنابراین تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف ، از جمله این موارد می باشند. این تغییر و تحولات 26 . به تدریج زمینه های پذیرش الگوهایی هم چون هم خانگی را در جامعه فراهم کرده است به طور کلی تحقیقات نشان داده است که این نوع خانواده ها در فضای فرهنگی ما ، در میان طبقات مرفه و گروه های روشنفکر بیشتر از سایر طبقات رو به گسترش و افزایش است و این زوجین بدون قصد ازدواج و فرزند آوری با یکدیگر 27 . زندگی کرده ، رابطه جنسی ، عاطفی و اقتصادی محوریت داشته و روابط اجتماعی کم رنگ تر است همبالینی در ایران با غرب متفاوت است زیرا در غرب همبالینی مثل زناشویی و ازدواج ، نوعی الگوی کامل مناسبات پذیرفته شده بین دو جنس است. در غرب هم بالینان مثل زن و شوهر بچه دار میشوند، رابطه شان مشروع حساب میشود، از حمایت های اجتماعی برخوردارند و هیچ نوع فشار هنجاری روی آنها وجود ندارد. اما همبالینی در ایران آن ویژگیها را ندارد. از همه مهمتر اینکه از طرف زنان، این پیش فرض برای ازدواج وجود دارد که این رابطه مقدمه ازدواج است. در حالیکه در همبالینیها در غرب، چنین نیست و ممکن است به ازدواج بینجامد و ممکن هم هست که به ازدواج نینجامد و هیچ تعهدی برای دو طرف ایجاد نمیشود. همبالینی در ایران ممکن است مقدمه ای برای تشکیل خانواده باشد و اگر چه به نظر ناپایدار است اما از دیدگاه زنان به عنوان یک رابطه پایدار تعریف میشود. یعنی حتی اگر این رابطه به ازدواج هم نینجامد، زن از مرد نمیپذیرد که هر وقت که دلش خواست این رابطه را پایان بدهد زیرا ممکن است باعث رسوایی

برای مرد یا زن باشد. به عبارت دیگر ماهیت ناپایداری که برای رابطه همبالینی در غرب پذیرفته شده است در ایران به طور ضمنی پذیرفته نشده است و گویی که این هم نوعی از خانواده است و به طور قلبی و اخلاقی برای دو طرف پذیرفته شده است و آنها نیازی نمی بینند که به طور رسمی زن و شوهر باشند. آسیب شناسی خانواده هم بالین : این شکل از مناسبات بسیار اندک و کم شمار می باشد اما به دلیل تعارضات شدیدی که با مناسبات سنتی خانواده ایرانی دارد، دارای اهمیت است. یکی از جوهره های خانواده ایرانی این است که مناسبات جنسی دو جنس رابطهای شرعی و از لحاظ اجتماعی پذیرفته شده است. اما خانواده همبالین فاقد این دو وجه می باشد. در این خانواده ها : **اولاً** تولید نسل وجود ندارد. ثانیاً بصورت علنی و آشکار نیست. ۲۶-۶۴-۵۵ : همان ۲۷-۹۷ : ۱۳۸۹، احمدی علی در این شیوه زندگی به دلیل غلبه وجه رماتیک و هیجانی که تولید میکند باعث میشود که زن و مرد تا مدتی که با هم هستند - که معمولاً کوتاه است - شرایط فانتری و عاطفی بین آنها حاکم باشد. چون افراد صرفاً تا وقتی که به هم تعلق خاطر دارند در کنار یکدیگر میمانند. این شکل روابط بین دو جنس از نوع هرزگی یا روابط آزاد بیچارچوب نیست، چون زن و مرد در این روابط نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند. متعهد هستند منزلت و آبرویی اجتماعی یکدیگر را حفظ کنند، موظفند تا حدی از یکدیگر حمایتهای اقتصادی و اجتماعی داشته باشند، بهخصوص مردان نسبت به زنان کمابیش این حمایت را میکنند. مثلاً پول قرض دادن، تأمین مایحتاج زندگی، تأمین خانه و مسکن که معمولاً به عهده مرد است. همچنین در واقع نوعی تعهد ضمنی برای اینکه زندگی را خوش بگذرانند یعنی با این انگیزه که خوش باشند به این نوع زندگی روی می آورند. یعنی شاد بودن و هیجان و خوش بودن به معنای نوعی التزام برای این نوع زندگیها به حساب می آید. در حالیکه در زندگی دائم چنین تعهد دائمی وجود ندارد. یک نوع تعهد دیگری که در میان این شکل خانواده وجود دارد این است که با اینکه زمان این نوع زندگی کوتاه است ولی عملاً تلاش برای استمرار زندگی وجود دارد و مرد اگر در عین داشتن این رابطه بخواهد رابطه دیگری داشته باشد زن مثل همسرش بر او نظارت میکند و فشار هنجاری می آورد که تو خیانت کردی و زن در اینجا تعهدات خانوادگی را از مرد انتظار دارد. بنابراین تلاش برای تعهد و استمرار این زندگی وجود دارد ولی عملاً این نوع زندگی بتدریج جاذبه های خودش را از دست میدهد. افراد در این رابطه میان خودشان نوعی قداست و نه فحشاء تعریف میکنند. گاهی اوقات بین خودشان خطبه میخوانند و سعی میکنند حکم شرعی هم برایش پیدا کنند چون دین اسلام در بحث روابط جنسی آسانگیر است. به همین دلیل این اشکال همزیستی میان دختر و پسرهایی رخ میدهد که نسبت به دختران رهاشده در خیابان از یک وقار و متانت خاصی برخوردارند یعنی حتی ممکن است آدمهای مذهبی و

فرهیختهای باشند که به این نوع همزیستی روی می‌آورند. در واقع می‌خواهم بگویم صورتهای همبازی در جامعه ایران به همین دلایل ساز و کارهای خود را پیدا و توسعه پیدا میکند و به صورت گسترده به نیاز جنسی افرادی که به هر دلیل نمیتوانند ازدواج کنند پاسخ بدهد. این خانوادهها به دلیل نداشتن مشروعیت دینی و اجتماعی با اینکه در حال توسعه هستند هنوز راهحلی برای حل چالشهای خودشان پیدا نکردهاند که این برخلاف جوامع اروپایی است چون در آنجا با گستردهتر شدن این شکل خانواده، چالشهای آن هم تا حدودی حل شده است. همچنین برای هر دو طرف زن و مرد استرسهای خاص خود را نیز دارد زیرا این شکل زندگی بنیان حقوقی نداشته و نظارتهای اجتماعی روی زن و مرد شدید است. این نوع زندگی پیامدهای مخرب زیادی دارد. مثلاً اینکه اگر فرزندی به دنیا بیاید آیندهاش چگونه خواهد بود؟ یا آینده دختران در این شیوه زندگی چگونه خواهد بود؟ و هنوز بحث آبروی اجتماعی مطرح هست ♣. خانواده عرفی: یکی دیگر از فرآیندهای خانواده ایرانی، عرفی شدن آن است که با بحث سنتزایی هم مرتبط است. نقش مذهب در بسیاری از مناسبات درونخانوادگی کاهش پیدا کرده و به جای آن مجموعه وسیعی از آیینها و ارزشها و باورهای عرفی نشسته است. به طور مثال در درون خانواده گسترده سنتی ایرانی، اگر چه همه با هم همزیستی داشتهاند ولی معیار محرمیت و نامحرمیت اعضاء رعایت میشد. امروزه میبینیم که در خانواده هستهای وسعتیافته یا پستمدرن، مناسبتهایی شکل میگیرد که مبنای شرعی ندارد. اگرچه به معنای زیر پا گذاشتن اخلاق و شرعیات به شکل تعمدی نیست؛ اما فضای نامحرم و محرم به خوبی رعایت نمیشود مثل دست دادن، تماسهای بدنی، رقصیدن و ... یا مثلاً در مورد رعایت اصول شرعی برای مناسبات جنسی، در این مورد هم در بسیاری از مواقع با یک نوع تسامح و تساهل از معیارهای شرع روبرو هستیم؛ مثلاً وقتی دختر و پسری که با هم نامزد میکنند بدون اینکه عقد کرده باشند، همان مناسبات همسری را در حد معینی با هم دارند. در عرفی شدن، برخی از آیینها که محتوای مذهبی دارند نادیده گرفته میشود و به اندازه حساسیت گذشته روی آن حساسیت وجود ندارد. یا مثلاً در ساختارهای سنتیتر علاوه بر مراسم عقد، روحانی، خواندن قرآن و دعا و نیایش کردن در مراسم ازدواج و عروسی انجام میشد که همه اینها برچیده شده، بخصوص در خانوادههای متوسط و متوسط به بالا و فقط منحصر در خواندن خطبه عقد شده است و خانوادهها دوست دارند که روحانی زودتر خطبه را بخواند و برود. یا در مسئله عرفی بودن، میتوان به سطح بالاتری از رفتار پرداخت؛ به نوعی که میتوان گفت امروزه مناسبات درونخانواده، لزوماً از حمایتهای مذهبی پیروی نمیکند. مثلاً مناسبات افراد با روحانیون در طول مسیر زندگی به طور گسترده کاهش پیدا کرده و فقط منحصر به مناسبتهای خیلی خاص مثل نذر یا مجلس تحریم شده است. ارکان مذهب

عبارتند از باورها، شخصیت‌های دینی، مکان‌های دینی و مناسک که هر چهار رکن مذهب در خانواده ایرانی عرفیتر شده و جایگزین‌های دیگری پیدا کرده است و این عرفی‌شدن در حال گسترش است اگر چه این حرف بدین معنا نیست که جامعه ایران مثل غرب عرفی شده باشد. خانواده غربی به صورت بنیادی عرفی شده است و اساساً برای فرزندآوری لزومی نمی‌بیند که خطبه عقد بخواند در نتیجه ساختار خانواده غربی عرفی شده اما در خانواده ایرانی اینگونه نیست و هنوز جایی که خانواده هست مسئله مشروعیت فرزندان مهم است و حضور روحانی برای خواندن خطبه عقد مهم است و زیرساخت‌ها هنوز مذهبی هستند 28 اما عرفی شدن هم در یک سطحی بوجود آمده است ❀ . خانواده های بدون سالمند زندگی در فضای شهری مدرن با دغدغه های روزافزون، ساعات کار طولانی، گرانی و زیادی هزینه ها در کلانشهر، ترافیک و مسیرهای پرتردد در آنجا و نیز گسترش وسایل ارتباطاتی مانند تلفن، موبایل، نامه های الکترونیکی و ... ارتباط میان اعضای خانواده را به شدت تحت الشعاع خود قرار داده و از دید و بازدیدهای فامیلی کاسته است . مهمترین جنبه کاهش روابط خویشاوندی شاید کاهش روابط با پدر و مادر در طی سالهای پیری و کهنسالی باشد چراکه این مسئله منجر به شکلگیری شکل جدیدی از خانواده شده و آن عبارت است از خانواده های بدون سالمند. خانواده هایی که ارتباط خود را با سالمندان نزدیک به حداقل رسانده و آنها را به مرکز نگه داری از سالمندان سپرده و یا مکانی مستقل را برای آنها در نظر گرفته که سالمند در آنجا به تنهایی زندگی میکند که در این صورت نیز نگه داری از او 28 1388 ، هواسی معمولاً به شخصی خارج از خانواده مانند پرستار سپرده میشود: 4 درصد از شهروندان تهرانی اعلام کرده‌اند که در بین 29 . بستگان آنها خانواده ای وجود دارد که یکی از اعضای سالخورده را به خانه سالمندان سپرده باشد شاید یکی از مهمترین دلایل شکل گیری خانواده های بدون سالمند، تغییر در شیوه ی اجتماعی شدن نسل جدید، تخصصی شدن امور و سپردن آموزش به نهادهای اجتماعی دیگر و نیز تحول در ارزش پیرسالاری باشد. تحقیقات نشان میدهد که خانواده ها در تهران کارکردهای اصلی خانواده را به سازمانهای دیگر میسپرنند اما هنوز هم خانواده ها قادر به کمر راست کردن زیر بار وظایف سنگین خود نیستند. مهمترین این سازمانها عبارتند از سرای سالمندان، مهد 30 . کودکانها، شرکتهای خدماتی امور منازل و اغذیه فروشها در صورتی که اختلاف نظر و سلیقه میان جوانان و سالمندان را کنار بگذاریم ، وجود سالمندان در خانواده و استفاده از تجربیات آنها در مسائل مختلف به خصوص مسائل زناشویی می تواند یکی از دلایل استحکام خانواده های سنتی باشد ؛ و این نعمتی است که خانواده های امروزی از آن محروم می باشند ❀ . خانواده چند رسانه ای نگاهی به سبک زندگی خانواده ها در فضای شهری و پیوندی که زندگی امروزی با رسانه

های جمعی داشته است نشان دهنده ی چند رسانه ای شدن خانواده های امروزی می باشد . امروزه آمارهای رسمی نشان از درگیری بیش از پیش خانواده ها با تکنولوژیهای ارتباطی در ایران دارند به نحوی که در دورافتاده ترین نقاط ایران هم استفاده از اینترنت و ماهواره امری بدیهی به حساب میآید اما تفاوتی که مصرف رسانه ای کلانشهرها با سایر نقاط دارد در میزان زمانی است که افراد به استفاده از این رسانه ها اختصاص میدهند و نیز اموری که تنها از طریق تکنولوژیهای ارتباطی مانند اینترنت یا موبایل میسر میگردد . استفاده از تکنولوژیهای چند رسانه ای به علت سهولتی که در روابط میان فردی ایجاد کرده است تا حدود زیادی مناسبات میان افراد، میان زن و مرد و ساختارهای ارتباطی را دستخوش تغییر قرار داده است. به نظر میرسد اولین و اساسی ترین این تغییرات در فضای شهری ما از طریق تلفن همراه ایجاد شده باشد " . جوانان برای تلفن همراه امکانات معدودی قائل هستند که استفاده از آن را علی رغم هزینه های زیادش برای آنها مشروع و ضروری مینماید. آنها در دسترس بودن، سرعت و سهولت برقراری ارتباط، صرفه جویی در زمان، هماهنگی کارها، برقراری اعتماد به نفس را از جمله مهم ترین امکاناتی میدانند ما تلفن همراه در اختیار آنها قرار می دهد. تلفن همراه به زعم جوانان منجر به آزادی، انتخاب و استقلال آنها شده و شبکه جدیدی از روابط ممنوعه را بدون نظارت اجتماعی در دسترس آنها قرار میدهد بنابراین تلفن همراه به روند فردیت یافتن، استقلال، اجتماعی شدن و لذت بخش 1390۲۹:123 ،عمومی فرهنگ علی احمدی، ۳۰ 1389 " .همچنین اینترنت به عنوان یک نوآوری در فناوری نسبت به 31 شدن جوانی در فضای ایران بسیار کمک کرده است تلفن ثابت و همراه مباحث بیشتری را در جامعه شناسی برانگیخته است . در دو دهه گذشته تعداد شبکه های ماهواره ای به خصوص شبکه های فارسی زبان، با سرعت روز افزونی افزایش یافته است و نتایج نظرسنجی ها و آمارها حکایت از گسترده شدن بهره گیری خانواده های ایرانی از آن است. آمارهای متعدد نشان می دهد که بیش از نیمی از مردم شهر تهران به شبکه های تلویزیونی ماهواره ای دسترسی دارند . مولفه مشترک کانال های پراستقبال ماهواره ای این است که سریال هایی که به زبان فارسی پخش می کنند، غالباً محتوای خانوادگی دارند. کانال های پربیننده ای مثل «فارسی وان»، «جم تی وی»، «من و تو» با هدف تاثیرگذاری غالباً برنامه هایی با محتوای دعواهای خانوادگی، شکست عشقی و خیانت خانوادگی پخش می کنند. شاید بتوان مدعی شد که هدف اصلی این برنامه ها نشانه رفتن ارزش های زناشویی و خانوادگی باشد و نه سرگرم ساختن مخاطبان . از جمله پیامدهایی که رسانه ها برای خانواده به همراه دارند سرد شدن روابط و عاطفه در بین اعضای خانواده است . گواه این ادعا میانگین گفتگو اعضای خانواده با یکدیگر است . طبق گزارشی « گفتگو در خانواده های ایرانی به 17 دقیقه رسیده است ، یعنی در

روز حرفی باقی نمانده است و تلویزیون و ماهواره جایی برای صحبت و دیدار از اقوام 32 « نگذاشته است ❁ خانواده مجازی پدیده خانواده مجازی پس از گسترش و رواج انواع متعدد رسانه های جمعی شکل گرفته است و به معنای خانواده هایی است که برای انجام امور روزانه خود بیش از هر چیز از دنیای مجازی اعم از تلویزیون، ماهواره، اینترنت، خطوط ارتباطی و ... کمک گرفته و بخش زیادی از زمان خود را به طور روزانه صرف استفاده از آنها می کنند. این پدیده مناسبات میان افراد خانواده اعم از همسران، والدین و فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد. این خانواده ها بخش قابل توجهی از دانش و اطلاعات خود را از طریق همین رسانه ها به دست آورده و مایلند زمان خود را بیشتر به آنها اختصاص دهند. رسانه های مجازی بر نحوه زیست افراد در خانواده تاثیر می گذارد. تحقیقات نشان می دهند که استفاده از اینترنت و مصادیق فن آوری های اطلاعاتی زنان را بیشتر در معرض دگرگونی هویت اجتماعی قرار داده و آنها را در فرایند مدرن شدن قرار داده است همچنین باعث گسترش مصرف زنان در حوزه کالاهای مدرن و نوظهور 33 شده است درباره استفاده از اینترنت در شهر تهران باید گفت که 31 درصد از جمعیت مردم تهران بنابه گفته خودشان از اینترنت استفاده می کنند که از این میزان 25 درصد در منزل، 4 درصد در محل کار و 1 درصد در کافی نت از آن بهره 1388۳۱، ذکایی مقدس و خواجه نوری، ۳۳ 1384 اب هری، ۱۳۸۹، هر ساعت ۱۵ طلاق در خانواده های ایرانی اتفاق می افتد. خبر آنلاین ۳۲ می گیرند. نتایج نشان می دهد که 4 درصد از مردم چهار ساعت یا بیشتر را به این کار اختصاص می دهند، 8 درصد از 34. دو تا چهار ساعت و 8 درصد کمتر از یک ساعت در روز را صرف این کار می کنند همچنین خانواده های هسته های ایرانی از طریق ارتباطات مجازی همان پیوندهای سنتی را بازتولید می کنند اما چون جنس مراوده متفاوت است از کیفیت متفاوتی هم برخوردار است. مثلاً در تمام آیینها و مناسبات، خانواده ها به هم تلفن می زنند، پیام می دهند، چت می کنند چه در کشورهای مختلف و یا در یک شهر باشند. این وضعیت جدید خانواده هسته های ایرانی را به صورت بسیار قوی با هم مرتبط می کند یعنی آن گسیختگی که ناشی از چند مکانی شدن و فاصله های جغرافیایی بوجود می آمد و یا آن گسیختگی که ناشی از ناتوانی در تحمل همدیگر برای زیستن در یک مکان و ارتباط چهره به چهره به وجود می آمد به کمک فناوری ارتباطی تحمل پذیر میشود. نظام خانوادگی ایرانی از یک سو تحت تاثیر فرهنگ مدرنیته بسیار تضعیف شده یعنی برای افراد روابط چهره به چهره سخت و دشوار شده اما همین افراد به سهولت میتوانند به راحتی تلفنی حرف بزنند، چت کنند و اس ام اس یا پیامک بفرستند و به مبادله عواطف پردازند یا در فضاهای مجازی همکاریهای مختلفی با هم داشته باشند. خانواده هسته های وسعت یافته ایرانی در فضای پست مدرن، در واقع

خانوادهاست که در پناه این تکنولوژیها بعضی از گذشتهها را به صورت شبکههای باز تولید میکند و این بازتولید بصورت چهره‌به‌چهره و در قالب حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی نیست. حال فضای متفاوت اجتماعی در حوزه خانواده شکل میگیرد و فرآیندهایی که در حوزه فرهنگ تأثیرگذار هستند در خانواده ایرانی دخالت میکنند و تأثیرات جدی هم برجای میگذارند. یکی از آنها هم تکنولوژیهای ارتباطی است و این عملاً خانواده‌های هستهای را گسترده میکند و فضای مناسبات خویشاوندی خانواده را که تضعیف شده بود به شکل دیگر بازتولید میکند و گسترش میدهد اما در عین حال اتفاقات دیگری هم در خانواده میافتد که در ادامه بیان خواهد شد ♣ . آسیب‌های خانواده‌های مجازی : استفاده افراد و به خصوص جوانان از اینترنت میتواند منجر به تغییر ارزشهای خانوادگی در آنها شده و یا میزان تعهد آنها را به این ارزشها تحت تأثیر قرار دهد هر چه افراد به اینترنت و استفاده از آن وابستگی زیادی پیدا میکنند از تعهد آنها به ارزشهای خانوادگی به معنای سنتی آن کمتر میشود زیرا افراد تعاملات، ارتباطات، اطلاعات و دانش خود را از طریق اینترنت به دست می‌آورند و روابط افراد دیگر محدود به ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی آنها نیست . همچنین بسط و گسترش حضور تکنولوژی‌های ارتباطی در میان خانواده‌ها امکان نظارت خانواده را بر اعضاء کم میکند . مثلاً دختران یا پسران بدون بیرون رفتن از خانه ارتباط لازم با خارج از خانه دارند . 109-107:1390۳۴ ، عمومی فرهنگ - ازدواج‌های اینترنتی یکی دیگر از پیامدهای گسترش شبکه روابط مجازی در خانواده‌ها افزایش میزان ازدواج‌های اینترنتی است که افراد از طریق جستجو در اینترنت و عضویت در شبکه‌ها و سایتهای دوست یا همسر یابی، شریک زندگی خود را میابند " . آمار دقیقی درباره‌ی ازدواج‌های اینترنتی در ایران وجود ندارد و معمولاً کمتر پیش آمده که افراد شیوه‌ی ازدواج خود را بگویند.... در حال حاضر می‌توان گفت از هر 100 مورد ازدواج 2 ازدواج اینترنتی رخ می‌دهد اما می‌تواند در آینده افزایش یابد". بدیهی است که این پدیده نوظهور مسائل و مشکلات خاص خود را داراست چراکه به تعبیر کاظمی پور "در آشنایی‌های اینترنتی بعید است که افراد بتوانند شناخت پیدا کنند و معمولاً در ابتدا با یکدیگر آشنا میشوند و قول و قرارها گذاشته میشود و بعد از آن برای پیدا کردن شناخت بر یکدیگر اقدام میکنند. در ازدواج‌های اینترنتی این امکان نیز وجود ندارد و غیابی است و فرد شخصیت خود را هر گونه که تمایل داشته باشد به دیگری عرضه میکند. در حالی که در گذشته حضور خانواده‌ها و یا معرفیها پررنگ بود و معمولاً افرادی که دختر یا پسر را معرفی میکردند سعی 35 . "داشتند تا خانواده‌ها نیز یکدیگر را کاملاً بشناسند ♣ خانواده چند مکانی یا دورزی چندمکانی شدن و کاهش اهمیت خانه یکی از تحولات مهم خانواده در ایران معاصر است . در چند دهه اخیر مفهوم

خانه و مکان برای خانواده دگرگون شده است ، اشکال گسترده ای از خانواده های هسته ای و گسترده که زیر یک سقف زندگی نمی کنند یا به صورت فصلی و گذرا با هم هستند . مانند خانواده هایی که زن و فرزندان در روستا و مرد در شهر مشغول به کار است ؛ در اینگونه خانواده ها مفهوم خانواده هسته ای با تغییر بعد مکان همواره پابرجاست و وسایل ارتباطی متعدد جایگزین بعد مکانی گردیده اند . این فاصله جغرافیایی فرصت شکل دادن مناسبات جدید میان افراد خانواده زن و شوهر را از بین می برد . که البته این اتفاق فقط در مورد زن و شوهر نیست بلکه در مورد فرزندان هم رخ داده است. چون امروزه میبینیم که فرزندان و حتی دختران ازدواج نکرده از پدر و مادر جدا میشوند و برای تحصیل یا کار به جاهای دیگر میروند. در اینگونه خانواده ها میبینیم که مفهوم خانواده هسته ای تغییر نکرده اما یک بعد آن که زندگی در یک مکان است، تغییر کرده و دیگر خانه معیار خانواده نیست و همین تغییر معنا باعث شکلگیری خانواده های جدید شده که تا حدودی عمومیت هم پیدا کرده اند . در این نوع خانواده ها گرمای مناسبات عاطفی خانواده که از طرق دیدار چهره به چهره و بدنی حاصل می شود کاهش پیدا میکند و بخش مهمی از کارکرد خانواده که از طریق تماس فیزیکی مثل مهمانیها در خانواده های وابسته به مکان به دست میآمد کم رنگ میشود و بنابراین فرزندان برای تامین نیازهای عاطفی و اجتماعی خود بیشتر به شبکه های دوستی روی میآورند .

خبرگزاری مهر، ۳۵ 1387 آسیب شناسی تغییرات خانواده : خانواده محل رشد و بالندگی استعدادها و بروز خلاقیت و مهد تربیت انسانها است. همواره پیشرفت و موفقیت ، از آن ملتهایی است که در آنها خانواده اساس و بنیان محکمتری دارد چرا که اعضای چنین خانواده هایی می توانند در تحولات جامعه و پیشرفت بشریت نقش مؤثری ایفا کنند و در مقابل ، انحطاط هر قوم و ملت از زمانی آغاز می شود که در اساس خانواده های آنان سستی رسوخ کرده باشد . همسو شدن جامعه ایران با تحولات جهان و قدم گذاشتن در راه توسعه و پیشرفت ، موجبات بروز تغییر و تحولات در خانواده های ایرانی را فراهم کرده است به گونه ای که اکنون خانواده در ایران در مرحله گذار گام نهاده است و در صورتی که این روند ادامه یابد ، با در نظر گرفتن سرنوشت جوامعی که در این مسیر از ایران پیشی گرفته اند ، می توان گفت که خانواده های ایرانی آینده ای ناخوشایند را در پیش رو خواهند داشت .

آینده ای که شاید مجبور باشیم شاهد انحلال و فروپاشی نهاد خانواده در ایران همچون دیگر کشورهای غربی و اروپایی باشیم . در واقع خانواده ها با گام نهادن در مرحله گذار ، آسیب هایی را تجربه کرده اند یا می کنند که در صورت عدم برنامه ریزی جهت پیشگیری از توسعه آنها و گام برداشتن در راستای رفع این آسیب ها ، آینده ای که نباید اتفاق خواهد افتاد . آسیب شناسی (Pathology) از جمله واژه هایی است که بسیاری آن را در مفهومی مترادف

با شناسایی کجروی به کار برده‌اند، در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی، علل و عوامل ایجاد کننده آسیبها و آفتهای اجتماعی را مطالعه میکند که در مورد خانواده به معنای شناخت عواملی است که سلامت و استحکام خانواده را تهدید میکند و ازدواج پایدار و موفق را آسیب‌پذیر میسازد. نهاد خانواده، با توجه به اهداف، عناصر اصلی و کارکردهای آن، از جهات و جنبه‌های گوناگونی میتواند در معرض آسیب قرار گیرد و به همین نسبت انواع آسیبهای خانواده ایجاد و شایع شود. خانواده در جامعه ما در حال تغییر و گذار از سنت به مدرنیته و از گسترده به هسته‌ای است و کارکردهایش هم در حال از دست رفتن است. این کارکردها در جامعه مدرن به دست نهادهایی که در دولت‌های رفاهی و غیر رفاهی ایجاد شدند مثل: مهدکودک‌ها، نهادهای تربیتی، نهادهای آموزشی و تأمین اجتماعی، سپرده شده است. در جوامع سنتی، الگوی خانواده «گسترده» غلبه دارد؛ زیرا همبستگی طایفه‌ای و قبیلہ‌ای بسیار مستحکم است و تجمع افراد خانواده علاوه بر مشارکت در امر تولید و کشاورزی، ساز و کاری برای دفاع اجتماعی از خطرات طبیعت و جنگ و تهدیدها به شمار می‌رود. ولی در جوامع معاصر و صنعتی، بیشتر الگوی خانواده «هسته‌ای» و با جمعیت کم شیوع دارد و ارتباط و روابط خانوادگی در این نوع خانواده بسیار رنگ باخته و آنها از حمایت گسترده فامیل و طایفه کمتر برخوردارند. آنچه مسلم است تغییر شکل خانواده از گسترده به شکل هسته‌ای آن لطمه جدی به خانواده نمی‌زند، بلکه آنچه به خانواده آسیب می‌زند، تغییر در مناسبات و روابط است، هم رابطه درون خانواده و هم رابطه بیرون خانواده. رابطه والدین با هم، رابطه والدین با فرزندان، رابطه خانواده با خانواده‌های جدیدی که بوجود می‌آیند. بنابراین تغییر مناسبات باید جدی گرفته شود. مثلاً همان گونه که توضیح داده شد شیوه‌های همسرگزینی در دوران مدرن تغییر کرده است. در جوامع سنتی، پدر و مادر برای فرزندان همسر انتخاب می‌کردند اما امروزه حق جوانان در انتخاب همسر، بسیار زیاد شده و برای دیگران حتی قائل نیستند؛ و آنگونه که گفته شد این یکی از مصادیق رشد فردیت‌گرایی در جامعه و به طور خاص تر در نهاد خانواده است، به گونه‌ای که ازدواج یک امر فردی شده است؛ و همین امر آسیب جدی برای بنیان خانواده دارد. چرا که امروزه جوانان با دخالت ندادن والدین و بزرگترها در انتخاب همسر، علاوه بر اینکه از به کار بردن تجربیات در انتخاب همسری شایسته محروم می‌شوند، بلکه حمایت آنها را نیز هنگام بروز اختلافات زن و شوهری از دست می‌دهند. مسلماً چنین خانواده‌هایی در قیاس با خانواده‌هایی که حمایت بزرگترها را از دست نداده‌اند زودتر به سوی انحلال و فروپاشی پیش می‌روند. مناسبات زن و شوهر هم تغییرات زیادی کرده است. مهمترین تغییر، اختلاط نقش است؛ در قدیم نقش‌ها تفکیک شده بود در حالیکه امروزه تفکیک نقش میان زن و شوهر کم

رنگ شده و در مقابل شاهد بروز برابری نقش ها در نهاد خانواده می باشیم ، که از منظر آسیب شناسی پیامدهای منفی برای استحکام بنیان خانواده دارد . امروزه زنان در نتیجه افزایش سطح تحصیلات نسبت به حق و حقوق خود آگاه تر شده اند و بنابراین خواستار رعایت این حقوق از جانب مردان می باشند . مصداق این خواستار ، ورود رو به رشد زنان به بازار کار و اشتغال آنها در بیرون از منزل به عنوان یک نیروی مزد بگیر است . این در حالیست که در گذشته کار بیرون از منزل و نان آوری از جمله حقوق مردان به شمار می آمد و زنان از این حق محروم بودند . اما امروزه با احیای این حقوق ، اگر چه خانواده ها از نظر کسب درآمد و سطح رفاه رتبه بهتری نسبت به گذشته دارند اما با مسائل جدیدی رو به رو شده اند که در این باره می توان به ایفای نقش های چند گانه برای زنان و مردان اشاره کرد که در نهایت اختلاط نقش ها و تنش و اضطراب در خانواده را به دنبال خواهد داشت . زنان جدای کسب استقلال و رها شدن از بند وابستگی به همسرانشان ، ناچارند همزمان سه نقش همسری ، مادری و کارمندی را به خوبی ایفا کنند به گونه ای که این نقش ها تداخلی با یکدیگر نداشته باشند . در غیر این صورت خانواده که باید کانون آرامش و عاطفه باشد به محلی برای تنش و اضطراب برای اعضای خانواده تبدیل می شود . در زمانی که زن خانه دار بود و مرد فقط بیرون از منزل و به یک کار مشغول بود فرصتی فراهم می شد تا ارتباطات کلامی اعضای خانواده با یکدیگر بیشتر باشد ، محبت و روابط صمیمی معنا پیدا می کرد ، پدر و مادر فرصت داشتند به تربیت فرزندان بپردازند و با تجارب ارزشمند خود ، فرزندان را راهنمایی کنند . اما امروزه در نتیجه اختلاط نقش میان زن و شوهر خانه نقش اصلی خود را از دست می دهد و به خوابگاهی تبدیل می شود که اعضای آن تنها برای خوابیدن ، غذا خوردن و تماشای برنامه های تلویزیونی گرد یکدیگر جمع می شوند و همه اعضا به نوعی مشکلات و دغدغه های بیرونی را در روابط با اعضا لحاظ می کنند . در چنین شرایطی است که خانواده متزلزل می شود و به محیطی سرد و بی عاطفه تبدیل می گردد . به علاوه اینکه از دیگر مسائلی که در نتیجه اشتغال زنان در جامعه بروز پیدا کرده است سطح پایین قلمداد شدن نقش مادری و خانه داری است . به گونه ای که خانم های شاغل ، نسبت به خانم هایی که کار نمی کنند احساس برتری دارند . متأسفانه کار کردن و پول درآوردن ارزش شده و بچه داری و خانه داری، ارزش خود را از دست داده است

بنابر آنچه گذشت با تغییرات بوجود آمده و مشکلات خانواده ایرانی آشنا شدیم؛ حال اگر آینده خانواده ایرانی برای ما مهم است ، باید با همه امکانات و نیروها وارد این عرصه خطیر شویم و جایگاه خاصی برای آن قایل شویم . بر این اساس سیاستهای زیر در جهت تقویت خانواده ایرانی در کوتاه مدت مفید و موثر به نظر می رسد و برای

آینده بلند مدت و میان مدت نیاز به پژوهش های عمیق تر و فراگیر تر احساس می شود و اینجاست که ارزش و کارآمدی آینده پژوهی نشان داده می شود. بر این اساس تدوین چشم انداز ملی خانواده برای بیست سال آینده ضروری به نظر می رسد.

سیاستهای فرهنگی تحکیم خانواده

-ترسیم کارکردهای زیستی، تربیتی، روانی و عاطفی خانواده به عنوان مهمترین بستر رشد فرهنگی جامعه از طریق رسانه‌ها و کتب درسی؛

-بررسی و شناخت مسائل و مشکلات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی اعضای خانواده در خانواده از طریق تحقیقات جامع ملی؛

-معرفی و ارائه الگو از زنان موفق به جامعه، با لحاظ موفقیت آنها در نقش مادری و همسری؛

-تکریم و بزرگداشت خانواده از طریق تخصیص ایامی از سال به خانواده و معرفی خانواده‌های نمونه.

-ایجاد نهضت همگانی آسان‌سازی ازدواج با اولویت رویکرد فرهنگی و مشارکت کلیه دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی کشور؛

-آموزش و گسترش فرهنگ عفاف و پای‌بندی‌های اخلاقی به منظور تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی؛

-توسعه مراکز آموزشی و مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج و ضرورت حمایت‌های دولت از این کانون‌ها جهت ارائه خدمات ارزان به متقاضیان؛

-ارزیابی و بازنگری قوانین موجود و تدوین قوانین حمایتی لازم و اتخاذ تدابیر مناسب جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین جهت تحکیم بنیان خانواده؛

-ایجاد و توسعه مراکز امداد و ارشاد در کنار دادگاه‌های خانواده و تقویت آنها از طریق افزایش توان تخصصی نیروهای موجود در آن؛

- پیشگیری و مبارزه قانونی با عوامل مفسده‌انگیز و احتراز جدی از تحریک جنسی جوانان خارج از چارچوب ازدواج؛
- ایجاد تسهیلات لازم جهت حمایت مادی و معنوی از خانواده‌های جوان در دوران تحصیل و سربازی (استخدام، کاریابی، تأمین مسکن، وام و توسعه مراکز مشاوره)؛
- تصحیح دیدگاه‌های اجتماعی در خصوص چگونگی تقسیم بار اقتصادی ازدواج (جهیزیه، جشن ازدواج، شیربها و امثال آن)؛
- افزایش مراکز مشاوره ژنتیک و بیماری‌های حاد و انجام آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج در آزمایشگاه‌های مجهز جهت اطلاع از وضعیت جسمانی و روانی زوجین؛
- ایجاد تشکل‌های مردمی با محوریت مؤسسات و عناصر علمی و مذهبی و استفاده از مشارکت زنان در راستای حمایت از خانواده در این تشکل‌ها.
- تأمین امکانات لازم جهت بهره‌برداری بهینه از اوقات فراغت اعضاء خانواده.
- ایجاد ساختار مناسب دولتی با هدف برنامه‌ریزی برای خانواده و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های دولتی در ارتباط با خانواده؛
- تعیین شاخص‌های ارزیابی سیاست‌ها، روش‌ها و سنجش پیشرفت‌ها بر اساس خانواده متعادل و الگویی و نگاهی منسجم و استوار به خانواده؛
- نظارت بر عملکرد کلیه دستگاه‌ها، به ویژه رسانه‌های تصویری از نظر فرهنگ‌سازی در امر پی‌ریزی، پویایی و پایداری خانواده و نسبت‌سنجی پیوسته میان سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد آنها.
- تدوین و تصحیح کتب درسی، متون آموزشی و آموزش فرهنگ عمومی با هدف آموزش آداب، اخلاق و تعیین وظائف و حقوق مقابل اعضای خانواده.
- ایجاد هماهنگی و تقویت ارتباط خانواده با نهادهای آموزشی و پرورشی به منظور ایفای بهتر وظایف خود؛
- تبلیغ اثرات مثبت مشارکت صحیح اجتماعی زنان در زندگی خانوادگی، تربیت فرزندان و اداره خانواده؛
- نظارت بر رعایت عدالت بین فرزندان و اجتناب از هرگونه تبعیض براساس جنسیت.

- انجام آموزش های لازم به دختران و پسران در زمینه انتخاب همسر به منظور تأمین سلامت جسمی، روانی آنان در زندگی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی قبل از ازدواج؛

- آموزش شیوه های منطقی و عملی حل مشکلات توسط خانواده ها قبل از مراجعه به سازمان ها و مراجع قانونی؛

- تدوین قوانین حمایتی و تعمیم پوشش کامل بیمه های اجتماعی برای زنان خانه دار، بیوه، سالخورده، سرپرست خانوار و کودکان بی سرپرست؛^{۲۹۴}

نتیجه گیری

به طور کلی نهادهای مختلف در هر جامعه متأثر از تحولاتی که در آن جامعه رخ داده است، دستخوش تغییرات می شوند. ضروری است که نهادها خود را با شرایط جدید انطباق دهند و در راستای تغییرات حرکت کنند. در غیر این صورت دچار مشکل شده و از ایفای کارکردهای خود باز می مانند. جامعه ایران و نهادهای آن نیز از این امر مستثنی نبوده است. همانگونه که شرح داده شده طی چند دهه اخیر خانواده ایرانی، تحولات و دگرگونی های متعددی را هم در سطح ساختاری و هم به لحاظ کارکردی تجربه کرده است. در واقع لازم می نماید که هنگام بررسی این دگرگونی ها به شرایط حاکم بر جامعه و میزان انطباق خانواده با این شرایط نیز توجه شود. چرا که اگر خانواده ها در برابر این انطباق مقاومت کنند، دچار اضمحلال و از هم پاشیدگی می شوند. با توجه به آنچه درباره وضعیت خانواده در ایران بیان شد می توان گفت عواملی که منجر به این تغییرات شده را می توان در سطح کلان و سطح خرد دسته بندی کرد. در سطح کلان باید جامعه و تحولات آن را در نظر داشت و در سطح خرد به افراد به عنوان اعضای خانواده و تحولات آنها اشاره داشت. عمده ترین و اصلی ترین تحولی که در جامعه ایران در سطح کلان به وقوع پیوسته، گام نهادن در مسیر صنعتی شدن و ورود به دنیای مدرن است؛ که از مصادیق آن می توان به ورود وسایل ارتباط جمعی مانند روزنامه، تلویزیون، تلفن، ماهواره و شبکه های اینترنتی و ... اشاره کرد. در سطحی خردتر اعضای جامعه متأثر از این جریانات آگاه تر شده، تغییر رفتار و تغییر نگرش می دهند. نهادینه شدن این تغییرات در افراد به عنوان اعضای تشکیل دهنده خانواده، در نهایت منجر به تغییرات خانواده می شود.

همچنین با مقایسه تحولات خانواده های ایرانی با جوامع غربی اینگونه استنباط می شود که ایران نیز قدم در راه کشورهای غربی نهاده است، چرا که در اکثر موارد تغییراتی مشابه با شدتی متفاوت را تجربه کرده (تغییر ساختار

²⁹⁴ - کارگر، رحیم، آینده پژوهی درباره خانواده ایرانی، <http://www.dte.ir/portal/ho>

اقتدار ، کاهش نرخ باروری و بروز خانواده های هسته ای ، خانواده های تک والد ، خانواده های رسانه ای و چند مکانی و (... و در موارد دیگر آثاری از ظهور این تحولات در خانواده های ایرانی دیده می شود که می توان پیش بینی کرد که در صورت رها کردن جامعه به حال خود ، در آینده ای نه چندان دور شاهد رشد و بروز اشکال خانواده های غربی در ایران نیز باشیم ؛ منظور آن نوع خانواده هایی است که به دلیل شرایط فرهنگی و مذهبی حاکم بر جامعه ، به سان غرب فرصت بروز نداشته اند همچون خانواده های هم بالین ، خانواده های هم جنس گرا و ...

فصل هفتم: وضعیت خانواده در غرب

گفتار اول: ماهیت خانواده در غرب

برای تبیین ماهیت خانواده در غرب کافی است به آمار بالای طلاق، روابط نامشروع، خشونت بر علیه زنان و کودکان و... نگاهی بیندازیم که این اتفاقات، لرزه بر تن هر انسان آزاده ای می اندازد. با مطالعه فرهنگ و آداب رسوم حاکم بر غرب به این نتیجه می رسیم که مفهوم خانواده در اسلام با مفهوم خانواده در غرب هیچ هم خوانی ندارد. هسته اصلی خانواده در غرب را نیاز جنسی تشکیل می دهد و محور اصلی تنها ارضای خواسته های جنسی است. یکی از جامعه شناسان معاصر ضمن تائید این نظریه می نویسد:

خانواده ای که {در غرب} یکی یکی، این ابعادی را که در گذشته داشت و امروز دارد از دست می دهد، هسته اصلی آن را فقط ارضای نیاز جنسی تشکیل می دهد. اگر این نیاز، با توجه به بی بند و باری و انحطاط فرهنگی حاکم بر غرب، به راحتی در دسترس باشد و فرد هر وقت و هرگونه که خود خواست، این نیاز را ارضا کند، دیگر چه ضرورتی دارد ازدواج کند؟ یعنی واقعا فلسفه تشکیل خانواده به دلیل وجود موسسات بیرونی - که نیازها را به راحتی و حتی غیر مشروع بر طرف می کنند- از بین می رود....

امروز بسیاری از جوامع غربی دارای رشد پایین یا منفی جمعیت هستند. برای پیشگیری از انقراض نسل، کمک های دولت را روی احیای خانواده متمرکز کردند؛ یعنی به این شکل که اگر یک زن و مرد ازدواج کنند، یکی از آنها می تواند اصلا کار نکند و به آن یکی، حقوق بیشتر بدهند و اگر دارای فرزند شدند، نسبت به تعداد فرزندان، کمک مالی هم به طور تصاعدی افزایش پیدا می کند. کمک های جالب توجهی ارائه می شود؛ مثلا کل هزینه اجاره مسکن را می دهند، ماهیانه به این بچه ها مقرری می دهند. در فرانسه، آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر که دچار رکود جمعیت و خانواده شده اند این سیاست ها اعمال می شود. برای اینها علاوه به کمک هایی که به فرزندان می کنند، هدیه هایی هم می دهند تا این افراد را مجبور به تشکیل خانواده کنند...؛ ولی افسوس که نتیجه نمی گیرند. چرا نمی گیرند؟ برای این که بر می گردد به آن موضوع قبلی؛ آن جا که باعث شده اینها بچه دار نشوند و خانواده تشکیل

ندهند... موضوع این است که تمام نیازهایش به صورت متنوع و با قیمت ارزان و با تسهیلات فراوان، بدون خانواده هم تامین می شود. لذا لازم نیست این طوق گرفتاری را به گردن بیندازد.^{۲۹۵}

با بالا رفتن روابط نامشروع جنسی، کانون خانواده نیز در غرب در حال متلاشی شدن است. در گزارشی که توسط «اداره کل غرب اروپای وزارت امور خارجه» تهیه شده است، آمده است:

بر اساس گزارشی که از سوی یورو استاتر، اداره آمار کمیسیون اروپا، منتشر گشته، تقریباً یک چهارم نوزادان در اتحادیه اروپا، خارج از چارچوب های زناشویی متولد می شوند. این تناسب در سال 1680 م، کمتر از ده درصد بوده است... به گزارش یورو استاتر، زندگی در شرایط غیر زناشویی به طور فزاینده ای در حال رشد است. این ارزیابی، بخصوص در کشورهای اسکانندیناوی {که برابری زن و مرد در آن سامان، بیش از دیگر کشورهاست}، مصداق بیشتری دارد. در ایسلند از هر سه کودک متولد شده، دو نوزاد و در دانمارک، استونی، نروژ و سوئد، نیمی از نوزادان، خارج از پیمان های زناشویی متولد می شوند... {این در حالی است که} در سراسر اروپا ازدواج قانونی، در خطر انحطاط قرار دارد. نرخ ازدواج که در سال 1980م، به میزان 6/3 در هر هزار نفر بوده، اکنون به 0,005٪ کاهش یافته است.^{۲۹۶}

این آمار تکان دهنده و هولناک همگی از هم پاشیدگی کانون خانواده در غرب خبر می دهد و بر این اساس می توان گفت نهاد خانواده در غرب نابوده شده است.

گفتار دوم: جایگاه زن در خانواده غربی

بررسی و تبیین وضعیت زن در خانواده غربی و مسائل پیرامونی آن باعث می شود که وضعیت خانواده در غرب بهتر نمایان شود و عمق شکاف در نهاد خانواده فهمیده شود.

در تقسیم بندی تاریخ اندیشه غرب معمولاً سه دوره مطرح می شود: یونان باستان، قرون وسطی و دوران مدرن.

295- هاجری، عبدالرسول، فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، ص 76-77.

296- همان، ص 78.

«در نگاه یونانیان باستان؛ زن نه انسان که حیوانی با موهای بلند و فکر اندک معرفی می شد و از منظر صقراط وجود او منشاء انحطاط بشری تلقی می گردید. همچنین در این زمان فیثاغورث معتقد بود اصلی خوب وجود دارد که نظم، نور و مرد را آفریده و اصلی بد، که آشوب، تیرگی و زن را آفریده است.»^{۲۹۷}

«در زمان حاکمیت کلیسا نیز همچنان مسئله گناه نخستین با محوریت زن، از جایگاه زن به عنوان یک انسان فرودست کاست و از این روست که توماس اکویناس دانشمند مشهور این دوره سخن از رابطه ی جنس زن و شیطان می گوید و اثبات می نماید که زن کفو شیطان است. وی همچنین معتقد است که زن با نخستین مقصود طبیعت یعنی کمال جویی منطبق نیست بلکه با دومین مقصود طبیعت یعنی گنبدگی، بد شکلی و فرتونی انطباق دارد.»^{۲۹۸}

با خروج از قرون وسطی و آغاز «رنسانس» کوشش شد تا جایگاه زن باز تعریف شود. در اواسط قرن 16 کنفراسی در فرانسه برگزار شد تا به این موضوع رسیدگی کند که آیا زن انسان است یا نه؟^{۲۹۹}

پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه در قرن 18 که وعده تساوی حقوق زنان و مردان داده می شد، عملاً در صحنه اجتماع ثابت شد که برتری جنس مذکر در مقابل این مکاتب همچنان بر افکار عمومی حاکم است. اما این وعده ها همگی قبل از پیروزی بود و پس از آن معلوم شد که منظور از آزادی و برابری در خانه نبوده است و مردان می توانند با زنان خود با همان خشونت رومیان رفتار کنند.^{۳۰۰}

بنابر این جریان مدرنیته، نیز اگرچه داعیه ی احیای حقوق و کرامت زن را داشت، ولی این تنها یک شعار بود و نتیجه این شد که «زن را از دو مرحله پیشین {باستان و قرون وسطی} بالاتر نبردند بلکه تنها لعاب استقلال و آزادی بر روی او کشیدند و چهره زشت بردگی زن را لباس و نقاب زیبایی پوشاندند.»^{۳۰۱}

متأسفانه نگاه ابزارگری غرب به زن تا بدان جا رسید که صنعتی بسیار زشت و شنیع و دور از اخلاق و مردانگی با نام «صنعت سکس» به راه افتاد. «سیاست سکس به عنوان یک استراتژی توسعه توسط آژانس های کمک بین المللی

²⁹⁷ - علی محمد زاده، خلیل و سلیمانی، زهرا، حجاب و حقوق زن؛ نگاهی دیگر، ص 39. به نقل از: بنوات، گری، زنان از دید مردان، ترجمه محمد جعفر پوینده، ص 47-45-7.

²⁹⁸ - همان، ص 40. به نقل از: همان، ص 57.

²⁹⁹ - ر.ک: همان. به نقل از: همان، ص 8.

³⁰⁰ - دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ص 149.

³⁰¹ - خامنه ای، محمد، حقوق زن، ص 22.

پیشنهاد شد. ماریا مایز می نویسد: صنعت سکس اولین بار توسط بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و آژانس توسعه بین المللی آمریکا برنامه ریزی و حمایت شد. ... شرکت های خصوصی که اکثر آنها در آلمان غربی هستند زنان آسیایی یا آمریکای لاتین را به عنوان همسر می فروشد و خیلی علنی آنها را زنانی مطیع، چشم و گوش بسته و فرمانبردار تبلیغ می کنند.^{۳۰۲}

سخن در این گفتار را با سخنانی حکیمانه از رهبر فرزانه انقلاب در خصوص جایگاه زن در اندیشه غرب به پایان می بریم. ایشان در این زمینه فرمودند: «... یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم. گناه بزرگی که تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتی نه به آسانی قابل بیان کردن است. حالا اسمهای گوناگونی هم میگذارند - مثل همه‌ی کارهایشان - جنایت میکنند، اسمش را حقوق بشر میگذارند! ظلم میکنند، اسمش را طرفداری از ملتها میگذارند! حمله‌ی نظامی میکنند، اسمش را دفاع میگذارند! یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دورویی، نفاق، دروغگوئی، تناقض در رفتار و گفتار؛ در قضیه‌ی زن هم عیناً همین جور است. آنها متأسفانه فرهنگ رائج خودشان را در کل دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند که یکی از مهمترین وظائف زن - اگر نگوییم مهمترین وظائف - این است که جلوه‌گری کند، زیبایی‌های خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمی‌ترین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با لباس پوشیده بیایند، اما زنها هرچه برهنه‌تر و عریان‌تر بیایند، اشکالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟ این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آنها این کار را کردند. زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزبه‌روز هم بیشتر میشکنند؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفساد در این جامعه نهادینه میشود.^{۳۰۳} ... نگاه کاسب کارانه به ظرفیت زنان در مسائل اقتصادی از

³⁰² - فرنچ، مارلین، جنگ علیه زنان، ص 81.

³⁰³ - بیانات در دیدار جمعی از مداحان (11/02/1392). www.leader.ir

جمله اشتغال و نگاه تحقیرآمیز به زن و تنزل دادن او به وسیله ای برای اطفای شهوات مردان، مبانی دیگری است که تفکرات غربی را درباره زنان، کاملاً ظالمانه و متحجرانه ساخته است.^{۳۰۴}

گفتار سوم: لیبرالیسم جنسی و بحران کودکان در خانواده غربی

در میانه قرن هفدهم، در انگلستان گروهی از مخالفان به رهبری جورج فوکس برای اولین بار دیدگاه های اصلاح گرایانه را برای حقوق زنان و مردان مطرح کردند و معتقد شدند زنان، متعهد به پیروی از شوهران خویش نیستند. این جریان با گسترش فعالیت های خود جنبش را تشکیل دادند که بعدها به «فمنیسم» مشهور شد.^{۳۰۵}

«فمنیسم» در نیمه دوم قرن بیستم تغییرات عمیقی در نگرش ها و آداب و رسوم غربیان ایجاد کرد. انقلاب جنسی و آزادی، به معنای رهایی روابط جنسی از قید و بندهای وابسته به فضیلت های سنتی مسیحیت تلقی شد.^{۳۰۶}

بنابر این آزادی های جنسی رواج پیدا کرده و قوانینی درباره هم جنس گرایی، دو جنس گرایی، روابط با حیوانات، تنوع ارضانات جنسی و... به تصویب رسید.^{۳۰۷} نتیجه رویکرد «فمنیستی» به مقوله زنان و آزادی و لیبرالیسم جنسی، آمارهای تکان دهنده ای است که هر وجدان بیداری را به درد می آورد.

نتایج مطالعه طولی سلامت نوجوانان در سطح ملی در سال 2001، حاکی از آن است که: «17 درصد از دانش آموزان کلاس های هفتم و هشتم، رابطه جنسی را تجربه کرده اند. این رقم، برای نوجوانان دبیرستانی تقریباً دو برابر گزارش شده است (49,3 درصد). دختران و پسران کلاس های هفتم و دوازدهم تقریباً به یک اندازه رابطه جنسی را تجربه کرده اند: 39,9 درصد از پسران و 37,3 درصد از دختران.»^{۳۰۸}

³⁰⁴ - بیانات در دیدار با زنان فرهیخته و نخبه (1393/1/30). www.leader.ir

³⁰⁵ - ر.ک: برخوردار، زینب، عفاف گرایی در غرب، ص 34. به نقل از: هولم و بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ص 90.

³⁰⁶ - همان، ص 35. به نقل از: لگنهاوزن، اسلام در رویارویی با فمنیسم، ص 20.

³⁰⁷ - ر.ک: همان، 40.

³⁰⁸ - همان، ص 42.

بر اساس مقاله ای که در اول مارس 1997 در گس آنجلس تایمز منتشر شد، «56 درصد از دختران و 73 درصد از پسران، قبل از 18 سالگی، رابطه جنسی را تجربه کرده اند. به طور متوسط، نوجوانان، هشت سال پیش از ازدواج فعالیت جنسی خود را آغاز می کنند.»³⁰⁹

نتایج نظر سنجی مرکز کنترل بیماری های واگیردار آمریکا، حاکی از آن است که یک هفتم از دانش آموزان دختر دبیرستانی که تجربه رابطه جنسی را داشته اند، چهار یا بیش از چهار شریک جنسی دارند.

از بین دختران نوجوانی که تا کنون رابطه جنسی را تجربه کرده اند، از رده سنی 12 تا 14 سال، 11,8 درصد و از رده سنی 15 تا 19 سال، 19,4 درصد، اظهار داشته اند که تا کنون «بارداری» را نیز تجربه کرده اند.³¹⁰

«اگر بگویم بچه دار شدن می تواند زندگی یک دختر نوجوان مجرد را زیر و رو کند، هنوز حق مطلب را ادا نکرده ایم.» این جمله ای است که چارلز موری در مقاله ای در وال استریت ژورنال، نوشته است. وی در ادامه می افزاید: «معضل بچه های نامشروع را می توان به تنهایی، در صدر معضلات اجتماعی عصر ما قرار داد؛ یعنی بالاتر از جرم و جنایت، مواد مخدر، فقر، بی سواد، عدم رفاه، بی خانمانی و... در واقع این معضل می تواند خود منجر به سایر مشکلات اجتماعی شود.»³¹¹

بنابر آنچه گذشت می توان ادعا کرد جایگاه زن و خانواده در نظام اجتماعی غرب، متلاشی شده است و اساساً هیچ امنیت و آرامشی برای خانواده وجود ندارد. زیرا ممکن است همسر، شوهر و یا یکی از فرزندان با یک یا چند نفر دیگر رابطه جنسی داشته باشد و طرف مقابل یا والدین حق جلوگیری و برخورد با آن را ندارند زیرا همان طور که گذشت، کار آنها یک کار قانونی بوده است!؟.

بحران کودکان در خانواده ی غربی هنگامی بهتر مشخص می شود که به بررسی آمارهای منتشر شده درباره بارداری های نامشروع بپردازیم. «بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان بارداری نوجوانان، پیشگیری و تربیت فرزند ایالت مینه سوتا در سال 2001، 66 درصد از دختران نوجوان، پیش از رسیدن به سال آخر دبیرستان یا پیش از 18 سالگی، فعالیت جنسی خود را آغاز می کنند. بنابر گزارش اتحادیه بارداری برنامه ریزی شده آمریکا، 20 درصد از

309- همان.

310- همان، صص 43 و 44.

311- همان، ص 56.

این دختران، باردار می شوند که نیمی از آن ها بچه خود را به دنیا می آورند. 40 درصد از این دختران باردار شده، تصمیم به سقط جنین می گیرند و 8 درصد از آن ها نیز دچار سقط جنین غیر عمد می شوند.^{۳۱۲} یکی از نویسندگان غربی، طی اظهاراتی هوشمندانه، در مورد بحران کودکان نامشروع در غرب چنین نوشته است: «در سال 1960، از هر بیست نوزاد آمریکایی، یک نفر خارج از رابطه ازدواج، به دنیا می آمد. امروز تقریباً از هر سه نوزاد، یکی از آن ها چنین وضعیت دارد. اگر نتوانیم چاره ای بیندیشیم، ظرف ده سال آینده، از هر دو نوزاد، یک نفر چنین خواهد بود و نیمی از نوزادانی که حاصل ازدواج رسمی هستند نیز، پدرشان را در اثر طلاق از دست خواهند داد.»^{۳۱۳}

اما مشکلاتی که در پیش روی فرزندان نامشروع در غرب وجود دارد عبارتند از:

الف) انتقال بیماری مادر به نوزاد: بسیاری از زنان به دلیل مبتلا بودن به بیماریهای مقاربتی، باید نوزادشان را از طریق سزارین به دنیا بیاورند، چرا که بر اثر زایمان طبیعی، نوزاد نابینا به دنیا خواهد آمد. در سال 1994 یافته های پزشکان نشان داد که برخی از بیماری های مقاربتی رابطه ای قوی با زایمان زود رس و نارس بودن نوزاد دارند. زایمان زود رس به عنوان مهمترین عامل نقص عضو، با 60 الی 80 درصد از موارد مرگ نوزادان، ارتباط دارد. بسیاری از این زایمان های زود رس در نتیجه بیماری باکتریایی (BV)، اتفاق می افتد.

ب) برخورد فیزیکی و بی توجهی: دخترانی که در نوجوانی و به صورت غیر مشروع باردار می شوند، در قیاس با سایر زنان باردار، در طول دوره بارداری کمتر به سلامت خود اهمیت می دهند. در نتیجه، نوزادان این مادران، بیشتر در معرض خطراتی از قبیل عقب ماندگی و معلولیت های جسمی هستند. به همین خاطر از سوی والدین مورد بی توجهی و حتی ضرب و شتم قرار می گیرند. بسیاری از این بچه ها، مدتی از زندگی خود را به عنوان فرزند خوانده در خانه دیگران سپری می کنند که این امر، سالانه منجر به تحمیل 900 میلیون دلار هزینه مالیاتی بر خانواده های پذیرنده آنان می شود.

ج) مشکلات اقتصادی، عاطفی و روان شناختی: اکثر کودکانی که به صورت نامشروع متولد می شوند، به صورت تک والدی بزرگ شده و بیشتر از حضور فیزیکی و عاطفی پدر محرومند. بنابر گزارش های مرکز آمار آمریکا به

³¹² - برخورداری، زینب، عفاف گرایی در غرب، ص 55.

³¹³ - همان، ص 55-56.

سال 1991، 55 درصد از کودکان شهر دیترویت، 53 درصد از کودکان واشنگتن دی سی و 49 درصد از کودکان آتلانتا، به صورت تک والدی زندگی می کنند؛ 90 درصد از این کودکان، در خانه های بدون پدر زندگی می کنند و در نتیجه با مشکلات مالی عدیده ای روبرو هستند. بچه هایی که در این خانواده ها رشد می کنند، دو الی سه بار کمتر از سایرین احتمال دارد که از سوی معلم شان، دانشجوی نمونه شناخته شوند و در عوض 50 درصد بیش از سایرین، با احتمال مردودی مواجهند. پسرانی که از مادری نوجوان و به صورت نامشروع متولد شده اند، تا سن بیست و هفت سالگی، به طور متوسط 11,3 سال تحصیلات انجام می دهند و در قیاس با پسرانی که مادرشان در اوایل دهه بیست زندگی، آنها را به دنیا آورده، 2,7 برابر بیشتر احتمال به زندان افتادن دارند.³¹⁴

گفتار چهارم: پی آمدهای اجتماعی - فرهنگی خانواده غربی

«لیبرالیسم جنسی» که باعث فروپاشی نهاد خانواده در غرب شد، با شعار آزادی و احقاق حقوق شخصی افراد نظریه آزادی های جنسی را مطرح کرد و در نتیجه این آمار تکان دهنده از به دنیا آمدن کودکان بی سرپرست و... را به وجود آورد. اما گذشته از آن تبعات دیگر و هزینه های بسیاری هنگفتی را بر جامعه تحمیل کرد.

یکی از تبعات منفور نگاه غربی به خانواده، «همسر آزاری» و برخورد خشن با زنان است. دکتر رمضان بوطی از اساتید دانشگاه دمشق در این باره می نویسد:

اخیرا، در در آمریکا نوعی مخصوص از پناهگاه ها ساخته شده است که به استقبال زنانی می شتابد که از سیل کتک زنی شوهران با رفیقانشان، فرصت فرار را به دست آورده اند. معمولا دیوارهایی زیبا و دکورهایی ساختمان این پناهگاه ها را احاطه کرده، که حال و هوای درون آنها را منعکس نمی کند و هدف از این تزئینات و پوشیدن حال زنان این است که راه شناسایی این نوع اماکن بسته شود و بالاخره شوهران یا رفیقان این زنان سیه روز نتوانند بدین اماکن راه یافته، و آنها را با کتک زدن و شکنجه تعقیب نمایند.

314 - همان، ص 59-62. (با تلخیص).

از این فاجعه کشنده وبایی گسترش یافته است که سراسر ایالت آمریکا را فرا گرفته و هم اکنون در کشورهای مختلف اروپایی، دارد به سرعت گسترش می یابد.^{۳۱۵}

دکتر بوطی در ادامه به یک گزارش تکان دهنده از یکی از اساتید مامایی آمریکا اشاره می کند و می نویسد:

(استاد آموزشگاه مامایی و بیماری های زنانه در آمریکا، در Richard-F- Jones (ریچارد. اف. جونس

رابطه با این پدیده رعب آور مقاله ای نگاشته که در مجله ی مربوط به این آموزشگاه در ژانویه سال 1993

یعنی: تجاوزهای خانوادگی، (Domestic Violence: Let Voices Heard) میلادی تحت عنوان:

بگذارید صدایمان شنیده شود. به زیور طبع آراسته شده است. ابتدا می گوید: «وبایی آمده که دارد کشورمان را در می نوردد؛ بلایی است پلید و زشت؛ بلایی که نباید سهل انگارانه از کنار آن گذشت، بلکه باید متوقف گردد و محققا مرضی نفرت انگیز است که امکان ندارد هیچ کشور متمدنی از آن استقبال کند. در آمریکا در هر دوازده ثانیه یک زن مبتلا به این وبا می شود. و در هر دوازده ثانیه از طرف شوهر یا دوست، زنی به باد کتک گرفته می شود و حتی به درجه ی قتل یا در هم شکستن اندام می رسد. هر روزه ما در دفاتر، اتاق حوادث و مطب هایمان نتایج این کتک زنی را مشاهده می کنیم.»^{۳۱۶}

تحمیل هزینه های اقتصادی سرسام آور نیز یکی دیگر از تبعات اجتماعی خانواده غربی است. این تبعات را به صورت فهرست وار می آوریم:

- درمان بیماری های مقاربتی حاصل از روابط جنسی بی قید و بند در بین نوجوانان.
- به دنیا آمدن نوزادان نوجوانان مجرد، در بیمارستان های دولتی با استفاده از امکانات دولتی.
- پرداخت کمک های دولتی به مادران نوجوان.
- مراقبت موسسات محلی، ایالتی و یا فدرال از کودکانی که رها شده، مورد بی مهری قرار گرفته و یا با برخوردهای فیزیکی مواجه شده اند.

³¹⁵- بوطی، محمد سعید رمضان، زن در میان شفافیت شریعت الهی و تیرگی فرهنگ غرب، ص 27.

³¹⁶- همان، صص 27-28.

در سال 1995 هزینه های بهداشتی درمانی برای بیماری های مقاربتی به این شرح بوده است: سفلیس (سالانه 106 میلیون دلار)، هپاتیت B (سالانه 156 میلیون دلار)، هرپس یا زگیل تناسلی (178 میلیون دلار)، سوزاک (1 میلیارد دلار)، کلامیدیا (2 میلیون دلار)، HPV (3,8 میلیون دلار). در آمریکا سالانه قریب به 10 میلیارد دلار برای پیشگیری و درمان بیماری های مقاربتی مهم (به جز ایدز) هزینه می شود. اگر هزینه های صرف شده برای پیشگیری و درمان HIV نیز به هزینه ها اضافه شود، رقم فوق به 17 میلیارد دلار افزایش می یابد. البته این رقم، در برگیرنده هزینه های غیر مستقیم مانند طول درمان و بازماندن افراد از شغلشان نیست. از سوی دیگر هزینه زایمان تقریباً 60 درصد از مادران نوجوانی که برای اولین بار وضع حمل می کنند، از منابع دولتی پرداخت می شود. هر دختر نوجوان مجردی که صاحب فرزند می شود، به طور متوسط 100 هزار دلار برای خدمات پزشکی و کمک های رفاهی، برای دولت هزینه دارد. در سال 1998 مشخص شد در کشور آمریکا هر مالیات دهنده مبلغ 2831 دلار تنها بابت هر زایمان نوجوانان مجرد پرداخت می کند.

وضع حمل نوجوانان، به تنهایی سالانه 6,9 میلیارد دلار هزینه به مالیات دهندگان تحمیل می کند. کمک های دولتی و رفاهی و سهمیه غذایی که در اختیار این نوجوانان و فرزندان شان قرار می گیرد، 2,2 میلیارد دلار برای دولت هزینه دارد. هزینه مراقبت های پزشکی اضافه این مادران و نوزادان، 1,5 میلیارد دلار است. مجموع هزینه های زاد و ولد و سایر هزینه های که مادران نوجوان تحمیل می کنند، به رقمی بین 13 تا 19 میلیارد دلار در سال می رسد. به عنوان مثال، هزینه ساخت و نگهداری زندان برای زندانی کردن پسران مجرم این مادران نوجوان، سالانه حدود یک میلیارد دلار است.³¹⁷

گفتار پنجم: تاثیر و نفوذ اندیشه غربی به کشورهای مسلمان

متأسفانه اندیشه منحط و منحرف غربی پیرامون مسائل خانواده و زنان با همه خسارت ها و آسیب های که داشته است هنوز از رونق نیفتاده است و طرفدارانی دارد. سالهاست که غرب در پی صدور اندیشه های خود پیرامون مسائل خانواده و زنان به کشورهای مسلمان است. مع الاسف باید گفت در این استراژی نیز تا حدودی موفق بوده است و توانسته است برخی از افکار زنان مسلمان را به خود جلب کند.

³¹⁷ - همان، صص 63-64 (باتلخیص).

استاد جعفر عبدالسلام از اساتید حقوق بین الملل مصر درباره آثار غرب زدگی بر خانواده ها در کشورهای اسلامی می نویسد:

در ایام اخیر آثار غرب زدگی بر خانواده مسلمان کاملاً آشکار شده است. چه بسا مهمترین جنبه های منفی یورش های ددمشانه علیه مسلمانان را بتوان به صورت زیر خلاصه بندی کرد:

الف: ضربه زدن به ثبات خانواده ها از طریق قوانین تدوین شده که رهایی از پیوند مقدس زناشویی را آسانتر می سازد. ... در «قانون خلع»³¹⁸ مصر، نظامی مطرح شده که اساس خانواده را در معرض خطر قرار داده و با کمترین بهانه ای زن را بر آن می دارد که به این قانون مراجعه کند. استفاده از «قانون خلع» همچون شمشیری است که زن، شوهر و خانواده و حتی جامعه اش را مرتب تهدید به استفاده از آن می کند.

ب: به رغم استقرار قاعده شرعی که حق اختیار شوهر را به زن می دهد ما شاهد جلوه های متعددی از ازدواج های غیر رسمی هستیم که از سوی دختر بدون اجازه پدر صورت می گیرد. و به شدت شیوع پیدا کرده است و بسیاری از مفتیان اهل سنت { فتوا به درستی این ازدواج ها داده اند. گفته می شود اغلب دانشجویان دختر و پسر با شهادت دوستان خود و ره صورت عرفی و نانوشته اقدام به ازدواج با یکدیگر می کنند که حتی اگر ثبت هم شود روی برگه ساده ای است که بیشتر مورد انکار شوهر نیز قرار می گیرد.

ج: در بسیاری از کشورهای اسلامی، و از جمله مصر که درباره آن صحبت می کنیم موارد طلاق به شدت بالا رفته است، علت آن نیز غرب زدگی است. تبلیغات غربی که احترامی برای خانواده قائل نیست و به زن کمک می کند تا خود را از بند اسارت خانواده برهاند و مسئولیت خانواده را بر عهده نگیرد.

د: می بینیم که استقلال اقتصادی زنان، نقش بسزایی در فروپاشی خانواده ایفا کرده است. زن کار می کند و گاهی نیز درآمدش بیش از درآمد شوهر است و اندیشه های سلطه طلبانه ای که بسیاری از مردان را به استبداد کشانده به

³¹⁸ - طی بحث و بررسی «قانون خلع» در مجتمع پژوهش های اسلامی، نظر ثاقبی در فقه مطرح شد که می گفت: در حالت خلع، اراده شوهر برای وقوع طلاق، عنصری اساسی است و به این استناد می شد که پیامبر اکرم(ص) در تنها حالتی که در خصوص «خلع» به وی مراجعه شد، از زن خواست تا باغچه ای را که شوهر به هنگام ازدواج به وی هدیه کرده بود، به وی باز پس گرداند و از شوهر نیز خواست تا زنش را طلاق دهد. ولی وزارت دادگستری مصر، به آن گرایش داشته که در طلاق خلع، حق طلاق را به رغم اراده شوهر، به قاضی اعطا کند تا در ایفای طلاق، به اراده شوهر، مراجعه نشود. عبدالسلام، جعفر، چالش های فراروی زن مسلمان در جوامع معاصر، ص 182، پاورقی 1.

زنان نیز این احساس دست می دهد که دیگر نیازی به شوهران خود ندارند و عاقبت باعث سستی پیوندهای زناشویی می گردد.^{۳۱۹}

دکتر عبدالسلام در ادامه در ترسیم وضعیت خانواده های غرب زده در مصر و دیگر کشورهای اسلامی می نویسد:

... کودکان بدون مراقب می مانند و کسی نیست مواظب آنها باشد. کلید خانه را بالای درب جاسازی می کنند تا هر کس {از زن و مرد شاغل} اوّل رسید درب منزل را باز کند. نقش خدمتکاران خانگی در کشورهای ما خیلی پر رنگ شده است. علاوه بر اداره خانه و تهیه غذا و پخت و پز، تربیت فرزندان هم بر عهده آنهاست و در نتیجه خانواده شرقی برخی بنیادهای خود از جمله نقش برجسته بانوی خانه در تربیت فرزندان و انتخاب غذا و پخت آن بگونه ای که مایه سعادت شوهر و فرزندان را فراهم آورد از دست داده است.^{۳۲۰}

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این فصل گذشت، می توان گفت نهاد خانواده در غرب در حال فروپاشی است. خانواده در غرب بر اساس ارضای غریزه جنسی و امیال شهوانی بنا نهاده شده است. جایگاه زن در غرب در حد یک کالا و تنها وسیله ای برای اطفای شهوت و خود کامگی مردان است. لیبرالیسم جنسی که باعث فروپاشی نهاد خانواده در غرب شده است پیامدهای خطرناکی را برای جامعه غرب رقم زده است که از جمله آنها بحران کودکان بی سرپرست است. تحمیل هزینه های هنگفت برای بیماری های مقاربتی، به دنیا آمدن کودکان نامشروع و نگهداری از آنها بخشی از پی آمدهای اجتماعی و اقتصادی خانواده غربی است.

متأسفانه اندیشه منحط و منحرف غربی در حال نفوذ و رخنه در کشورهای مسلمان است. نهادهای آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه ها وظیفه ای سنگینی بر دوش دارند تا جلوی نفوذ این اندیشه منحط و منحرف گرفته شود. البته بیش از همه، خانواده ها در این عرصه نقش کلیدی دارند و باید با استفاده از کارکرد تربیتی - کنترلی، هم بر خودشان کنترل و نظارت داشته و هم بر دیگر اعضای خانواده نظارت مستمر داشته باشند.

319- همان، صص 182-183.

320- همان، صص 187-188.

فصل هشتم: مسأله استراتژیک «جمعیت»

مقدمه

امروزه مسأله کنترل جمعیت و شعار «جمعیت کمتر، زندگی بهتر» بقدری جدی گرفته شده و هياهو و تبلیغات بر سر عواقب و خطراتی که برای آن شمرده میشود بقدری فراگیر گشته که کمتر کسی مجال تفکر، تحلیل، و یا احیاناً تشکیک در این مسأله را درمی‌یابد و متأسفانه این جوّزدگی چنان حاکم گشته که حتی از سوی کسانی که انسان کوچکترین شکی در خلوص نیت و دلسوزیشان برای جامعه و اسلام ندارد عکس‌العمل‌های انفعالی و جانبداری مشاهده میشود تا حدی که گاه انسان متحیر می‌ماند که چگونه عقل سلیم و ذهن حکیم تحت تأثیر تبلیغات فریبنده‌ای قرار می‌گیرد که با اندکی توجّه و دقّت، نادرست بودنشان قابل تشخیص است.

زمزمه کنترل جمعیت که از سال 68 آغاز شد کم‌کم به چنان هممه و موجی تبدیل گشت که دولت و حتی مجلس را نیز تحت تأثیر خود گرفت و سرانجام لایحه‌ای که از سوی دولت برای محدود کردن مولید در خانواده‌های تحت پوشش دولت و اجبار ایشان به کنترل جمعیت به مجلس فرستاده شده بود، از سوی نمایندگان مجلس مورد تصویب قرار گرفت. آنچه در این زمینه تعجّب آور بود این نکته بود که بجز یکی دو نفر، حتی نمایندگان مخالف نیز صرفاً با قسمت‌هایی از لایحه مخالفت کرده و در اصل وجوب و لزوم کنترل مولید هیچگونه شکی به خود راه نداده بودند. علت این امر را شاید بتوان در همان جوّزدگی و هجوم تبلیغاتی در مورد این مسأله جستجو کرد که همانگونه که گفتیم حتی چهره‌های موجه و دلسوز این ملت را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

این در حالی است که جمعیت یکی از ارکان به وجود آمدن کشورها است که در کنار جغرافیای مناسب می‌تواند باعث افزایش قدرت یک کشور شود. جغرافیا یک عامل تقریباً ثابت و تغییرناپذیر در طول زمان است در حالی که جمعیت یک کشور تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد و در طول زمان می‌تواند در معرض تغییرات فراوانی قرار بگیرد. نرخ رشد جمعیت 1 و نرخ باروری 2 دو شاخص مهم در تعیین جمعیت هر کشور می‌باشند که در این نوشتار به بررسی وضعیت موجود و مطلوب آنها در ایران می‌پردازیم. همچنین گزارشات اندیشکده‌های اروپایی و غربی درباره نرخ جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وضعیت موجود

نرخ باروری

جدول شماره (1) تحولات میزانهای باروری، مرگ و میر عمومی و امید زندگی را در سالهای 1355-1385 نشان می دهد، همانگونه که ملاحظه می شود میزان باروری کل 3 برای هر زن در کل کشور در سال 1355 برابر با 6/08 فرزند بوده است، که در سال 1385 به 1/8 بچه کاهش یافته است. یعنی 18 فرزند با 20 نفر والدین جایگزین می شود که 2 نفر کمتر از حد جانشینی است. در این صورت و با ادامه این روند، موضوع انقراض تدریجی نسل مطرح می شود .

جدول 1- میزان باروری کل ، مرگ و میر عمومی و امید زندگی از سال 1355 تا 1385 (4)

سال	میزان باروری کل	میزان مرگ و میر عمومی	امید زندگی
۱۳۵۵	۶.۰۸	۱۱.۵	۵۴
۱۳۶۵	۶.۳	۸	۵۹
۱۳۷۵	۲.۵۲	۷	۶۷
۱۳۸۵	۱.۸	۶.۵	۷۱

نرخ رشد جمعیت

اگر نگاهی به زمینه های تاریخی تحولات جمعیت ایران داشته باشیم، متوجه می شویم که نرخ شدید رشد جمعیت کشور که در سال های نخست پس از انقلاب اسلامی (1357) شروع شده بود، در سال های اخیر تا حد زیادی کاهش یافته است. براساس نتایج سرشماری سال 1385 مرکز آمار ایران، جمعیت ایران برابر 70/5 میلیون نفر بوده، که 35/9 میلیون نفر آن را مردان و 34/6 میلیون نفر را زنان تشکیل می دهند که در مقایسه با جمعیت 60 میلیون نفری سال 1375 نشانگر خالص افزایشی در حدود 14/8 درصد یا 10/4 میلیون نفر در این فاصله زمانی است. درصد رشد سالانه جمعیت کشور طی سال های 1375-1385 در کل کشور 1/61 درصد بوده که مقایسه آن با رشدهای متناظر 3/91 درصد در دهه 1355-1365 و 1/96 درصد در دهه 75-1365 حاکی از تحولی اساسی و افت اساسی میزان های رشد جمعیت است .

جدول 2- تحولات درصد رشد سالانه جمعیت ایران به تفکیک

دوره سرشماری	مناطق شهری	مناطق روستائی	کل
۱۳۳۵-۴۵	۵/۰۲	۲/۱۳	۳/۱۳
۱۳۴۵-۵۵	۴/۹۳	۱/۱۱	۲/۷۱
۱۳۵۵-۶۵	۵/۴۱	۲/۳۹	۳/۹۱
۱۳۶۵-۷۵	۲/۹۵	۰/۲۸	۱/۹۶
۱۳۷۵-۸۵	۲/۷۴	-۰/۴۴	۱/۶۱

تعیین وضعیت مطلوب

وضع مطلوب جمعیت بر اساس معیارها و شاخص های مختلفی می تواند تعیین شود. نظرات مسئولین و دستداران نظام جمهوری اسلامی و دشمنان این نظام، می تواند معیار خوبی برای تعیین شاخص رشد جمعیت در ایران باشد. حضرت امام خمینی (ره) در سال 58 می فرمایند: «مملکت ایران 35 میلیون حالا می گویند جمعیت دارد. وسعتش آنقدر است که برای صد و پنجاه میلیون تا دویست میلیون جمعیت کافی است. یعنی اگر دویست میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می کنند».

مقام معظم رهبری نیز در سال 90 و در دیدار با مسئولین نظام فرمودند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت. هر اقدام و تدبیری که می خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد»

در حالی که برژینکسی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا و سیاستمدار کهنه کار این کشور در مصاحبه با مصاحبه گر روزنامه وال استریت ژورنال می گوید: «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تاسیسات هسته ای ایران اجتناب کنید و گفت و گوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست»³²¹

در گردهمایی ماسونی بیلدبرگ که در سال 2011 برگزار شد، اینگونه بحث جمعیت و کاهش آن مطرح شده است: «منبع خبری جیم تاکر گفته است که ایجاد جنگ در خاورمیانه یکی از مهمترین برنامه های بیلدبرگ است. این منبع گفته که بیلدبرگی ها بر این اعتقادند که جمعیت جهان بسیار زیاد شده و فقط جنگ می تواند تا حدودی این مشکل را چاره کند. وی به جیم تاکر گفته است که تمامی افراد عضو بیلدبرگ بصورت متحد الرأی بر این تصمیم استوار بوده و لزوم بروز جنگ را قطعی می دانند. کشتار و ذبح انسان و دامن زدن به مرگ و میر در فرقه های

321 - خبرگزاری فارس، 1388/12/15، خبر شماره 881250226

ماسونی از جمله بیلدربرگ، جزء اصول اصلی است و عوامل این گروه‌ها موظفند، تا حد ممکن به جنگ و نسل کشی دامن بزنند تا جمعیت جهان کاهش یابد».

بر این اساس باید گفت که افزایش نرخ رشد جمعیت یکی از شاخص‌های مهمی است که مورد توجه رهبران نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است و همین نقطه‌قوت است که دشمنان را واداشته است دست به اقدامات علیه جمهوری اسلامی بزنند.

سناریوهای مختلف پیش‌بینی جمعیت از نظر سازمان ملل

پیش‌بینی‌های جمعیتی سازمان ملل نشان می‌دهند که توازن منطقه‌ای جمعیت جهان، در هر زمان تغییر می‌یابد (نیل و بالک، 2001). بخش جمعیت سازمان ملل هر چهار سال یک بار بر اساس نتایج سرشماری‌های ملی کشورها، و مفروضات سطوح مختلف باروری و مرگ و میر به پیش‌بینی تحولات جمعیتی کشورها در افق‌های زمانی 50 ساله و در سه سناریوی مختلف (حد پایین، حد متوسط و حد بالای رشد جمعیتی) می‌پردازد. جدول (3) مقایسه نتایج پیش‌بینی جمعیت ایران را طی دوره‌های پنج ساله و بر اساس سه سناریو جمعیت سازمان ملل بین سال‌های 1385 تا 1430 نشان می‌دهد. بر اساس سناریوی حد پایین که منطبق با روند فعلی کاهش نرخ باروری کل در کشور می‌باشد، جمعیت ایران از تعداد 73364 میلیون نفر در سال 1390 به 85 میلیون نفر در سال 1430 افزایش خواهد یافت، و در 10 سال پایان دوره رشد منفی جمعیتی را تجربه خواهد کرد. بر اساس سناریوی حد متوسط جمعیت ایران از تعداد 75537 میلیون نفر در سال 1390 به 105 میلیون نفر در سال 1430 افزایش خواهد یافت. و در 5 سال پایان دوره رشد جمعیت نزدیک به صفر را تجربه خواهد کرد. نهایتاً اینکه بر اساس سناریوی حد بالای سازمان ملل جمعیت ایران از تعداد 77304 میلیون نفر در سال 1390 به حدود 128 میلیون نفر در سال 1430 افزایش خواهد یافت. در پایان دوره رشد 0/89 درصد جمعیتی را تجربه خواهد کرد.

شواهد جمعیتی بدست آمده از سرشماری سال 1385 نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی ایران منطبق بر سناریوی حد پایین سازمان ملل است. اما اگر روند کاهش سطح باروری کل متوقف و حالت افزایشی به خود بگیرد، احتمالاً با گذشت زمان روند تحولات رشد جمعیت ایران منطبق با الگوی حد متوسط سازمان ملل خواهد شد. همچنانکه سناریوی حد متوسط نشان می‌دهد میزان باروری کل برای سال 1385 حدود 2/33 بچه برای هر مادر برآورد شده است، که در پایان دوره به 1/85 بچه برای هر مادر خواهد رسید. که باز هم زیر حد جانشینی می‌باشد (جدول 3).

جدول 3- مقایسه سه سناریوی پیش‌بینی (حد پایین، حد متوسط و حد بالا) سازمان ملل تا افق 1430

دوره		سناریوی حد پایین					سناریوی حد متوسط					سناریوی حد بالا					
سال	تعداد جمعیت (به هزار)	نرخ رشد سالانه	زمان دوبرابر شدن جمعیت	شاخص بقا، نسل (NRR)	میزان باروری کل	میان سنی	تعداد جمعیت	نرخ رشد سالانه	زمان دوبرابر شدن جمعیت	شاخص بقا، نسل (NRR)	میزان باروری کل	میان سنی	تعداد جمعیت	نرخ رشد سالانه	زمان دوبرابر شدن جمعیت	شاخص بقا، نسل (NRR)	میزان باروری کل
۱۳۸۵	۶۹۹۵۵	۱	۶۹	۰.۸۲	۱.۷۵	۲۳.۳	۷۰۶۷۵	۱.۲۴	۵۶	۱.۰۸	۲.۳۳	۲۳.۱	۷۱۲۴۲	۱.۴	۵۰	۱.۱۷	۲.۵۳
۱۳۹۰	۷۳۳۶۴	۱.۰۶	۶۵	۰.۷۳	۱.۵۶	۲۶.۱	۷۵۵۳۷	۱.۳۳	۵۲	۱.۰۲	۲.۱۸	۲۵.۴	۷۷۳۰۴	۱.۶۳	۴۳	۱.۱۸	۲.۵۳
۱۳۹۵	۷۷۳۵۵	۰.۸۷	۸۰	۰.۶۹	۱.۴۵	۲۸.۹	۸۱۴۲۲	۱.۵	۴۶	۰.۹۷	۲.۰۶	۲۷.۷	۸۴۹۹۱	۱.۹	۳۶	۱.۱۹	۲.۵۳
۱۴۰۰	۸۰۷۸۵	۰.۵۸	۱۲۰	۰.۶۵	۱.۳۶	۳۱.۸	۸۶۷۴۶	۱.۲۷	۵۵	۰.۹۳	۱.۹۵	۳۰.۱	۹۲۲۱۰	۱.۶۳	۴۳	۱.۱۶	۲.۴۵
۱۴۰۵	۸۳۱۶۷	۰.۳۸	۱۸۲	۰.۶۵	۱.۳۵	۳۵	۹۰۹۲۷	۰.۹۴	۷۴	۰.۸۹	۱.۸۶	۳۲.۶	۹۸۲۲۳	۱.۲۶	۵۵	۱.۱۲	۲.۳۶
۱۴۱۰	۸۴۷۴۷	۰.۲۳	۳۰۱	۰.۶۵	۱.۳۵	۳۸	۹۴۴۴۱	۰.۷۶	۹۱	۰.۸۸	۱.۸۵	۳۵	۱۰۳۸۰۱	۱.۱۱	۶۲	۱.۱۲	۲.۳۵
۱۴۱۵	۸۵۷۴۳	۰.۱۱	۶۳۰	۰.۶۵	۱.۳۵	۴۱	۹۷۷۷۰	۰.۶۹	۱۰۰	۰.۸۹	۱.۸۵	۳۶.۱	۱۰۹۷۸۸	۱.۱۲	۶۲	۱.۱۳	۲.۳۵
۱۴۲۰	۸۶۲۲۲	-۰.۰۴	—	۰.۶۵	۱.۳۵	۴۳.۴	۱۰۰۹۶۴	۰.۶۴	۱۰۸	۰.۸۹	۱.۸۵	۳۷.۳	۱۱۶۲۷۰	۱.۱۵	۶۰	۱.۱۳	۲.۳۵
۱۴۲۵	۸۶۰۵۲	-۰.۲۳	—	۰.۶۵	۱.۳۵	۴۵.۴	۱۰۳۶۶۲	۰.۵۳	۱۳۱	۰.۸۹	۱.۸۵	۳۸.۷	۱۲۲۶۱۱	۱.۰۶	۶۵	۱.۱۳	۲.۳۵
۱۴۳۰	۸۵۰۵۲	-۰.۲۳	—	۰.۶۵	۱.۳۵	۴۷.۳	۱۰۵۴۸۵	۰.۳۵	۱۹۸	۰.۸۹	۱.۸۵	۴۰.۲	۱۲۸۱۵۸	۰.۸۹	۷۸	۱.۱۳	۲.۳۵

نتایج پیش بینی جمعیت کشور توسط مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی در سناریوهای مختلف

1. سناریوی پیش بینی جمعیت کشور با فرض اثر گشتاوری 10 جمعیت و ادامه کاهش باروری در جدول شماره (4) نتایج پیش بینی شاخصهای جمعیتی ایران با فرض اثر گشتاوری جمعیت ارائه شده است. در این سناریو اثر نسل‌های ازدواجی سالهای 1385 تا 1390 در افزایش سطح باروری بررسی شده است.

جدول (4) نتایج پیش بینی شاخص‌های جمعیتی ایران با فرض اثر گشتاوری جمعیت بر درصد رشد و ادامه روند گذشته بین سال‌های 1385 تا 1425

سال پیش بینی	تعداد جمعیت	میزان رشد جمعیت	میزان خام موالید	میزان خام مرگ و میر	میزان باروری کل	میزان تجدید نسل خالص	میزان امید زندگی
۱۳۸۵	۷۰/۵۰	۱/۲۱	۱۸/۶	۶/۵	۱/۸	۰/۸۴	۷۰.۴
۱۳۹۰	۷۵/۱۷	۱/۲۹	۱۹/۱	۶/۲	۱/۸	۰/۸۵	۷۱.۷
۱۳۹۵	۷۹/۵۶	۱/۰	۱۶/۱	۶/۰	۱/۶۹	۰/۸۰	۷۲.۸
۱۴۰۰	۸۲/۷۷	۰/۶۵	۱۲/۶	۶/۱	۱/۵۸	۰/۷۵	۷۳.۹
۱۴۰۵	۸۴/۷۲	۰/۳۷	۱۰/۲	۶/۵	۱/۴۶	۰/۷۰	۷۴.۹
۱۴۱۰	۸۵/۸۸	۰/۲۱	۹/۳	۷/۲	۱/۳۵	۰/۶۵	۷۵.۹
۱۴۱۵	۸۶/۶۳	۰/۱۴	۹/۵	۸/۱	۱/۳۵	۰/۶۵	۷۶.۸
۱۴۲۰	۸۶/۹۱	۰/۰	۹/۲	۹/۱	۱/۳۵	۰/۶۵	۷۷.۸
۱۴۲۵	۸۶/۳۶	-۰/۰۲	۸/۳	۱۰/۵	۱/۳۵	۰/۶۵	۷۸.۵

این سناریو نشان می دهد که درصد رشد جمعیت در سال 1390 به مقدار اندکی (درصد 0.08) با فرض افزایش تعداد زاد و ولدهای ناشی نسل انفجار موالید (1362-1358) افزایش خواهد داشت. با پذیرش این سناریو جمعیت ایران از سال 1420 به بعد رشد منفی خواهد داشت.

2- سناریو افزایش جمعیت با فرض افزایش آهسته باروری

در این سناریو، مرکز مطالعات و پژوهشهای جمعیتی با استفاده از آمارهای سرشماری سال 1385 به عنوان سال پایه، نسبت به پیش بینی جمعیت کشور اقدام کرد. این پیش بینی جمعیتی بر اساس فرض افزایش سطح فعلی باروری از 1/55 فرزند برای هر مادر در سال 1390 و روند افزایش مناسب سطح باروری کل کشور طی 40 سال آینده تا 2/5 فرزند برای هر مادر می باشد. این الگو تحت عنوان سناریوی رشد آهسته باروری کل معرفی شده است (جدول 5).

جدول 5- نتایج پیش بینی شاخص های جمعیتی ایران براساس سناریوی افزایش آهسته باروری کل (از 1/8 فرزند به حدود 2/5 فرزند) بین سال های 1385 تا 1425

سال پیش بینی	تعداد جمعیت	میزان رشد جمعیت	زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	میزان خام موالید	میزان خام مرگ ومیر	میزان باروری کل	میزان تجدید نسل ناخالص	میزان تجدید نسل خالص	میزان امید زندگی
۱۳۸۵	۷۰.۵۰	۱.۲۱	۵۷.۸	۱۸.۶	۶.۵	۱.۸	۰.۸۸	۰.۸۴	۷۰.۴
۱۳۹۰	۷۴.۶۰	۱.۰۴	۶۷.۱	۱۶.۶	۶.۲	۱.۵۵	۰.۷۶	۰.۷۳	۷۱.۷
۱۳۹۵	۷۸.۶۰	۱.۰۱	۶۸.۹	۱۶.۲	۶.۱	۱.۶۸	۰.۸۲	۰.۸۰	۷۲.۸
۱۴۰۰	۸۲.۳۰	۰.۸۴	۸۲.۵	۱۴.۶	۶.۲	۱.۸۲	۰.۸۹	۰.۸۷	۷۳.۹
۱۴۰۵	۸۵.۴۳	۰.۶۹	۱۰۰.۸	۱۳.۴	۶.۵	۱.۹۵	۰.۹۵	۰.۹۳	۷۴.۹
۱۴۱۰	۸۸.۳۱	۰.۶۵	۱۰۷.۲	۱۳.۵	۷.۱	۲.۰۹	۱.۰۲	۱	۷۵.۹
۱۴۱۵	۹۱.۲۱	۰.۶۴	۱۰۷.۹	۱۴.۲	۷.۸	۲.۲۲	۱.۰۸	۱.۰۷	۷۶.۸
۱۴۲۰	۹۴.۱۶	۰.۶۲	۱۱۱.۳	۱۴.۷	۸.۵	۲.۳۶	۱.۱۵	۱.۱۴	۷۷.۸
۱۴۲۵	۹۶.۹۶	۰.۵۵	۱۲۵.۳	۱۴.۹	۹.۴	۲.۴۹	۱.۲۲	۱.۲۱	۷۸.۵

چون مسئله رشد جمعیت یک مسئله ساختاری است، به تدریج و همراه با تغییرات در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه امکان تغییر سطح باروری بوجود می‌آید، بنابراین امکان افزایش جمعیت صرفاً با بسته‌های تشویقی، بدون ایجاد تغییرات ساختاری وجود ندارد .

با فرض مؤثر بودن بسته‌های تشویقی دولت، جدول فوق تنظیم شده است، همانطور که ملاحظه می‌شود در سال 1410 باروری کل به حدود 2/1 (سطح جانشینی) می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود در سال 1425 به 2/5 فرزند افزایش یابد. بنابراین مشوق‌های جمعیتی به هیچ وجه باعث افزایش افسار گسیخته جمعیت نخواهد گردید .

3- سناریوی پیش‌بینی جمعیت کشور با افزایش آهسته باروری و فرض اثر گشتاوری
جدول شماره (6) نتایج پیش‌بینی شاخص‌های جمعیتی ایران براساس سناریوی افزایش آهسته باروری کل و فرض اثر گشتاوری بین سال‌های 1385 تا 1425 نشان می‌دهد.

جدول 6- نتایج پیش‌بینی شاخص‌های جمعیتی ایران براساس سناریوی افزایش آهسته باروری کل و فرض اثر گشتاوری بین سال‌های 1385 تا 1425

سال پیش بینی	تعداد جمعیت	میزان رشد جمعیت	زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	میزان خام موالید	میزان خام مرگ و میر	میزان باروری کل	میزان تجدید نسل خالص	میزان امید زندگی
۱۳۸۵	۷۰.۵	۱.۲۱	۵۷.۸	۱۸.۶	۶.۵	۱.۸	۰.۸۴	۷۰.۴
۱۳۹۰	۷۵.۱۷	۱.۲۹	۵۴.۱	۱۹.۱	۶.۲	۱.۸	۰.۸۵	۷۱.۷
۱۳۹۵	۸۰.۰۴	۱.۱۹	۵۸.۶	۱۸.۰	۶.۱	۱.۹	۰.۹۰	۷۲.۸
۱۴۰۰	۸۴.۴	۰.۹۶	۷۲.۶	۱۵.۶	۶	۲	۰.۹۵	۷۳.۹
۱۴۰۵	۸۸.۰۲	۰.۷۷	۸۹.۹	۱۴.۱	۶.۳	۲.۱۰	۱.۰	۷۴.۹
۱۴۰۱۰	۹۱.۴	۰.۷۵	۹۳.۱	۱۴.۳	۶.۸	۲.۱۹	۱.۰۵	۷۵.۹
۱۴۱۵	۹۴.۹۷	۰.۷۸	۸۹.۷	۱۵.۲	۷.۵	۲.۲۹	۱.۱۱	۷۶.۸
۱۴۲۰	۹۸.۷۲	۰.۷۸	۹۱.۵	۱۵.۷	۸.۱	۲.۳۹	۱.۱۶	۷۷.۸
۱۴۲۵	۱۰۲.۳۰	۰.۷۶	۱۰۴.۰	۱۵.۹	۸.۹	۲.۴۹	۱.۲۱	۷۸.۵

در این سناریو چنین فرض شده است که در اثر افزایش حجم نسل‌های ازدواجی بین سالهای 1385 تا 1390 میزان باروری کل همچنان در سطح 1/8 فرزند برای هر مادر ثابت بماند و سیاستهای تشویقی هم بر سطح باروری در دو دهه آینده اثر مثبت داشته باشد. همچنانکه ملاحظه می‌شود با این سناریو تعداد جمعیت کشور به حدود 102 میلیون نفر افزایش خواهد یافت³²².

با توجه به پیش بینی‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که وضعیت جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در 50 سال آینده در وضعیت مطلوبی نخواهد بود و به سمت کاهش جمعیت پیش خواهیم رفت، مگر اینکه سناریوی آخر این تحقیق مدنظر دولت و دیگر قوا قرار بگیرد، که تا حدودی می‌تواند روند جمعیتی ایران را مثبت نگه‌دارد. با توجه به این امر، ضروری به نظر می‌رسد که مسئولین برنامه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را در سرحوله کارهایی خویش قرار دهند تا این بحران بسیار خطرناک آسیبی به کشور وارد نسازد.

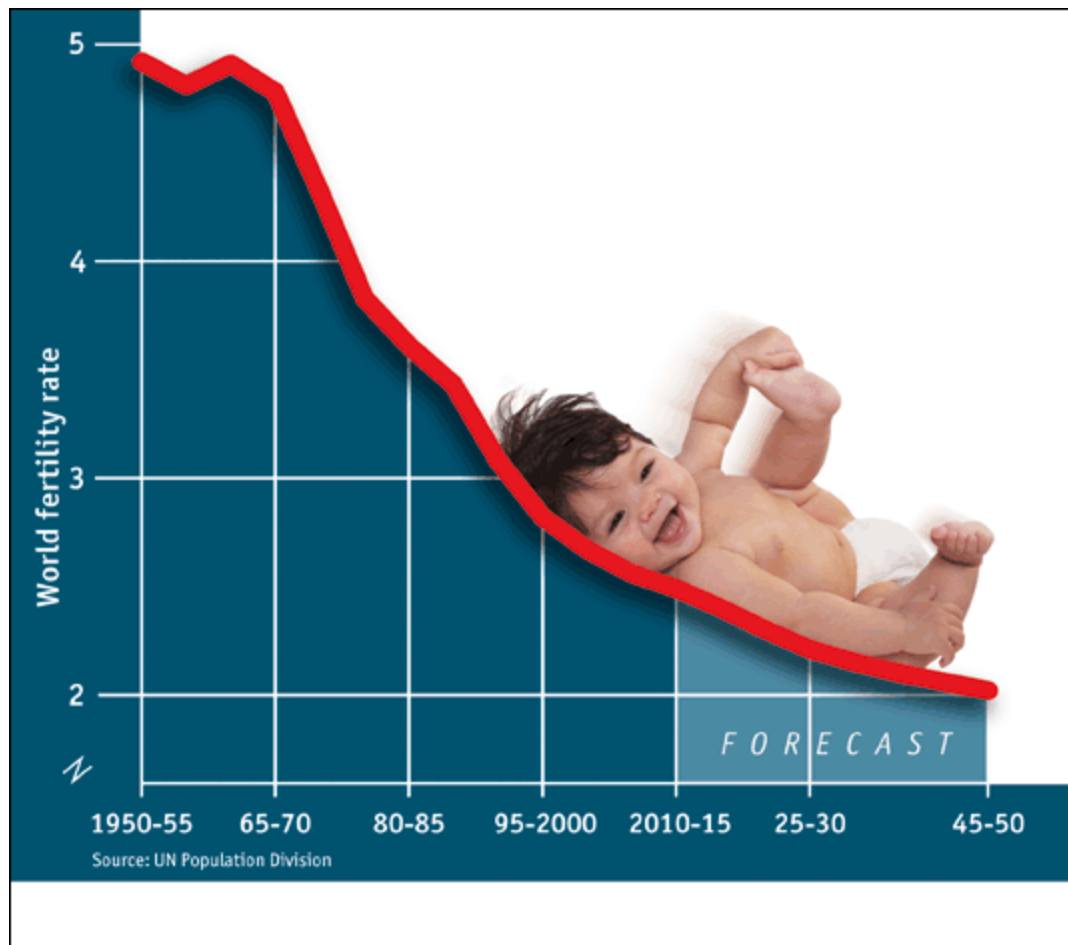
³²² - مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های 85-1335؛ محمد جواد محمودی، تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، 1391.

گزارش اندیشکده آمریکایی بلفر

اندیشکده آمریکایی بلفر در مطلبی به اتفاق خاموشی پرداخته است که در دنیای اسلام در حال وقوع است... اتفاقی که نه بهار عربی است و نه افزایش بنیادگرایی اسلامی... بلکه بنا به گفته یک جمعیت‌نگار برجسته، نرخ باروری در میان مسلمانان به شدت کاهش و "فرار از ازدواج" در میان زنان عرب و مسلمان افزایش یافته است.

کاهش بارداری مسلمانان بیش از متوسط نرخ جهانی / ایران در صدر!

نیکولاس اِبْرشتات، از محققان انستیتو انترپرایز آمریکا، این یافته‌ها را به تازگی در دو مقاله ثبت کرده است. این مقالات تصویر متفاوتی با تصویر معمول از افزایش متداوم جمعیت در سرزمین‌های اسلامی نشان می‌دهد. البته جمعیت در این کشورها رو به افزایش است، اما با ادامه روند کنونی، این افزایش جمعیت دیری نخواهد پایید.



نمودار کاهش نرخ باروری در جهان و پیش‌بینی آن تا سال 2050 - منبع: سازمان ملل

عنوان نخستین مقاله ابرشتات "کاهش باروری در جهان اسلام: تغییری فاحش که در کمال تعجب کسی متوجه آن نشده است". وی با استفاده از داده‌های بدست آمده از 49 کشورها و قلمروهای دارای اکثریت مسلمان دریافت که به طور میانگین نرخ باروری در سال‌های 1975 تا 80 و 2005 تا 2010، 41 درصد کاهش یافته است، حال آن که کاهش نرخ بارداری در کل جهان 33 درصد بوده است.

22 درصد از کشورها و قلمروهای مسلمان شاهد 50 درصد یا بیشتر کاهش باروری بوده‌اند. بیشترین کاهش در ایران، عمان، امارات متحده عربی، الجزیره، بنگلادش، تونس، لیبی، آلبانی، قطر و کویت و در حدود 60 درصد یا بیشتر طی سه دهه گذشته بوده است.

کاهش 70 درصدی نرخ باروری در ایران طی 30 سال / هشدار سازمان ملل نسبت به کاهش جمعیت ایران

کاهش نرخ باروری در ایران طی 30 سال گذشته حیرت‌انگیز و معادل 70 درصد بوده، که به گفته ابرشتات "یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر" بوده است. به گفته ابرشتات، تا سال 2000، نرخ باروری ایران به دو زایمان در هر زن کاهش یافته بود، که پایین‌تر از سطح موردنیاز برای جایگزینی جمعیت کنونی است.

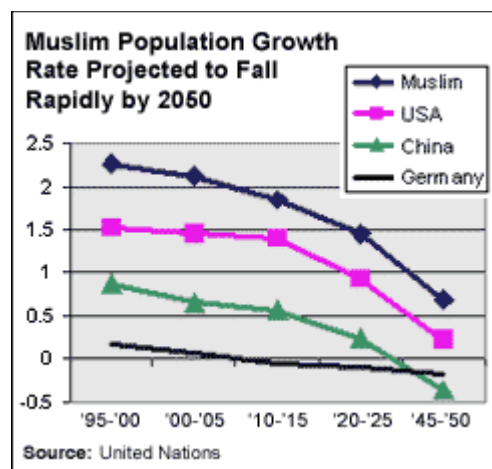
در مقاله‌ای در تایمز مورخ ژوئیه 2012 نرخ باروری در ایران از این نیز کم‌تر عنوان شده و به هشدار سازمان ملل در گزارشی اشاره کرد. بنا بر این گزارش، جمعیت ایران در دو دهه آینده رو به کاهش می‌رود و در صورت تداوم روند کنونی، تا پایان این قرن بیش از 50 درصد کاهش می‌یابد.

تهران و اصفهان در صدر کاهش نرخ باروری

شهرهای بزرگ جهان اسلام شاهد کاهش شدیدی بوده‌اند. ابرشتات خاطرنشان می‌کند که تنها شش ایالت در آمریکا دارای نرخ باروری کمتری نسبت به استانبول هستند. در ایران نیز، در شهرهای تهران و اصفهان، نرخ باروری نسبت به تمامی ایالات آمریکا پایین‌تر است.

عامل اقتصادی تنها دلیل کاهش باروری نیست

این محقق موسسه امریکن انترپرایز بیان می‌کند با این که افزایش درآمد و توسعه اقتصادی در کاهش باروری نقش داشته است، تنها دلیل آن نیست: "کاهش باروری در نسل گذشته در کشورهای عربی نسبت به دیگر نقاط جهان سریع‌تر بوده است."



میزان کاهش باروری در میان مسلمانان در مقایسه با آمریکا، چین و آلمان - منبع: سازمان ملل

سرمه‌ای: مسلمانان

صورتی: آمریکا

سبز: چین

مشکی: آلمان

به گزارش اطلاعات‌نامه جهانی سیا، نرخ باروری در میان مسلمانان اندکی نسبت به برآورد ابرشتات بالاتر است، اما در کل به نسبت بسیاری از کشورهای آفریقایی زیرصحرایی، آمریکای لاتین و آسیایی کم‌تر است.

سرایت فرهنگ غربی "زندگی مجردی" به کشورهای مسلمان

در این گزارش با اشاره به عوامل دیگری به جز عامل اقتصادی، عامل فرهنگی و رواج سبک زندگی "مجردی" و افزایش تمایل جوانان به "فرار از ازدواج" اشاره شده است. فرهنگی که ابتدا در سبک زندگی جوامع غربی راه پیدا کرد و پس از آن با گسترش راه‌های ارتباطی و نفوذ فرهنگی در کشورهای شرقی، اکنون این تمایل به زندگی مجردی و روابط خارج از چارچوب خانواده و ازدواج در کشورهای مسلمان نیز بسیار شایع شده است.

آن چه بر کاهش باروری مزید بر علت شده را ابرشتات "فرار از ازدواج" می‌خواند، که وی در مقاله‌ای که در ماه گذشته در دوحه، قطر ارائه کرد به توصیف آن پرداخت. داده‌های وی نشان می‌دهد که در بسیاری از مناطق جهان، مردان و زنان یا در سنین بالا ازدواج می‌کنند یا مجرد باقی می‌مانند. نرخ طلاق نیز، به خصوص در اروپا، به موازات درصد تولدهای خارج از زناشویی، رو به افزایش است.

حرکت شانه به شانه کشورهای مسلمان و اروپایی در کاهش ازدواج

کاهش ازدواج در اروپا امری شناخته‌شده اما همچنان چشمگیر است: نرخ ازدواج زنان در آلمان از 0.98 در سال 1965 به 0.59 در سال 2000 کاهش یافته است. این رقم در مدت مشابه در فرانسه از 0.99 به 0.61، در سوئد از 0.98 به 0.49، در انگلیس از 1 به 0.54 کاهش یافته است.

در آسیا نیز نرخ ازدواج رو به کاهش است: در ژاپن درصد زنان بین 30 تا 34 ساله که هرگز ازدواج نکرده‌اند از 7.2 در سال 1970 به 26.6 در سال 2000 افزایش یافته است. این رقم در میانمار از 9.3 درصد به 25.9 درصد، در تایلند از 8.1 به 16.1 درصد و در کره جنوبی از 1.4 به 10.7 درصد افزایش یافته است.

با این که نرخ ازدواج در جهان عرب بالاتر است، آن‌ها نیز با سرعت در همین مسیر در حرکت‌اند. به گفته ابرشتات آن چه مایه شگفتی است این است که در جهان عرب فاصله گرفتن از ازدواج "از بسیاری لحاظ هم‌اکنون همانند اروپای دهه 80 است - و این اتفاق در حال وقوع در سطح پیشرفت به مراتب پایین‌تر از اروپا و آسیای شرقی توسعه یافته است.

اب‌رشتات می‌گوید "اتفاق بزرگی در شرف وقوع است - و عملاً هیچ کس متوجه آن نشده است، حتی در دنیای عرب."

آینده کشورهای مسلمان: کاهش نیروی کار و افزایش جمعیت بازنشسته

این مطالعات به ما یادآوری می‌کند که گرایش‌های بزرگ جمعیت‌نگاری که به جهان شکل می‌دهند ناشناخته و اغلب مورد غفلت هستند. درست است که جهان عرب در حال حاضر شاهد افزایش شدید جمعیت جوان است، که یکی از عوامل انقلاب‌های مردمی در تونس، مصر و نقاط دیگر بوده است، اما بنا به گفته این کارشناس جمعیت و نگاهی به آمار موجود، آینده پیش‌روی نسل بعدی کاهش تعداد نیروی کار و افزایش جمعیت بازنشسته است.

ترویج سبک زندگی غربی مهمترین عامل "فرار از ازدواج"

ترویج سبک زندگی غربی، سختی روز افزون ازدواج در جوامع مسلمان - از جمله کشورمان - و هجوم بی سابقه شبکه‌های ماهواره‌ای به شیوه زندگی ایرانی - اسلامی، پدیده‌های نظیر "تجرد"، "فرار از ازدواج"، "بی‌علاقگی به خانواده"، "روابط خارج از دایره عرف و شرع" و در نهایت بحران جمعیت و خانواده را بگونه‌ای دامن زده است که صدای زنگ خطر آن به گوش مراکز و اندیشکده‌های غربی نیز رسیده است.

راهکارهای پیشنهادی جهت ترغیب به فرزند آوری

ترس خانواده‌ها از افزایش تعداد فرزندان خود به دو علت مرتبط است:

- 1) وضعیت امروز اقتصاد.
- 2) با توجه به وضعیت کار و اشتغال، خانواده‌ها نگران آینده فرزندانشان هستند تصور آن است که آینده از امروز بدتر خواهد شد و بهترین راه برای افزایش جمعیت توسط دولت به رشد اقتصادی کشور برمی‌گردد، که به یک دولت مقتدر نیازمند است.

از طرفی می‌توان با روش‌های تشویقی فرزند آوری همچون دادن مبالغ نقدی در صورت فرزند آوری و دادن مرخصی‌های کاری به مادران باردار و دادن بیمه‌ها و حقوق‌هایی در ضمن بارداری به تشویق فرزند آوری آنان کمک کنیم. لذا راهکارهای افزایش جمعیت در ایران را در دو سطح ساختاری (در سطح نهادها و سازمان‌ها و کلان نگرانه) و هم چنین در سطح عاملیت (در سطح اشخاص، گروها، و خردگرایانه) می‌توان تقسیم نمود.

سطح ساختاری:

- 1- طرح‌های تشویقی دولت مثل دادن مسکن به افرادی که از 4 فرزند بیشتر دارند.
- 2- توسعه زیر ساخت‌های اقتصادی برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها توسعه اشتغال برای جوانان.
- 3- ارائه تسهیلات ویژه برای فرزندان جدید.
- 4- گسترش تبلیغات رسانه‌ای و فرهنگ سازی برای نسل‌های آینده از طریق رسانه‌های جمعی و بیلبردهای شهری.
- 5- پرداخت هزینه‌های دوران حاملگی تا 5 سالگی نوزاد.
- 6- باز کردن حساب‌های آتیه برای نوزادان برای تأمین آینده آن.

- 7- اطلاع‌رسانی به مردم در مورد آینده جمعیت ایران و چالش‌ها و مشکلات آینده، کاهش عوامل ناباروری.
- 8- آموزش روش صحیح تغذیه ورزشی و لباس برای جلوگیری از ناباروری زنان و مردان.
- 9- گران کردن وسایل جلوگیری از بارداری، ممنوعیت و جلوگیری از سقط جنین در مراکز مخفی سقط جنین.
- 10- نظارت و کنترل دقیق دولت با رویکرد آینده‌نگری.
- 11- ارائه تسهیلات ویژه از طرف دولت برای فرزند دوم، مثل ارائه مسکن مهر و ...
- 12- ارائه خدمات ویژه برای شهرهای مختلف برای صعود جمعیت، نظیر استان شدن شهرستان‌ها.
- 13- کاهش هزینه‌های زایمان و تعلق گرفتن بیمه‌ی تکمیلی.
- 14- تغییر دادن طرز فکر افراد شهرنشین، با استفاده از رسانه‌ها و فرهنگ سازی.
- 15- استقلال فرزندان در سن 18 سالگی مانند سایر کشورها.

سطح عاملیت:

- 1- ایجاد ذخیره‌های ویژه توسط مردم برای تأمین وضعیت اقتصادی خانوارها.
- 2- ایجاد آسایش و آرامش در بین افراد خانواده توسط اقوام و پدر و مادر جهت آسایش روانی و دوری از مشغله‌های فکری.
- 3- تشویق پدر و مادر جهت فرزند آوری فرزندان.
- 4- کاهش تجمل‌گرایی و ترویج فرهنگ ساده زیستی.
- 5- ایجاد ذوق و تشویق دختران توسط مادرهای خود جهت فرزند آوری.
- 6- زشت دانستن طلاق و زندگی تک‌زیستی در میان خانواده‌ها که کسی این کار را انجام ندهد.
- 7- افزایش درآمد و کاهش هزینه‌ها تا سرپرست خانواده میل به افزایش بچه داشته باشد.
- 8- کاهش اختلافات سنی بین مرد و زن و تشویق والدین به ازدواج.

9- گذشت خردمندانه برای پیشگیری از فروپاشی خانواده‌ها و تعیین زمان خاص برای طلاق.

10- کاهش عواملی چون: مواد مخدر، دخالت اطرافیان، ضرب و شتم.

11- افزایش احساسات و عشق در خانواده‌ها برای پایدار کردن زندگی زناشویی.

البته تذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه اگر خانواده ای فاقد شرایط لازم برای فرزند آوری است و با مشکلات فراوان و مختلف دست و پنجه نرم می کند، فرزند آوری در این خانواده غلط و هرگز سفارش نمی شود. حتی اگر چنین خانواده ای از نظر اقتصادی در شرایط مناسبی باشد لکن دچار بحران های همچون اعتیاد، فساد اخلاقی و ... باشد اکیدا باید از فرزند آوری پرهیز شود.

پیشنهادات پایانی تحقیق

1- تشکیل دوره های آموزشی، کلاس ها، همایش ها و جلسات با موضوع مهارت های اخلاقی- رفتاری

خانواده در مساجد، پایگاه های بسیج، ادارات، بوستان های شهری و ...

2- تولید کتاب، نرم افزار و دیگر محصولات فرهنگی در زمینه مهارت های اخلاقی- رفتاری خانواده.

3- برگزاری مسابقات علمی فرهنگی برای زوجین در زمینه مهارت های اخلاقی- رفتاری خانواده.

4- مطالعه روزانه زوجین در خصوص مهارت های اخلاقی- رفتاری خانواده.

5- ایجاد رشته ای تخصصی با نام «اخلاق و مهارت های خانواده» در مراکز علمی و پژوهشی.

کتابنامه

1. قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان.
2. امام علی(ع)، نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، نسخه صبحی صالح، اول، هجرت، قم، 1414ق.
3. امام رضا(ع)، صحیفه الإمام الرضا (علیه السلام)، محقق و مصحح: نجف، محمد مهدی، اول، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، 1406 ق.
4. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، اول، جامعه مدرسین، قم، 1362.
5. -----، من لایحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1413 ق.
6. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، دوم، جامعه مدرسین، قم، 1363 ق.
7. امام خمینی(ره)، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، (بی تا).
8. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، محقق و مصحح: محدث، جلال الدین، دوم، دار الکتب الإسلامیه، قم، 1371 ق.
9. برخوردار، زینب، عفاف گرایی در غرب، سوم، معارف، قم، 1392.
10. بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1390.
11. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن(گرد آورنده)، توضیح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1378.
12. بوطی، محمد سعید رمضان، زن در میان شفافیت شریعت الهی و تیرگی فرهنگ غرب، سوم، انتشارات کردستان، سنندج، 1387.
13. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه، چهارم، دنیای دانش، تهران، 1382 ش.
14. پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، دوم، دارالحدیث، قم، 1391.

15. تسخیری، محمد علی، وضعیت زن مسلمان و نقش وی در اجتماع، مجموعه مقالات همایش حقوق و مسئولیت های زن در اسلام، اول، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، 1385 ش.
16. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: درایتی، مصطفی، اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1366 ش.
17. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، سوم، اسراء، قم، 1381 ش.
18. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق و مصحح: محمودی، محمدباقر، اول، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، 1411 ق.
19. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1409 ق.
20. حسین زاده، علی، همسران سازگار، سیزدهم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، 1391.
21. خامنه ای، محمد، حقوق زن، دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1375 ش.
22. داودی، محمد، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، چهل و ششم، معارف، قم، 1392.
23. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، اول، اقبال، تهران، 1379 ش.
24. دهخدا، لغت نامه، نسخه الکترونیکی در سایت واژه یاب به نشانی: www.vajehyab.com
25. دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، اول، ناشر الشریف الرضی، قم، 1412 ق.
26. سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، هشتم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1391 ش.
27. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
28. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، اول، مطبعة حیدریه، نجف، بی تا.
- صائب، محمد علی، کلیات صائب تبریزی، نوین، تهران، 1362 ش..
- 30.
- 32.
- 34.
- 36.
37. طاهری، حبیب الله، سیری در مسائل خانواده، اول، چاپ و نشر بین الملل، تهران، 1381 ش.
38. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، چهارم، شریف رضی، قم، 1412 ق.

39. طباطبائی، محمد حسین و دیگران، کارنامه خوشبختی، اول، دارالفکر، قم، 1396 ق.
40. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، پنجم، انتشارات اسلامی، 1374 ش.
41. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، محقق و مصحح: خراسان، حسن الموسوی، چهارم، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1407 ق.
42. عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، شانزدهم، جامعه الزهرا(س)، قم، 1392.
43. عبدالسلام، جعفر، چالش های فرا روی زن مسلمان در جوامع معاصر، مجموعه مقالات همایش حقوق و مسئولیت های زن در اسلام، اول، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، 1385 ش.
44. عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1409 ق.
45. علی محمد زاده، خلیل و سلیمانی، زهرا، حجاب و حقوق زن؛ نگاهی دیگر، اول، فردوس، تهران، 1384.
46. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، پاریس، تهران، 1389.
- 48.
- 50.
- 52.
54. عندلیب، حسین، نقش منتظران در اقتصاد مقاومتی، مجله امان، ش 48، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، قم، 1393.
55. فرنچ، مارلین، جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت تمدن مالکی، اول، علمی، تهران، 1373.
56. فرهنگ واژگان مترداف و متضاد، نسخه الکترونیکی در سایت واژه یاب به نشانی: www.vajehyab.com
57. فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان، نسخه الکترونیکی در سایت واژه یاب به نشانی: www.vajehyab.com
58. www.vajehyab.com
59. فیض کاشانی، ملا محسن، التفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، دوم، انتشارات الصدر، تهران، 1415 ق.
60. -----، محجه البیضاء، دوم، انتشارات اسلامی، قم، 1383.

61. قاسمی، حسین، پیامبر مهربانی (سیره اجتماعی و آموزه ها)، اول، آستان قدس رضوی، مشهد، 1389.
62. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1391.
63. اللیثی الواسطی، کافی الدین، عیون الحکم و المواعظ، اول، دارالحدیث، قم، 1376.
64. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، 1403 ق.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، هنرور، تهران، 1386. 66.
- 68.
- 70.
- 72.
73. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، سوم، دار الکتب العلمیة (مرکز نشر آثار علامه مصطفوی)، بیروت، 1430 ق.
74. مطهری، مرتضی، مساله حجاب، صدرا، قم، 1368.
75. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1408 ق.
76. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، اول، طوبای محبت، قم، 1386.
77. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، اول، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع) قم، 1381.
78. مظاهری، حسین، اخلاق درخانه، انتشارات اخلاق، قم، بی تا.
79. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، اول، موسسه فرهنگی دار الحدیث، قم 1374.
80. هاجری، عبدالرسول، فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، ص 76-77.
81. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، اول، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، 1369 ش.

نرم افزارها

82. جامع الاحادیث 3، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
83. جامع تفاسیر نور 2/5، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

پایگاه های اینترنتی

www.leader.ir.84

براون، لستر و کین، هال. (1374). ارزیابی مجدد ظرفیت نگهداشت جمعیتی کره زمین.

(ترجمه حمید طراوتی و فرزانه بهار). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی 1995م)

براون، لستر و همکاران. (1370). وضعیت جهان. (ترجمه حمید طراوتی). تهران: نشر ژرف. تاریخ انتشار به زبان اصلی، 1990م.

برقی، محمدبن خالد. (137ق). محاسن. طهران: دارالکتاب الاسلامیه.

پاپلی یزدی، محمدحسین. (1374). اهمیت مسأله محیط زیست، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره 36.

پاک نژاد، رضا. (1360). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر. یزد: بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد.

پور خباز، علی رضا. (1381). عمده ترین آشفتهگی های زیست محیطی قرن حاضر. مشهد: به نشر.

حلم سرشت، پیروش و دل پیشه، اسماعیل. (1382). اصول و مبانی بهداشت محیط. تهران: چهر.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران 19/9/84 گزارش از مریم مولوی.

دبیری، مینو. (1382). آلودگی محیط زیست. تهران: آیلاز.

روشنی، علی. (1381). اکولوژی عمومی. تهران: دانشگاه امام حسین.

شکوهی، حسین. (1372). جغرافیا و مذهب. فصلنامه تحقیقات جغرافیا، شماره 30.

شاحیدر، عبدالکریم. (1373). شکار و صید در حقوق ایران. تهران: انتشارات سازمان محیط زیست.

صدوق، ابوجعفر ابن بابویه. (1404ق). امالی. تهران: اسلامیه.

طباطبایی، محمدحسین. المیزان. قم: جامعه المدرسین و بی تا.

طوسی، محمدبن حسن. (1401ق). تهذیب الاحکام. بیروت: دارالتعارف و دار صعب.

طوسی، محمدبن حسن. (1415ق). امالی. قم: مؤسسه امام هادی.

عیاشی، محمدبن مسعود. (1380ق). تفسیر عیاشی. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.

فیض کاشانی، ملا محسن. (1362). تفسیر صافی. طهران: المکتبه الاسلامیه.

گرچی، ابوالقاسم. (1363). اسلام و محیط زیست. نشریه نورعلم، شماره 4.

مکارم شیرازی، ناصر. (1372). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

-----،-----،-----، مجله دانستی های هوای پاک، شماره 53.

مجلسی، محمد باقر. (1413). بحار الانوار. بیروت: دارالاضواء.

متین، ابوالقاسم. تهدید جانی زیست گره. تشدید پژوهش و سازندگی، شماره 13.

نوری، میرزا حسین. (1407ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل بیت الاحیاء التراث.

یخشکی، علی. (1381). شناخت، حفظ و بهسازی محیط زیست ایران. تهران: مؤسسه آموزش عالی

علمی - کاربردی جهاد کشاورزی.

یعقوبی، ابن واضح. تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حمید فغفور مغربی، «اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره هشتم،

تابستان 1388، ص 11-43.

